بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه مقالات همایش

صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد سوم

جامعه المصطفی العالمیه

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی
مسئول همایش: محمدجواد زارعان
مدیر اجرایی همایش: محمدصادق دهقان‌نژاد

*** اعضای شورای علمی(به ترتیب الفبا):**

رسول عبداللهی

علی‌نقی خدایاری

قاسم جوادی(صفری)

محمدجواد زارعان

محمدعلی رضایی اصفهانی

محمد عظیمی

مهدی قائمی امیری

ناصر باقری بیدهندی

ناصر رفیعی محمدی

*** مراکز همکار:**

جامعة الزهراء ، مرکزمدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

فهرست اجمالی

فهرست مطالب

سخن دبیر علمی همایش

بررسی ابعاد شخصیت أم‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است. مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می‌دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل، اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لبیک‌گوی رسالت، همسر و هم سرّ رسول خدا، انیس تهی‌دستی، کاشانه أم‌أبیها و مادر امت بود. نقش مهم او در پیش‌برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی‌دریغش از اندیشه‌های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظلّه می‌فرمایند:

> جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است. به خاطر این‌که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است. دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج‌هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن‌ها مبتلا بودند، ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را، دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

علی‌رغم تلاش‌های درخور ستایشی که در معرفی این شخصیت آسمانی ارائه شده، پژوهش‌های جدید، جامع و پویا هم چنان ضروری است تا ابعاد بیش‌تری از زندگی این شخصیت بزرگوار روشن شود و اندکی از غبار مظلومیت و غربت چهره نورانیش زدوده گردد.

آن‌چه به مناسبت برگزاری همایش ملی صدف کوثر ارائه می‌شود گامی است کوچک در شناساندن حضرت خدیجه علیها السلام که شامل عناوین ذیل است:

۱. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر، ۳ جلد
۲. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (فارسی)، ۲ جلد
۳. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی- انگلیسی)، ۱ جلد
۴. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، ۱ جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (ص) و همسر گرامیش ام الائمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم. از همه اساتید، فضلا، و پژوهش‌گرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته‌اند قدردانی می‌کنم، به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری بیدهندی، مهدی قائمی امیری، محمدعلی رضایی اصفهانی، قاسم جوادی، رسول عبداللهی، محمد عظیمی و علی‌نقی خدایاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته‌اند. هم‌چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی، آقایان: مهدی برزگر، علی جعفری‌منش، محمدمراد خان‌بابا، علی‌اصغر شریفی‌نیا، محمد عظیمی، محمدباقر متولی، ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می‌نمایم.

ربنا تقبل منا إنک انت السمیع العلیم
دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر
ناصر رفیعی محمدی
۱۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۹

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن

معصومه بهرامی[1]

چکیده

کتب اصلی اهل تسنن، مطالب بسیاری درباره شخصیت، اعتقادات و عملکرد حضرت خدیجه علیها السلام نوشته‌اند. به طور کلی کتب معتبری چون ***صحیحین***، کتب تاریخی و تفسیری، همه در مورد این بانوی بزرگ اسلام سخن گفته‌اند. آن حضرت از چنان جایگاه و موقعیتی در اسلام برخوردار بود که فکر و عقل سلیم و هم‌چنین مکاتب، مذاهب و فرق مختلف اسلامی نتوانسته‌اند از ذکر فضایل او چشم پوشی کنند. البته در مواردی نسبت به این شخصیت ارزشمند جهان اسلام کم لطفی‌هایی دیده می‌شود که بخشی از آن به دلیل نگرش مغرضانه به آن حضرت و بیش‌تر به جهت بی‌توجهی و یا گاهی بالا بردن جایگاه بقیه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، منابع اهل تسنن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اسلام، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

مقدمه

گسترش و شکل‌گیری اسلام، با حمایت‌های مادی و معنوی بانویی بزرگوار انجام گرفته که حق بسیار عظیمی بر تمام مسلمانان دارد. اما متأسفانه در

---

۱. دانش‌پژوه سطح چهار تفسیر تطبیقی.

شناخت و معرفی این شخصیت گران‌قدر کوتاهی شده است، عمل نشده است. هر سال در ایام وفات این بزرگوار، فقط یادی از ایشان می‌شود و حتی شیعیان نیز گاهی از مقام والای آن حضرت غافل شده و کاری مناسب شأن ایشان است، صورت نداده‌اند.

حضرت خدیجه علیهاالسلام نخستین زن در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ بشریت است که با تمام وجود، از آرمانی الهی حمایت کرد. او در مسیر حمایت از دین خدا و پیروی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علاوه بر تقدیم کل ثروت خود، از آبرو و حتی جان خود نیز دریغ نورزید. حقی که این بانوی بزرگ بر مسلمان‌ها دارد، قابل بیان و ارزش گذاری نیست؛ زیرا بقا و تداوم اسلام مرهون ایشان بوده است.

آن حضرت علاوه بر داشتن جایگاه خاص که در مکتب تشیع، در کتب فرق اسلامی نیز مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته‌اند. مطالعه و بررسی زندگی حضرت خدیجه علیهاالسلام در منابع اهل تسنن، می‌تواند راه‌کار مناسبی برای شناخت شخصیت، نقش و عملکرد وی در پیشرفت اسلام باشد.

واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیهاالسلام در منابع اهل تسنن

حضرت خدیجه علیهاالسلام از زنان ممتاز و مشهور عصر خود بود، به همین جهت به شخصیت و ویژگی‌های ایشان توجه شده و در کتب مختلف بیان گردیده است. تاریخ‌نویسان اهل تسنن، درباره نسب آن حضرت گفته‌اند.

> خدیجه از قبیله هاشم، پدرش خویلد بن اسد قریشی و مادرش فاطمه دختر زائدبن اصم بود. پانزده سال قبل از عام الفیل (مطابق با سال ۵۵۵ میلادی) در مکه به دنیا آمد. خانواده او از نظر شرافت و نسب، در شمار بزرگ‌ترین و بانفوذترین قبیله‌های عرب محسوب می‌شد».[۱]

زمان ولادت آن حضرت به طور دقیق مشخص نیست؛ اما با وجود اوضاع نامناسب قبل از اسلام به ویژه بی‌توجهی به ثبت دقیق تاریخ زندگی زنان،

---

۱. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۶، ص ۱۰.

تاریخ‌نگاران نام‌دار از آن بانو به عنوان زنی پاک، نجیب، شریف، عالم و بزرگوار یاد کرده‌اند. همین مقدار توجه به یک زن، در عصری که زنان هیچ جایگاه و منزلتی نداشتند، نشان می‌دهد که وی دارای شخصیتی متفاوت با زنان معاصر خود بوده است.

آن بانو از بزرگان قریش و مورد احترام همگان بود. او نه‌تنها در بین اقوام خود، بلکه در میان زنان آن زمان نیز کم‌نظیر بود. دختر خویلد در سجایا و کمالات اخلاقی، زبانزد مردم و نمونه شمرده شده است. او از جمله زنان کامل، عاقل، والا، پای‌بند به دیانت و عفیف و کریم و از اهل بهشت بود. تعبیر تاریخ‌نگاران اهل تسنن در این مورد قابل توجه است: «کانت عاقله جلیله دیّنه مصونه کریمه من اهل الجنه».[۱]

ابن‌هشام نیز به فضایل متعدد آن حضرت اشاره کرده است. وی خدیجه را زنی فاضل و جویای علم وحقیقت و آگاه از کتب آسمانی، معرفی می‌کند. بانویی که همواره در پی شناخت نشانه‌های نبوت بود و ظهور پیامبر آخرالزمان را انتظار می‌کشید. به همین جهت، با دانشمندان آن عصر و پسرعمویش ورقه بن نوفل که فردی مسیحی و پژوهش‌گر بود و علاوه بر کتاب‌های آسمانی از علوم زمان نیز اطلاع داشت، در این مورد گفت‌وگو می‌کرد.[۲]

حضرت خدیجه علیهاالسلام قبل از اسلام، از چنان جایگاهی برخوردار بود که وی را قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «طاهره» می‌خواندند. باید توجه داشت که تا آن زمان هیچ زن دیگری در بین زنان قریش ملقب به این صفت نشده بود: «کانت خدیجه تدعی فی الجاهلیه الطاهره)»[۳] فضایل اخلاقی وی در آن عصر بسیار معروف و مشهور بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می‌ورزیدند.[۴]

ایشان از بزرگ‌ترین بانوان اسلام به شمار می‌رود؛ زیرا اولین زنی بود که در

---

۱ . ذهبی، *سیراعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۰.
۲ . ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۲۷.
۳ . ذهبی، *سیراعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۱.
۴ . همان، ص ۱۱۰.

فضای اختناق عصر جاهلیت، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آورد و به دین اسلام گروید. وجود آن بانو سرشار از عشق به پروردگار و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. برای درک عظمت ایمان آن حضرت، باید به اوضاع آن زمان توجه کرد. در عصری که به دلیل سلطه اوهام و رواج بت‌پرستی و ترس شدید از حاکمیت، حتی مردان جرأت مخالفت با سران قریش را نداشتند، این بانو نه‌تنها با مشرکان به مخالفت برخاست، بلکه عضویت خود در حزب خدا و پیروی و اطاعت محض از دشمن سرسخت آن‌ها را نیز آشکارا مطرح کرد؛ تا جایی که از طرف مردم و زنان قبیله و حتی خویشان خود طرد گردید. این شکل از نواندیشی برای یک زن، آن هم در آن جامعه و وضعیت زمانی آن دوره، اگر نگوییم بی‌نظیر، به طور قطع کم‌ظیر است. شجاعت آن حضرت نیز در دفاع از حق در میان قبیله‌ای متعصب که احتمال تعرض جانی هم برایش وجود داشت، بسیار نادر و ستودنی است. اذعان به این مطلب در روایات اهل تسنن، جایگاه آن حضرت را در مورد ایمان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به خوبی روشن می‌کند: «کانت خدیجه اول من آمن برسول‌الله من النساء».[۱]

ویژگی دیگر حضرت خدیجه علیهاالسلام، توان‌مندی اقتصادی و مدیریت ممتاز وی در امور بازرگانی بود تا حدی که آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسید. او ثروتمندترین زن در مکه و باشرافت‌ترین زنان زمان خود بود.[۲] اهمیت و ارزش کاروان او به اندازه کاروان همه قریش بود. شیوه تجارت و مدیریت ایشان هم قابل توجه است. ابن‌سعد از بزرگ‌ترین تاریخ‌نویسان اهل تسنن در توصیف این موضوع می‌نویسد:

> وی مردان را به مزدوری می‌گرفت و اموالی برای مضاربه در اختیارشان قرار می‌داد.[۳]

این حد از توانایی و مدیریت در بین مردان آن زمان به ندرت دیده می‌شد. اداره اموالی که با ثروت تمام قریش، برابری می‌کرد و استفاده درست از آن،

---

۱ . حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ص ۲۰۳، ح ۴۸۴۴.
۲ . ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۲۴.
۳ . ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۶، ص ۱۱.

انتخاب راه مناسب تجارت، برای بهره‌وری اقتصادی و افزایش سرمایه و از طرفی، اداره مردانی که هر کدام خود یک تاجر بودند، بسیار عجیب و ستودنی است. وی با نظارت و کنترل فعالیت کارگزارن خود، موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آورد. استفاده از ناظر و بازرس، از ابتکارات ارزشمند وی در امر تجارت و سبب کنترل رفتار کارگزارانش بود. در سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز غلامش «میسره» را مسئول ضبط وقایع و گزارش دقیق کتبی کرده بود.[1]

با تأمل در نحوه عملکرد حضرت خدیجه عليها السلام و اصرار او بر این کار، به نظر می‌رسد در این مورد خاص، هدف اصلی وی با توجه به مطالبی که در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بود، تحقیق درباره علایم نبوت پیامبر آخرالزمان بود که دانشمندان در مورد آن سخن می‌گفتند.

آن بانوی نمونه، با شناخت کامل زمان و مکان و بررسی وضعیت بازار جهانی آن عصر و استفاده از اصل مشورت، همگان را به شگفتی واداشت. عمق این اعجاب را باید با توجه به اوضاع آن روز جهان و به ویژه شبه‌جزیره عربستان و فرهنگ غالب آن دوران مبنی بر اسارت و محرومیت کامل زنان از حقوق اولیه انسانی و اجتماعی، درک نمود. وجود زنی با این ویژگی‌های فکری و اخلاقی در چنان عصری، بی‌نظیر است.

علاوه بر توجه به ابعاد شخصیتی حضرت خدیجه عليها السلام، مسأله سن و دوشیزه بودن ایشان نیز از مسائلی است که تاریخ‌نگاران به آن توجه داشته‌اند. بی‌شک این موضوع، در اصل شرافت و جایگاه آن بانو هیچ تأثیری ندارد؛ اما به این علت که بعضی از این موضوع برای کم‌رنگ جلوه دادن فضایل آن حضرت در مقابل برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استفاده کرده‌اند، لازم است به آن اشاره شود.

در مورد سن ازدواج آن حضرت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل‌های مختلف در تاریخ وجود دارد. اما دو روایت به دلیل اتصال به صحابه در اهل تسنن مطرح است: روایت اول از هشام بن محمد بن سائب کلبی است که از ابن‌عباس نقل می‌کند

---

۱. اصبهانی، *دلائل النبوه*، ج ۱، ص ۱۱۳؛ ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۲۴.

که آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ۲۸ سال داشتند و کابین ایشان دوازده وقیه؛ یعنی به اندازه بقیه همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است. اما در نقل دوم، محمد بن عمر واقدی اعتقاد دارد که خدیجه علیهاالسلام پانزده سال قبل از عام‌الفیل به دنیا آمده بنابراین در زمان ازدواج با رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، چهل‌ساله بوده است.[1]

در مورد ازدواج‌های قبلی حضرت خدیجه علیهاالسلام نیز عموم تاریخ‌نگاران اهل تسنن معتقدند که وی ابتدا با نباش بن زراره معروف به ابوهاله تمیمی و سپس با عتیق بن عائذ بن عبدالله مخزومی ازدواج نمود. در مقابل، در بین تاریخ‌نویسان و علمای شیعه، علاوه بر این نظر، دوشیزه بودن آن حضرت نیز مطرح است.[2]

بی‌شک در مقام بیان فضایل آن حضرت، نیازی به بررسی این‌گونه مسائل وجود ندارد؛ زیرا موضوع مهم، شرافت، فضیلت و جایگاه آن بانو در میان مردم آن زمان است و ازدواج‌های احتمالی قبلی، خللی به این ارزش و جایگاه وارد نمی‌کند و نیازی به بحث هم ندارد. بنابراین دوشیزه بودن نمی‌تواند به عنوان ملاکی در تمایز و برتری بین زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مطرح گردد. با این‌که طبق آیه قرآن «إِنَ أَكرَمَكمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقاكم؛[3] معیار در فضیلت تقواست»، گویا پافشاری بعضی بر دوشیزه نبودن آن حضرت، برای کم‌رنگ کردن جایگاه ویژه ایشان در بین زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است. این افراد سعی دارند دوشیزه بودن بعضی از آن‌ها را به عنوان فضیلتی در مقابل دوشیزه نبودن آن حضرت مطرح نمایند. در حالی که خود آنان به این مطلب معترف هستند که اگر فضایل همه زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بدون تعصب و با دیدی منصفانه بررسی گردد، هیچ‌یک از این زنان، هم‌طراز خدیجه علیهاالسلام نخواهند بود. بنابراین همان‌طور که دوشیزه نبودن نقص محسوب نمی‌گردد، دوشیزه بودن هم نمی‌تواند دلیل فضیلت و برتری باشد. لذا حتی اگر طبق نظر برخی تاریخ‌نویسان؛ در بین زنان آن حضرت فقط یک دوشیزه وجود داشته باشد، این مسأله باعث محبوبیت بیش‌تر وی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نمی‌گردد.

---

۱. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۶، ص ۱۲.

۲. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۲۲، ص ۱۹۱.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۳.

این استدلال را هیچ انسان منصفی نمی‌تواند بپذیرد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با آن همه بزرگواریش، زنی را تنها به این علت که دوشیزه است بر دیگر زنانش برتری دهد.

در فضای اختناق آن زمان، بحث ایمان و اقامه اولین نماز بسیار اهمیت دارد. نخستین زنی که به این شرافت نایل شد، حضرت خدیجه علیهاالسلام بود. او انسانی روشن‌بین، دوراندیش، باگذشت، علاقه‌مند به معنویات، وزین و باوقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود. همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت.

علاوه بر تاریخ‌نویسان، مفسران اهل تسنن نیز به فضایل حضرت خدیجه علیهاالسلام اذعان کرده‌اند. زمخشری در ذیل آیه «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتی أَحْصَنَتْ فرجها فَنَفَخْنا فیهِ مِنْ رُوحِنا وَ صَدَّقَتْ بِكلِماتِ رَبِّها وَ كتُبِهِ وَ كانَتْ مِنَ الْقانِتینَ»[۱] با ذکر روایتی از پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به این موضوع اشاره می‌کند که بسیاری از مردان به کمال رسیدند و از زنان کسی جز آسیه، مریم، خدیجه و حضرت فاطمه علیهاالسلام به کمال نرسیدند:

> و عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: كمل من الرجال كثير، و لم يكمل من النساء إلا أربع: آسيه بنت مزاحم امرأه فرعون، و مريم ابنه عمران، و خديجه بنت خويلد، و فاطمه بنت محمد.[۲]

این مفسر در ادامه می‌گوید:

> و فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام؛ و فضیلت عایشه بر سایر زنان مانند فضیلت آبگوشت بر سایر غذاهاست.

وی می‌گوید که این روایت را ثعلبی از دو طریق با همین مضمون نقل کرده است. یکی از طریق عمروبن مرزوق و دیگری از طریق ابوموسی اشعری که در آن

---

۱. سوره تحریم، آیه۱۲.

۲. زمخشری، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، ج ۴، ص ۵۷۳.

نامی از حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام وجود ندارد، اما در حدیث ابن‌عباس نام آن دو بانو آمده است. نکته جالب‌توجه این که اولین بار یکی از مفسران اهل تسنن در قرن چهارم این روایت را ذیل آیه یاد شده نقل کرده و روایت «سیدات نساء أهل الجنّه أربع: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه» را نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه آن آورده است.[۱]

این حدیث در *صحیح* مسلم و بخاری از ابوموسی اشعری بدون ذکر نام حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام آمده است:

> کمل من الرجال کثیر، و لم یکمل من النساء غیر مریم ابنه عمران و آسیه بنت مزاحم امرأه فرعون و انّ فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعامه.[۲]

عبارت «افضل نساء اهل الجنه اربع»، در *صحیح* بخاری نیامده و به جای آن جمله «وَ إِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ علی النِّسَاءِ کَفَضْلِ الثَّرِیدِ علی سَائِرِ الطَّعَامِ» بیان شده است.

عبارت انتهایی این روایت قابل‌تأمل است. هر چند «ثرید» غذای موردعلاقه اعراب بوده، استفاده از این الفاظ و به کار بردن چنین تشبیهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعید به نظر می‌رسد. این مسأله را می‌توان با تأمل در جملات آن حضرت و نحوه گفتار ایشان در زمانی که درصدد بیان فضیلت افراد خاصی بودند، آشکارا دریافت. لذا این احتمال وجود دارد که خود راوی این مطلب را در ادامه حدیث اضافه کرده باشد.

نکته دیگر این که بخاری این مطلب را در سه حدیث همانند بدون کوچک‌ترین تفاوتی در الفاظ و یا سلسله روات آن، نقل کرده است.[۳] گویا نویسنده هدف خاصی از تکرار آن داشته است. اگر در این سه روایت، حتی نام یک راوی در یک روایت با بقیه متفاوت بود، امکان داشت آن را به عنوان توجیهی برای این

---

۱ . طبرانی، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، ج ۶، ص ۳۰۹.
۲ . بخاری، *صحیح*، ص ۹۹۳، ح ۵۴۱۸؛ مسلم، *صحیح*، ح ۲۴۳۱.
۳ . بخاری، *صحیح*، ج ۴، ص ۶۶۷ ـ ۶۱۰، حدیث ۳۴۱۱، ۳۴۳۳، ۳۷۶۹.

تکرار، مطرح کرد؛ اما به نظر می‌رسد در این مسأله، هیچ توجیهی غیر از القای فضیلت یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر بقیه، در ذهن خواننده و تأکید بر آن، وجود نداشته باشد.

در *صحیح* مسلم هم همین عبارت آمده است.[۱] البته وی در روایت دیگری نام حضرت خدیجه علیها السلام را می‌آورد: «خیر نسائها مریم بنت عمران و خیر نسائها خدیجه بنت خویلد».[۲]

به اقرار بعضی از علمای اهل تسنن، در متن اصلی روایت مورد بحث، نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است:

> و فی *الصحیحین* و غیرهما من حدیث أبی‌موسی الأشعری عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء إلا آسیة امرأه فرعون و مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد؛ و انّ فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام.[۳]

شوکانی در حالی به وجود این روایت در کتاب *صحیح* مسلم و بخاری و غیر از *صحیحین* اقرار می‌کند که در *صحیح* بخاری نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر نشده و به نقل روایت فضیلت عایشه بر دیگر زن‌ها اکتفا شده است. طبق بیان و اقرار این عالم مشهور اهل تسنن، نام آن حضرت در *صحیح* بخاری بوده؛ اما در حال حاضر اسم حضرت خدیجه علیها السلام در روایت مذکور در آن کتاب دیده نمی‌شود. لذا لازم است که دلیل حذف اسم ایشان، بررسی گردد.

بهترین و خوش‌بینانه‌ترین علتی که در این مورد می‌توان تصور نمود، این است که این اشتباه به طور سهوی و بر اثر بی‌دقتی و بی‌توجهی صورت گرفته باشد. البته این‌گونه بی‌دقتی‌ها در مورد شخصیت‌های مهمی چون امهات‌المؤمنین و آن‌هم در کتب مرجع و اصلی مانند *صحیحین*، پذیرفتنی و موجه نیست. به

---

۱. مسلم، *صحیح*، ج ۴، ص ۱۸۸۶، حدیث ۲۴۳۱.
۲. همان، حدیث ۲۴۳۰.
۳. شوکانی، *فتح القدیر*، ج ۲، ص ۱۰۴۸.

ویـژه کـه ایـن بی‌دقتـی در مـورد شـخصیتی باشـد کـه ۲۵ سـال، شـبانه‌روز در کنـار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و در تمام مراحل از ایشان حمایت کرده است؛ کسی که به تمام خواستگاران خود از میان قریش و شخصیت‌های بزرگ جواب رد داد، ولی خودش برای خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقدام نمود و در زمانی به حمایت از اسلام پرداخت که حتی مردان شجاع هم جرأت چنین کاری را نداشتند.

جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در اسلام

بر اساس آیه شریفه «وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ»[1] همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مادران مؤمنان محسوب می‌شوند. آن بانو نیز از این جایگاه عظیم در اسلام برخوردار بود. توجه به آیه «یا نِساءَ النَّبِی لَسْتُنَّ کأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیتُن»[2] حقیقت این ارزش و منقبت را تبیین می‌نماید. شرط مذکور در آیه؛ یعنی تقوا داشتن، به این مسأله اشاره دارد که همسر پیامبر بودن به خودی خود شرافتی برای انسان نیست؛ بلکه تقوا و عمل صالح است که وقتی با مقام همسری پیامبر توأم گردد، فضیلت محسوب خواهد شد. مفسران اهل تسنن، به اهمیت تقوای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اذعان دارند. سیوطی با نقل روایتی از قتاده، به این مسأله اشاره کرده است:

> و أخرج ابن أبی حاتم عن قتادة رضی الله عنه فی قوله یا نِساءَ النَّبِی لَسْتُنَّ کأَحَدٍ الآیة یقول أنتن أزواج النبی صلی الله علیه و آله و سلم و معه تنظرن إلی النبی صلی الله علیه و آله و سلم و إلی الوحی الذی یأتیه من السماء و أنتن أحق بالتقوی من سائر النساء.[3]

بنابراین روایت، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل برخورداری از نعمت همراهی و هم‌نشینی با آن حضرت و هم‌چنین حضور در خانه‌ای که وحی الهی در آن نازل می‌گردید، به تقوا داشتن، اولویت دارند.

حضرت خدیجه علیها السلام زنی پاک‌دامن و باتقوا و نخستین زنی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

---

۱ . سوره احزاب، آیه۶.

۲ . سوره احزاب، آیه۳۲.

۳ . سیوطی، *الدر المنثور فی التفسیر بالماثور*، ج ۵، ص ۱۹۶.

را تصدیق کرد و به او ایمان آورد؛ هم‌چنان که علی بن ابی‌طالب علیه السلام نخستین مردی بودند که اسلام آوردند. هم‌چنین وی تمام اموالش را در راه پیشرفت اسلام بذل نمود.[۱] تمام تاریخ‌نگاران، به نقش اساسی و حیاتی آن بانو در پیشرفت اسلام و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اذعان دارند. آن حضرت نه‌تنها با مال و ثروت بسیارش، بلکه با تمام وجود از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهداف ایشان حمایت می‌کرد و در این راه، از آبرو و جایگاه خود در بین قریش گذشت و حتی جان شریفش را در این راه از دست داد.

در واقع گسترش اسلام پس از نزول وحی و تلاش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با دو عامل اصلی ثبات یافت؛ فداکاری و شهامت حضرت علی علیه السلام از یک‌سو و گذشت و ایثار حضرت خدیجه علیها السلام و پایداری آن بانو بر حمایت از دین با جان و مال خود، از دلایل مهم پیشرفت اسلام شمرده می‌شود.

درباره جایگاه این بانوی بزرگوار در مکتب وحی، از اباهریره چنین نقل شده است:

> جبرئیل خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرضه داشت: «یا رَسُولَ اللهِ هذه خَدِیجَةُ قد أَتَتْک مَعَهَا إِنَاء فیه إِدَام أو طَعَام أو شَرَاب فإذا هِی أَتَتْک فَاقْرَأْ علیها السَّلَامَ من رَبِّهَا عزوجل ومنی وَبَشِّرْهَا بِبَیتٍ فی الْجَنَّةِ من قَصَبٍ لَا صَخَبَ فیه و لا نَصَبَ».[۲]

در این روایت خداوند توسط ملک مقرب خود؛ جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می‌دهد که حضرت خدیجه علیها السلام با ظرفی از غذا و آب نزد او می‌رود. وقتی خدیجه علیها السلام آمد، از طرف خدای عالم به او سلام برسان، از من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم خانه‌ای در بهشت برایش از تارهای طلا در نظر گرفته که در آن‌جا نه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت».

---

۱. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۶، ص ۱۲.

۲. مسلم، *صحیح*، ج ۴، ص ۱۸۸۶، حدیث ۲۴۳۲.

این روایت در کتاب ***صحیح*** بخاری با همان عبارات نقل شده است.[۱] حاکم نیشابوری بعد از نقل این روایت، آن را صحیح دانسته و معتقد است که حدیث مذکور شرایط ***صحیح*** مسلم و بخاری را دارد.[۲]

بشارت نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت خدیجه علیهاالسلام، علاوه بر ***صحیحین*** در تمام کتاب‌های سنن، مسانید و دیگر صحاح نیز آمده است. شاید اگر این مطلب در کتب معتبر اهل تسنن بیان نشده بود، بیان و حتی تصور این جایگاه عظیم که خدای عالم به یک زن سلام برساند، برای مردم سخت بود. باید توجه داشت که نمونه دیگری از سلام خدا و جبرئیل برای بقیه همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منابع اهل تسنن وجود ندارد؛ بنابراین همین روایت در بیان عظمت و جایگاه آن حضرت در اسلام کافی است.

وفات آن بانو نیز آن قدر برای اسلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخت و جانکاه بود که آن اسوه صبر و بردباری، آن سال را «عام‌الحزن» نامیدند.

محبوبیت حضرت خدیجه علیهاالسلام نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

حضرت خدیجه علیهاالسلام به اذعان تاریخ‌نگاران محبوب‌ترین همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود و در مدت حیات ایشان، آن حضرت زن دیگری اختیار نفرمودند.[۳]

سجایای اخلاقی حضرت خدیجه علیهاالسلام آن‌چنان زیاد بود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بارها او را مدح و ثنا می‌گفتند و بر سایر امهات مؤمنین ترجیح می‌دادند و از او بسیار تجلیل می‌کردند: «کان النبیء یثنی علیها و یفضلها علی سائر امهات المؤمنین و یبالغ فی تعظیمها».[۴]

این نوع برخورد، به حدی ویژه بود که عایشه می‌گفت:

بر هیچ‌یک از زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان

۱ . بخاری، *صحیح*، ح ۳۶۰۹.
۲ . حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۲۰۴، ح ۴۸۵۱.
۳ . ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۲۷.
۴ . ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۰.

سبب بود که پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار او را یاد می‌کردند.[۱]

بخاری در این مورد به نقل روایتی می‌پردازد:

حدثنا سَعِيدُ بن عُفَيرٍ حدثنا اللَّيثُ قال كتَبَ إلى هِشَامٌ عن أبيه عن عَائِشَةَ رضى الله عنها قالت ما غِرْتُ على امْرَأَةٍ لِلنَّبِى صلی الله علیه و آله ما غِرْتُ على خَدِيجَةَ هَلَكَتْ قبل أَنْ يتَزَوَّجَنِى لِمَا كنت أَسْمَعُهُ يذْكرُهَا وَأَمَرَهُ الله أَنْ يبَشِّرَهَا بِبَيتٍ من قَصَبٍ وَإِنْ كان لَيذْبَحُ الشَّاةَ فَيهْدِى فى خَلَائِلِهَا منها ما يسَعُهُنَّ.[۲]

عایشه می‌گوید:

بر هیچ زنی آن‌قدر حسادت نکردم که بر خدیجه حسد ورزیدم. او را درک نکردم و قبل از ازدواج من با رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود، ولی حسدم به این سبب بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بیش‌تر یاد می‌کردند و خداوند او را به خانه‌ای بهشتی از طلا و درّ و یاقوت بشارت داده بود. هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله گوسفندی را ذبح می‌نمودند برای دوستان خدیجه هدیه می‌فرستادند.

بخاری در روایت دیگر نقل می‌کند:

وقال إِسْمَاعِيلُ بن خَلِيلٍ أخبرنا عَلِى بن مُسْهِرٍ عن هِشَامٍ عن أبيه عن عَائِشَةَ رضى الله عنها قالت اسْتَأْذَنَتْ هَالَةُ بِنْتُ خُوَيلِدٍ أُخْتُ خَدِيجَةَ على رسول اللهِ صلی الله علیه و آله فَعَرَفَ اسْتِئْذَانَ خَدِيجَةَ فَارْتَاعَ لِذَلِك فقال اللهم هَالَةَ قالت فَغِرْتُ فقلت ما تَذْكرُ من عَجُوزٍ من عَجَائِزِ قُرَيشٍ حَمْرَاءِ الشِّدْقَينِ هَلَكَتْ فى الدَّهْرِ قد أَبْدَلَك الله خَيرًا منها.[۳]

در این حدیث از عایشه نقل شده که هاله خواهر خدیجه، اجازه شرف‌یابی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفت؛ آن حضرت به یاد خدیجه افتادند و برافروخته شدند، فرمودند: «خدایا هاله آمده است.» من ناراحت شدم و گفتم: «چقدر از پیرزنی از پیرزنان قریش که دندان‌هایش افتاده بود یاد می‌کنید، او مرده است و خدا بهتر از او را به شما داده است».

---

۱ . همان.
۲ . بخاری، صحیح، ج ۳ ص ۱۳۸۸.
۳ . همان، ص ۱۳۸۹.

احمد بن حنبل همین روایت را به نقل از عایشه با عبارات بیش‌تری بیان می‌کند که به دلایل فضیلت حضرت خدیجه علیهاالسلام اشاره دارد:

حدثنا عبدالله حدثنی أبی ثنا علی بن إسْحَاقَ انا عبد الله قال انا مُجَالِدٌ عَنِ الشعبی عن مَسْرُوقٍ عن عَائِشَةَ قالت کان النبی صلی الله علیه و آله و سلم إذا ذَکرَ خَدِیجَةَ أَثْنَی علیها فَأَحْسَنَ الثَّنَاءَ قالت فَغِرْتُ یوْماً فقلت ما أَکثَرَ ما تَذْکرُهَا حَمْرَاءَ الشِّدْقِ قد أَبْدَلَک الله عزوجل بها خَیراً منها قال ما أبدلنی الله عزوجل خَیراً منها قد آمَنَتْ بی إِذْ کفَرَ بی الناس وصدقتنی إِذْ کذبنی الناس وواستنی بما لها إذا حرمنی الناس ورزقنی الله عزوجل وَلَدَهَا إِذْ حرمنی أَوْلاَدَ النِّسَاءِ.[1]

این روایت تا عبارت «قد أَبْدَلَک الله عزوجل بها خَیراً منها»، با روایت قبل در *صحیح* بخاری یکسان است. اما نکته قابل‌توجه، ادامه روایت است که در *مسند* احمد آمده اما بخاری آن را ذکر نکرده است:

قال ما أبدلنی الله عزوجل خَیراً منها قد آمَنَتْ بی إِذْ کفَرَ بی الناس وصدقتنی إِذْ کذبنی الناس وواستنی بما لها إذا حرمنی الناس ورزقنی الله عزوجل وَلَدَهَا إِذْ حرمنی أَوْلاَدَ النِّسَاءِ.

فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به اعتراض عایشه، بسیار اهمیت دارد. ایشان در ابتدا به پاسخی مبنی بر این که خداوند بهتر از او نصیبم نفرموده است، اکتفا می‌کنند و سپس به بیان ویژگی‌های حضرت خدیجه علیهاالسلام می‌پردازند. جملاتی سرشار از عشق و محبت و قدردانی از مقام شامخ آن بانو و اسوه زنان جهان که هر انسان منصف غیرمتعصب را به حیرت وامی‌دارد:

وقتی همه مردم از من روی‌گردان بودند، او به من ایمان آورد؛ تصدیقم کرد، وقتی دیگران مرا تکذیب کردند؛ مال و ثروتش را در اختیارم گذاشت، وقتی دیگران محرومم کردند؛ خداوند از او به من فرزندی داد، وقتی از دیگر زنان محروم بودم.

هیثمی بعد از ذکر این روایت، راوی و سند آن را تأیید می‌کند: «رواه أحمد و

---
۱. ابن حنبل، *مسند*، ج ۶، ص ۱۱۷.

إسناده حسن».[1]

مسلم نیشابوری نیز همین روایت را نقل کرده، اما متأسفانه او هم مانند بخاری، سخن پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جواب عایشه را حذف کرده است.[2]

حضرت خدیجه علیها‌السلام مایه آرامش و تسلای خاطر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. هر وقت آن حضرت از تکذیب قریش و اذیت‌های آنان محزون و آزرده می‌شدند، هیچ چیز ایشان را مسرور نمی‌کرد مگر یاد آن بانو و هرگاه او را می‌دیدند مسرور می‌شدند.

سجایا و فضایل اخلاقی خدیجه علیها‌السلام سبب شد تا برای همسری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شایسته شمرده شود. طبق روایات، او برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یاوری صدیق بود: «وَ كانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كانَ يسْكنُ إِلَيهَا.»[3] تعبیر وزیر راستین اسلام، بسیار ارزشمند است و انسان را به ستایش این شخصیت وادار می‌نماید؛ زیرا چنین تعبیری، در مورد هیچ یک از زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به کار نرفته است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به یاری او و حمایت بی‌دریغ و شجاعانه‌اش، بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شدند و با مهر و صفای وصف‌ناپذیر او، آرامش خاطر می‌یافتند.

بررسی مسائل تاریخی آن عصر، مؤید این مطلب است که ضرورت ازدواج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با زنان دیگر، در آن زمان هم وجود داشت؛ اما آن حضرت در زمان حیات خدیجه علیها‌السلام با زن دیگری ازدواج نکردند؛ زیرا هیچ زنی هم‌سطح وی نبود. آن بانوی بزرگ اسلام، از چنان ارزشی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برخوردار بود که آن حضرت جوانی خود را به او بخشیدند و تا آن بانو زنده بود، زنی را در برابر وی قرار ندادند. شرافت ایشان تا حدی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خدیجه علیها‌السلام را جزء چهار زن برتر و سالارزنان روزگار برشمردند.

أربع نسوه سادات عالمهن: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم، و

---

۱. هیثمی، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، ج ۹، ص ۲۲۴.

۲. مسلم، *صحیح*، ج ۴، ص ۱۸۸۹، حدیث ۲۴۳۷.

۳. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۴.

خدیجه بنت خویلد، وفاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم وأفضلهن عالما فاطمه.[۱]

باید توجه داشت که این روایت در منابع اهل تسنن، نقل شده است.

احادیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در مورد خدیجه علیها السلام فراوان و بسیاری از این احادیث مربوط به بعد از وفات آن بانوست. این مسأله، بر این مطلب دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دفعات از او یاد می‌کردند. هم‌چنین طبق روایاتی که ذکر گردید، هرگاه نام آن بانو در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برده می‌شد، گریان می‌شدند و از سجایا و فضایل ایشان به نیکی یاد می‌کردند.

آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای سه فرزند پسر به نام‌های قاسم، طیب و طاهر شد که هر سه در جاهلیت از دنیا رفتند و چهار دختر به نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که همه اسلام آوردند و با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هجرت کردند.[۲]

حضرت خدیجه علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در طول حیات پربرکت خود، با پانزده زن ازدواج کردند و در زمان وفات نه زن داشتند. البته هریک از ازدواج‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنابر مصلحتی بود. ابن هشام می‌نویسد:

> پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با یازده زن خطبه عقد جاری کردند و آنان را به خانه بردند. از جمع‌زنان، دو تن در زمان حیاتش درگذشتند. بالاترین شمار زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در یک‌زمان، نه نفر بود. با دو تن دیگر به نام‌های اسماء کندیه و عَمره کلابیه به خواندن خطبه عقد بسنده کردند.[۳]

طبق روایات اهل تسنن، خدیجه علیها السلام بافضیلت‌ترین زنان اهل بهشت است. ابن‌عباس می‌گوید:

> خط رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم فی الأرض أربعة خطوط قال أتدرون ما هذا قالوا الله

---

۱ . آلوسی، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲ . ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳ . همان، ج ۴، ص ۳۰۵-۳۰۴.

و رسوله أعلم فقال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم أفضل نساء أهل الجنه خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون.[۱]

نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم با انگشتشان روی زمین چهار خط کشیدند و فرمودند: «بگویم این چهار خط معنایش چیست؟» عرض کردند: «خدا و رسولش بهتر می‌دانند.» حضرت فرمود: «با فضیلت‌ترین زنان اهل بهشت؛ خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون است».

باید توجه داشت که در میان همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، تنها اسم حضرت خدیجه علیها السلام جزء بافضیلت‌ترین زنان اهل بهشت آمده است. هم‌چنین حاکم نیشابوری، از عبدالله جعفر نقل می‌کند که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

أمرت أن أبشر خدیجه ببیت فی الجنه من قصب لا صخب فیه و لا نصب.[۲]

خدا به من دستور داده که به خدیجه مژده بدهم که خانه‌ای در بهشت برای او از تارهای طلا در نظر گرفته است.

وی اضافه می‌کند: «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم»؛ این حدیث بنابر شرط مسلم صحیح است».

او در روایت بعدی، مشابه این حدیث را که عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است، بیان می‌کند:

ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال امرتان آبشر خدیجه ببیت فی الجنه من قصب.[۳]

روایت بعدی، همان است که در *مسند* احمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

افضل زنان بهشت؛ خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر پیغمبر، مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی و همسر فرعون، آسیه است.

---

۱. ابن حنبل، *مسند*، ج ۴، ص ۷۷.
۲. حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۲۰۴، ح ۴۸۴۹.
۳. همان، حدیث ۴۸۵۰.

وی سپس صحت اسناد این روایت را تأیید قرار می‌کند.[۱]

زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام در بین تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقرار داشتند. عایشه فضیلت حضرت خدیجه را این گونه مطرح می‌کند:

روزی به حضرت زهرا علیها السلام گفتم: «آیا به تو بشارت ندهم؟ من از پیغمبر شنیدم که فرمود: «سروران زنان بهشت چهار نفر هستند؛ مریم دختر عمران، فاطمه دختر پیغمبر، خدیجه دختر خویلد و آسیه.»».[۲]

خود او اقرار می‌کند:

ما غِرْتُ علی أَحَدٍ من نِسَاءِ النبی ما غِرْتُ علی خَدِیجَةَ و ما رَأَیتُهَا وَلَکنْ کان النبی یکثِرُ ذِکرَهَا وَرُبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ یقَطِّعُهَا أَعْضَاءً ثُمَّ یبْعَثُهَا فی صَدَائِقِ خَدِیجَةَ فَرُبَّمَا قلت له کأَنَّهُ لم یکنْ فی الدُّنْیا امْرَأَةٌ إلا خَدِیجَةُ فیقول إِنَّهَا کانت وَ کانَتْ و کان لی منها وَلَدٌ؛

آن‌طوری که من به خدیجه حسد می‌ورزیدم، به هیچ زنی حسادت نمی‌کردم. پیغمبر بعد از فوت خدیجه، با من ازدواج کردند (در زمان حیات او با من ازدواج نکردند) اما خیلی به یاد خدیجه بودند و وقتی گوسفندی قربانی می‌کردند، تکه‌تکه می‌نمودند، به دوستان و بستگان حضرت خدیجه علیها السلام هدیه می‌دادند. به قدری پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به یاد حضرت خدیجه علیها السلام بودند و ذکر خیر او را می‌کردند که گفتم: «یا رسول‌الله! گویا در دنیا و آخرت زنی غیر از خدیجه وجود ندارد؟» و می‌فرمودند: «چنان بود و چنان بود و من از او بچه داشتم».[۳]

نکته جالب‌توجه در این روایت این است که در ذیل عبارت «فیقول إِنَّهَا کانت وَ کانَتْ و کان لی منها وَلَدٌ» از تعبیر «کانت و کانت» استفاده شده است. در حالی که روایات مشابه، به ویژگی‌ها و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده‌اند. اما در این حدیث تنها ویژگی آن حضرت، بچه‌دار شدن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

---

۱ . همان، حدیث ۴۸۵۲.

۲ . همان، ح ۴۸۵۳.

۳ . بخاری، *صحیح*، ج ۳، ح ۳۸۱۸.

دانسته شده؛ در حالی که بچه داشتن یا نداشتن نمی‌تواند ملاک فضیلت قرار گیرد.

این مطلب که علاقه پیامبر ﷺ به خدیجه ﷺ فقط به سبب امور مادی همچون فرزندداشتن از او بوده، بی‌اساس و مغایر با سیره نبوی است. این‌گونه تعابیر، اگر با هدف مخفی کردن فضایل حضرت خدیجه ﷺ بیان شده باشد، به طور قطع از ظلم‌هایی است که در حق آن حضرت صورت گرفته است.

نتیجه

شخصیت برجسته حضرت خدیجه ﷺ به‌گونه‌ای بوده که در عصر جاهلیت که زنان هیچ‌گونه ارزش و هویت اجتماعی نداشتند، توجه همگان را به خود جلب کرده است. در این بین علمای اهل تسنن اعم از مفسران و تاریخ‌نگاران، همه به بررسی و نقل زندگی ایشان پرداخته‌اند.

این بررسی‌ها، گاه از تعصب و اعمال سلیقه شخصی عاری بوده، گاهی نیز در کمال تأسف، مغرضانه و غیرمنصفانه صورت گرفته است. به همین دلیل، در بعضی موارد سعی شده که زوایای زندگی این بانوی نمونه اسلام مخفی بماند. این پنهان‌کاری بزرگ تاریخی- اگر نگوییم تحریف تاریخی- در حالی انجام شده که ویژگی‌های شخصیتی، قدرت و توان‌مندی عجیب وی زبانزد عام و خاص دوران خود بوده است. اعتقاد، اخلاق، عملکرد و رفتار آن بانو در اوج خفقان شرک و خرافه‌پرستی، انفجار نور و امید در دل حق‌جویان بود. ایمان به خدا، حمایت از پیامبر ﷺ و پایداری در راه حق، آن‌گونه در وجود او متجلی بود که وجودش مایه فخر اسلام، دلگرمی پیامبر ﷺ و اسوه و سرمشق مسلمانان شد. حضرت خدیجه ﷺ متعلق به عصر جاهلیت و ظهور اسلام نیست؛ بلکه واکاوی شخصیت او و بررسی زوایای فکری و اخلاقی او می‌تواند برای تمام مردم جهان، بارقه امیدی در مسیر نجات از جاهلیت عصر حاضر باشد.

منابع

۱. ابن‌حنبل، احمد بن محمد، *مسند*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

۲. ابن‌سعد، محمد، *طبقات الکبری*، بیروت، دارالفکر،۱۴۲۰ ق.

۳. ابن‌هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، چاپ جدید، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.

۴. اصبهانی، ابی نعیم احمدبن عبدالله، *دلائل النبوه*، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۹ ق.

۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۶. بخاری، ابی‌عبدالله محمد بن اسماعیل، *صحیح*، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.

۷. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.

۸. ذهبی، شمس‌الدین محمدبن احمدبن عثمان، *سیر اعلام النبلاء*، چاپ نهم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۹. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۱۰. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ ق.

۱۱. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، *فتح‌القدیر*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ ق.

۱۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، چاپ اول، اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.

۱۳. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی، *بحارالأنوار*، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۱۴. مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، ابی الحسین، *صحیح*، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۲ م.

۱۵. هیثمی، ابوالحسن علی بن أبی بکر، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، بیروت، دارالریان للتراث، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث اهل سنت

ابوطالب علی‌نژاد[۱]

چکیده

خدیجه علیها السلام، بانوی باایمان، بافضیلت و بزرگوار قریش بود که در یکی از خاندان‌های اصیل و شریف حجاز چشم به جهان گشود. خاندان او از اقوام والاتباری بودند که همیشه از خانه کعبه و از محور خداپرستی، حمایت و پاسداری می‌کردند.

خدیجه علیها السلام که بانویی خردمند، صاحب درک و شعور، برخوردار از کمالات والای انسانی، دارای موقعیت بالای اجتماعی و بهره‌مند از زندگی مرفه دنیوی بود، پیشنهاد ازدواج با بزرگان و صاحب‌منصبان قریش را رد نمود و با فردی ازدواج کرد که از نعمت پدر و مادر و مال و ثروت محروم ولی به صداقت وامانت مشهور بود؛ یعنی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.

آن بانو بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تمام هستی‌اش را وقف آن حضرت و اهداف والایش نمود و لحظه‌ای در حمایت و یاری رساندن به آن حضرت درنگ ننمود. او نه‌تنها تمام اموال خویش را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد، بلکه اولین بانویی بود که به آن بزرگوار ایمان آورد و از ایشان پشتیبانی نمود. براین اساس، از جایگاه بلند و مقام رفیع نزد خداوند متعال برخوردار گردید تا جایی که خداوند تبارک‌وتعالی به وسیله جبرئیل برای او سلام فرستاد و او را به پاداشی عظیم و جایگاهی رفیع وعده داد که هیچ‌یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بدان مقام نرسیده بودند.

اوصاف و کمالات معنوی حضرت خدیجه علیها السلام و منزلت بالای وی

---

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه.

نـزد خداونـد متعـال، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را وادارمی کـرد تـا همیشـه از همسـر باوفایـش بـه نیکـی و شایسـتگی یـاد نماینـد و هیـچ‌گاه وی را فرامـوش نکنند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تمام مدت عمر شریفش تنها از خدیجه علیهاالسلام به شایستگی یاد می‌کردنـد، نـام او را بـا احتـرام بـر زبـان جـاری می‌نمودنـد و همـواره خاطـره او را گرامـی و عزیـز می‌داشـتند و بارهـا از خدمـات آن بانـو و فداکاری‌هایـش یـاد می‌کردنـد.

در ایـن مقالـه، سـعی شـده تـا شـخصیت ممتـاز حضـرت خدیجـه علیهاالسلام در سـنت گفتـاری و رفتـاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بـر اسـاس منابـع معتبـر اهل‌سـنت، تحلیـل و تفسـیر گـردد.

واژگان کلیدی

سـنت گفتـاری، سـنت رفتـاری، حدیـث، حضـرت خدیجـه علیهاالسلام، پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اهل‌سـنت.

مقدمه

خدیجـه علیهاالسلام بانـوی گران‌مایـه، شـریف و بـا فضیلـت قریـش بـود کـه در بعـد فکـری، فـردی خردمنـد، دوراندیـش، و برخـوردار از هـوش و ذکـاوت و در بعـد اخلاقـی و رفتـاری، زنـی عفیـف و پاک‌دامـن و برخـوردار از موقعیـت اجتماعـی خـاص بـود. بـر ایـن اسـاس، در عصـر جاهلیـت بـا القـاب «طاهـره»[1] و «سـیده قریـش»[2] نامیـده می‌شـد. او بـه جهـت اطلاعاتـی کـه از آینـده درخشـان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشـت، اشـتیاق یافـت بـا آن حضـرت ازدواج کنـد؛[3] بـدان جهـت پیشـنهاد ازدواج داد، درحالی‌کـه چهـل سـال از عمـر او می‌گذشـت.[4]

پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کـه جوانـی بیسـت‌وپنج‌سـاله بودنـد و می‌توانسـتند بـا جوان‌تریـن و زیباتریـن زنـان عـرب ازدواج کننـد، بـه جهـت وجـود کمـالات انسـانی در خدیجـه علیهاالسلام،

---

۱. *اسدالغابه*، ج۵، ص ۴۳۴؛ *الاصابه*، ج ۴، ص۲۸۱.
۲. *سیره حلبی*، ج۱، ص ۲۲۴.
۳. *بحارالانوار*، ج ۱۶، ص ۲۱ – ۲۳.
۴. *اسدالغابه*، ج ۵، ص ۴۳۵؛ *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۳۹.

این پیشنهاد را پذیرفتند و در یک جمع خانوادگی این ازدواج مبارک صورت گرفت.[۱]

بدین‌گونه زنی که دلی چون آیینه و اندیشه‌ای چون باران‌های شفاف و آبشارهای زلال داشت، با همان صفا و پاکی، به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآمد که در آن زمان به «محمدامین» معروف بود.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زنی است که به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و به ندای توحیدی‌اش، لبیک گفت و با تمام وجود از آن حضرت پشتیبانی کرد و جان و مال و اعتبار خود را در راه این اعتقاد و ایمان، تقدیم داشت. وی در راه هم‌گامی و پشتیبانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، لحظه‌ای از تلاش و تکاپو بازنماند و لذا نه به عنوان یک همسر و زن خانه‌دار، بلکه به عنوان یک هم‌سنگر، یک مجاهد مقاوم، یک مبارز کوشا و سخت‌کوش و یک الگوی زن مسلمان و مؤمن بارها تأیید و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را جلب نمود و نشان پرافتخار «سیده نساء اهل الجنه» را از زبان مبارک آن حضرت دریافت کرد.

مقام والا و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را نمی‌شود با معیارهای ظاهری و معمولی سنجید و با عقل ناقص و دانش نارسای خود ارزیابی نمود؛ زیرا مقام و احترام آن بزرگوار چنان اوج گرفت و بالا رفت که خداوند تبارک‌وتعالی به وسیله جبرئیل براو سلام فرستاد؛ سلامی که خداوند برپیامبران بزرگ خود مانند نوح و ابراهیم و موسی فرستاده است. این، برمصونیت حضرت خدیجه علیها السلام از همه عیب‌های ظاهری و باطنی، روحی و جسمی دلالت دارد که تالی‌تلو مقام عصمت است. براین اساس، حضرت خدیجه علیها السلام به جهت برخورداری از این اوصاف و فضایل والای انسانی، نزد پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم از احترام و محبوبیت خاصی برخوردار گردید.

رسول گرامی اسلام، آن خاتون بزرگ را بسیار دوست می‌داشتند، به مهر و درایت او آگاه بودند و در کارهای خود با وی، نه‌فقط مانند یک همسر، بلکه

---

۱. *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۶؛ *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۴۰.

هم‌چون یک دوست فهیم و دلسوز و صمیمی، مشورت می‌کردند و به نظریاتش احترام می‌گذاشتند.

امتیازات فوق‌العاده حضرت خدیجه علیها السلام، عطوفت و درایت، کاردانی و شایستگی وی سبب شد پیامبر صلی الله علیه و آله، مادامی که آن بانو زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکنند، با وجودی که چندهمسرگزینی در آن عصر و با آن وضعیت خاص زمانی و مکانی و سنت‌های قومی و منطقه‌ای، موضوعی کاملاً عادی بود.

تجلیل و تکریم پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام، تنها به دوره‌ای حیات آن بانو مربوط نبود، بلکه بعد از وفات حضرت خدیجه علیها السلام نیز از او به نیکی یاد می‌کردند و یادش را گرامی می‌داشتند؛ با این‌که پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام، با برخی از زنان دیگر مانند عایشه، صفیه، ام‌سلمه و... ازدواج کردند، همیشه از حضرت خدیجه علیها السلام با احترام و شایستگی نام می‌بردند و همواره خاطره او را گرامی و عزیز می‌داشتند.

این مقاله، تلاش نموده تا جایگاه و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام را در گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با استناد به احادیث معتبر در منابع اهل‌سنت به تصویر کشاند و آن را از منظر فقه‌الحدیثی تفسیر و تحلیل کند و پیام‌های زیبا و نکات برجسته‌اش را استخراج کند و تقدیم شیفتگان مکتب حیات‌بخش اسلام، پیروان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان مجاهد مسلمان نماید که با الگوگرفتن از آن بانو، رسالت انسانی و اسلامی خود را در عرصه‌های مختلف، همسرداری، تربیت فرزند، ایثار در راه آرمان‌های مقدس و والای الهی، به احسن وجه ایفا نمایند.

سلام خدا به خدیجه علیها السلام

در منابع معروف اهل‌سنت مانند *صحیح بخاری*، از ابن عباس، ابوهریره، عبدالرحمان بن ابی لیلی و سعید بن کثیر نقل شده است:

جبرئیل بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نازل شده، عرضه داشت: سلام خدا را به

حضرت خدیجه علیهاالسلام برسان.[1]

روایت به نقل بخاری چنین است:

ابن سعید حدثنا محمد بن فضیل عن عماره عن أبی زرعه عن أبی هریره رضی الله عنه: قال أتی جبریل النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فقال یا رسول الله هذه خدیجة قد اتت معها اناء فیه أدام أو طعام أو شراب فإذا هی أتتک فاقرأ علیها‌السلام من ربها و منی؛

جبرئیل بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده و عرضه داشت: «این خدیجه علیهاالسلام است که با ظرفی از غذا و خورشت و نوشیدنی می‌آید؛ پس هرگاه نزد شما آمد، سلام پروردگار و مرا به او برسان!

توضیح روایت

تمام اقوام جهان، هنگامی که به هم می‌رسند، برای اظهار محبت به یک‌دیگر نوعی تحیت دارند که گاه جنبه لفظی دارد و گاه به صورت عملی است که رمز تحیت محسوب می‌شود. در اسلام نیز سلام یکی از روشن‌ترین تحیت‌هاست؛[2] بدان جهت واژه سلام در ده‌ها آیه قرآن و در موارد گوناگون به کار رفته؛ از جمله:

۱. سلام خدا بر انسان‌های برگزیده خودش مانند: سلام خدا بر نوح،[3] سلام خدا بر ابراهیم،[4] سلام خدا بر موسی و هارون،[5] سلام خدا بر الیاسین؛[6]

۲. سلام خدا بر بهشتیان؛[7]

۳. سلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مؤمنان؛[8]

---

۱. *صحیح بخاری*، ج۴، ص ۲۳۱، *المعجم الکبیر*، ج ۱۵، ص ۲۳، *مجمع الزوائد*، ج ۹ ، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.
۲. *تفسیر نمونه*: ج ۴، ص ۶۴.
۳. سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (سوره صافات، آیه ۷۹).
۴. سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (سوره صافات، آیه ۱۰۹).
۵. سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (سوره صافات، آیه ۱۲۰).
۶. سَلَامٌ عَلَى إِلْيَاسِينَ (سوره صافات، آیه ۱۳۰).
۷. سَلَامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ (سوره یس، آیه ۵۸).
۸. وَ إِذا جاءَک الَّذِينَ يؤْمِنُونَ بِآياتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَيكمْ (سوره الانعام، آیه ۵۴).

۴. سلام فرشتگان بر اهل بهشت؛ [۱]
۵. سلام ساکنان اعراف بر بهشتیان؛ [۲]
۶. سلام بهشتیان به یک‌دیگر؛ [۳]
۷. سلام مؤمنین به یک‌دیگر؛ [۴]
۸. سلام سخن بهشتیان. [۵]

سلام چند معنا دارد:

اول آن‌که از اسماء الهیه است؛ [۶] یعنی خدا دارای جمیع صفات کمالیه و جمالیه است و منزه و مبری از جمیع عیوب و نواقص امکانیه؛

دوم، سلام الهی بر بندگان که دلالت دارد بر سلامت از همه خطرها و بلیات دنیوی و اخروی و از تمام عیوب و نواقص ظاهریه و باطنیه، قلبیه و روحیه و جسمیه، و از جهل و نسیان و سهو و شک و شبهه که تالی تلو مقام عصمت است.

سوم، سلام ملائکه که دعا و طلب سلامت در پیشگاه عظمت باری‌تعالی است؛

چهارم، سلام مردم به یک‌دیگر؛ یعنی وعده سلامت که از من هیچ‌گونه ناراحتی به شما نمی‌رسد. [۷]

در میان اقسام گوناگون سلام که در آیات شریفه به آن‌ها اشاره شده، سلام و تحیت الهی بر بندگان ویژه خودش و بر بهشتیان، بزرگ‌ترین موهبت برای آنان به حساب می‌آید که در آیه شریفه «سلام قولا من رب رحیم» [۸] به آن اشاره شده است، زیرا این ندای روح‌افزا و نشاط‌بخش و مملو از مهر و محبت، چنان روح انسان را در خود غرق می‌کند و به او لذت و شادی و معنویت می‌بخشد که

---

۱. وَالْمَلَائِکَةُ یدْخُلُونَ عَلَیهِمْ مِنْ کلِّ بَابٍ، سَلَامٌ عَلَیکمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ (سوره رعد آیه ۲۳ و ۲۴).
۲. وَعَلَی الْأَعْرَافِ رِجَالٌ یعْرِفُونَ کلًّا بِسِیمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَیکمْ (سوره اعراف، آیه ۴۶).
۳. وَتَحِیتُهُمْ فِی‌ها سَلَامٌ (سوره ابراهیم، آیه ۲۳).
۴. وَإِذَا حُیيتُمْ بِتَحِیةٍ فَحَیوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللهَ کانَ عَلَی کلِّ شَیءٍ حَسِیبًا (آیه ۸۶)
۵. لَا یسْمَعُونَ فِی‌ها لَغْوًا وَلَا تَأْثِیمًا اِلَّا قِیلًا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶) (سوره واقعه، آیه ۲۵ و ۲۶).
۶. هُوَ الْمَلِک الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیمِنُ (سوره حشر، آیه ۲۳).
۷. *تفسیر اطیب البیان*، ج ۱۱، ص ۱۸۱.
۸. سوره یس، آیه ۵۸.

با هیچ نعمتی برابر نیست. در داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام آمده است: «ولقد جائت رسلنا ابراهیم بالبشری قالوا سلاما قال سلام».[۱] می‌گویند لذتی که ابراهیم از سلام این فرشتگان برد، با تمام دنیا برابری نداشت.[۲]

بنابراین سلام خدا به حضرت خدیجه علیهاالسلام، از جهات مختلف قابل‌توجه است: اولاً بر کمالات وی و منزه بودنش ازهر عیب و نقص، و قرار گرفتنش در مرز عصمت دلالت دارد؛ ثانیا جایگاه والای او را در بهشت برین روشن می‌سازد؛ ثالثا امنیت کامل را برای او از هر آسیب و عذابی تضمین می‌کند.[۳]

قصر بهشتی برای خدیجه علیهاالسلام

روایات متعددی در منابع مختلف اهل‌سنت از جمله ***صحیح بخاری*** نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از طرف خداوند متعال، مأمور شدند تا «خانه بهشتی» را به حضرت خدیجه علیهاالسلام بشارت دهند:

حدثنی أحمد بن أبی رجاء حدثنا النضر عن هشام قال أخبرنی أبی عن عائشة انها قالت ما غرت علی امرأة لرسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله کما غرت علی خدیجة لکثرة ذکر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إیاها وثنائه علیها وقد أوحی إلی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله ان یبشرها ببیت لها فی الجنة من قصب[۴]

عایشه می‌گوید: «به هیچ زنی از زنان رسول خدا غیرت زنانه نداشتم، آن‌گونه که به خدیجه علیهاالسلام غیرت می‌ورزیدم، به جهت یاد زیادی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از او می‌نمودند و ستایشش می‌کردند، و خداوند به آن حضرت وحی نمود که خدیجه علیهاالسلام را به خانه‌ای[۵] در بهشت بشارت ده که از طلا ساخته شده است.

---

۱. سوره هود، آیه ۶۹.
۲. *تفسیرنمونه*، ج ۲۷، ص ۱۸۶.
۳. *تفسیرقمی*، ذیل آیه «سَلامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِیمٍ»، قال: السلام منه تعالی هو الأمان.
۴. *صحیح بخاری*، ج ۶، ص ۱۵۸و ج ۴، ص ۲۳۱و ج ۷ ص ۷۶ و ج ۸، ص ۱۹۵.
۵. به گفته خطابی، مراد از بیت در این‌جا، قصر است (*مسلم نووی*، *شرح صحیح*، ج ۱۵، ص ۲۰۰ «قال الخطابی وغیره المراد بالبیت هنا القصر».

توضیح روایت

این روایت از اشخاص مختلف از جمله: عبدالله ابن ابی اوفی،[۱] ابوهریره،[۲] عایشه،[۳] عبدالله بن جعفربن عبدالله،[۴] عبدالله بن عمر،[۵] از رسول خدا گزارش شده است. ابن‌ماجه و ترمذی، بعد از نقل این روایت از عایشه نوشته‌اند: «هذا حدیث حسن صحیح».[۶] هیثمی نیز نوشته: «اسناده صحیح و رجاله ثقات».[۷]

یادآوری می‌شود تعبیر «بیت فی الجنه»،[۸] در قرآن نیامده، بلکه تعبیر «الغرفة»[۹] «الغرفات»[۱۰] و «غرف»[۱۱] هرکدام یک‌مرتبه در قرآن به کار رفته، ولی در روایات، تعبیر «له بیت فی الجنة» در موارد ذیل به‌کار رفته است:

الف) گریه برای خوف و خشیت الهی

در وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام آمده است: «اوصیک یا علی ... البکاء لله یبنی لک بکل دمعة بیت فی الجنة»؛[۱۲]

ب) خواندن نمازمستحبی در شب‌های رمضان

«من یصلی فی لیلة منها یبنی له بیت فی الجنة»؛[۱۳]

---

۱. *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۲۳۱، *صحیح مسلم*، ج ۷ ، ص ۱۳۳.
۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱، *صحیح مسلم*، ج ۷ ، ص ۱۳۳.
۳. *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۲۳۱ و ج ۷ ص ۷۶ و ج ۸ ص ۱۹۵، *صحیح مسلم*، ج ۷ ، ص ۱۳۳.
۴. *مسند احمد بن حنبل*، ج ۱، ص ۲۰۵.
۵. *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۷۰ ، ص ۱۱۸.
۶. *سنن ابن ماجه قزوینی*، ج ۵، ص ۳۶۶، *سنن ترمذی*، ج ۵، ص ۳۶۶.
۷. *سنن ابن ماجه*، ج ۱، ص ۶۴۳ به نقل از مجمع الزوائد.
۸. فقط درسوره تحریم، آیه ۱۱ از زبان آسیه همسر فرعون نقل شده است (وَضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِینَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَک بَیتًا فِی الْجَنَّةِ وَنَجِّنِی مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ)
۹. سوره فرقان، ایه ۷۵ (أُوْلَئِک یجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِما صَبَرُوا ویلَقَّوْنَ فی‌ها تَحِیةً وسَلاماً)
۱۰. سوره سبا، آیه ۳۷ (وَهُمْ فِی الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ).
۱۱. سوره زمر، آیه (لکنِ الَّذِینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِها غُرَفٌ مَبْنِیةٌ)
۱۲. *محاسن برقی*، ج ۱، ص ۱۷.
۱۳. *فضائل الاشهر الثلاثه* ، ص ۱۳۳.

ج) ساختن مسجد

«من بنی مسجدا لیذکر الله فیه بنی له بیت فی الجنة»؛ [١]

د) بنده مؤمن آزاد کردن

«من اعتق نسمة مومنة بنی له بیت فی الجنة»؛ [٢]

و) خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هرروز.[٣]

تعبیر «بیت فی الجنة» در همه این موارد به گونه مطلق آمده و هیچ ویژگی برای آن ذکر نشده، ولی برای خانه بهشتی حضرت خدیجه سه ویژگی ذکر گردیده که او را از دیگر خانه‌های بهشتی متمایز می‌سازد:

١. خانه طلایی؛ خانه‌ای که از مروارید و طلا ساخته شده است (من قصب)؛[٤]

٢. خانه آرام؛ خانه بی‌سروصدا (لاصخب فیه)؛[٥]

٣. خانه شاد؛ خانه بدون غم و اندوه (ولانصب). [٦]

بعضی از شارحان، وجوه مختلفی را برای جمله «لا نصب فیه ولاصخب» ذکر کرده‌اند؛ از جمله: ابن‌جوزی می‌نویسد:

> «لانصب فیه»، کنایه از این است که خانه بهشتی برخلاف خانه دنیوی است، خانه دنیوی اولاً همراه با رنج و سختی است، چه در ساختنش و

---

١. *روضه الواعظین*، ص ٣٣٧.

٢. همان، ص ٣٣٨.

٣. *وسائل الشیعة*، ج ۵، ص ٢٣۶.

۴. معانی مختلفی برای قصب ذکر شده است مانند: ساقه گره‌گره و میان تهی، «نی» که نوعی از آن سخت ومحکم است که سقف خانه‌ها را می‌پوشانند و نوعی از آن را قلم درست می‌کنند، استخوان مغزدار، گوهر دراز ومستطیلی، مروارید آب‌دار، تارهایی از طلا و نقره (*الرائد* ج ١، ص ١٣٧٠).
ابن اثیر می‌نویسد: «قصب جمع قصبه است وکاربردهای مختلف دارد؛ مثلاً قصب استخوان به معنای استخوان مغزدار است، و نیز هر استخوان پهن و لوح را قصب گویند، و مقصود از «قصب» در این حدیث نبوی، به معنای «لؤلؤ مجوف واسع کالقصر المنیف» است. (*النهایة فی غریب الحدیث والاثر*، ج ۴، ص ۶٧).

۵. صخب: سرو صدا، صیحه، داد و بیداد، ضجه و شیون، همهمه. (*الرائد*، واژه «صخب»).

۶. نصب: درد و رنج، تعب و سختی (*الرائد*، واژه «نصب»).

چه در اصلاح و نگه‌داری آن؛ ولی خانه بهشتی اولاً خانه‌ای آماده است و ثانیا فرسودگی ندارد تا نیازمند اصلاح باشد.

«ولا صخب» کنایه از پاداش سختی‌هایی است که حضرت خدیجه علیها السلام در تربیت فرزندان متحمل شدند؛ یعنی پاداش تحمل سختی‌ها در خانه دنیا، راحتی و آسایش در خانه آخرت است.[۱]

مناوی در توجیه جمله «لا صخب فیه» و مقصود آن دو وجه دیگر ذکر کرده است:

۱. خانه‌ای که اضطراب و ناامنی، ضجه و شیون و سر و صدا در آن نیست؛ زیرا هیچ خانه‌ای وجود ندارد که اهل آن خانه دور هم جمع شوند و سر و صدا در آن نباشد.

۲. خانه دربست و اختصاصی، زیرا خانه چندنفری خالی از تنازع که به سروصدا منجر شود، وجود ندارد.

چنان‌که برای جمله «ولا نصب» نیز دو وجه ذکر نموده است:

۱. نه کارهای روزانه که آن‌ها را به خود مشغول کند و از لذایذ بهشت باز بدارد، در آن وجود دارد، و نه رنجی که آن‌ها را غصه‌دار کند و غمگین نماید.

۲. این خانه بهشتی، ثواب و پاداش اعمال آن‌ها نیست، بلکه امتیاز ویژه است که علاوه بر پاداش اعمال آن‌ها، خداوند متعال به حضرت خدیجه علیها السلام هدیه فرموده است.[۲]

یادآوری می‌شود خانه بهشتی حضرت خدیجه علیها السلام، با سه ویژگی یاد شده برای حضرت زهرا علیها السلام نیز نقل شده و در مورد هیچ فرد دیگری گزارش نشده است.[۳]

---

۱. *کشف المشکل عن حدیث الصحیحین*، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲. *فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر*، ج ۲، ص ۲۴۱.

۳. *مناقب ابن مغازلی*، ص ۲۹۲ (...وخدیجة سیدة نساء عالَمِها وأنت فاطمة سیدة نساء عالمِک إنکنّ فی بیوت من قَصَب لا أذی فیه ولا نصب ...) اکمال الدین واتمام النعمة ص ۱۶۰ (... إنما نسله من مبارکة (یعنی فاطمه) لها بیت فی الجنة، لا صخب فیه ولا نصب)

اظهار ارادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت خدیجه علیهاالسلام

ارادت و علاقه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به همسر گرامی‌اش، وصف کردنی نیست؛ زیرا رابطه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با آن بانو تنها یک رابطه زن و شوهری نبوده، و علاقه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن بانوی بزرگ اسلام، تنها از آن جهت نبوده که حضرت خدیجه علیهاالسلام یک همسر مهربان، باوفا و خانه‌دار برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند، بلکه این علاقه و عشق، بر پایه ایمان و کمالات معنوی حضرت خدیجه علیهاالسلام بوده است؛ بدان جهت ارادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن بانو تنها به دوران حیاتش اختصاص نداشت، بلکه بعد از وفاتش نیز این علاقه بوده و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به صورت‌های گوناگون آن را ابراز می‌فرمودند.

الف) یاد همیشگی از خدیجه علیهاالسلام

یاد خدیجه علیهاالسلام هیچ‌گاه از خاطره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله محو نمی‌شد، بلکه چهره نازنین آن بانو، فداکاری‌هایش، وفایش، صداقتش، همراه بودنش، تحمل سختی‌هایش و گذشتش، همیشه در مقابل چشمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مجسم بود. بدان جهت آن حضرت همیشه به یاد خدیجه علیهاالسلام بودند و از او به نیکی یاد می‌کردند و بهترین ستایش‌ها را از او انجام می‌دادند.

چند روایت در این زمینه وجود دارد که به یکی از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

حدثنا عبدالله حدثنی أبی ثنا علی بن إسحاق انا عبدالله قال انا مجالد عن الشعبی عن مسروق عن عائشة قالت كان النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله إذا ذكر خديجة اثنى عليها فأحسن الثناء قالت فغرت يوما فقلت ما أكثر ما تذكرها حمراء الشدق قد أبدلك الله عزوجل بها خيرا منها قال ما أبدلنی الله عزوجل خيرا منها قد آمنت بی إذ كفر بی الناس وصدقتنی إذ كذبنی الناس وواستنی بمالها إذ حرمنی الناس ورزقنی الله عزوجل ولدها إذ حرمنی أولاد النساء؛ [1]

عایشه می‌گوید: هرگاه از خدیجه علیهاالسلام یاد می‌شد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با بهترین وجه او را می‌ستودند تا این‌که روزی غیرتی شدم و به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفتم:

---

۱. *مسند احمد بن حنبل*، ج ۶، ص ۱۱۸.

«چقدر از خدیجه سرخ لثه یاد می‌کنی، در حالی که خداوند بهتر از او را نصیب تو کرده است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جواب فرمودند: «هرگز! خداوند بهتر از او را نصیب من نکرده است. او روزی به من ایمان آورد که جهانیان به من کفر می‌ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیبم می‌کردند و زمانی با ثروتش به کمکم آمد که دیگران مرا تحریم کردند و خداوند از او به من فرزندانی عنایت کرده است.

توضیح روایت

۱. این روایت را تنها احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی‌ها) نقل کرده و سند آن معتبر است.[۱]

۲. عبارت «کان النبی صلی الله علیه و آله و سلم»، بر استمرار و مداومت دلالت دارد؛ یعنی این سیره همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده که هرگاه از حضرت خدیجه علیها السلام یاد می‌شد، به بهترین وجه از او تعریف و ستایش می‌کردند.

۳. جمله «حمراء الشدقین»، کنایه از کهولت و سن زیاد است که موجب ریختن تمام دندان‌ها وآشکار شدن لثه‌های سرخ می‌شود، زیرا شدق (به کسر شین) کناره‌های دهان را گویند و حمرا به معنای سرخ است.[۲]

این عبارت عایشه، اوج حسادت او را نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام نشان می‌دهد، تعبیری که دور از اخلاق و ادب اسلامی است.

۴. منظور عایشه از عبارت «قد أبدلک الله خیرا منها» (خداوند بهتر از خدیجه علیها السلام را به شما داده است)، خودش بوده که از حضرت خدیجه علیها السلام، جوان‌تر بوده و آن را یک امتیاز و ارزش به حساب آورده و خواسته از این طریق ابراز وجود کند و شخصیت خودش را به رخ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کشاند؛ در حالی که بر اساس

---

۱. *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۲۲۴ (رواه أحمد واسناده حسن) *البدایه والنهایه*، ج ۳، ص ۱۵۸، *السیره النبویه*، ج ۲، ص ۱۳۵ (تفرد به أحمد، وإسناده لا بأس به).

۲. *عمده القاری*، ج ۱۶، ص ۲۸۲ (والشدق بالکسر جانب الفم، أرادت أنها عجوز کبیرة جداً قد سقطت أسنانها من الکبر ولم یبق بشدها بیاض من الأسنان إنما بقیت فیه حمرة اللثات).

آموزه‌های دینی، اخلاق و دین‌داری معیار و ملاک امتیاز و ارزش است و حضرت خدیجه علیهاالسلام در این دو امتیاز در حد اعلا بود؛ پس اعتراض عایشه بی‌مورد و ستایش همیشگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از خدیجه علیهاالسلام منطقی و حکیمانه است.

اخلاق و دین‌داری، دو معیار در انتخاب همسر است که روایات به آن تأکید کرده‌اند.

۵. مقصود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از عبارت «قد آمنت بی إذ کفر بی الناس وصدقتنی إذ کذبنی الناس و واستنی بمالها إذ حرمنی الناس ورزقنی الله ولدها إذ حرمنی أولاد النساء»، برشمردن امتیازات منحصر به فرد حضرت خدیجه علیهاالسلام است، از جمله:

۵-۱- سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله[۱]

به تصریح قرآن، سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، یک فضیلت و امتیاز بسیار مهم است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

> و کسانی که بعد از آن‌ها آمدند و می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.[۲]

بر این اساس، حضرت علی علیه‌السلام و حضرت خدیجه علیهاالسلام به عنوان اولین مرد و زنی که در ایمان آوردن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تصدیق رسالت آن حضرت بر دیگران پیشی گرفتند، از مصادیق این آیه شریفه هستند حسکانی از سلمه بن اکوع نقل می‌کند:

> پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در بقیع بودند و علی علیه‌السلام نیز همراه او بود. وقت نماز رسید، جعفر (جعفر بن ابی‌طالب) نیز از آن‌جا عبور می‌کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ای جعفر! در کنار برادرت نماز بخوان!» پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با علی علیه‌السلام

---

۱. آمنت بی إذ کفر بی الناس وصدقتنی إذ کذبنی الناس.

۲. وَ الَّذِینَ جاؤُ مِنْ بَعْدِهِمْ یقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّک رَؤُفٌ رَحِیمٌ (سوره حشر، آیه ۱۰).

و جعفر نماز خواندند و چون از نماز فارغ شدند فرمودند: «ای جعفر! این جبرئیل است و از سوی پروردگار جهانیان خبر می‌دهد که برای تو دو بال سبز با نگین‌های زبرجد و یاقوت قرار داده شده که صبح و شام به هر کجا که بخواهی پرواز کنی».[۱] علی علیه السلام عرض کرد: «یا رسول الله این برای جعفر است، پس برای من چیست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یا علی! آیا نمی‌دانی که خداوند گروهی از امت مرا آفریده که تا روز قیامت برای تو استغفار می‌کنند؟» علی علیه السلام گفت: «آنان چه کسانی هستند یا رسول الله؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سخن خداوند در کتابش که بر من نازل شده: (و الذین جاؤا من بعدهم یقولون ربنا اغفرلنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان). یا علی! آیا کسی در ایمان بر تو پیشی گرفته است؟»[۲]

اگر سبقت در ایمان، موجب آن شد که حضرت علی علیه السلام مصداق بارز و کامل آیه شریفه باشند، پس حضرت خدیجه علیها السلام نیز مصداق این آیه خواهد بود؛ زیرا به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که دیگران آن حضرت را تکذیب کرده بودند و به ایشان کفر ورزیدند، حضرت خدیجه علیها السلام ایشان را تصدیق کرد و به رسالتش ایمان آورد؛ در نتیجه، هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌تواند جای حضرت خدیجه علیها السلام را بگیرد.

---

۱. جعفربن ابی‌طالب برادر حضرت علی علیه السلام در نبرد موته به شهادت رسید و دو دستش قطع شد که خداوند به جای آن، دو بال به وی عطا نمود وبه همین جهت معروف به جعفر طیار شد.

۲. *شواهد التنزیل*، ج ۲، ص ۳۳۴ (أخبرنا أبو سعد محمد بن علی الحیری أخبرنا أبو سعید محمد بن أحمد بن شعیب الحافظ حدثنا أبو نصر منصور بن محمد بن أحمد البخاری حدثنا علی بن یوسف حدثنا أبو صفوان إسحاق بن أحمد النجاری حدثنا مکی بن إبراهیم حدثنا عثمان الشحام عن سلمة بن الأکوع قال: بینما النبی ببقیع الغرقد وعلی معه، فحضرت الصلاة، فمر به جعفر فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: یا جعفر صل جناح أخیک. فصلی النبی بعلی و جعفر، فلما انفتل من صلاته قال: یا جعفر هذا جبرئیل یخبرنی عن رب العالمین أنه صیر لک جناحین أخضرین مفصصین بالزبرجد و الیاقوت تغدو و تروح حیث تشاء قال علی: فقلت: یا رسول الله هذا لجعفر فما لی قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: یا علی أ و ما علمت أن الله عزوجل خلق خلقا من أمتی یستغفرون لک إلی یوم القیامة؟ قال: علی: و من هم یا رسول الله؟ قال: قول الله عزوجل فی کتابه المنزل علی: «وَ الَّذِینَ جاؤُ مِنْ بَعْدِهِمْ یقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ، وَ لا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّک رَؤُفٌ رَحِیمٌ» فهل سبقک إلی الإیمان أحد یا علی؟).

۲-۵- مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله[۱]

«مواسات» یعنی دیگری را در مال خویش شریک قرار دادن، تا آن جا که هرگونه خود از مال خویش استفاده و در آن تصرف می‌کند، دیگری نیز چنان باشد.

ابن‌منظور (م. ۷۱۱ ق) درباره فعل «آسی» می‌نویسد:

آساه بماله: انا له منه و جعله فیه أسوة؛

بخشی از مال خویش در اختیار او گذارد و او را در استفاده از مال خود مساوی با خود قرار دهد.

و برخی گفته‌اند:

مواسات وقتی است که شخص به اندازه کفاف خود داشته باشد نه بیش‌تر، و دیگری را در همان مقدار کفاف شریک سازد؛ اما اگر افزون از اندازه کفاف داشت و از آن مال افزون به کسی داد، «مواسات» نیست.[۲]

یادآوری می‌شود بر اساس آموزه‌های دینی، مواسات، به امور مالی اختصاص ندارد، بلکه کمک‌رسانی به یک‌دیگر در حوزه‌های گوناگون است. این‌که انسان، بخشی از مال و امکانات معیشتی و رفاهی و مسافرتی و تفریحی خویش را در اختیار دیگران بگذارد، این عمل از جایگاه ارزشی بالایی برخوردار است و از قرآن و سنت نبوی سرچشمه می‌گیرد و یکی از صفات بارز و کامل پرهیزگاران شمرده شده است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

متقین کسانی هستند: ... در اموال آن‌ها حقی است برای سائل و محروم.[۳]

مقصود از حق معلوم در این آیه، غیر از زکات واجب است[۴] و به تعبیر بعضی

---

۱. و واستني بمالها إذ حرمني الناس.

۲. *لسان العرب*، واژه «آسی».

۳. سوره ذاریات، آیه ۹۱(... وَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ) «سائل» کسی است که از مردم تقاضای کمک می‌کند، ولی «محروم» شخص آبرومندی است که برای معیشت خود نهایت تلاش را به خرج می‌دهد، اما دستش به جایی نمی‌رسد و کسب و کار و زندگیش به هم پیچیده است و با این حال خویشتن‌داری کرده، از کسی تقاضای کمک نمی‌کند. (برگزیده *تفسیر نمونه*، ج ۴، ص: ۹۳۵)

۴. همان.

از محققان، به معنای زکات باطنی و غیررسمی است[۱] و تفسیر آیه این است:

انسان‌های متقی که امکانات و ثروت مادی و اقتصادی دارند، افراد نیازمند جامعه را شناسایی و به کمک آن‌ها بشتابند خصوصاً به کمک کسانی که صورتشان را با سیلی سرخ نگه می‌دارند و از سؤال کردن و دست نیاز به سمت دیگران دراز کردن دوری می‌نمایند.

حضرت خدیجه علیها السلام که از طریق تجارت، ثروت فراوانی به دست آورده بود و از ثروتمندان قریش به حساب می‌آمد، بعد از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ایمان آوردن به آن حضرت، تمام ثروت خویش را در اختیار ایشان قرارداد تا در راه گسترش فرهنگ اسلام و حمایت از نیازمندان و بردگانی که به آن حضرت ایمان می‌آوردند و از ناحیه مشرکان در تحریم و فشار اقتصادی بودند، به مصرف رساند.

این عمل خداپسندانه حضرت خدیجه علیها السلام، هیچ‌گاه از یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌رفت، بدان جهت به عایشه فرمود:

او با مالش مرا یاری کرد، در زمانی که دیگران مرا تحریم نمودند.

۳-۵- فرزنددار شدن حضرت خدیجه علیها السلام[۲]

هدف نهایی از ازدواج و انتخاب همسر، حفظ حیات نوع بشر است؛ بر این اساس، در قرآن زنان به مزرعه تشبیه شده‌اند؛[۳] یعنی زن فقط وسیله اطفاء شهوت و هوس‌رانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر. این سخن در برابر آن‌هایی که به جنس زن هم‌چون یک بازیچه یا وسیله هوس‌بازی می‌نگرند، هشدار محسوب می‌شود؛ چنان‌که هدف نهایی از آمیزش جنسی، لذت و کام‌جویی محض نیست، بلکه باید از این موضوع، برای ایجاد

---

۱. محمدرضا حکیمی در «الحیات».

۲. ورزقنی الله ولدها إذ حرمنی أولاد النساء.

۳. فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ (سوره بقره، آیه ۲۲۳) دو همسر می‌توانند هرگونه و در هر زمان و مکان، از لذت جنسی بهره گیرند، (جز آن‌چه در قانون شرع ممنوع شده است).

و پرورش فرزندان شایسته، استفاده کرد و آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش فرستاد،[۱] بر این اساس، باید در انتخاب همسر، اصولی را رعایت نمود، از جمله آن‌که زنی را به همسری برگزید که «ولود» باشد. رسول گرامی اسلام فرمود:

> هنگامی که انسان می‌میرد، امید او جز از سه چیز قطع می‌شود: صدقات جاریه (اموالی که از منافع آن مرتباً بهره‌گیری می‌شود) و علمی که از آن سود می‌برند و فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند.[۲]

رسول خدا از حضرت خدیجه علیها السلام، دارای فرزندان متعددی بودند که در رأس همه آن‌ها ام‌الائمه، صدیقه شهیده، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قراردارند و بقای نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این بانوی بزرگ است؛ ولی از همسران دیگر فرزندی نداشته به جز ابراهیم از ماریه قبطیه که آن هم از دنیا رفته بود.[۳] بر این اساس، هیچ زن دیگری از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌توانست جای حضرت خدیجه علیها السلام را بگیرد و بهتر از او باشد.

ب) گرامی‌داشت دوستان خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام بانویی بزرگ و دارای موقعیت بالای اجتماعی بود و دوستان فراوانی داشت که بعد از وفاتش به ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمدند و آن حضرت احترام ویژه‌ای برای آنان قائل می‌شدند و آن‌ها را گرامی می‌داشتند؛ بلکه بالاتر از آن، هدایایی برای آنان می‌فرستادند و از این طریق ارادتشان را به همسر باوفایشان ابراز می‌کردند روایات متعددی در این زمینه در منابع اهل‌سنت وجود دارد که به

---

۱. وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ (با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح، آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید).

۲. *مجمع البیان*، ج ۱، ص ۳۲۱ (اذا مات الانسان انقطع امله الا عن ثلاث: صدقة جارية و علم ينتفع به و ولد صالح يدعوا له).

۳. رک: *المناقب ابن شهرآشوب*، ج ۱، ص ۱۴۰ (ولد من خديجة القاسم و عبد الله وهما: الطاهر والطيب، وأربع بنات: زينب، ورقية، وأم كلثوم وهى آمنة، وفاطمة وهى أم أبيها. ولم يكن له ولد من غيرها إلا إبراهيم من مارية، ولد بعالية فى قبيلة مازن فى مشربة أم إبراهيم، ويقال ولد بالمدينة سنة ثمان من الهجرة ومات بها وله سنة وعشرة أشهر وثمانية أيام وقبره بالبقيع).

چنـد مـورد اشـاره میشـود:

روایت اول: از عایشه نقل میکند:

روزی پیرزنـی بـه دیـدار پیامبـر ﷺ آمـد، حضـرت از او سـؤال کردنـد: «کیسـتی؟» زن گفـت: «جثامـه مزنیـه». رسـول خـدا فرمـود: «بلکـه شـما حسـانه مزنیـه[۱] هسـتی. حـال شـما چطـور اسـت؟ وضـع زندگیتـان چگونـه اسـت؟» زن گفـت: «خـوب اسـت پـدر و مـادرم فدایـت بـاد!» وقتـی آن زن از پیـش پیامبـر ﷺ رفـت، پرسـیدم: «ایـن پیـرزن کـی بـود کـه اینگونـه بامحبـت بـا وی برخـورد کردیـد و احترامـش نمودیـد؟» پیامبـر ﷺ فرمـود: «او در زمـان خدیجه ﷺ بـه مـا سـر میزد و بـه دیـدار خدیجـه ﷺ میآمـد وان حسـن العهـد مـن الایمـان».[۲]

توضیح روایت

در آموزههـای دینـی، تأکیـد فراوانـی بـه وفـای بـه عهـد شـده و دارای مصادیـق فراوانـی اسـت؛ از جملـه، پیمـان دوسـتی کـه افـراد یـا ملـل و حکومتهـا بـا یکدیگـر میبندنـد و رعایـت آن بـریکدیگـر لازم اسـت. ایـن موضـوع، بـه پیمـان مسـلمانها بـا یکدیگـر اختصـاص نـدارد، بلکـه در مقابـل دشـمن نیـز وفـای بـه عهـد واجـب اسـت. حضـرت علـی ﷺ در نامـه بـه مالـک اشـتر میفرمایـد:

۱. حسـانه مزنیة کـه نـام اصلیاش «جثامـه» بـوده، و پیامبر ﷺ آن را بـه «حسـانه» تغییرداده یکـی از دوسـتان حضـرت خدیجـه ﷺ بـود و بـا آن بانـوی بـزرگ رفـت وآمـد داشـت. بـدان جهـت پیامبر احـترام ویـژهای بـرای او قائـل بودنـد و بـه او لطف محبت میکردنـد و هدایایی را برایـش میفرسـتادند.

۲. *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۱۱ (أخبرنا عبد الوارث بن سفيان، حدثنا قاسم بن أصبغ، حدثنا محمد بن يونس، حدثنا الضحاك بن مخلد، حدثنا صالح بن رستم، حدثنا ابن أبي مليكة، عن عائشة، قالت: جاءت عجوز إلى النبي ﷺ فقال لها: من أنت؟ قالت: أنا جثامة المزنية. قال: بل أنت حسانة المزنية، كيف حالكم؟ كيف كنتم بعدنا؟ قالت: بخير، بأبي أنت وأمي يا رسول الله! فلما خرجت قلت: يا رسول الله، تقبل على هذه العجوز هذا الإقبال! قال: إنها كانت تأتينا أيام خديجة، وإنّ حسن العهد من الإيمان) حاکم نیشابوری بعد از نقل این حدیث نوشته است: هذا حديث صحيح على شرط الشيخين فقد اتفقا على الاحتجاج برواته في أحاديث كثيرة وليس له علة (*مستدرک صحیحین*، ج ۱، ص ۱۶).

مالکا، اگر میان خود و دشمنت تعهدی بستی یا ضمانتی از خود برای او پوشانیدی، عهد خود را باوفا حفظ کن و ضمانتی که نموده‌ای، با امانت مراعات نما و شخصیتت را سپر وفای به عهدی که بسته‌ای قرار بده؛ زیرا در میان واجباتی که خداوند مقرر فرموده است، هیچ‌یک از آن‌ها مانند وفای به عهد مورد اتفاق مردم نیست.[۱]

رسول گرامی اسلام که دارای خلق قرآنی بودند و خداوند متعال با تعبیر (آنک لعلی خلق عظیم) ایشان را می‌ستاید، نسبت به زنی که رابطه دوستی با حضرت خدیجه علیها السلام داشت و به ملاقات آن حضرت می‌آمد با تجلیل و تکریم برخورد می‌کردند و آن را از جزئی از ایمان به حساب می‌آوردند و می‌فرمودند: «ان حسن العهد من الایمان» و در بعض روایات آمده: «ان کرم العهد من الایمان» و در معنای آن گفته شده است: «ای رعایة المودة».[۲]

نووی از بزرگان اهل‌سنت و شارح *صحیح مسلم* می‌نویسد:

و فی هذا الحدیث و نحوه دلالة لحسن العهد وحفظ آلود ورعایة حرمة الصاحب والمعاشر حیاً ومیتاً، وإکرام معارف ذلک الصاحب.[۳]

روایت دوم: انس بن مالک خدمتگزار مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید:

هرگاه کسی هدیه‌ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرستاد، و می‌فرمودند: «قسمتی از آن را برای فلان خانم ببرید؛ زیرا او از دوستان خدیجه علیها السلام بود و خدیجه علیها السلام را دوست می‌داشت».[۴]

روایت سوم: عایشه می‌گوید:

---

۱. *نهج البلاغه*، نامه ۵۳ «وان عقدت بینک و بین عدوّک عقدة او البسته منک ذمّة فحط عهدک بالوفاء ...».

۲. *لسان العرب*، ج ۳، ص ۳۱۲.

۳. *عمدة القاری*، ج ۱۶، ص ۲۱۸.

۴. *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۱۱. و روی ثابت، عن أنس، قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا أهدیت إلیه هدیة قال: اذهبوا ببعضها إلی فلانة، فإنّها کانت صدیقة لخدیجة، وإنها کانت تحبّ خدیجة.

به هیچ زنی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اندازه خدیجه علیهاالسلام غیرتی نبودم، در حالی که او را ندیده بودم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراوان از وی یاد می‌کردند و هرگاه گوسفندی ذبح می‌فرمود، بخشی از آن را برای دوستان خدیجه علیهاالسلام به عنوان هدیه می‌فرستادند و من از این رفتار ایشان غیرتی می‌شدم و از روی اعتراض به آن حضرت می‌گفتم: «گویا در دنیا هیچ زنی به جز خدیجه علیهاالسلام وجود نداشت» (که این‌همه به یادش هستید و به دوستانش محبت می‌کنید؟) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جواب می‌فرمود: «آن‌ها کانت و کانت، وکان لی منها ولد».[1]

در نقل دیگر آمده که عایشه گفت:

به هیچ زنی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اندازه خدیجه علیهاالسلام غیرتی نبودم، با این که او قبل از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با من، از دنیا رفته بود؛ زیرا اولاً پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از وی یاد می‌کردند و ثانیا از جانب خدا بشارت خانه بهشتی به خدیجه علیهاالسلام دادند و ثالثاً هرگاه گوسفندی ذبح می‌کردند، هرچه قدر که نیاز داشتند برای دوستان خدیجه علیهاالسلام هدیه می‌فرستادند.[2]

توضیح روایت

این دو روایت، در *صحیح بخاری* نقل شده که از معتبرترین کتب حدیثی اهل‌سنت به حساب می‌آید.

ابن‌حجر عسقلانی در توضیح عبارت «انها کانت وکانت» می‌نویسد: «أی کانت فاضلة وکانت عاقلة ونحو ذلک».[3]

---

۱. *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۲۳۰ (حدثنی عمربن محمد بن حسن حدثنا أبی حدثنا حفص عن هشام عن أبیه عن عائشة رضی الله عنها قالت ما غرت علی أحد من نساء النبی صلی الله علیه و آله و سلم ما غرت علی خدیجة وما رأیتها ولکن کان النبی صلی الله علیه و آله و سلم یکثر ذکرها وربما ذبح الشاة ثم یقطعها أعضاء ثم یبعثها فی صدائق خدیجة فربما قلت له کأنه لم یکن فی الدنیا الا خدیجة فیقول انها کانت وکانت وکان لی منها ولد)

۲. همان: حدثنا سعید بن عفیر حدثنا اللیث قال کتب إلی هشام عن أبیه عن عائشة رضی الله عنها قالت ما غرت علی امرأة النبی صلی الله علیه و آله و سلم ما غرت علی خدیجة هلکت قبل أن یتزوجنی لما کنت اسمعه یذکرها وأمره الله أن یبشرها ببیت من قصب وإن کان لیذبح الشاة فیهدی فی خلائلها منها ما یسعهن.

۳. *فتح الباری*، ج ۷، ص ۱۰۳.

عینی نیز نوشته است: «أنها کانت، أی: أن خدیجة کانت، وکانت أی: کانت فاضلة، وکانت عاملة وکانت تقیة و نحوها ذلک».[۱]

بنابراین مقصود پیامبر صلی الله علیه وآله، از این جمله، آن است که آن بانوی بزرگ و نمونه، واجد همه فضایل و کمالات بوده است: در ایمان و دین‌داری، در همسرداری، در تربیت فرزند، در هم‌راهی و هم‌گامی، در وفا، در فضیلت و تقوا، در تدبیر و هوشمندی، در عفت و پاک‌دامنی، در عبادت و بندگی، در ایثار و بخشندگی.

و مقصود از جمله: «وکان لی منها ولد»، ممکن است همان مضمون عبارت قبلی «ورزقنی الله ولدها إذ حرمنی أولاد النساء» باشد که توضیح آن گذشت.

عینی از شارحان *صحیح بخاری* می‌نویسد: «قوله: (وکان لی منها) أی: من خدیجة: (ولد) وقد ذکرنا أن جمیع أولاده من خدیجة إلاّ ابنه إبراهیم فإنه من ماریة القبطیة».[۲]

و ممکن است اشاره به وجود مبارک حضرت فاطمه علیهاالسلام باشد که ام‌الائمه و کوثر قرآن بوده‌اند و حضرت خدیجه علیهاالسلام صدف این کوثر.

ج) محبت به خواهر خدیجه علیهاالسلام

از موارد علاقه پیامبر صلی الله علیه وآله به حضرت خدیجه علیهاالسلام، محبت به خواهر آن بانو بود که با دیدن او، به یاد همسر باوفایش می‌افتادند و احترام خاصی برای او قائل بودند.

بخاری می‌گوید:

> و قال إسماعیل بن خلیل أخبرنا علی بن مسهر عن هشام عن أبیه عن عائشة رضی الله عنها قالت استأذنت هالة بنت خویلد أخت خدیجة علی رسول‌الله صلی الله علیه وآله فعرف استئذان خدیجة فارتاع لذلک فقال اللهم هالة قالت فغرت فقلت ما تذکر من عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین هلکت

---

۱. *عمدة القاری*، ج ۱۶، ص ۲۱۸.

۲. همان.

فی الدهر قد أبدلک الله خیراً منها؛[۱]

عایشه می‌گوید: روزی هاله خواهر خدیجه علیها السلام، به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و اجازه ورود خواست، آن حضرت با خوش‌حالی به استقبالش رفتند و با او با محبت برخورد کردند. من از این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غیرتی شدم و به آن حضرت گفتم: چه شده تورا که از پیرزنی از پیرزنان قریش یاد می‌کنی که براثر پیری، گونه‌هایش سرخ و فرورفته و سال‌هاست از دنیا رفته در حالی که خداوند بهتر از او را به شما داده است![۲]

توضیح روایت

«فعرف استئذان خدیجة»، یعنی به یاد استیذان خدیجه علیها السلام افتاد، چون صدای هاله شبیه صدای خواهرش خدیجه علیها السلام بوده است.[۳]

«ارتاع»، از «روع»، به معنای «فزع» است و کنایه از تغییر و دگرگونی است که در چهره شخص ظاهر می‌شود، و در بعض نسخه‌ها «ارتاح» ثبت شده و به معنای سرور و خوش‌حالی خاصی است که در شخص ظاهر می‌شود.[۴]

«اللهم هالة»: این جمله را دو جور معنا کرده‌اند

یکم: خدایا او را هاله قرار بده یا- خدا کند که هاله باشد[۵] (که از علاقه بسیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به هاله خواهر خدیجه علیها السلام حکایت دارد که آن حضرت مشتاق دیدار او بودند تا با دیدنش خاطرات حضرت خدیجه علیها السلام برایشان تجدید گردد).

دوم: این هاله است[۶] (کنایه از شباهت زیاد صدای هاله با صدای حضرت

---

۱. *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۲۳۱.

۲. *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۲۳۰.

۳. *فتح الباری*، ج ۷، ص ۱۰۷ (أی صفته لشبه صوتها بصوت أختها فتذکر خدیجة بذلک).

۴. همان (من الروع بفتح الراء أی فزع والمراد من الفزع لازمه وهو التغیر، وقع فی بعض الروایات ارتاح بالحاء المهملة أی اهتز لذلک سرورا).

۵. (اجعلها هاله فعلی هذا فهو منصوب).

۶. (هذه هالة وعلی هذا هو مرفوع).

خدیجه ﴿؏﴾ است که پیامبر ﷺ فوراً متوجه این صدا می‌شوند و او را می شناسند).

صدیقه امت

صداقت و راست‌گویی از ویژگی‌های بسیار مهم مردان و زنان باایمان است. نشانه صفای باطن، قلب سلیم و نفس پاکیزه است. حضرت خدیجه ﴿؏﴾ از این ویژگی مهم برخوردار بود و پیامبر ﷺ با تعبیر «هذه صدیقة امتی» او را وصف می‌فرمایند و بر صدیقه بودنش گواهی می‌دهند.

ابن‌عساکر نقل کرده است:

عن ابن عمر قال: نزل جبریل علی رسول الله ﷺ بما أرسل به وجلس یحدث رسول الله ﷺ إذ مرت خدیجة بنت خویلد فقال جبریل من هذه یا محمد قال: "هذه صدیقة أمتی" قال جبریل: معی إلیها رسالة من الرب تبارک‌وتعالی یقرئها السلام ویبشرها ببیت فی الجنة من قصب بعید من اللهب لا نصب فیه ولا صخب؛

عبدالله بن عمر می‌گوید: جبرئیل امین بر پیامبر ﷺ نازل شد و وحی الهی را بر ایشان ابلاغ کرده و کنار پیامبر ﷺ نشسته، مشغول صحبت کردن با آن حضرت گردید. که در این هنگام خدیجه ﴿؏﴾ از کنار آنان رد شد. جبرئیل از پیامبر ﷺ پرسید: «این زن کیست؟» فرمود: «این صدیقه امتم است». جبرئیل گفت: «من حامل پیامی از جانب پروردگار برای او هستم و آن پیام این است که خداوند فرمود: سلام مرا به خدیجه ﴿؏﴾ برسان و او را به خانه‌ای در بهشت بشارت بده که از لهوولعب به دور است، خانه آرام، بدون سروصدا و بدون رنج و سختی».[1]

نکته جالب‌توجه این است که دختر این بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه ﴿؏﴾ نیز به «صدیقه» ملقب بودند. مرحوم کلینی در یک روایت

---

۱. *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۷۰، ص ۱۱۸.

صحیح‌السند از امام هفتم نقل کرده: «ان فاطمة صدیقة شهیدة».[۱]

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام از بانوان بزرگ جهان و از زنان نامور تاریخ اسلام به حساب می‌آید. ایشان از جهات مختلف، الگوی بسیار مناسب برای تمام زنان عالم به ویژه زنان مسلمان هستند. وی دارای کمالات بسیار بالای انسانی و الهی بود و توانست به مقامات معنوی ویژه‌ای دست یابد و از جایگاه خاصی نزد رسول گرامی اسلام برخوردار گردد.

پیامبری که به گواهی قرآن، تمام رفتار و گفتارش از وحی سرچشمه می‌گیرد و مصون از هرگونه خطا و اشتباه، تعلقات شخصی وخواسته‌های نفسانی است، احترام ویژه‌ای برای آن بانو قائل بودند.

بر اساس روایات منابع مهم حدیثی اهل‌سنت، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ارادت و وابستگی خاصی به حضرت خدیجه علیها السلام داشتند و با تمام وجود به او عشق می‌ورزیدند. این عشق و ارادت، اولاً بر اساس ملاک‌های دینی و ارزش‌های اسلامی بود، نه به جهت همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودن و ثانیاً یک احساس درونی نبود، بلکه همیشه آن را اظهار می‌نمودند و به دیگران اعلان می‌کردند و ثالثاً تنها به دوره حیات حضرت خدیجه علیها السلام اختصاص نداشت، بلکه بعد از وفات آن بانو نیز این محبت ادامه داشت.

---

۱. *کافی*، ج ۱، ص ۴۵۸ (محمد بن یحیی، عن العمرکی بن علی، عن علی بن جعفر أخیه، أبی الحسن علیه السلام قال: إن فاطمة صدیقة شهیدة وإن بنات الأنبیاء لا یطمثن.)

منابع

۱. ابن‌اثیر (م - ۶۰۶)، ***النهایه فی غریب الحدیث***، چاپ چهارم، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ ش.

۲. ابن‌الجوزی (م - ۵۹۷)، ***کشف المشکل عن حدیث الصحیحین***، دارالوطن للنشر، ریاض، ۱۴۱۸ ق.

۳. ابن‌المغازلی (م - ۴۸۳)، ***مناقب علی بن ابی‌طالب***، چاپ اول، انتشارات سبط النبی، ۱۳۸۴ ش.

۴. ابن‌حجر (م - ۸۵۲)، ***فتح الباری***، چاپ دوم، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت، بی‌تا.

۵. ابن‌حنبل (م - ۲۴۱)، ***مسند احمد***، دارصادر بیروت - لبنان، بی‌تا.

۶. ابن‌شهرآشوب (م - ۵۸۸)، ***مناقب آل ابی‌طالب***، المکتبة الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۷۶ ق.

۷. ابن‌عبد آلبر (م - ۴۶۳)، ***الاستیعاب***، چاپ اول، دارالجیل، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۸. ابن‌عساکر (م - ۵۷۱)، ***تاریخ مدینه دمشق***، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۹. ابن‌کثیر (م - ۷۷۴)، ***البدایه والنهایه***، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۱۰. ابن‌منظور (م - ۷۱۱)، ***لسان العرب***، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.

۱۱. الإربلی (م - ۶۹۳)، ***کشف الغمه***، چاپ دوم، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

۱۲. بخاری (م - ۲۵۶)، ***صحیح البخاری***، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، استانبول، ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱ م.

۱۳. برقی (م - ۲۷۴)، ***المحاسن***، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۰ ش.

۱۴. شیخ حرعاملی (م - ۱۱۰۴)، ***وسائل الشیعه***، مؤسسة آل البیت، قم، ۱۴۱۴ق.

۱۵. شیخ صدوق (م - ۳۸۱)، ***اکمال الدین و تمام النعمه***، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش.

۱۶. شیخ صدوق (م - ۳۸۱)، ***فضائل الاشهر الثلاثه***، دارالمحجة البیضاء،

بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۱۷. طبرانی (م - ۳۶۰)، *المعجم الکبیر*، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

۱۸. طیب سیدعبدالحسین (قرن پانزدهم)، *اطیب البیان*، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۱۹. عینی (م - ۸۵۵)، *عمدة القاری*، دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.

۲۰. فتال النیشابوری (م - ۵۰۸)، *روضة الواعظین*، منشورات الشریف الرضی، قم، بی‌تا.

۲۱. محمد بن یزید القزوینی (م - ۲۷۳)، *سنن ابن ماجه*، دار الفکر، بی‌تا.

۲۲. مسلم نیشابوری (م - ۲۶۱)، *صحیح مسلم*، دارالفکر، بیروت، بی‌تا.

۲۳. مکارم شیرازی (معاصر)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۲۴. مناوی (م - ۱۰۳۱)، *فیض القدیر*، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۲۵. هیثمی (م - ۸۰۷)، *مجمع الزوائد*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل‌سنت

روح‌الله باقر[1]

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ اسلام، اولین زن مسلمان دارای عظمت و شأن بالا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. از آن‌جایی که به فضایل این بانوی بزرگ کم‌تر، توجه شده و یا حتی در حق این بانو در بعضی از موارد ظلم شده است، در این مقاله به طور مختصر، از فضایل آن حضرت از کتب اهل‌سنت مواردی ذکر می‌گردد؛ از جمله سلام خداوند و جبرئیل بر ایشان، بشارت بهشت و خانه در بهشت برای حضرت خدیجه علیها السلام، و از جمله بافضیلت‌ترین زنان بهشت، بهترین زن دو جهان، یاد کردن زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این بانوی بزرگ و خشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مذمت حضرت خدیجه علیها السلام.

این موارد، حاکی از شأن و عظمت آن بانوی بزرگ نسبت به دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاقد این تعابیر هستند. این مقاله، هم‌چنین برتری این بانوی بزرگ اسلام را بر دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اثبات می‌رساند.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، فضائل، اهل‌سنت، افضلیت، بهترین زنان.

---

۱. کارشناس ارشد کلام اسلامی مجتمع عالی امام خمینی (ره).

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جایگاه والایی داشتند؛ ازاین‌رو، برای تکریم این بانوی بزرگوار، برخی از فضایل ایشان را از منابع اهل‌سنت به رشته تحریر درآوریم تا کمی از زحمت‌های این بانوی بزرگوار، قدردانی شود.

زندگی‌نامه حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام دختر خویلد (۶۸-۳ ق) نخستین همسر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مادر حضرت فاطمه علیها السلام و اولین زن ایمان‌آورنده به اسلام بود. نام کامل وی: خدیجه علیها السلام بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب به فهربن مالک بن نضربن کنانه. مادرش: فاطمه بنت زائده بن الأصم بن الهرم بن رواحه بن حجربن عبد بن معیص بن عامربن لؤی بن غالب بن فهربن مالک. خدیجه علیها السلام در سال ۶۸ قبل از هجرت در مکه به دنیا آمد. از القاب او در زمان جاهلیت، «طاهره» و «سیده قریش» بود.

طبق عقاید شیعه و برخی دیگر از مسلمانان و تاریخ‌نویسان اسلامی، خدیجه علیها السلام عزیزترین زن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. به گفته عایشه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه علیها السلام را بهترین همسر خود می‌دانست.[۱]

فضیلت

فضیلت [ف ض ل] (ع اِمص) به معنای رجحان، برتری، مزیت و فزونی است.[۲] «آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیزگردانید».[۳] «چه هرکه از خرد بهره دارد، فضیلت او بر وی پوشیده نماند».[۴] « چندانک اندک

---

۱. *مسند احمد بن حنبل*، ج ۶، ص ۱۱۷.
۲ . عبدالرحیم صفی پور شیرازی، *منتهی الارب*، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ش.
۳ . *کلیله و دمنه*.
۴ . همان.

مایه وقوف افتاده و فضیلت آن را بشناختم به رغبتی صادق و حرص غالب در تعلم آن می‌کوشیدم». [١]

اهل‌سنت

مذهب سنی، یکی از مذاهب دین اسلام است. اهل‌سنت و جماعت، معتقدند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، پس از خود جانشینی تعیین نکردند، باوجود این، آن‌ها احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم‌چون حدیث منزلت، حدیث ثقلین و وقوع غدیر خم را رد نمی‌کنند، ولی مناسبت آن‌ها را در مورد تعیین جانشینی علی بن ابی‌طالب تأیید نمی‌نمایند و معتقدند باید مسلمانان با تشکیل شورا یکی از افراد جامعه را به عنوان خلیفه خود برگزینند، هر چند برای تعیین خلفای بعدی، این اصل زیر پا گذاشته شد و اجماع صورت نگرفت. از این رو، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و قبل از تدفین ایشان، نخست با تشکیل شورا در سقیفه بنی‌ساعده، با این‌که همه مسلمانان یا نمایندگانشان در شورا شرکت نداشتند (از جمله عباس عموی پیغمبر و علی بن ابی‌طالب داماد ایشان)، طبق سنت شورا و بیعت، ابوبکر را که از صحابه و نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، برای خلافت انتخاب کردند.

منابع

مقصود از منابع، کتبی است که احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیت گرامیش در آن‌ها گرد آمده باشد.

پیشینه تحقیق

کتب بسیاری به زبان‌های عربی و فارسی، در مورد حضرت خدیجه علیهاالسلام به چاپ رسیده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

---

١ . همان.

الف) کتاب‌های فارسی:

۱. *زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اسلام* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نوشته عمادالدین حسین اصفهانی، چاپ ششم، تهران، نشر محمد، ۴۵۶ صفحه، ۱۳۶۸.

در این کتاب، جایگاه زن در جنبه‌ها و ادیان گوناگون، به ویژه از دیدگاه اسلام بررسی و تبیین شده است. نویسنده این کتاب پرمحتوا، به چند مبحث از جمله: «زنان اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، «زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، و نیز «شخصیت والای حضرت خدیجه علیهاالسلام» پرداخته است.

۲. *بزرگ زنان صدر اسلام*، نوشته احمد حیدری، چاپ اول، قم، انتشارت زمزم هدایت، ۳۳۶ صفحه، ۱۳۸۳.

نویسنده در این کتاب، شرح‌حال و سیره سیاسی، اجتماعی زنان صدر اسلام در دوران نبوت و امامت را گردآوری کرده است. برخی سرفصل‌های این اثر عبارتند از: «بانوان برگزیده جهان»، «همسران رسول خدا»، «مادران امامان علیهم‌السلام».

۳. شیوه همسرداری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به گزارش قرآن و سنت، نوشته احمد عابدینی، چاپ اول، تهران، انتشارات هستی نما، ۱۵۹ صفحه، ۱۳۸۰.

نویسنده در این کتاب، با استناد به آیات و روایات شیعه و اهل‌سنت، به بررسی چگونگی رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با همسران خود پرداخته و به مسائلی چون: عدالت، مدارا، سازگاری و گذشت در محیط خانواده اشاره کرده است.

۴. *فروغ آسمان حجاز*، نوشته علی کرمی فریدنی، خدیجه علیهاالسلام، چاپ اول، قم، نشر حاذق، ۵۸۴ صفحه، ۱۳۸۲.

این کتاب، تحقیقی است درباره زندگی‌نامه، فعالیت‌ها و شخصیت حضرت خدیجه علیهاالسلام. نویسنده نخست به ترسیم کلی سیمای ایشان، مراحل زندگی، نام‌ها و خاندان وی پرداخته و سپس رابطه عاطفی، و ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تحلیل کرده است. سیره خانوادگی خدیجه علیهاالسلام، دفاعیات او از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مقام معنوی و روحانی خدیجه علیهاالسلام، از مباحثی است که نویسنده، با تشریح آن‌ها کوشیده تا نقش حضرت را در دفاع از آزادی در آینه حق و عدالت

و گسترش اسلام بیان کند. نویسنده در بخش دیگر، به نوگرایی و روشن‌فکری، قدرت مدیریت، فداکاری، پاک‌دامنی، خردمندی آن بانو در آخر به سخنان برخی امامان معصوم ﴿ع﴾ درباره ایشان اشاره کرده است.

۵. ***حضرت خدیجه ﴿ع﴾، اسطوره ایثار و مقاومت***، نوشته محمد محمدی اشتهاردی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات نبوی، بهار ۲۸۷ صفحه، ۱۳۸۴.

این اثر نفیس، در سه فصل تنظیم شده است: فصل اول: «حضرت خدیجه ﴿ع﴾ از آغاز ولادت تا آغاز بعثت» (۵۵ سال)؛ فصل دوم: «خدیجه ﴿ع﴾، نخستین بانوی مسلمان و فداکاری‌های او در راه اسلام» (ده سال) و فصل سوم: «فضایل خدیجه ﴿ع﴾، فرزندان او، وصیت و رحلت جان‌سوز و مقامات او».

نویسنده در برگ‌های آغازین کتاب می‌نویسد: «قبل از نگاشتن این کتاب، تصویری که از مقام حضرت خدیجه ﴿ع﴾ در ذهن داشتم، مثلاً اگر دارای صد درجه بود، پس از بررسی‌ها و نوشتن این کتاب، با این‌که فهرستی از زندگی حضرت خدیجه ﴿ع﴾ است آن صد درجه، به هزار درجه رسید و قبلاً در آن دعای معروف که می‌گفتم: «الهی به‌حق فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها»، می‌افزایم: «و بحق امها»».

۶. ***هم‌سفر آفتاب***، واحد مطالعات و تحقیقات زنان مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، قم، ۴۶ صفحه، ۱۳۷۷.

این نوشتار، ویژه‌نامه‌ای است که به مناسبت درگذشت آن بزرگ بانو تدوین شده و به تبیین شخصیت والا و نقش ایشان در گسترش پیام الهی و آسمانی و استحکام پایه‌های اسلام با این سرفصل‌ها می‌پردازد: «حضرت خدیجه ﴿ع﴾ در تاریخ»؛ «زندگانی آن حضرت»؛ «فضایل ایشان»؛ «حمایت‌های اجتماعی و عملی و مالی از پیامبر ﴿ص﴾» و «نخستین خانواده اسلامی و برگزیده‌ای از ادب فارسی».

کتاب‌های عربی

۱. *زنان پیغمبر*، نوشته عایشه بنت الشاطی، ترجمه: محمدعلی خلیلی، ۲۶۸ صفحه، چاپ اول، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۳.

در این کتاب، شرح‌حال دوازده تن از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله درج شده است. از جمله خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد، سوده دختر زمعه، عایشه دختر ابوبکر، حفصه دختر عمرو...

۲. *حضرت خدیجه* علیهاالسلام، نوشته علی‌محمد علی دخیل، ترجمه: فیروز حریرچی، ۳۸ صفحه، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

در این نوشتار، جنبه‌های گوناگون زندگی، شخصیت و عظمت حضرت خدیجه علیهاالسلام همسر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با این عناوین بررسی شده است: «معرفی خدیجه علیهاالسلام در چند سطر»، «اسلام خدیجه علیهاالسلام در دوره رسالت»، «سیرت خدیجه علیهاالسلام»، «خدیجه علیهاالسلام در احادیث رسول گرامی»؛ «منزلت خدیجه علیهاالسلام نزد رسول» و «سخنان بزرگان و دانشمندان درباره خدیجه علیهاالسلام».

۳. *زن در زندگی پیامبر* صلی الله علیه و آله، نوشته بنت‌الهدی صدر، ترجمه: محمود شریفی، ۸۸ صفحه، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۳.

در این نوشتار، نقش زنانی بررسی شده که در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله مؤثر بوده‌اند. هم‌چنین، نظریه‌ها و دیدگاه‌های حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره زنان و دختران در کتاب درج شده است.

فضایل حضرت خدیجه علیهاالسلام در منابع اهل‌سنت

با مراجعه به کتب اهل‌سنت، درمی‌یابیم که مقام حضرت خدیجه علیهاالسلام به خوبی در کتب آن‌ها بیان شده است؛ مواردی از فضایل حضرت خدیجه علیهاالسلام در این کتب عبارتند از:

۱. سلام خداوند و جبرئیل بر حضرت خدیجه ؟ع؟

در *صحیح مسلم* از ابوهریره نقل شده که جبرئیل پیش پیغمبر آمد و عرضه داشت:

یا رَسُولَ اللهِ هذه خَدِیجَةُ قد أَتَتْک مَعَهَا إِنَاء فیه إِدَام أو طَعَام أو شَرَاب فإذا هِی أَتَتْک فَاقْرَأْ من رَبِّهَا عزوجل ومنی وَ بَشِّرْهَا بِبَیتٍ فی الْجَنَّةِ من قَصَبٍ لَا صَخَبَ فیه و لا نَصَبَ؛[۱]

حضرت خدیجه ؟ع؟ دارد پیش تو می‌آید و ظرفی از غذا و آب می‌آورد. وقتی حضرت خدیجه ؟ع؟ آمد، از طرف خدای عالم به او سلام برسان؛ از من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم خانه‌ای در بهشت برای او از تارهای طلا در نظر گرفته که در آن‌جا نه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت.

از این حدیث می‌توان دریافت که: مقام و جایگاه این بانوی بزرگوار، به قدری والا و عزیز است که خداوند و فرشته وحی به او سلام می‌رسانند و به او بشارت خانه در بهشت می‌دهند.

۲. بشارت بهشت دادن خداوند به حضرت خدیجه ؟ع؟

در کتاب *صحیح بخاری*، حدیث ۷۴۹۷ هم از ابوهریره نقل شده که جبرئیل گفت خدیجه ؟ع؟ دارد می‌آید:

قد أَتَتْ مَعَهَا إِنَاء فیه إِدَام أو طَعَام أو شَرَاب فإذا هِی أَتَتْک فَاقْرَأْ ؟ع؟ من رَبِّهَا وَ مِنِّی وَ بَشِّرْهَا بِبَیتٍ فی الْجَنَّةِ من قَصَبٍ لَا صَخَبَ فیه و لا نَصَبَ.[۲]

همین یک روایت، برای مقام والای حضرت خدیجه ؟ع؟ کافی است که خداوند به ایشان بشارت بهشت می‌دهد در اینجا از اهل‌سنت باید پرسید: در قضیه عشره مبشره که با آن آب‌وتاب بیان می‌شود که خداوند به ده نفر از صحابه بشارت بهشت داده که یک سند صحیح برای آن نمی‌شود پیدا کرد، چرا حتی

---

۱. *صحیح مسلم*، چاپ دارالطیبه ریاض، حدیث ۲۴۳۲.

۲. *صحیح بخاری*، ج ۳، ص ۱۳۸۹، حدیث ۳۶۰۹.

یک‌دفعه با وجود احادیث در مورد بشارت بهشت از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت خدیجه علیهاالسلام، این فضیلت بیان نمی‌شود و نام ایشان در عشره مبشره موجود نیست؟

۳. با فضیلت‌ترین زنان اهل بهشت

در کتاب *مسند احمد* از ابن عباس آمده:

خط رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فی الأرض أربعة خطوط قال أتدرون ما هذا قالوا الله و رسوله أعلم فقال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد و مريم بنت عمران و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون؛[1]

نبی مکرم با انگشتشان روی زمین چهار خط کشیدند و فرمودند: «بگویم معنای این چهار خط چیست؟» عرض کردند: «خدا و رسولش بهتر می‌دانند.» حضرت فرمود: «بافضیلت‌ترین زنان اهل بهشت؛ خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد، فاطمه بنت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مریم دختر عمران و آسیه بنت مزاحم همسر فرعون هستند».

نکته جالب در این روایت این است که از میان همسران پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فقط نام گرامی حضرت خدیجه علیهاالسلام در این روایت ذکر شده که جایگاه ویژه این بانوی بزرگ اسلام را نشان می‌دهد.

در ضمن از لحاظ سند روایت نیز محقق آن می‌گوید:

«اسناده صحیح رجاله ثقات رجال الصحیح؛ سند این روایت و رجال آن صحیح است و رجال آن از افراد مطمئن هستند».

۴. بهترین زنان دو جهان

ذهبی از انس چنین نقل می‌کند:

خير نساء العالمين مريم و آسية و خديجة بنت خويلد سيدة نساء أهل

---

۱. *مسند احمد بن حنبل*، ج ۴، ص ۷۷، حدیث شماره ۲۹۰۱

الجنـة بعـد مریـم فاطمـة و خدیجـة و امـرأة فرعـون آسـیة؛[1]

بهتریـن زنـان دو جهـان مریـم، آسـیه، خدیجـه ؟عها؟ و فاطمـه زهـرا ؟عها؟ سـرور زنـان اهـل بهشـت بعـد از مریم، فاطمـه و خدیجـه ؟عها؟ و همسـر فرعـون آسـیه هسـت.

محقق این روایت رجال آن را هم ثقه می‌داند.

۵. یاد کردن زیاد پیامبر ؟ص؟ از حضرت خدیجه ؟عها؟

عروه خواهرزاده عایشه به نقل از وی می‌گوید:

ما غِرْتُ لِلنَّبِی علی امْرَأَةٍ من نِسَائِهِ ما غِرْتُ علی خَدِیجَةَ لِکثْرَةِ ذِکرِهِ إِیاهَا و ما رَأَیتُهَا قَطُّ؛[2]

بـه هیچ‌کـدام از همسـران پیغمبـرماننـد خدیجـه ؟عها؟ حساسـیت نداشـتم؛ پیغمبـر او را زیـاد یـاد می‌کردنـد در حالـی کـه اصـلاً در عمـرم خدیجـه ؟عها؟ را ندیـدم.

ما غِرْتُ علی أَحَدٍ من نِسَاءِ النبی ما غِرْتُ علی خَدِیجَةَ و ما رَأَیتُهَا وَلَکنْ کان النبی یکثِرُ ذِکرَهَا وَرُبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ یقَطِّعُهَا أَعْضَاءً ثُمَّ یبْعَثُهَا فی صَدَائِقِ خَدِیجَةَ فَرُبَّمَا قلت له کأَنَّهُ لم یکنْ فی الدُّنْیا امْرَأَةٌ إلا خَدِیجَةُ فیقول إِنَّهَا کانت وَ کانَتْ و کان لی منها وَلَدٌ؛[3]

بـه هیچ‌کـدام از زن‌هـای پیغمبـر ماننـد حضـرت خدیجـه ؟عها؟ حساسـیت نداشـتم. پیغمبـر خیلـی بـه یـاد خدیجـه ؟عها؟ بودنـد؛ وقتـی گوسـفندی قربانـی می‌کردنـد، تکه‌تکـه می‌نمودنـد و بـه دوسـتان و بسـتگان حضـرت خدیجـه ؟عها؟ هدیـه می‌دادنـد. بـه قـدری پیغمبـر بـه یـاد حضـرت خدیجـه ؟عها؟ بودنـد و ذکـر خیـر او می‌کردنـد کـه گفتـم: «یـا رسـول‌الله، گویـا در دنیـا و آخـرت زنـی غیـر از خدیجـه ؟عها؟ وجـود نـدارد؟ او می‌فرمودنـد: «چنـان بـود و چنـان بـود و مـن از او بچـه داشـتم».

همان‌طـور کـه در روایـت واضـح اسـت پیامبـر ؟ص؟ بسـیار از خدیجـه ؟عها؟ یـاد

---

۱. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۷.
۲. *صحیح مسلم*، چاپ دارالطیبة عربستان سعودی، حدیث ۲۴۳۵.
۳. *صحیح بخاری*، حدیث ۳۸۱۸.

می‌کردند، به طوری که حسادت عایشه برانگیخته می‌شد.[1]

حاکم نیشابوری می‌گوید: «این روایت صحیح هست و شرایط مسلم و بخاری را دارد».

ابن عبد آلبر نیز از عایشه نقل می‌کند:

> كان رسول الله لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجة فيحسن الثناء عليها فذكرها يوما من الأيام فأدركتني الغيرة فقلت هل كانت إلا عجوزا؛[2]
>
> پیغمبر هر وقت می‌خواستند از خانه بیرون بروند، به یاد حضرت خدیجه علیها السلام بودند و از او تعریف می‌کردند. روزی خیلی از او یاد کردند، غیرتم به جوش آمد و گفتم: «آیا خدیجه علیها السلام پیرزنی بیش‌تر بود که این همه از او تعریف می‌کنید؟!»

۶. خشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مذمت خدیجه علیها السلام

از آن‌جایی که حضرت خدیجه علیها السلام از جایگاه والایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار بودند، نمی‌توانستند مذمت را کسی درباره او تحمل کنند و سریع عکس‌العمل نشان می‌دادند. روایات ذیل از منابع اهل‌سنت بیان می‌شود.

ابن عبدالبر می‌گوید:

> فقد أبدلك الله خيرا منها فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب لا و الله ما أبدلني الله خيرا منها آمنت بي إذ كفر الناس و صدقتني إذ كذبني الناس و واستني في مالها إذ حرمني الناس و رزقني الله منها أولادا إذ حرمني أولاد النساء وكان لي منها وَلَدٌ فقلت في نفسي لا أذكرها بسيئة أبدا؛
>
> هنگامی که عایشه گفت: «خدا بهتر از او را به شما داده است!» حضرت به قدری غضبناک شدند که موهای جلو سرشان از شدت غضب راست شد! و فرمود: «به خدا قسم، خدای عالم بهتر از خدیجه علیها السلام نصیب من

---

۱. *المستدرک*، ج ۳، ص ۲۰۵، حدیث ۴۸۵۵.

۲. *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، ابن عبد آلبر، با تحقیق علی محمد البجاوی، ج ۴، ص ۱۸۲۳.

نکرده است، او به من ایمان آورد، آن زمانی که مردم به من کفرورزیدند و مرا تصدیق کرد، آن وقتی‌که مردم تکذیبم کردند و تمام اموالش را در اختیار من گذاشت، آن وقتی‌که مردم مرا محرومم کردند و خدای عالم اولادی از او به من داد و از فرزندان دیگرزنان مرا محروم کرد. پس من در دلم گفتم: دیگر من از حضرت خدیجه علیهاالسلام بدی نخواهم گفت.

معلوم می‌شود که خود عایشه اعتراف دارد به این‌که به حضرت خدیجه علیهاالسلام بدی کرده و از او به بدی یاد نموده است.

ذهبی هم از عایشه نقل می‌کند:

وقتی پیغمبراز حضرت خدیجه علیهاالسلام نام می‌بردند، نمی‌توانستند ثنای او را نگویند و برای او استغفار نکنند. روزی از حضرت خدیجه علیهاالسلام سخن می‌گفتند که غیرت من به جوش آمد و گفتم: لقد عوضک الله من کبیرة السن فرأیته غضب غضبا أسقطت فی خلدی أسقطت فی خلدی و قلت فی نفسی إن أذهبت غضب رسولک عنی لم أعد أذکرها بسوء فلما رأی النبی ما لقیت قال کیف قلت و الله لقد آمنت بی إذ کذبنی الناس و آوتنی إذ رفضنی الناس و رزقت منها الولد و حرمتموه منی قالت فغدا و راح علی بها شهرا؛[1]

عوض این پیرزن، خدا زن جوانی نصیبت کرده! دیدم پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنان غضبناک شدند که من از حال طبیعی بیرون رفتم (غضب پیغمبربه قدری بود که دیگرفکرم کار نکرد)، پیش خودم گفتم: خدایا اگرغضب پیغمبرنسبت به من آرام بشود، دیگراز حضرت خدیجه علیهاالسلام بد نخواهم گفت! پیغمبردیدند من خیلی حالم خراب و دگرگون شد، فرمودند: «چطور چنین حرفی زدی؟! خدای عالم، خدیجه علیهاالسلام را به من داد. او به من ایمان آورد، در حالی که مردم تکذیبم می‌کردند، به من پناه داد در حالی که مردم مرا ترک کردند، خدای عالم از او به من فرزند داد، حال آن‌که از شما محروم شدم». پیغمبربه خاطراین اعتراض من، یک ماه با من قهربودند.

---

۱. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۲.

محقق این حدیث هم در پاورقی روایتش را معتبر می‌داند.

ابن‌جوزی باز همین تعبیر را می‌آورد:

کان رسول الله لا یکاد یخرج من البیت حتی یذکر خدیجة فیحسن علیها الثناء فذکرها یوما من الأیام فأدرکتنی الغیرة فقلت هل کانت إلا عجوزا قد أخلف الله لک خیرا منها قالت فغضب حتی اهتز مقدم شعره من الغضب ثم قال: لا والله ما أخلف الله لی خیرا منها؛[1]

پیغمبر اصلاً از خانه بیرون نمی‌رفتند، مگر این‌که از حضرت خدیجه عليها السلام یاد می‌کردند و از او به خوبی تعریف می‌نمودند. روزی که از حضرت خدیجه عليها السلام یاد کردند غیرت من به جوش آمد و گفتم: «مگر خدیجه عليها السلام پیرزنی بیش‌تر بود؟! خدا بهتر از او را به شما داده است!» پیغمبر غضبناک شدند، به طوری که موهای جلو سرشان از شدت غضب راست شد و فرمودند: «قسم به خدای عالم، خدای عالم همسری بهتر از خدیجه عليها السلام نصیب من نکرده است».

۷. امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه عليها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

به خدا سوگند! هرگز همسری بهتر از خدیجه عليها السلام به من ارزانی نشد؛ روزگاری که مردم به من کفر ورزیدند، او ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا دروغ‌گو می‌شمردند، به رسالتم شهادت داد و آن‌گاه که مردم مرا در محاصره قرار دادند، ثروت هنگفت خود را در راه هدف‌های من خرج کرد و خدا فرزندان مرا از نسل او قرار داد؛ نه دیگر زنان.[2]

در این حدیث، به یکی از دیگر از فضایل حضرت خدیجه عليها السلام اشاره شده و آن این که خداوند این لطف را در حق حضرت خدیجه عليها السلام کرد و ایشان را واسطه‌ای برای امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد. این فضیلت نیز از کتب

---

۱. *المنتظم فی تاریخ الملوک*، ابن جوزی، ج ۳، ص ۱۸.

۲. به نقل از: *سیره ابن هشام*، ج ۱، ص ۸۰.

اهل‌سنت آمده که از جایگاه والای این بانوی بزرگ حکایت می‌کند.

۸. حضرت خدیجه علیها السلام راوی حدیث

بیهقی تأکید دارد که روایت‌هایی از حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب‌های اهل‌سنت موجود است. او نقل می‌کند:

> خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: «ای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدا! در حال طواف برگرد خانه خدا چه دعایی را زمزمه کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بگو: بار خدایا! گناهانم را بیامرز و لغزش‌های خواسته و ناخواسته و زیاده‌روی در کارهایم را ببخشای».[۱]

۹. برترین بانوان امتم

منابع اهل‌سنت حضرت خدیجه علیها السلام را یکی از برترین زنان امت محمدی یاد کرده‌اند؛ از جمله، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

> برترین بانوان امتم، خدیجه علیها السلام است و برترین بانوان امت‌های گذشته، مریم بود.[۲]

حضرت خدیجه علیها السلام نه‌تنها به سبب همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودن بلکه به جهت داشتن عظمت و روح بلند از جایگاه ویژه‌ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار بودند و آن حضرت بیش‌تر به او توجه می‌کردند. اگر کسی او را مذمت می‌کرد، خشمگین می‌شدند و نمی‌گذاشتند کوچک‌ترین بی‌حرمتی به آن بانوی بزرگوار شود. ایشان حتی سال رحلت آن بانو را سال حزن قرار دادند؛ زیرا از فقدان خدیجه علیها السلام بسیار غمگین بودند.

اگر بدیده انصاف بنگریم، چنین بانوی بافضیلتی عادی نبود، بلکه برگزیده بانوان آن زمان و چنان لایق بود که امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طریق ایشان صورت پذیرفت.

---

۱. به نقل از: *الانوار الساطعة من الغراء الطاهره*، ص ۳۳۰.

۲. *مسند احمد بن حنبل*، به نقل از: محمدباقر ملبوبی، وقایع و الحوادث.

نتیجه

از فضایلی که منابع اهل‌سنت برای حضرت خدیجه علیهاالسلام بیان کرده‌اند، ثابت می‌شود که این بانوی بزرگ از شأن و جایگاه والایی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برخوردار بودند. این فضایل فقط مختص آن بانوی بزرگ اسلام بود که در دوران سختی و مشکلات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را همراهی کرد و باعث گسترش دین اسلام شد. لذا شایسته است در این زمینه تحقیقات بیش‌تری صورت پذیرد.

منابع

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد، ***المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک***، بیروت، دارالکتاب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۲. ابن عبد آلبر، ***الاستیعاب فی معرفة الاصحاب***، با تحقیق علی محمد البجاوی، بی جا، بی تا.

۳. ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری المعافری مشهور به جمال الدین (متوفی ۲۱۳ یا ۲۱۸ ق)، ***سیره ابن هشام***، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۹۷۱م.

۴. احمد بن حنبل، ***مسند احمد***، (۲۴۱ ه)، دار صادر، بیروت.

۵. حاکم نیشابوری، ***المستدرک***، تهران، چاپ اول، بی تا.

۶. شمس الدین الذهبی، ***سیر اعلام النبلاء***، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ دهم، ۱۴۱۴ ق.

۷. محمد بن اسماعیل بخاری، ***صحیح البخاری***، (۲۵۶ ه)، دار الفکر، بیروت، بی تا.

۸. مسلم بن حجاج نیشابوری، ***صحیح مسلم***، چاپ دارالطیبه، ریاض، بی تا.

۹. نیشابوری، حاکم، ***مستدرک علی الصحیحین***، جلد ۳، ص ۱۸۶، بی تا.

۱۰. شیخ غالب سیلاوی، ***انوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه*** علیها السلام ***بنت خویلد*** علیها السلام، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، ناشر: نویسنده.

۱۱. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، ***منتهی الارب فی اللغه العرب***، دانشگاه تهران، مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

حضرت خدیجه کبری ؊ در سخنان ابن‌تیمیه

عبدالمجید زهادت

چکیده

مقام منیع و جایگاه رفیع حضرت خدیجه کبری ؊ نزد مسلمانان بسیار آشکار است. او همسر باایمان، فداکار و ایثارگر پیامبر اکرم ﷺ و مادر صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا ؊ بود و به اتفاق فریقین و بر اساس روایات موثق، یکی از چهار بانوی با کرامت وعظمی است که سرور زنان بهشتی‌اند.

ابن‌تیمیه حرانی در سخنان خویش، در عین اعتراف به مقام و منزلت ویژه این بانو، لغزش‌هایی دارد؛ مانند بهشتی بودن تمام همسران نبی گرامی اسلام که با مراجعه به قرآن کریم و آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ خواهیم دید که همسری پیامبر به تنهایی نمی‌تواند موجب امتیاز و برتری باشد. دوم مفاضله بین خدیجه کبری ؊ و عایشه که در این مسأله نیز حتی با مراجعه به سخنان عایشه، روشن می‌شود که مقایسه و مفاضله از اساس ناتمام است.

واژگان کلیدی

خدیجه، امهات‌المومنین، ازواج‌النبی، افضلیت، ابن‌تیمیه، منهاج‌السنه، عقیده واسطیه.

مقدمه

حضرت خدیجه کبری ؊ همسر پیامبر اکرم ﷺ ام‌المؤمنین، دختر خویلد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب جد چهارم نبی گرامی اسلام بود. و

از طرف مادری نیز دختر فاطمه دختر زائده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی بن غالب جد هشتم پیامبر اعظم بود. زیرا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرزند عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بودند.[۱]

آن بانو قبل از اسلام، خود دارای جلالت شأن و عظمت جایگاه بود؛ حتی در زمان جاهلیت، به او صفت «طاهره» داده بودند: «كانَتْ خَدِيجَه تُدْعَى فِي الجَاهِلِيه الطَّاهِرَه»[۲] و نیز به او «سیده قریش» گفته می‌شد: «و یقال لها: سیده قریش».[۳] این لقب برای خدیجه کبری علیهاالسلام به قدری معروف بود که وقتی وی در سفر شام از بحیرا درباره جبرئیل سؤال کرد، وی در پاسخ او را «سیده قریش» خطاب نمود. بدرالدین عینی در شرح ***صحیح بخاری*** می‌نویسد:

> أنها رکبت إلی بحیرا بالشام فسألته عن جبریل علیه‌السلام فقال لها قدوس یا سیده قریش أنی لک بهذا الاسم[۴]

از نظر شوکت ظاهری نیز دارای مال فراوان همراه با بخشش و عطا به نیازمندان بود به طوری که او را «ام‌الصعالیک» و «ام‌الیتامی» می‌خواندند.[۵]

اما علو مقام و رفعت جایگاه او، آنگاه به اوج می‌رسد که همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مادر صدیقه کبری »ام‌الائمه» و اول مؤمنه بود. او به اتفاق فریقین، یکی از چهار بانویی است که سرور زنان بهشت هستند. به نقل اسقف نصارای نجران در داستان مباهله، در معرفی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت عیسی علیه‌السلام از همسرش خدیجه کبری علیهاالسلام به مبارکه و همدم و هم‌نشین با مریم در بهشت تعبیرشده است: «نسله من مبارکه وهی ضره امک فی الجنه».[۶]

در این نوشتار، بانوی با مجد و کرامت و خاتون دو سرا از دیدگاه ابن‌تیمیه

---

۱. ابونعیم اصفهانی، *معرفة الصحابة*، ج ۶، ص ۳۲۰.
۲. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۳، ص ۱۳۱.
۳. عاملی، *الصحیح من سیره النبی الاعظم*، ج ۲، ص ۱۹۱.
۴. عینی، *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*، ج ۱، ص ۶۴.
۵. محمد محمدی، *حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اسوه مقاومت*، ۱۳۸۴.
۶. مفید، *الاختصاص*، ص ۱۱۳؛ کورانی، *جواهر التاریخ السیره النبویه عند اهل البیت* علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۴۷۷.

حرانی (م ۸۲۸) بررسی می‌گردد. وی شیخ‌الاسلام گروهی از اهل سنت است و به برخی از آثار او مانند ***عقیده واسطیه*** و بعضی از شروح آن و ***منهاج السنه*** و مجموعه فتاوا پرداخته می‌شود. ابن‌تیمیه نیز مانند سایر سنی‌ها، به مقام و منزلت این بانوی باعظمت اسلام اعتراف دارد اما لغزش‌هایی از جمله در مفاضله بین او و برخی از همسران نبی مکرم اسلام ﷺ در سخنانش دیده می‌شود که به روشن‌گری نیاز دارد.

خدیجه کبری ﷺ در سخن ابن‌تیمیه

ابن‌تیمیه جایگاه والای حضرت خدیجه ﷺ را به عنوان زوجه پیامبر هم در دنیا هم در آخرت و به عنوان مادر اکثر فرزندان پیامبر و اولین شخصی معرفی کرده که به ایشان ایمان آورد و آن حضرت را یاری نمود و دارای جایگاه والایی به خاطر پیامبر بود:

> وَ (اهل السنه) يتَوَلَّوْنَ أَزْوَاجَ رَسُولِ اللهِ ﷺ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يؤْمِنُونَ بِأَنَّهُنَّ أَزْوَاجُهُ فِي الْآخِرَه خُصُوصًا خَدِيجَه رَضِى اللهُ عَنْهَا أُمَّ أَكثَرِ أَوْلَادِهِ وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ وَعَاضَدَهُ عَلَى أَمْرِهِ وَكانَ لَهَا مِنْهُ الْمَنْزِلَه الْعَالِيه وَالصِّدِّيقَه بِنْتُ الصِّدِّيقِ رَضِى اللهُ عَنْهُمَا الَّتِى قَالَ فِيهَا النَّبِى ﷺ فَضْلُ عَائِشَه عَلَى النِّسَاءِ كفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ.[۱]

توضیح و بررسی

ابن‌تیمیه مطالبی در این عبارت مطرح کرده که هریک به صورت جداگانه، به توضیح و بررسی نیاز دارد:

۱. امهات‌المومنین

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم (وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ)،[۲] همسران نبی اکرم ﷺ

---

۱. ابن تیمیه، *مجموع الفتاوی*، ج ۳، ص ۱۵۴؛ العثیمین، *شرح العقیده الواسطیه*، ص ۳۸۷.
۲. سوره احزاب، آیه ۶.

را ام‌المومنین می‌خوانند. این لقب متضمن احکام فقهی خاصی است؛ از جمله حرمت ازدواج با آنان بعد از وفات پیامبر همان‌گونه که بعد از مرگ پدر، ازدواج با مادر حرام است ونیز سؤال از آنان از پشت پرده وعدم رویارویی با آنان. قرآن کریم می‌فرماید:

یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیوتَ النَّبِی إِلاَّ أَنْ یؤْذَنَ لَکمْ إِلی طَعامٍ غَیرَ ناظِرِینَ إِناهُ وَ لکنْ إِذا دُعِیتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَ لا مُسْتَأْنِسِینَ لِحَدِیثٍ إِنَّ ذلِکمْ کانَ یؤْذِی النَّبِی فَیسْتَحْیی مِنْکمْ وَ اللهُ لا یسْتَحْیی مِنَ الْحَقِّ وَ إِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِکمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِکمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ ما کانَ لَکمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللهِ وَ لا أَنْ تَنْکحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً إِنَّ ذلِکمْ کانَ عِنْدَ اللهِ عَظِیماً[1]

یکی از احکام خاص آنان منع خروج از خانه بعد از نبی گرامی اسلام است و خدای تعالی به آنان ملازمت در خانه را امر می‌کند:

وَ قَرْنَ فِی بُیوتِکنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیه الْأُولی وَ أَقِمْنَ الصَّلاه وَ آتِینَ الزَّکاه وَ أَطِعْنَ اللهَ وَ رَسُولَهُ.[2]

این معنا برای امهات‌المومنین و احکام فقهی خاص و جایگاه ویژه آنان، نزد فریقین مسلم است.[3]

باید توجه داشت که همسربودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عین حال که افتخاری بس ارجمند است، به هیچ‌وجه مصونیت و سلب مسئولیت از آن‌ها نمی‌کند؛ بلکه در صورت تخلف از موازین دینی، کیفرآنان دوچندان است؛ همان‌گونه که به‌واسطه جایگاه انتساب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پاداش کارهای نیک هم برای آنان دوچندان خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید:

یا نِساءَ النَّبِی مَنْ یأْتِ مِنْکنَّ بِفاحِشَه مُبَینَه یضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَینِ

---

۱. سوره احزاب، آیه ۵۳.
۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.
۳. قاری حنفی، شرح الشفاء، ج ۲، ص ۸۲؛ عبدالمنعم، *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیة*، ج ۱، ص ۲۹۸؛ مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۶، ص ۳۸۹.

وَ کانَ ذلِک عَلَی اللهِ یسِیراً * وَ مَنْ یقْنُتْ مِنْکنَّ لِلّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صالِحاً نُؤْتِها أَجْرَها مَرَّتَینِ وَ أَعْتَدْنا لَها رِزْقاً کرِیماً[۱]

علاوه بر بیان ملاک و ضابطه کلی، قرآن کریم به برخی از مصادیق نیز پرداخته و به روشنی حکایت همسر نوح و همسر لوط را بیان می‌کند که اهل نجات نیستند؛ در مقابل زنی که اهل نجات است ولی همسر فردی به شمار می‌آید که مخالف سرسخت دعوت توحیدی پیامبران است:

ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً لِلَّذِینَ کفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ کانَتا تَحْتَ عَبْدَینِ مِنْ عِبادِنا صالِحَینِ فَخانَتاهُما فَلَمْ یغْنِیا عَنْهُما مِنَ اللهِ شَیئاً وَ قِیلَ ادْخُلا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِینَ * وَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً لِلَّذِینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَک بَیتاً فِی الْجَنَّه وَ نَجِّنِی مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ.[۲]

۲. ازواج النبی فی الاخره خصوصاً خدیجه علیهاالسلام

بهشتی بودن خدیجه کبری علیهاالسلام نزد فریقین، از مسلمات است و روایات فراوانی، دلالت دارد براین‌که خدیجه کبری علیهاالسلام یکی از چهار بانویی است که سرور زنان بهشتی‌اند. حال درباره وضعیت دیگر همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخرت چه عقیده‌ای باید داشته باشیم؟

اگر دلیل خاصی بر بهشتی بودن فردی از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نداشتیم، راه چاره رجوع به ضابطه کلی است و قرآن کریم تقوای الهی را ملاک قرار داده است: (یا نِساءَ النَّبِی لَسْتُنَّ کأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیتُنَّ) یعنی زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در صورتی مقام و جایگاهشان از دیگر زنان بالاتر است که بیش‌تر از دیگران تقوا را رعایت کنند و درباره دین خداوند با احتیاط‌تر باشند و صرف انتساب کافی نیست.[۳]

---

۱. سوره احزاب آیه ۳۰ و ۳۱.

۲. سوره تحریم، آیات ۱۰ و ۱۱.

۳. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، ص ۳۰۹؛ ابن جوزی، *زادالمسیر فی علم التفسیر*، ج ۳، ص

اما ابن‌تیمیه مانند دیگر سنیان، همه زنان پیامبر را بهشتی می‌داند و این را از عقاید اهل سنت می‌شمارد: (وَیؤْمِنُونَ بِأَنَّهُنَّ أَزْوَاجُهُ فِی الْآخِره).

محمد بن صالح العثیمین می‌گوید:

لقوله تعالی: الَّذِینَ یحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یؤْمِنُونَ بِهِ وَ یسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا وَسِعْتَ کلَّ شَیءٍ رَحْمَه وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَک وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ * رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیاتِهِمْ إِنَّک أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکیمُ.[1] فقال: وَ أَزْواجِهِمْ، فأثبت الزوجیه لهن بعد دخول الجنه، وهذا یدل علی أن زوجه الإنسان فی الدنیا تکون زوجته فی الآخره إذا کانت من أهل الجنه.[2]

پاسخ: انتساب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در فرض ایمان و عمل صالح، امتیاز ویژه دارد، اما آیا صرف انتساب و همسری بدون ایمان و عمل صالح (وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ) وتقوای الهی (إِنِ اتَّقَیتُنَّ) می‌تواند امتیاز خاص برای زنان پیامبر و سبب بهشتی شدن آنان باشد؟

همراهی و همسری در بهشت، مشروط به اهلیت است و بر همین اساس شارح می‌گوید: «أن زوجه الإنسان فی الدنیا تکون زوجته فی الآخره إذا کانت من أهل الجنه»، بنا بر این تمسک به آیه ۷ و ۸ سوره غافر در کلام العثیمین، از باب تمسک به عموم عام در شبهه مصداقیه است.

سایر مستندات اهل سنت

اگر برای بهشتی بودن همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آیه تطهیر استناد شود، همان‌گونه که ملاعلی قاری حنفی (م ۱۰۱۴ق) برای توقیر و بزرگداشت آنان در *شرح الشفا بتعریف حقوق المصطفی* نوشته، قاضی عیاض (م ۵۴۴) می‌گوید: «و

.۴۶۱

۱. سوره غافر، آیات ۷ و ۸.

۲. العثیمین، *شرح العقیده الواسطیه*، ص ۳۸۸.

أراد بأهل البیت نساء النبی صلی الله علیه و آله و سلم لأنهن فی بیته و روی ذلک». آنگاه قاری، با توجه به ادله مسلم بر اختصاص عنوان اهل‌بیت بر خمسه طیبه، برای گریز از اختصاص، به سیاق آیه تمسک کرده، می‌گوید:

و عن ابن عباس و عن أبی‌سعید الخدری و جماعه من التابعین أنهم علی و فاطمه و الحسن و الحسین قول و لا منع من الجمع و أما تخصیص الشیعه أهل البیت بفاطمه و علی و ابنیهما لما ورد أنه علیه الصلاه و السلام خرج غداه یوم و علیه مرط مرجل من شعر أسود فجاء الحسن فأدخله فیه ثم الحسین فأدخله ثم فاطمه فأدخلها ثم علی فأدخله ثم قال إِنَّما یرِیدُ اللهُ لِیذْهِبَ عَنْکمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَ یطَهِّرَکمْ تَطْهِیراً و احتجاجهم علی عصمتهم و کون إجماعهم حجه، فمردود بأن تخصیصهم بکونهم أهل البیت یکذبه ما قبل الآیه و ما بعدها و الحدیث إنما هو مؤذن بأنهم من أهله لا أن غیرهم لیس بأهله[1]

با وجود ادله قطعی بر اختصاص اهل‌بیت در آیه تطهیر به خمسه طیبه، ادعای عدم اختصاص در سخنان قبل از قاری هم دیده می‌شود. بیضاوی (م ۶۸۵ق) در *أنوار التنزیل و اسرار التأویل* می‌گوید: «لأن التخصیص بهم لا یناسب ما قبل الآیه و ما بعدها، و الحدیث یقتضی أنهم من أهل البیت لا أنه لیس غیرهم».[2]

در پاسخ میگوییم:

اولاً، از صنایع ادبی التفات در اثنای کلام است که در قرآن کریم نیز صنعت التفات وجود دارد. امین‌الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ق) در ***مجمع البیان*** می‌گوید:

و متی قیل أن صدر الآیه و ما بعدها فی الأزواج فالقول فیه أن هذا لا ینکره من عرف عاده الفصحاء فی کلامهم فإنهم یذهبون من خطاب إلی غیره و یعودون إلیه و القرآن من ذلک مملوء و کذلک کلام العرب و أشعارهم.[3]

---

۱. قاری، شرح الشفاء، ج ۲، ص ۸۲.
۲. بیضاوی، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج ۴، ص ۲۳۱.
۳. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۸، ص ۵۶۰.

ثانیاً، شمول اهل‌البیت برای همسران، خلاف ظهور آیه است؛ زیرا صدر و ذیل آیه ضمایر مؤنث مانند (یا نِساءَ النَّبِی لَسْتُنَّ و إِنِ اتَّقَیتُنَّ و فَلا تَخْضَعْنَ و بُیوتِکنَّ و لا تَبَرَّجْنَ و أَقِمْنَ و آتِینَ و أَطِعْنَ) اما جمله میانی آیه، با ضمیر جمع مذکر «عَنْکمُ» و «یطَهِّرَکم» است؛ بنابراین جمله میانی نمی‌تواند درباره زنان پیامبر اکرم ﷺ باشد.

ثالثاً، بر فرض تنزل از ظهور آیه در عدم شمول نسبت به همسران، روایات صحیحه فراوانی که نزد فریقین دارای اعتبار است، بر اختصاص دلالت دارد و مبین مراد از آیه می‌گردد. علامه حلی (م ۷۲۶ق) در *نهج الحق* ذیل آیه تطهیر می‌گوید:

أجمع المفسرون و روی الجمهور کأحمد بن حنبل و غیره أنها نزلت فی رسول الله و علی و فاطمه و الحسن و الحسین وَ رَوَی أَبُوعَبْدِاللهِ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْمَرْزُبَانِی عَنْ أَبِی الْحَمْرَاءِ قَالَ: خَدَمْتُ النَّبِی ﷺ تِسْعَه أَشْهُرٍ أَوْ عَشَرَه وَ کانَ عِنْدَ کلِّ فَجْرٍ لَا یخْرُجُ مِنْ بَیتِهِ حَتَّی یأْخُذَ بِعِضَادَتَی بَابِ عَلِی فَیقُولُ السَّلَامُ عَلَیکمْ وَ رَحْمَه اللهِ وَ بَرَکاتُهُ فَیقُولُ عَلِی وَ فَاطِمَه وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَینُ عَلَیک السَّلَامُ یا نَبِی اللهِ وَ رَحْمَه اللهِ وَ بَرَکاتُهُ ثُمَّ یقُولُ الصَّلَاه رَحِمَکمُ اللهُ إِنَّما یرِیدُ اللهُ لِیذْهِبَ عَنْکمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَ یطَهِّرَکمْ تَطْهِیراً ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَی مُصَلَّاهُ.[1]

رابعاً، روایات معتبری که در پاسخ به برخی از همسران پیامبر ﷺ صریحا آنان را خارج از شمول این آیه می‌داند، به روشنی بر عدم شمول آیه تطهیر بر غیر خمسه طیبه دلالت دارد.[2]

پاسخ‌های دیگری در کتب تفسیری وکلامی به این شبهه داده شده است که برای رعایت اختصار، از ذکر آن صرف نظر شد.[3]

---

۱. حلی، ۱۴۱۴، ص ۱۷۳؛ حسکانی، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، ج ۲، ص ۸۲.

۲. همان ص ۵۳ و ۱۱۹؛ حاکم نیشابوری؛ *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۲، ص ۴۱۶؛ ابن کثیر، *تفسیر القران العظیم*، ج ۳، ص ۴۹۴.

۳. کاشانی، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ج ۷، ص ۲۸۶؛ طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القران*، ج ۱۶، ص ۳۱۲؛ مظفر، *دلائل الصدق لنهج الحق*، ج ۴، ص ۳۵۱.

اما استناد به جمله منتسب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله (زوجاتی فی الدنیا هن زوجاتی فی الاخره) و هم‌چنین (کل سبب و نسب ینقطع إلا سببی و نسبی فإنه باق إلی یوم القیامه)[1] بعد از چشم‌پوشی از سند، نمی‌تواند در برابر ضابطه و معیار قرآنی تقوا و عمل صالح دلیل بر جایگاه ویژه باشد. علاوه بر آن‌چه تاکنون بیان شد، روایت امام رضا علیه‌السلام هم دلیل است بر این‌که صرف همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله کافی نیست و همسران آن حضرت در دنیا همگی در آخرت با او همسر نیستند: «فَإِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ عَرَّفَ نَبِیهُ صلی‌الله‌علیه‌وآله أَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِی دَارِالدُّنْیا وَ أَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِی دَارِالْآخِرَه».[2]

۳. ام اکثر اولاده

العثیمین در شرح می‌گوید:

> ولم یقل المؤلف: أم أولاده، لأن من أولاده من لیس منها، و هو إبراهیم، فإنه کان من ماریه القبطیه. و أولاده الذین من خدیجه هم ابنان و أربع بنات: القاسم، ثم عبدالله، و یقال له: الطیب، و الطاهر. و أما البنات، فهن: زینب، ثم أم‌کلثوم، ثم فاطمه، ثم رقیه. و أکبر أولاده القاسم، و أکبر بناته زینب.[3]

مقریزی (م۸۴۵ ق) در *امتاع‌الاسماع* یکی از ویژگی‌ها و فضایل خدیجه کبری علیهاالسلام را این می‌داند که همه فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به جز ابراهیم که از ماریه قبطیه بود، همگی از حضرت خدیجه علیهاالسلام هستند «و أولاده کلهم منها ما عدا إبراهیم وهذه فضائل لم تکن لامرأه سواها».[4]

در روایات اهل‌سنت از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مقام بیان افضلیت خدیجه علیهاالسلام بر سایر زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همین معنا با عبارات گوناگون نقل شده است مانند:

---

۱. قرطبی، *الجامع لأحکام القرآن*، ج ۱۴، ص ۲۲۹.
۲. صدوق، *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۹۵.
۳. العثیمین، *شرح العقیده الواسطیه*، ص ۳۸۸.
۴. مقریزی، *امتاع الاسماع بما للنبی ص من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*، ج ۱۰ ص ۲۷۲.

«وَرَزَقَنِی اللهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِی أَوْلَادَ النِّسَاءِ»،[۱] ممکن است این سخن، به قبل از ازدواج پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ماریه قبطیه مربوط باشد.

مقریزی درباره فرزندان نبی گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خدیجه می‌گوید:

فولدت له أربع بنات هن: زینب، و فاطمه، و رقیه، و أم‌کلثوم، و ولدت له القاسم و عبدالله، و لم یتزوج علیها حتی ماتت، و هی أول من آمن بالله و رسوله علی الصحیح.[۲]

توجه به این نکته لازم است که از جهت مادر بودن، مهم‌ترین فضیلت برای حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام آن است که صدف کوثر یعنی مادر حضرت زهرا ام‌الائمه علیهاالسلام، هستند.

۴. اول من آمن به وعاضده

این دو ویژگی، یعنی اولین ایمان‌آورنده به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یاور و همراه باوفا برای آن حضرت نیز مورد اتفاق همه مسلمانان است. در روایات فراوانی در منابع معتبر اهل سنت، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان فضایل و برتری های خدیجه علیهاالسلام بر دیگر همسرانش، به این معنا تنبه داده‌اند از جمله:

مَا أَبْدَلَنِی اللهُ عَزَّوَجَلَّ خَیرًا مِنْهَا، قَدْ آمَنَتْ بِی إِذْ کفَرَبِی النَّاسُ، وَصَدَّقَتْنِی إِذْ کذَّبَنِی النَّاسُ، وَوَاسَتْنِی بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِی النَّاسُ.[۳]

۵. لها منه المنزله العالیه

العثیمین در شرح می‌گوید:

قوله: "وکان لها منه المنزله العالیه": حتی إنه کان یذکرها بعد موتها صلوات الله و سلامه علیه، و یرسل بالشیء إلی صدیقاتها، و یقول:" إنها کانت و کانت و کان لی منها ولد، فکان یثنی علیها، و هذا یدل علی معظم منزلتها

۱. احمد ابن حنبل، *المسند*، ج ۶، ص ۱۱۸.
۲. مقریزی، *امتاع الاسماع بما للنبی ص من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*، ج ۶، ص ۲۳.
۳. ابن حنبل، *المسند*، ج ۶، ص ۱۸۸.

عنـد الرسـول صلی الله علیه و آله و سلم.[۱]

جایگاه ویژه و اختصاصی خدیجه نزد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از مسلمات نـزد مسـلمانان اسـت و در کتـب روایـی و تاریـخ و سـیره، بـاب مسـتقلی بـا عنـوان «بـاب فضـل خدیجـه» بـاز شـده اسـت؛ ماننـد: «بـاب تزویـج النبـی صلی الله علیه و آله و سلم خدیجـه و فضلهـا» و بـاب «فضـل خدیجـه بنـت خویلـد زوجـه رسـول الله صلی الله علیه و آله و سلم».[۲] از میـان روایـات فـراوان موردقبـول فریقیـن دربـاره مقـام و منزلـت خدیجـه کبـری علیها السلام بـرای رعایـت اختصـار بـه دو مـورد بسـنده می‌شـود:

۱-۵- سلام خداوند تعالی و بشارت به جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت:

احمـد حنبـل (م ۲۴۱ق)، بخـاری (م ۲۵۶ق)، مسـلم (م ق۲۶۱)، ابن‌حبـان (م ۳۵۴ق) و برخـی از نویسـندگان اهل‌سـنت، ایـن روایـت را بـه شـکل‌های مختلـف، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که خداوند تعالی به حضرت خدیجه علیها السلام سلام فرسـتاده و جایگاه ویـژه بهشـت بـه او بشـارت داده اسـت:

أَتَـی جِبْرِیـلُ النَّبِـی صلـی الله علیـه وسـلم، فَقَـالَ: یا رَسُـولَ اللهِ، هَـذِهِ خَدِیجَـه قَدْ أَتَتْـک بِإِنَـاءٍ مَعَهَـا فِیـهِ إِدَامٌ، أَوْ طَعَـامٌ، أَوْ شَـرَابٌ، فَـإِذَا هِـی أَتَتْـک، فَاقْـرَأْ عَلَیـهَـا السَّـلاَمَ مِنْ رَبِّهَـا وَمِنِّـی، وَبَشِّـرْهَا بِبَیـتٍ فِـی الْجَنَّـه مِنْ قَصَـبٍ، لاَ صَخَـبَ فِیـهِ وَلاَ نَصَـبَ.[۳]

شـارحان حدیـث از جملـه محیی‌الدیـن نـووی (م ۶۷۶ق) در ***شرح صحیح مسلم*** بـاب فضایـل خدیجـه علیها السلام، اعتبـار و حجیـت ایـن حدیـث را تبییـن کـرده و مفـردات آن را توضیـح داده اسـت.[۴]

هیثمـی (م۸۰۷ ق) در ***مجمع‌الزوائـد*** می‌گویـد: «رواه الطبرانـی و رجالـه رجـال

---

۱. العثیمین، *شرح العقیده الواسطیه*، ص ۳۸۹.

۲. هیثمی، *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۲۱۸.

۳. ابن حنبل، *المسند*، ج ۲، ص ۲۳۱؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۳۱؛ مسلم بی تا، ج ۷، ص ۱۳۳؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ ج ۱۵، ص ۴۶۹.

۴. نووی، *شرح صحیح مسلم*، ج ۱۵، ص ۱۹۹.

صحیح».[1] و البانی (م۱۴۲۰ق) نیز در سلسله صحیحه، همین بشارت به خدیجه علیهاالسلام را با طرق مختلف آن صحیح دانسته است.[2]

ابن‌تیمیه نیز در کتاب *الاستقامه*، حدیث بشارت به جایگاه ویژه خدیجه کبری علیهاالسلام در بهشت را نقل کرده است: «وَفِی الصَّحِیح أَیضا انه أَمر ان یبشر خَدِیجَه بِبَیت فِی الْجنَّه من قصب لَا صخب فِیهِ وَلَا نصب».[3]

۲-۵- بیان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد برتری خدیجه علیهاالسلام

احمد حنبل در *مسند* از عایشه نقل می‌کند:

قَالَتْ: کانَ النَّبِی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم إِذَا ذَکرَ خَدِیجَه أَثْنَی عَلَیهَا، فَأَحْسَنَ الثَّنَاءَ، قَالَتْ: فَغِرْتُ یوْمًا، فَقُلْتُ: مَا أَکثَرَ مَا تَذْکرُهَا حَمْرَاءَ الشِّدْقِ، قَدْ أَبْدَلَک اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا خَیرًا مِنْهَا، قَالَ: مَا أَبْدَلَنِی اللهُ عَزَّوَجَلَّ خَیرًا مِنْهَا، قَدْ آمَنَتْ بِی إِذْ کفَرَ بِی النَّاسُ، وَ صَدَّقَتْنِی إِذْ کذَّبَنِی النَّاسُ، وَ وَاسَتْنِی بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِی النَّاسُ، وَ رَزَقَنِی اللهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِی أَوْلَادَ النِّسَاءِ.[4]

هیثمی (م۸۰۷ ق) نیز بعد از بیان احادیثی مشتمل بر مدح و ثنای فراوان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به خدیجه علیهاالسلام می‌گوید: «رواه الطبرانی واسانیده حسنه». آن‌گاه بعد از ذکر حدیث *مسند* احمد می‌گوید: «رواه احمد و اسناده حسن».[5]

۶. فَضْلُ عَائِشَه عَلَی النِّسَاءِ کفَضْلِ الثَّرِیدِ عَلَی سَائِرِ الطَّعَامِ

آخرین مطلبی که ابن‌تیمیه در شرح عقیده واسطیه مطرح کرده، برتری عایشه بر دیگر زنان است. با توجه به صدر کلام که سخن درباره همسران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، ممکن است گفته شود: مراد او برتری نسبت به تمام همسران نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. لذا شارح می‌گوید:

---

۱. هیثمی، *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۲۲۴.
۲. البانی، *سلسله صحیحه*، ج ۴، ص ۱۲۸.
۳. ابن تیمیة، *منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه*، ج ۱ ص ۳۳۶.
۴. ابن حنبل، *المسند*، ج ۴، ص ۱۱۷.
۵. هیثمی، *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۲۲۴.

قوله: "علی النساء": ظاهره العموم، أی: علی جمیع النساء. و قیل: إن المراد: فضل عائشه علی النساء أی من أزواجه اللاتی علی قید الحیاه، فلاتدخل فی ذلک خدیجه. لکن ظاهر الحدیث العموم، لأن الرسول صلی الله علیه و آله و سلم قال: کمال من الرجال کثیر، ولم یکمل من النساء إلا آسیه امرأه فرعون، و مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد، و فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی سائر أفضل النساء مطلقاً.[۱]

العثیمین در پایان مانند سایر شراح عقیده واسطیه و دیگر پیروان ابن‌تیمیه در مسأله تفضیل بین خدیجه و عایشه، سخنان شیخ‌الاسلام اموی را در *منهاج السنه* فصل‌الخطاب قرار می‌دهد. بنابراین لازم است قبل از بررسی سخن منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فَضْلُ عَائِشَه عَلَی النِّسَاءِ کَفَضْلِ الثَّرِیدِ عَلَی سَائِرِ الطَّعَامِ، گفته ابن‌تیمیه در *منهاج السنه* بررسی شود.

علامه حلی (م ۷۲۶ ق) در *منهاج الکرامه* می‌گوید:

و عظموا أمر عائشه علی باقی نسوانه، مع أنه صلی الله علیه و آله و سلم کان یکثر من ذکر خدیجه بنت خویلد، و قالت له عائشه: إنک تکثر من ذکرها و قد أبدلک الله خیرا منها! فقال لها: والله ما بدلت بها من هو خیر منها: صدقتنی إذا کذبنی الناس، و أوتنی إذ طردنی الناس، و أسعدتنی بما لها، و رزقنی الله الولد منها و لم أرزق من غیرها.[۲]

ابن‌تیمیه در *منهاج السنه* برای رد سخن علامه می‌گوید:

برتری عایشه بر خدیجه علیها السلام سخن همه اهل سنت نیست، بلکه جمع زیادی از اهل‌سنت (نه همه)، عایشه را برتر از همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند و مستند آنان دو روایت، به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منسوب است که به نقل *صحیحین* فرمود: «فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام» و ثرید بهترین غذاهاست. از عمروعاص نقل شده «قلت یا رسول الله أی الناس أحب إلیک قال عائشه قلت من الرجال قال أبوها قلت ثم من قال عمر وسمه رجالا». اما در مورد استناد به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره

---

۱. العثیمین، *شرح العقیده الواسطیه*، ص ۳۸۷.

۲. حلی، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۵.

خدیجه «ما أبدلنی الله بخیر منها» بر فرض صحت، بر نفع و فایده برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دلالت دارد در حالی که فایده و نفع عایشه به امت رسیده است. پس هرکدام از جنبه خاصی خیر هستند.

وی در پایان می‌گوید:

و فی‌الجمله الکلام فی تفضیل عائشه وخدیجه لیس هذا موضع استقصائه.[1]

نقد سخنان ابن‌تیمیه

قبل از نقد سخنان ابن‌تیمیه، ذکر این نکته لازم است که مراد علامه حلی از ضمیر جمع در عبارت «عظموا امر عائشه»، قول غالب است؛ همان‌گونه که آمدی (م ۶۲۳ق) در *ابکار الافکار* قول به برتری عایشه را به اهل سنت و اصحاب حدیث نسبت می‌دهد:

و أما زوجات النبی صلی الله علیه و آله و سلم فقد ذهب أهل السنه، و أصحاب الحدیث إلی أن عائشه أفضل نساء العالمین. و قال الشیعه: أفضل زوجات النبی صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه، و أفضل نساء العالمین فاطمه، و مریم ابنه عمران، و آسیه امرأه فرعون.

وی در نهایت، مستندات طرفین را تمام نمی‌داند و در پایان به نوعی توقف می‌کند:

و الحق أن کل هذه الأدله ظنیه، و مع کونها ظنیه؛ فمتعارضه، و لا سبیل إلی القطع بشیء منها، و إن غلب علی ظن بعض المجتهدین منها شیء فلا حرج.[2]

بنابراین سخن علامه حلی با وجود اختلاف بین اهل سنت منافاتی ندارد چنان‌که سبکی (م ۷۵۶ ق) و آلوسی (م ۱۲۷۰ق)، به این اختلاف تصریح

---

۱. ابن تیمیه، *منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه*، ج ۴، ص ۳۰۴.

۲. آمدی، *أبکار الأفکار فی أصول الدین*، ج ۵، ص ۲۹۱.

کرده‌اند، هر چند آنان خود قول به برتری خدیجه علیهاالسلام را ترجیح داده‌اند.[۱]

در مقابل، گروهی مانند ملاعلی قاری حنفی (م ۱۰۱۴ق) بعد از نقل ادله طرفین برتری عایشه را ترجیح داده‌اند.[۲]

به هر صورت، بررسی آراء اهل‌سنت مجال دیگری می‌طلبد. این مقاله، صرفاً به سخنان ابن‌تیمیه حرانی می‌پردازد. وی در *منهاج السنه* درباره مفاضله و مقایسه خدیجه کبری علیهاالسلام و عایشه اشکالاتی وارد کرده است:

اول: همان‌گونه که در عنوان قبل گذشت، منابع معتبر اهل‌سنت، روایت برتری خدیجه علیهاالسلام بر سایر همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را قبول دارند و تردید ابن‌تیمیه در صحت و اعتبار حدیث قابل‌اعتنا نیست.

دوم: تأویل و توجیه او با توجه به صراحت حدیث در برتری بر تمام زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اظهارنظر و مخالفت با سخن صریح رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. توضیح این‌که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن عایشه «قَدْ أَبْدَلَک اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا خَیرًا مِنْهَا» را با تأکید وقسم جلاله رد می‌فرماید:

> قال لا والله ما أبدلنی الله خیرا منها آمنت إذ کفر الناس و صدقتنی و کذبنی الناس.[۳]

بلکه در مواردی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با خشم و غضب به سخن عایشه درباره خدیجه علیهاالسلام پاسخ می‌دهند.

احمد حنبل (م ۲۴۱ق) در *مسند*، بعد از بیان اصل ماجرا از عایشه، غضب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نقل می‌کند:

> قالت: فتمعر وجهه تمعرا ما کنت أراه إلا عند نزول الوحی أو عند المخیله حتی ینظر ارحمه ام عذاب.[۴]

ابن اثیر (م ۶۰۶ق) در *النهایه* در ماده معر می‌نویسد: فتَمعَّرَ«وجههُ أی تَغَیر.

---

۱. آلوسی، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج ۲، ص ۱۵۰.
۲. قاری، *شرح الفقه الاکبر*، ص ۲۱۰.
۳. ابن حجر، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، ج ۸، ص ۱۰۳.
۴. احمد بن حنبل، *المسند*، ج ۶، ص ۱۵۰.

وأصلُـه قلّـه النَّضـاره وعـدمُ إشْـراقِ اللَّـونِ».[۱]

نیز ابن‌کثیر (م ۷۷۴ق) در *سیره*، بعد از نقل احمد می‌نویسد: «تفرد به أحمد. و هذا إسناد جید».[۲]

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) می‌گوید:

حدثنی أبوبکر محمد بن أحمد بن بالویه ثنا إسحاق بن الحسن الحربی ثنا عفان ثنا حماد بن سلمه عن عبدالملک بن عمیر عن موسی بن طلحه عن عائشه رضی الله عنها: أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یکثر ذکر خدیجه رضی الله عنها فقلت: لقد أخلفک الله .و ربما قال حماد أعقبک الله .من عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین هلکت فی الدهر الأول قال: فتمعر وجهه تمعرا ما کنت أراه إلا عند نزول الوحی و إذا رأی مخیله الرعد و البرق حتی یعلم أرحمه هی أم عذاب. هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه.[۳]

ابن‌اثیر در *اسد الغابه* می‌گوید:

و روی مجالد عن الشعبی عن مسروق عن عائشه قالت کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لا یکاد یخرج من البیت حتی یذکر خدیجه فیحس الثناء علیها فذکرها یوما من الأیام فأدرکتنی الغیره فقلت هل کانت الا عجوز فقد أبدلک الله خیر منها فغضب حتی اهتز مقدم شعره من الغضب.[۴]

هیثمی در *مجمع الزوائد* می‌نویسد:

و عن عائشه أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یکثر ذکر خدیجه فقلت ما أکثر ما تکثر من ذکر خدیجه وقد أحلف الله تعالی لک من عجوز حمراء الشدقین و قد هلکت فی دهر فغضب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم غضبا ما رأیته غضب مثله قط.[۵]

سوم: روایات حسادت عایشه به خدیجه علیهاالسلام، بهترین دلیل برای بی‌اساس بودن مقایسه ومفاضله بین خدیجه علیهاالسلام و سایر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛

---

۱. ابن اثیر، *النهایة فی غریب الحدیث والأثر*، ج ۴، ص ۳۴۲.
۲. ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۲، ص ۱۳۵.
۳. حاکم، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۴، ص ۳۱۸.
۴. ابن اثیر، *النهایة فی غریب الحدیث والأثر*، ج ۵، ص ۴۳۸.
۵. هیثمی *مجمع الزوائد*، ص ۲۲۴.

زیرا غبطه فقط در صورتی رواست که خود عایشه برتری خدیجه را معترف باشد. اگر عایشه برتری داشت، آیا جای این حسادت بود؟

ابن‌تیمیه در کتاب *الاستقامه* این عبارت معروف را از قول عایشه نقل می‌کند: «و قالت مَا غرت علی امْرَأَه مَا غرت علی خَدِیجَه».[۱]

چهارم: هرچند تأویل ابن‌تیمیه و اجتهادش در مقابل نص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره برتری خدیجه علیهاالسلام بر همه زنان و همسران آن حضرت خصوصاً از حیث ایمان و همراهی با اهداف الهی، ارزش و اعتبار ندارد، در ذات خود گزافه‌گویی و خلاف واقع است؛ زیرا ابن‌تیمیه رابطه ایمانی و معنوی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیهاالسلام را به یک ارتباط زناشویی صرف تنزل می‌دهد؛ حتی در مواضع دیگر از کتاب *منهاج*، این شیوه غلط در گفتار و نگاه انحرافی را اعمال می‌کند بر همین اساس، انفاق خدیجه علیهاالسلام را یک امر خانوادگی و کمک زن به شوهر خود دانسته و به اخلاص در عمل و انگیزه ایمانی صرف او بی‌توجه بوده، حتی آن را انکار می‌کند.

وی حمایت‌های ابوطالب را صرفاً به لحاظ خویشاوندی - نه به خاطر ایمان به صدق دعوت - دانسته، می‌گوید: «و کذلک خدیجه کانت زوجته و الزوجه قد تنفق مالها علی زوجها و إن کان دون النبی صلی الله علیه و آله و سلم».[۲]

او بر همین منوال و با همین نگاه متنزل، حتی ایمان ابوبکر را بر ایمان خدیجه علیهاالسلام و امیرمومنان علیه‌السلام و زید برتری داده است.[۳] حال آنکه جایگاه خدیجه علیهاالسلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یک مقام معنوی و بالاتر از یک ارتباط زناشویی بود؛ حتی خود ابن‌تیمیه در آثارش از جمله *منهاج السنه*، ماجرای وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سخنان مشحون از معرفت و آگاهی و ایمان خدیجه علیهاالسلام را نقل می‌کند:

> وصفت به خدیجه النبی صلی الله علیه و آله و سلم لما نزل علیه الوحی و قال لها لقد خشیت علی عقلی فقالت له کلاً والله لن یخزیک الله أبدا إنک لتصل الرحم و تحمل

---

۱. ابن تیمیه، *الاستقامة*، ج ۲، ص ۸.

۲. ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج ۸، ص ۵۰۰.

۳. همان، ص ۴۲۴.

الکل و تقری الضیف وتکسب المعدوم و تعین علی نوائب الحق.[۱]

توجیه دیگر ابن‌تیمیه که نفع خدیجه علیهاالسلام را تنها برای شخص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند و نفع عایشه را برای امت تصور می‌کند، پذیرفتنی نیست؛ زیرا همراهی آن بانو با نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کمک به ایشان آن‌هم در زمانی که همه دعوت الهی حضرت را تکذیب می‌کردند، بهترین سند برای رابطه محکم و قوی ایمانی و اعتقادی است که خدیجه علیهاالسلام با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشتند. آیا کمک به فرستاده و پیام‌آور الهی در همه مراحل زندگی را فایده شخصی ـ در مقابل نفع برای امت دانستن ـ برای انسان منصف پذیرفتنی است؟

پنجم: ابن‌تیمیه هر دو مستندی که به ادعایش برای برتری عایشه، از بسیاری اهل‌سنت نقل کرده، بر فرض تمامیت و صحت، در برابر احادیث فراوان و مقبول فریقین درباره برتری خدیجه علیهاالسلام قابل طرح نیست؛ حتی آلوسی در ***روح المعانی***، بعد از بررسی ادله مفاضله می‌گوید:

> و بعد هذا کله الذی یدور فی خلدی أن أفضل النساء فاطمه. ثم أمها، ثم عائشه. بل لو قال قائل إن سائر بنات النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أفضل من عائشه لا أری علیه بأسا.

وی در پاسخ به حدیث ثرید هم می‌گوید:

> وأشکل ما فی هذا الباب حدیث الثرید ولعل کثره الأخبار الناطقه بخلافه تهون تأویل واحد لکثیر أهون من تأویل کثیر لواحد، والله تعالی هو الهادی إلی سواء السبیل.[۲]

این حدیث بعد از چشم‌پوشی از سند، در ذات خود نیز خدشه‌پذیر است. استاد سبحانی در کتاب ***الحدیث النبوی بین الروایه و الدرایه*** می‌نویسد:

> إنّ النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آیه فی الفصاحه والبلاغه وکلماته القصار وخطبه الطوال ورسائله إلی الروَساء والقبائل کل‌ها تعرب عن قوّه بیانه وفصاحته وبلاغته،

---

۱. همان، ص ۵۴۹؛ همان، ج ۲، ص ۴۱۹ و ج ۳، ص ۸۷ و ج ۵، ص ۴۳۸.
۲. آلوسی، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج ۲، ص ۱۵۱.

فلا یمکن له صلی الله علیه و آله و سلم أن یتفوّه بهذا التشبیه الفارغ.[۱]

نویسنده معاصر مصری نیز درباره حدیث ثرید می‌گوید:

و یبدو أن القوم أرادوا أن ینتزعوا لعائشه منقبه علی لسان الوحی بعد أن عجزوا عن انتزاعها من لسان الرسول. حتی أن أنس بن مالک یروی علی لسان الرسول قوله: فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی الطعام. ألم یجد الرسول شیئا یفضل به عائشه علی غیرها سوی الطعام؟ هل کان الرسول أکولا و عاشقا للطعام إلی الحد الذی یضرب به المثل؟[۲]

نیز روایت عمرو عاص «قلت یا رسول الله أی الناس أحب إلیک قال عائشه قلت من الرجال قال أبوها قلت ثم من قال عمر وسمه رجالا»، با آنچه درباره حدیث ثرید گفته شد، به بررسی جداگانه نیاز ندارد.

مناقشات واشکالات دیگری بر سخن ابن‌تیمیه در ***منهاج السنه*** شده است که برای رعایت اختصار از بیان آن صرف‌نظر می‌شود.[۳]

نتیجه

همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تنهایی و بدون عمل صالح و داشتن تقوا، نمی‌تواند مایه برتری باشد. ابن‌تیمیه به نمایندگی از اسلام اموی، به جایگاه و منزلت خاص ام‌المومنین خدیجه کبری علیهاالسلام اعتراف دارد و در مقام مفاضله نسبت به برخی از متعصبان اهل‌سنت به برتری عایشه بر خدیجه کبری علیهاالسلام تصریح نکرده، اما با نگاه به روایات فراوان و موردقبول فریقین، مشاهده می‌شود که صرف مقایسه ومفاضله در این باب ناتمام است.

---

۱. سبحانی، *الحدیث النبوی بین الروایه والدرایه*، ص ۴۵۲.

۲. الوردانی، *السیف والسیاسه*، ص ۲۵.

۳. میلانی، *شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامامه والرد علی منهاج السنه*، ج ۲، ص ۱۳۴.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌اثیر، علی بن أبی الکرم عز الدین، ***اسد الغابه فی معرفه الصحابه***، دارالکتاب العربی، بیروت، بی‌تا.

۲. ابن‌اثیر، مبارک بن محمد جزری، ***النهایه فی غریب الحدیث والأثر***، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی بیروت، المکتبه العلمیه، ۱۳۹۹ ق.

۳. ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه الحرانی، ***مجموع الفتاوی***، تحقیق: عبدالرحمان بن محمد بن قاسم، مدینه، مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف، ۱۴۱۶ ق.

۴. ـــــــــ ***الاستقامه***، محقق: محمدرشادسالم، الطبعه الأولی، مدینه منوره، جامعه الإمام محمد بن سعود، ۱۴۰۳ ق.

۵. ـــــــــ ***منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه***، الطبعه الأولی، تحقیق: محمدرشاد سالم، مؤسسه قرطبه، ۱۴۰۶ ق.

۶. ابن‌جوزی، عبدالرحمان بن علی، ***زادالمسیر فی علم التفسیر***، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ ق.

۷. ابن‌حبان، محمد بن حبان، ***صحیح ابن حبان***، تحقیق: شعیب الارنووط، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.

۸. ابن‌حجر، ***الاصابه فی تمییز الصحابه***، تحقیق: عادل احمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۹. ابن‌حنبل، احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی، ***المسند***، محقق: سید ابوالمعاطی النوری، الطبعه الأولی، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۱۹ ق.

۱۰. ابن‌عساکر علی بن حسن، ***تاریخ مدینه دمشق***، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۱۱. ابن‌کثیر، اسماعیل، ***تفسیر القران العظیم***، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.

۱۲. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ***معرفه الصحابه***، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر ۱۴۱۹ ق.

۱۳. آلوسی، محمود، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق: علی عطیه، ۱۴۱۵ ق.

۱۴. آمدی، سیف‌الدین، ***أبکار الأفکار فی أصول الدین***، تحقیق: احمد محمدمهدی، قاهره، دارالکتب، ۱۴۲۳ ق.

۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، ***صحیح بخاری***، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.

۱۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ***أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)***، لبنان، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.

۱۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ***المستدرک علی الصحیحین***، تحقیق: یوسف عبدالرحمان، بی‌تا.

۱۸. حسکانی، عبیدالله بن احمد، ***شواهد التنزیل لقواعد التفضیل***، تحقیق: محمدباقر محمودی، قم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۹. حلی، حسن بن یوسف بن المطهر، ***نهج الحق و کشف الصدق***، چاپ اول، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.

۲۰. ـــــــــ ***منهاج الکرامه فی معرفه الامامه***، مشهد، مؤسسه عاشورا، ۱۳۷۹ ش.

۲۱. سبحانی، جعفر، ***الحدیث النبوی بین الروایه والدرایه***، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۹ ق.

۲۲. شعراوی، محمد متولی، ***زوجات النبی صلی الله علیه و آله و سلم و آل البیت***، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۲۶ ق.

۲۳. صدوق، محمد بن علی ابن‌بابویه، ***عیون أخبار الرضا*** علیه السلام، تهران، ۱۳۷۸ ق

۲۴. طباطبایی، محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات ۱۳۹۰ ق.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، ۱۰ جلد، تهران،

ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. عاملی، جعفرمرتضی، ***الصحیح من سیره النبی الاعظم***، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۲۷. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان، ***معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیه***، القاهره، دارالفضیله للنشر، بی‌تا.
۲۸. العثیمین، محمدبن صالح، ***شرح العقیده الواسطیه***، تحقیق: صلاح‌الدین بن محمود سعید، قاهره، دارالغد الجدید، ۱۴۲۷ ق.
۲۹. عینی، بدرالدین، ***عمده القاری شرح صحیح البخاری***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۰. قاری، ملأعلی، حنفی ***شرح الشفاء***، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۳۱. ــــــــــ ***شرح الفقه الاکبر***، بیروت، ۱۴۲۸ ق.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد، ***الجامع لأحکام القرآن***، تهران، ناصرخسرو ۱۳۶۴ ش.
۳۳. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، ***منهج الصادقین فی إلزام المخالفین***، تهران، کتابفروشی اسلامیه، بی‌تا.
۳۴. کورانی عاملی، علی، ***جواهر التاریخ السیره النبویه عند اهل البیت*** علیهم‌السلام، باقیات للطباعه والنشر، ۱۴۳۰ ق.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. محمدی، محمد، ***حضرت خدیجه همسر پیامبر*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ***و اسوه مقاومت***، انتشارات نبوی، ۱۳۸۴ ش.
۳۷. مسلم، ابو الحسین مسلم بن الحجاج النیسابوری، ***صحیح مسلم***، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۳۸. مظفر، محمدحسن، ***دلائل الصدق لنهج الحق***، قم، ۱۴۲۲ ق.
۳۹. مفید، محمد بن نعمان، ***الاختصاص***، تحقیق: علی‌اکبر غفاری،

دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

۴۰. مقریزی، *امتاع الاسماع بما للنبی صلی الله علیه و آله و سلم من الاحوال والاموال والحفده والمتاع*، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.

۴۱. میلانی، سیدعلی، *شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامامه والرد علی منهاج السنه*، قم، مرکز الحقائق الاسلامیه، ۱۴۲۸ ق.

۴۲. نووی، محی الدین، *شرح صحیح مسلم*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.

۴۳. الوردانی، صالح، *السیف والسیاسه*، قاهره، دارالاجسام، ۱۹۹۶ م.

۴۴. هیثمی، *مجمع الزوائد*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه ﷺ در منابع اهل سنت هندوستان

سید معراج مهدی رضوی

چکیده

حضرت خدیجه اولین ام المؤمنین وهمسر گرامی پیامبر ﷺ دارای ویژگی های مختلف دنیایی و اخروی، مادی و معنوی، کسبی و وهبی، حسبی و نسبی، اخلاقی و انسانی، دینی و ایمانی، بودند که هیچ کدام هز همسران پیامبر در آن سهیم نبود. این ویژگی های بی نظیر، در منابع فریقین (شیعه و سنی) آمده است. ویژگی هایی که شخصیت حضرت خدیجه را در دنیا و آخرت از سایر زنان و همسران پیامبر ممتاز می سازد از قبیل داشتن جمال و کمال و مال بسیار، پاکدامن ترین زن قریش و مکه، سالار زنان قریش، نسب بلند، ثروتمندترین زنان قریش، ایمان به خدای یکتا در زمان جاهلیت، اولین و تنها همسر پیامبر ﷺ در زمان خود، خدمت گزار واقعی، محرم اسرار و شاهد رویداد وحی، قابل درود و سلام، صاحب فقاهت، اولین زن مسلمان و مؤمن، اولین نمازگزار، نخستین محدثه اسلام، کسی که دارایی خود را در راه خدا انفاق کرد و مایه تسکین قلب پیامبر شد؛ خدا او را شرف مادری داد نیز ذریه پیامبر از او ادامه یافت؛ بهترین همسرو بهترین زن امت و همسر پیامبر در دنیا و آخرت. این همه کمالات، در وجود حضرت خدیجه ﷺ جمع بود که در تاریخ بی نظیر است.

واژگان کلیدی

خدیجه ﷺ، ام المؤمنین، زوجه، ذریه، اهل سنت.

مقدمه

هدف از این نوشتار، در معرض قرار دادن دیدگاه‌های اهل‌سنت هندوستان درباره حضرت خدیجه علیها السلام است که با
روش توصیفی، دیدگاه‌های دانشمندان اهل‌سنت هندوستان درباره حضرت خدیجه علیها السلام را برای دانشمندان جهان روشن می‌سازد. لذا ابتدا به زندگی‌نامه ایشان و سپس به ویژگی‌های آن حضرت و دیدگاه‌های اندیشه‌وران اهل‌سنت درباره این بانو می‌پردازد.

زندگی‌نامه حضرت خدیجه علیها السلام

وی دختر خویلد بن اسد و مادرش فاطمه بنت زائده بود. لقب‌های وی مبارکه، طاهره، کبری، غرّا (شامخ و ارجمند) و صدیقه و کنیه‌اش ام‌المؤمنین و ام‌الزهرا بود. او در سال ۵۵ قبل از بعثت در مکه معظمه چشم به جهان گشود و در سال ۲۵ عام‌الفیل یعنی پانزده سال قبل از بعثت به زوجیت پیامبر اسلام علیه السلام درآمد و تا لحظه آخر زندگی، حدود ۲۵ سال کنار حضرت بود و در دهم رمضان سال دهم بعثت در مکه معظمه از دنیا رفت و در قبرستان جنت‌المعلی در مکه با دست مبارک حضرت به خاک سپرده شد. تمام سادات از نسل حضرت خدیجه هستند.

ویژگی‌های ام‌المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام

برخی از ویژگی‌های این بانوی ارجمند عبارتند از:

۱. کامل‌ترین بانوی زمان از لحاظ عقل، زیبایی و ثروت

یکی از ویژگی‌ها و امتیازات حضرت خدیجه این بود که «خداوند این ویژگی سه‌گانه «مال و جمال و کمال» را در ذات ایشان جمع کرد. جمع شدن این صفات سه‌گانه در یک‌جا و در یک ذات معمولاً کم‌نظیر است و به زن آثاری از

عظمت و بلندی مقام می‌دهد و خدیجه نیز این چنین بود.[۱]

عایشه به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید:

«خدیجه» در زیبایی، یکی از نیکوترین زنان، و در خردمندی یکی از کامل‌ترین زنان و در دانایی، یکی از داناترین زنان، یکی از عفیف‌ترین، متدین‌ترین، باحیاترین، باشخصیت‌ترین و یکی از ثروتمندترین زنان بود.[۲]

عبدالمالک مجاهد می‌گوید:

حضرت خدیجه علیهاالسلام بانوی باعقل و خرد بود. عقل و فراست او از تدبیر امور زندگی‌اش پیداست و زیبایی او در سراسر مکه معروف بود.[۳]

۲. حضرت خدیجه علیهاالسلام پاک‌دامن‌ترین زنان قریش

از برجسته‌ترین ویژگی‌های حضرت خدیجه علیهاالسلام آن است که به جهت نجابت، عفت و پاک‌دامنی، از سوی قریش به «طاهره» مقلب شد. اهمیت موضوع این‌جاست که این لقب، در عصر جاهلیت به حضرت خدیجه علیهاالسلام داده شد:

کانت تدعی فی الجاهلیه بالطاهره، لشده عفافها و صیانتها.[۴]

مولانا ثناء الله محمود می‌گوید:

حضرت خدیجه در زمان جاهلیت که زنان اقتدار خود را از دست داده بودند؛ به طاهره معروف بود.[۵]

عبدالمالک مجاهد می‌گوید:

به‌راستی هرکس او را اولین بار به نام «طاهره» صدا کرد، صددرصد کار مناسبی نمود. او سزاوار این لقب بود.

---

۱. علی ابراهیم حسن، *نساء لعن فی التاریخ الاسلامی*، ص ۲۱.

۲. کانت من احسن النساء جمالا و اکملهن عقلا و اتمهن رایا و اکثرهن عفة دینا و حیاء و مروة و مالا». (طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، ص ۶۸۰).

۳. عبدالمالک مجاهد، *خاتون اول سیده خدیجه*، ص ۴۴.

۴. ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، ج ۸، ص ۹۹؛ ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۲ ص ۱۵۷.

۵. مفتی ثنائ الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، ص ۵۰.

۳. حضرت خدیجه علیها السلام سالار زنان قریش

یکی از ویژگی حضرت خدیجه این بود که او در دوران جاهلیت هم به سالار زنان قریش معروف بود.

توفیق ابوعلم در این‌باره می‌گوید:

بانو خدیجه در زمان جاهلیت هم به نام طاهره و سیده زنان قریش معروف بود.[۱]

نویسنده ***خاتون اول سیده خدیجه*** می‌گوید:

> اهل مکه به خاطر شرف و مقام والا، حضرت خدیجه علیها السلام را به سالار زنان قریش ملقب کردند.[۲]

مدنی علما می‌گویند: «در زمان جاهلیت حضرت خدیجه علیها السلام به لقب سیده قریش معروف بود.[۳]

۴. حضرت خدیجه علیها السلام دارای نسب عالی

حضرت خدیجه هم از لحاظ نسب شخصیتی محترم و مکرم به شمار می‌آمد و هم از لحاظ شرف شخصیتی بی‌نظیر بود. ابن‌کثیر در این‌باره می‌نویسد:

> او یک زن اوسط‌النسب و اعظم‌الشرف بود و در مال و ثروت هم بی‌نظیر بود.[۴]

عبدالمالک مجاهد می‌نویسد:

> همسر اول محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که اسمش خدیجه است، از خانواده ممتاز و شریف قبیله قریش از بنی‌اسدبن العزی بن قصی بود. او از جهت

---

۱. «کانت سیدة خدیجة تسمی فی الجاهلیة بالطاهرة و سیدة نساء قریش» (توفیق ابوعلم، *فاطمة الزهراء*، ص ۳۶).

۲. عبدالمالک مجاهد، *خاتون اول سیده خدیجه*، ص ۲۱ .

۳. «کانت اوسط نساء قریش نسبا و اعظمهن شرفا و اکثرهن مالا» (ابن کثیر، *البدایه والنهایة*، ج ۲، ص ۲۹۴).

۴. *خاتون اول سیده خدیجه*، ص ۲۱ .

شـرف و نسـب، بلندتریـن خاتـون اسـت.[۱]

۱-۴- سلسله نسب حضرت خدیجه از ناحیه پدر

«خدیجـه بنـت خویلدبـن اسـدبن العـزی بـن قضـی بـن کلاب» و «محمدبـن عبـدالله بـن عبدالمطلـب بـن هاشـم بـن عبدمنـاف بـن قصـی بـن کلاب». بـه ایـن ترتیـب «قصـی ابـن کلاب» جـد سـوم حضـرت خدیجـه وجـد چهـارم پیامبـر اسـلام ﷺ بـود.

۲-۴- سلسله نسب از ناحیه مادر

«خدیجـه بنـت فاطمـه بنـت زائـده بـن اصـم بـن رواحـه بـن حجـربـن عبـد بـن معیـص بن لـوی بن غالـب»[۲] «لـوی بن غالـب» جد هشـتم پیامبر اکرم ﷺ نیـزبود، بـه ایـن ترتیـب «محمـد بـن عبـدالله بـن عبدالمطلـب بـن هاشـم بـن عبدمنـاف بـن قصـی بـن کلاب بـن کعـب بـن لـوی بـن غالـب».[۳]

نویسـنده کتـاب *سـیره خدیجه‌الکبری*، اوصـاف عالـی خانـواده عزیـز حضـرت خدیجـه را چنیـن بیـان می‌کنـد:

> در ایـن خانـواده اخـلاق و محبـت، سـخاوت و مـروت، عقـل و فراسـت، عصمـت و عفـت، غیـرت وخـودداری وجـود داشـت. ایـن ویژگی‌هـا در زمـان جاهلیـت در خانواده‌هـای شـریف یافتـه می‌شـد امـا خانواده‌هـای عـادی از آن محـروم بودنـد.

حضـرت خدیجه از ناحیـه نسـب در مقایسـه با همسـران دیگـر پیامبر ﷺ بـه آن حضـرت نزدیک‌تـر بود.[۴]

---

۱. مامقانی، *تنقیح المقال*، ج ۳ ص ۷۷؛ مدنی علما گروه، *فیضان خدیجه الکبری*، ص ۳۴.

۲. *سیره ابن هشام*، ج ۱ ص ۲۰۱؛ *فیضان خدیجه الکبری*، ص ۳۶؛ مفتی ثناء الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد* ﷺ، ص ۵۱.

۳. همان؛ *منتخب التواریخ*، ص ۸۲ ، اقتباس از این کتاب‌ها؛ عبدالمالک مجاهد، *خاتون اول سیده خدیجه*، ص ۲۵ .

۴. حکیم محمد اویس فاروقی، *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۳۰ .

۵. حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین خاتون قریش

یکی از امتیازات و ویژگی‌های حضرت خدیجه علیها السلام دارا بودن ثروت کلان است. هند مولانا ثناءالله محمود از دانشمندان اهل‌سنت می‌گوید:

> ام‌المؤمنین حضرت خدیجه دارای اموال زیادی بود و از ثروتمندترین زنان مکه به شمار می‌آمد. او پس از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جان و مال خود را فدای همسرش کرد.[۱]

مدنی علما در این‌باره می‌گویند:

> حضرت سیدتنا خدیجه، ثروتمندترین بانوی قریش به شمار می‌رفت و درآمد اساسی او مثل دیگر قریش از تجارت بود و متاع تجارت او از همه قریش بیش‌تر بود. او مردم را برای کار تجارت اجیر می‌کرد و مال را به صورت مضاربه در اختیار آن‌ها قرار می‌داد.[۲]

یکی از دانشمندان سنی هند درباره موروثی بودن تجارت و ثروت حضرت خدیجه علیها السلام می‌گوید:

> خویلد پدر خدیجه، یک تاجر برجسته بود. او با چند کشور ارتباط تجاری داشت و اجناس بازرگانی را به این کشورها می‌فرستاد و اجناس دیگری را به حجاز می‌آورد و به فروش می‌رساند. جایگاه او در میان قبایل عرب ویژه بود. او به سبب اموال زیاد زندگی خوبی داشت و از فقرا هم حمایت می‌کرد.[۳]

اموال ثروتمندان آن زمان مثل ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، صلب بن ابی یهاب و ابوسفیان، در مقابل ثروت خدیجه بسیار ناچیز بود.[۴]

۶. موحد بودن خدیجه علیها السلام و خانواده او در عصر جاهلیت

از گزارش‌های تاریخی و روایت‌های زیادی روشن می‌گردد که حضرت

---

۱. مفتی ثناء الله محمود، *صد خواتین بزرگ اسلام و سردار آنان فاطمه*، ص ۵۹.
۲. مدنی علما گروه، *فیضان خدیجه الکبری*، ص ۴ به نقل از *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۲.
۳. حکیم محمد اویس فاروقی، *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۳۰.
۴. *الوقایع و الحوادث* (رمضان) ج ۱ ص ۱۳۰.

خدیجه علیهاالسلام و خانواده او یکتاپرست بودند و از بت و بت‌پرست بیزاری می‌جستند. درباره ایمان و عقیده او نوشته‌اند:

> یکی از دانشمندان مسیحی از حضرت خدیجه سؤال کرد: دخترم! درباره حضرت عیسی علیه‌السلام چه عقیده دارید؟» جواب داد: «خانواده ما به حضرت عیسی علیه‌السلام محترمانه نگاه می‌کنند و او را بنده خدا و نبی بزرگ خدا و صاحب کتاب *انجیل* می‌دانند. من هم به احترام وی معتقدم ولی به پسر خدا بودن عیسی و تثلیث معتقد نیستم».

نویسنده پس از نقل این واقعه می‌گوید:

> حضرت خدیجه صحیح‌العقیده و بیزار از شرک و بت‌پرستی بود.[۱]

هم‌چنین می‌نویسد:

> خانواده حضرت خدیجه از سخت‌ترین مخالفان بت‌پرستی بودند. پدر خدیجه خویلد بن اسد و عموزاده خدیجه ورقه بن نوفل، از رسومات جاهلی و آداب و اعمال مشرکانه بیزار بودند، همین در شخصیت حضرت خدیجه تأثیر داشت. لذا هیچ کجا در تاریخ نیست که او بت‌پرستی کرده یا به غیر خدا متوسل شده باشد.[۲]

او در جای دیگر می‌نویسد:

> حضرت خدیجه خدای یکتا را می‌پرستید و هیچ‌گاه غیر خدا را عبادت نکرد... .[۳]

وی نکته‌ای جالب درباره یکتاپرستی حضرت خدیجه بیان می‌کند:

> پژوهش‌گران درباره حضرت خدیجه می‌گویند: او قبل از اسلام، از بت و بت‌پرستی بیزار بود و عبادت بت‌ها را خلاف عقل سلیم و فطرت انسانی می‌دانست؛ نیز از تمام رسومات جاهلی ومشرکانه بیزار بود. پس از آیات «افریتم الات والعزی و مناه الثالثة الاخری»[۴] حضرت خدیجه به بت‌پرستان

---

۱ . *سیرت خدیجة الکبری*، ص ۳۵ .
۲ . همان، ص ۶۹ .
۳ . همان، ص ۱۰۲ .
۴ . سوره نجم، آیه ۱۹-۲۰.

می‌گفت: «از این بت‌های گل و سنگ و چوب دوری کنید و ببینید خدای یکتا درباره آنان چه می‌گوید».[۱]

۷. نخستین همسر رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم و تنها همسر زمان خود

این شرف و امتیاز تنها نصیب حضرت خدیجه شد که قبل از دیگران به ازدواج رسول گرامی صلى الله عليه وآله وسلم درآمد. نویسنده ***سیره اعلام النبلاء*** می‌گوید:

یکی از کرامات و امتیازات حضرت خدیجه این است که او نخستین همسر پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم بود. نیز او دامن پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم را با گوهر اولاد پر کرد و تا وقتی زنده بود، پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله وسلم با هیچ زنی ازدواج نکردند.[۲]

نویسنده ***اسدالغابه*** نیز می‌نویسد:

حضرت خدیجه عليها السلام اولین زنی بود که پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم با او ازدواج کردند و تا وقتی زنده بود، با هیچ زنی ازدواج نکردند.[۳]

طاهرالقادری از عایشه چنین نقل می‌کند:

تا خدیجه در قید حیات بود، پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم، با هیچ زنی ازدواج نکردند.[۴]

سه ویژگی عمده دیگر پیرو این ویژگی است:

الف) حضرت خدیجه عليها السلام اولین ام‌المؤمنین

حضرت خدیجه پس از ازدواج با حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم مصداق اول ام‌المؤمنین را به دست آورد.[۵]

---

۱. *سیرت خدیجة الکبری*، ص ۱۱۹.

۲. «من کرامتها انه لم یتزوج امراة قبلها و جائه اولاد ولم یتزوج علیها قط» (ذهبی، *سیراعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۹۱).

۳. «أول امرأة تزوجها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خدیجة، و لم یتزوج علیها حتی ماتت» (ابن اثیر، *اسدالغابه فی معرفه الصحابه*، ج ۱، ص ۴۰).

۴. «عن عایشه قالت: لم یتزوج ابنی علی خدیجه حتی ماتت.» (طاهرالقادری، *العقد الثمین*، ص ۱۴).

۵. *فیضان خدیجه الکبری*، ص ۵۹؛ عبدالمالک مجاهد، *خاتون اول سیده خدیجه*، ص ۲۱.

ب) صدیقه امت و اولین صدیقه از دیدگاه برخی از اهل‌سنت

در کنار لقب‌های کبری و طاهره «صدیقه» هم به ایشان اطلاق شده است. پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرمایند:

هذه صدیقه امتی؛[1] این صدیقه امت من است.

ج) طولانی‌ترین مدت شرف زوجیت با پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم

حضرت خدیجه عليها السلام بیش از همسران دیگر کنار پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم زندگی کرد. این مدت حدوداً ۲۵ سال بود.[2]

۸. حضرت خدیجه عليها السلام خدمتگزار واقعی همسر

ابن حجر عسقلانی در *الاصابه* می‌نویسد:

> یکی از ممتازترین اوصاف حضرت خدیجه این بود که همیشه به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم تعظیم و خدمت می‌کرد و قبل از مبعث و بعد از آن همیشه در تصدیق و حمایت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم بود.[3]

فاروقی درباره خدمت‌گزاری حضرت خدیجه می‌نویسد:

> او چهل سال اول زندگی را در رفاه عالی گذراند. که در این دوران برده‌ها و کنیزها و خادمان زیادی زیر فرمان او بودند؛ ولی پس از ازدواج با پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم سبک زندگی عوض گردید. جاه و حشمت ثروتمندی را کنار زده، امور خانه‌داری را به دست گرفت و دنبال خشنودی همسر بود و خودش را پای‌بند فرمان حضرت قرار داد. خودش را در اطاعت و خدمت به همسر مشغول کرده بود و نیاز خانه و حضرت را با دست خود انجام می‌داد و این را برای خود سعادت می‌دانست.[4]

فاروقی در ادامه می‌نویسد:

---

۱. فیضان *خدیجه الکبری*، ص ۳۶.

۲. همان.

۳. مدنی گروه، *فیضان امهات المؤمنین*، ص ۶۲.

۴. حکیم محمد اویس فاروقی، *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۶۰.

حضرت خدیجه باوجود این‌که ثروتمندترین بانو بود، پس از ازدواج با آن حضرت، ثروت و رفاه زندگی را ترک گفت و مشغول اطاعت و خدمت‌گزاری شد. در حالی که قبلاً برده‌ها و کنیزهایی در خانه داشت، این خدمت را سعادت بزرگی برای خود می‌شمرد.[۱]

۹. حضرت خدیجه علیهاالسلام تنها شاهد رویداد مبعث و وحی و محرم اسرار نبوت

در باره این موضوع، گزارش‌های تاریخی و روایی بسیار است. از جمله:

۱-۹- ابن‌بطوطه می‌نویسد:

و من المشاهد المقدسه بمقربه من المسجدالحرام قبه‌الوحی و هی فی دار خدیجه ام‌المؤمنین.[۲]

۲-۹- ابن مغازلی شافعی می‌نویسد:

خداوند قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌کرد، در حالی که خدیجه کنار او بود.[۳]

مدنی علما نیز می‌گویند:

اولین کسی که از ظهور نبوت خبردار شد، خدیجه علیهاالسلام بود.[۴]

نویسنده *سیره خدیجه الکبری* می‌نویسد:

آن حضرت تصمیم خود را برای حضرت خدیجه آشکار کرده، فرمود: «ای خدیجه! می‌خواهم دور از مردم به بارگاه خدای یکتا حاضر شوم و در ذات کبریایی او فکر کنم؛ اگر شما در این امر همکاری کنید، ریاضت انجام دهم».[۵]

۱۰. درود و سلام خداوند بر خدیجه علیهاالسلام

خداوند خدمت حضرت خدیجه علیهاالسلام را پذیرفت و جبرئیل را برای درود و سلام

---

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. شمس الدین ذهبی، *سیراعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳. «انزل الله علی رسوله صلی الله علیه و آله، القرآن و الهدی و عنده خدیجة.» (ابن مغازلی الشافعی، *مناقب علی ابن ابی طالب*، ص ۳۳۶).

۴. *فیضان امهات المؤمنین*، ص ۶۱.

۵. حکیم محمد اویس فاروقی، *سیرت خدیجه الکبری*.

خدمت او فرستاد. ابن‌هشام می‌نویسد:

یک نفر موثق برایم بیان کرد که جبرئیل از طرف خدا خدمت پیامبر ﷺ رسید تا سلام خداوند را به خدیجه برساند. حضرت به خدیجه فرمود: «جبرئیل سلام خداوند را برای شما آورده». حضرت خدیجه جواب داد: «از طرف من هم سلام به جبرئیل!».[۱]

یکی از دانشمندان معاصر اهل‌سنت طاهر القادری، روایت بالا را از کتاب *صحیح* بخاری و مسلم از ابوهریره آورده که در آن به قصر مروارید در بهشت برای خدیجه بشارت داده شده است.

۱۱. جلوهای فقاهت حضرت خدیجه ؑ

جلوه فقاهت وی در جواب سلام ایشان در برابر سلام خداوند و جبرئیل ستودنی است:

ان الله هو السلام و علی جبرئیل السلام و علیک السلام و رحمه‌الله و براکاته.

این جواب، بر فقاهت و فهم حضرت خدیجه ؑ دلالت می‌کند؛ چون در جواب سلام خدا به‌جای علیه‌السلام «السلام» گفت؛ زیرا با فقاهت و بصیرت، مقام و عظمت خدا را درک کرد و فهمید «السلام» برای خداوند وصف ذات و مقام ثنا است نه دعای سلامت؛ در حالی که «السلام» برای بندگان دعای سلامت است لذا در جواب سلام حضرت جبرئیل و پیامبر علیه‌السلام گفت. این جواب سلام، مطابق شریعت اسلامی است که مسلمانان پس از تبیین

---

۱ . «وقد روی السلام من الله تعالی علی خدیجة ایضاً کما روی ابن هشام فقال حدثنی من اثق به: ان جبرئیل آتی النبی فقال: اقرا خدیجة من ربها السلام فقال یا رسول الله یا خدیجه هذا جبرئیل یقرئک االسلام من ربها السلام قالت خدیجه الله السلام ومنه السلام و علی جبرئیل السلام..» (سیدحسین شیخ الاسلامی، *مسند فاطمه زهرا*، ص ۲۴۷؛ مفتی ثناء الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، ص ۶۳ به نقل از *مستدرک حاکم*، ج ۳، ص ۱۸۶؛ مدنی علما گروه، *فیضان امهات المؤمنین*، ص ۵۳.۴۰. «.. و بشرها ببیت فی الجنة من قصب لاسحب فیه و لا نصب متفق علیه» (طاهرالقادری، *العقد الثمین*، ص ۱۰؛ حکیم محمد اویس فاروقی، *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۱۱۷).

شریعت انجام می‌دهند.[۱]

۱۲. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مومنه و تصدیق‌کننده رسالت

طاهر القادری چندین روایت در این مورد آورده؛ از جمله:

۱-۱۲- ابن‌شهاب بیان می‌کند:

> اولین نفر که به خدا ایمان آورد و رسالت حضرت را تصدیق کرده، خدیجه بود.[۲] هیچ‌گاه خدا بهتر از او «خدیجه» ارزانی نداشت؛ زیرا او زمانی به من ایمان آورد که همه انکارم می‌کردند و موقعی مرا تصدیق نمود که همه تکذیبم می‌کردند، هنگامی در مال خودش مرا شریک قرار داد که دیگران محرومم ساختند و خداوند توسط او مرا صاحب اولاد کرد.[۳]

۱۳. نخستین پیرو رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم

این شرف و امتیاز نیز نصیب حضرت خدیجه شد. او نه‌تنها تصدیق‌کننده رسالت بود و به خدا و رسول ایمان آورد، بلکه تن به اطاعت و پیروی حضرت داد. این پیروی، از روز ازدواج تا آخر عمر وی ادامه داشت. روز اول که عروس به خانه رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم آمد، خودش را کنیز آن حضرت معرفی کرد. پس از اعلام رسالت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت و پیروی می‌کرد؛ حتی در وضعیت دشوار هم با صبر و استقامت کنار حضرت بود و آزار و اذیت مشرکان را تحمل می‌نمود زندگی دشوار در شعب ابوطالب را هم با خشنودی گذراند. نمونه‌های زیادی از اطاعت وی در کتاب‌های تاریخ و سیره ثبت گردیده است؛ از جمله:

---

۱ . *فیضان خدیجه الکبری*، ص ۵۳ .

۲ . «عن ابی شهاب قال کانت خدیجه اول من آمن بالله و صدق برسوله قبلان تفرض الصلاة.» (طاهر القادری، *العقد الثمین*، ص ۱۹).

۳ . «ما أبدلنی الله خیرا منها، لقد آمنت بی حین کفر بی الناس، و صدّقتنی حین کذّبنی الناس، و أشرکتنی فی ماله‍ا حین حرمنی الناس، و رزقنی الله ولدها و حرمنی ولد غیرها..» (ابن عبد آلبر، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، ج ۴، ص ۱۸۱۴؛ ابن اثیر، *اسد الغابة فی معرفة الصحابه*، ج ۶، ص ۸۵؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمییر الصحابة* ج ۸، ص ۱۰۳؛ ابن کثیر دمشق، *البدایه و النهایه*، ج ۳، ص ۱۲۸ .

خدیجه اولین زن اطاعت‌کننده رسول گرامی ﷺ بود. علامه امینی نیز نمونه‌ای دیگر از امام کاظم ﷺ نقل می‌کند.

۱۴. اولین زن نمازگزار و اقتداءکننده به پیامبر ﷺ

حضرت خدیجه ﷺ اولین زن و همسری بود که در نماز به پیامبر ﷺ اقتدا کرد و فریقین در این موضوع اتفاق‌نظر دارند.

> در این اختلافی وجود ندارد که حضرت خدیجه ﷺ همراه پیامبر اسلام ﷺ نماز را ادا کرد و این پس از واجب شدن نماز بود. در این همه متفقند. او سه سال قبل از هجرت از دنیا رفت.[1]

مفتی ثناءالله هندی می‌گوید:

> قبل از سفر معراج پیامبر ﷺ نماز پنج‌گانه واجب نشده بود، ولی در آن زمان هم نماز خوانده می‌شد.

ابن‌کثیر و ابن‌هشام در این‌باره آورده‌اند:

> جبرئیل نزد پیامبر ﷺ آمد و پای خود را به زمین زد. چشمه‌ای از زمین جاری شد. جبرئیل از آن وضو گرفت و نماز خواند. پیامبر ﷺ از جبرئیل نماز یاد گرفتند و به منزل تشریف بردند و دست خدیجه را گرفته، نزد چشمه آوردند وضو گرفتند و دو رکعت نماز خواندند پس از آن پیامبر ﷺ و حضرت خدیجه مخفیانه نماز می‌خواندند.[2]

۱۵. حضرت خدیجه اولین راوی اسلام و محدثه

حضرت خدیجه نخستین راوی از میان زنان به شمار می‌آید. این نیز امتیاز ویژه ایشان را نمایان می‌سازد و چه کسی حادثه وحی و واقعه اعلام رسالت را بهتر از حضرت خدیجه درک و بیان کند؟ او این وقایع را از نزدیک مشاهده

---

۱. «اذا لم یختلفوا ان خدیجة رضی الله عنها صلت مع النبی بعد فرض الصلاة علیه و لا خلاف فی انها توفیت قبل الهجره بمدة قبل بثلث سنین» (ابن اثیر، *اسدالغابه، فی معرفة الصحابه*، ج ۱، ص ۱۶).

۲. غالب سیلاوی، *الانوار الساطعة من الغراء الطاهره*، ص ۳۲۹.

کرده بود؛ زیرا غیر از او و حضرت علی علیه‌السلام کسی دیگری حضور نداشت. تمام تاریخ‌نگاران و دانشمندان درباره این مسأله اتفاق دارند؛ از جمله:

۱-۱۵- ابن‌حزم اندلسی می‌گوید:

حضرت خدیجه اولین زنی بود که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت نقل کرد.[۱]

۲-۱۵- مولانا محمد اویس فاروقی می‌نویسد:

حضرت خدیجه از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت هم نقل کرده ولی تعداد آن خیلی‌کم است؛ زیرا او پس از بعثت، ده سال اول را درک کرد و این ده سال اول، دشوارترین دوره و زمان مصیبت بود. لذا فرصت نقل روایت به دست نیامد.[۲] روایات موجود، جامع و مستند هستند و مربوط به احکام اسلامی‌اند.

۱۶. انفاق‌کننده و حامی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

حضرت خدیجه همه‌چیز خود را در راه خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایثار کرد. او همه اموال خود را خدمت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورد و در اختیار ایشان قرار داد تا هر طوری که خواستند مصرف کنند و عرض کرد: «سرورم! شما مالک این اموال هستید؛ هرکجا که می‌خواهید خرج کنید».[۳]

مفتی ثناءالله محمود، انفاق حضرت خدیجه را با استناد به تفسیر بزرگان چنین نقل می‌کند:

پس از ازدواج با حضرت، تمام اموال خود را در اختیار ایشان قرار داد. قرآن مجید احسان حضرت خدیجه را چنین بیان می‌فرماید: «ووجدک عائلا فاغنی».[۴]

امام عبدالله بن احمد محمود نسفی در تفسیر این آیه می‌گوید: «فاغناک

---

۱. *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۱۰۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۱.

۴. سوره الضحی.

بمال خدیجه».[۱]

امام قرطبی نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: «فاغناک بخدیجه».[۲]

خود پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «فاعطتنی مالها فانفقته فی سبیل الله»؛[۳] خدیجه مال خودش به من داد و من آن را در راه خدا خرج کردم.[۴]

هم‌چنین فرموده‌اند:

> دین اسلام برپا نشد مگر به دو چیز: اموال حضرت خدیجه علیهاالسلام و شمشیر حضرت علی علیه‌السلام.[۵]

۱۷. عام‌الحزن سال وفات حضرت خدیجه علیهاالسلام

نامیدن سال وفات حضرت خدیجه به «عام‌الحزن»، جایگاه او را نزد پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشان می‌دهد زیرا حضرت از فراق او آن را سال حزن قرار دادند. در این‌باره گفته‌اند:

> هنگامی که خدیجه از دنیا رفت، زندگی بر حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخت شد و غم و اندوه‌ها برایشان فرود آمد. لذا به میان مردم رفتند و این سال را «عام‌الحزن» قرار دادند.[۶]

یکی از علمای اهل‌سنت هند می‌گوید:

> سال دهم نبوت، سال عام‌الحزن برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود؛ زیرا در این سال پس از برون آمدن از شعب ابی‌طالب، چند روز نگذشت، که حضرت خدیجه از دنیا رفت. وفات وی در ماه مبارک رمضان بود هنوز سه سال برای هجرت به طرف مدینه مانده بود و زخم فقدان عمویش هم در قلب

---

۱. *تفسیر نسفی*، ج ۴، ص ۳۶۴.

۲. تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۹.

۳. *طبقات ابن سعد*.

۴. مفتی ثنائ الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، ص ۶۰.

۵. «ما قام و ماستقام الدین الا سیف علی و مال خدیجة..» (عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال*، ج ۳، ص ۳۳).

۶. «لما توفیت خدیجه اشتد البلا علی رسول الله و تراکمت علیه الهموم و الغموم بحیث احتجب عن الناس مده مدیده و سمی ذالک عام الحزن...»

حضرت تازه بود.[1]

به گفته ابن عبد آلبر، پس از گذشت سه روز از وفات ابوطالب، حضرت خدیجه علیها السلام هم از دنیا رفت.[2]

نیز گفته‌اند:

حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه با فاصله چند روز از دنیا رفتند، وفات این دو شخصیت بزرگ برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آن‌قدر سخت و ناگوار بود که آن سال را سال غم و اندوه خواندند.[3]

۱۸. شرف مادری فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

این شرف در میان تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها به حضرت خدیجه رسید و مادر فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شد.

ابوالفدا دمشقی می‌گوید:

خداوند از خدیجه صاحب اولاد شد، در حالی که همسران دیگر ازاین فیض محروم بودند.[4]

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه به عایشه فرمودند:

خدیجه دامن مرا از گوهر اولاد پر کرد.[5]

مدنی علما می‌گویند:

جز ابراهیم، تمام اولاد از بطن پاک حضرت خدیجه بودند.[6]

---

۱. همان ص ۱۲.

۲. همان.

۳. *فیضان خدیجه الکبری*، ص۶۵ و ۶۴؛ حکیم محمد اویس فاروقی، *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۱۲۲؛ مفتی ثناء الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، ص ۶۱.

۴. «ارزقنی الله ولدها وحرمنی ولد غیرها» (ابوالفداء دمشق، *البدایه والنهایه*، ج ۳، ص ۲۸).

۵. «فیقول: انها کانت وکانت و کان لی منها ولد.» (طاهر القادری، *العقد الثمین*، ص ۱۲).

۶. مدنی علما گروه، *فیضان خدیجه الکبری*، ص ۶۰ و ۶۹؛ حکیم محمد اویس فاروقی، *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۱۱۲.

۱۹. ادامه ذریه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از حضرت خدیجه علیهاالسلام

خداوند به ذات حضرت خدیجه عنایت زیادی فرمود. از جمله ذریه پیامبر را از او قرار داد؛ زیرا او زن نیک و صالح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که جان و مال خود را فدای حضرت کرد.

بزرگان اهل‌سنت هند نیز در این‌باره اظهارنظر کرده‌اند:

> الغرض از بین یازده همسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این سعادت و فضیلت را تنها حضرت خدیجه علیهاالسلام همسر اول رسول گرامی دارد که جز ابراهیم که از بطن ماریه قبطیه بود، بقیه فرزندان از حضرت خدیجه هستند و نسل پاک پیامبر از حضرت فاطمه علیهاالسلام ادامه یافت. نسل پاک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها از طریق حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام ادامه یافت. ایشان دو پسر به نام‌های امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام داشتند. سیدنا حسن بن علی علیه‌السلام صاحب فضل و علم و کمالات بود که او را با سم شهید کردند. امام حسین علیه‌السلام که فرزند کوچک بود که در سال ۶۱ هجری در کربلا به دست لشکر یزید به شهادت رسید.[۱]

۲۰. حضرت خدیجه بهترین همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

درباره این موضوع دو نوع روایت وجود دارد: دسته‌ای حضرت خدیجه علیهاالسلام را بهترین همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند و دسته دیگر برتری وی را بر سایر همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثابت می‌کنند. دسته اول که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده، این حقیقت را آورده‌اند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بارها حضرت خدیجه علیهاالسلام را بهترین زن معرفی فرمودند.

طاهر القادری با استناد به کتاب *صحیح* بخاری می‌نویسد:

> عایشه می‌گفت: «بیش از همه به حضرت خدیجه رشک می‌بردم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همیشه از او یاد می‌نمودند. هر موقع قربانی می‌کردند، بخشی از گوشت آن را برای دوستان خدیجه هدیه می‌فرستادند». من پرسیدم:

---

۱. همان، ص ۱۱۲.

«این‌قدر به او علاقه دارید مثل این‌که جز او زنی برای شما در دنیا نبود». آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در جواب فرمود: «واقعاً همین‌طور است؛ او صاحب فرزند بود.[۱] هنگامی مرا تصدیق کرد که همه تکذیبم می‌کردند. او وزیر دین خدا بود و با مال خود مرا یاری کرد».[۲]

این حدیث را یکی از دانشمند سنی هندی نیز با اسناد به کتب اهل‌سنت آورده است.[۳]

مفتی ثناءالله می‌گوید: آن حضرت فرمودند:

ما ابدلنی الله خیرا منها...؛ بهتر از خدیجه همسری به من داده نشد. او به من ایمان آورد، در حالی که مردم انکارم می‌کردند؛ هنگامی مرا تصدیق کرد که کفار و مشرکان تکذیبم می‌کردند. در زمانی کمکم (با مال) کرد که دیگران مرا محروم کرده بودند؛ او موقعی دامن من با گوهر اولاد پر کرد که زنان دیگر این توان را نداشتند.[۴]

نویسنده کتاب در صفحات بعد می‌گوید: «حضرت خدیجه زنی بود که همتا نداشت».

گفتیم دسته دوم روایات، به برتری حضرت خدیجه بر دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کنند. این فرق و امتیاز حضرت خدیجه علیهاالسلام را خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده‌اند:

ای خدیجه شما بهترین امهات‌المؤمنین و افضل همسران من و سالار زنان

---

۱. «عن عایشه قالت: ما غرت علی أحد من نساء النبی صلی الله علیه و آله و سلم ما غرت علی خدیجة- و ما رأیتها- و لکن کان یکثر ذکرها و ربما ذبح الشاة فیقطعها أعضاء ثم یبعثها فی صدائق خدیجة. فربما قلت کأنه لم یکن فی الدنیا امرأة إلا خدیجة فیقول: «إنها کانت و کانت، و کان لی منها ولد» (طاهر القادری، *العقد الثمین*، ص ۱۲، به نقل از صحیح البخاری فضائل الصحابة).

۲. «قال النبی: خدیجة و این مثل خدیجة صدقتنی حین کذبنی الناس و وازرتنی علی دین الله و اعانتنی علیه بما لها.» (علامه مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۸، ص ۲۳۲ ؛ مفتی ثناء الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، ص ۴۹).

۳. مفتی ثناء الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، ص ۴۹؛ *مسند احمد*، ج ۶، ص ۱۱۷؛ طبرانی کبیر، ج ۲۳، ص ۱۳؛ *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۲۶۴، *صحیح بخاری*، ج ۱).

۴. *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، ص ؛ *مسند احمد*، ج ۶، ص ۱۱۷.

عالم هستید.[۱]

طاهرالقادری روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را چنین معنا می‌کند:

> از حضرت علی علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مریم برترین زنان زمان خود وخدیجه بهترین زنان زمان خود است». این روایت مورد اتفاق همه است.[۲]

نویسنده *سیرت خدیجه‌الکبری* نیز این روایت را از کتاب بخاری نقل می‌کند و برتری حضرت خدیجه را بر تمام زنان امت نشان می‌دهد:[۳]

> حضرت خدیجه در میان تمام زنان امت بهترین زن است. این عنوان را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وی داده‌اند.[۴]

وی در ادامه، روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به‌عنوان سند ذکر می‌کند: «قال انها کانت وکانت وکان لی منها ولد».[۵]

۲۱. حضرت خدیجه علیها السلام محسود دیگران

حضرت خدیجه علیها السلام در نگاه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جایگاه ویژه‌ای داشت که همسران دیگر فاقد این جایگاه و مقام بودند. لذا بیش‌تر زنان به شخصیت وی رشک می‌بردند به ویژه عایشه که همیشه حسادت خود را به زبان می‌آورد و با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر سر این مسأله مخالف بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باره‌ها از او یاد می‌کردند و او را می‌ستودند و ویژگی‌ها و خوبی‌هایش را بر زبان جاری می‌کردند؛ حتی دوستان خدیجه را هم گرامی می‌داشتند. این شیوه حضرت، باعث ناراحتی عایشه می‌شد.

---

۱. «قال النبی: یا خدیجة انت خیر امهات المؤمنین و افضلها و سیده النساء العالمین.» (غالب سیلاوی، *الانوار الساطعة من الغر الطاهره*، ص ۲۲۶).

۲. «عن هشام عن ابیه قال: سمعت عبد الله ابن جعفر عن علی ابن ابی طالب علیه السلام عن النبی قال: خیر نسائها مریم وخیر نسائها خدیجه، متفق علیه» (طاهر القادری، *العقد الثمین*، ص ۱۱).

۳. *سیرت خدیجه الکبری*، ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۲۵.

۵. همان.

عایشه می‌گوید:

> آن اندازه که به حضرت خدیجه رشک می‌بردم، به هیچ زن دیگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نبردم درحالی که او قبل از ازدواج من با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از دنیا رفته بود، زیرا بارها حضرت او را یاد می‌کردند و خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور داده بود تا خدیجه را به قصر مروارید در بهشت نوید بدهد. آن حضرت هرگاه گوسفند قربانی می‌کردند، برای دوستان خدیجه هدیه می‌فرستادند.[1]

روایت دیگری نیز از قول عایشه نقل می‌کند:

> من جز خدیجه به هیچ زن دیگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رشک نبردم، در حالی که زمان او را درک نکردم.[2]

یا در جای دیگر می‌گوید:

> از در بین همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فقط به خدیجه رشک می‌بردم؛ زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زیاد از او یاد می‌کردند در حالی‌که هیچ‌گاه او را ندیدم.[3]

۲۲. بهترین زن امت محمدی

حضرت خدیجه نه‌فقط بهترین زن و همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود بلکه ذات گرامی او به عنوان برترین زنان امت محمدی در آیینه روایات و حقایق ذکر شده است. ابن‌حجر عسقلانی می‌گوید:

> آن حضرت فرمود: «خدیجه برترین زنان امت من است».[4]

ابن‌حجر پس از نقل این حدیث می‌گوید:

---

۱. طاهر القادری، *العقد الثمین*، ص ۹.

۲. عن عایشه قالت: ما غرت علی نساء النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم إلا علی خدیجة، و إنی لم أدرکها،» (*العقد الثمین*، ص ۱۲).

۳. «عن عایشه قالت: ما غرت للنبیعلی احد من نسائه ما غرت علی خدیجه لکثرة ذکره ایاها وما رایتها قط» (همان، ص۱۳).

۴. «قال النبی: لقد فضلت خدیجة علی نساء امتی» (ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری* بشرح *صحیح البخاری*، ج ۷، ص ۱۳۷).

از این حدیث، برتری حضرت خدیجه صلی الله علیه و آله و سلم بر عایشه نیز روشن می‌گردد.[۱]

ابن‌کثیر در این باره می‌گوید:

برخی از اهل‌سنت درباره عایشه غلو می‌کنند و او را به این‌که دختر ابوبکر است، بر خدیجه برتری می‌دهند».[۲]

نویسنده *سیره خدیجه‌الکبری* می‌نویسد:

آن حضرت در زمان حیات خدیجه، با هیچ‌کس ازدواج نکردند ولی پس از وی با ده نفر ازدواج کردند اگرچه این نکاح‌ها برای تسکین نفسیات نبود، بلکه برای مصالح اسلام بود. با وجود این همسران که نزد حضرت بودند، برای یک‌لحظه هم خدیجه را فراموش نکردند و همین باعث اعتراض برخی از همسران می‌شد...

پیامبر در جواب ایراد آنان می‌فرمود:

هیچ زنی نمی‌تواند جایگاه او را بگیرد. او کمالات زیادی داشت و از تمام زنان بهتر بود.[۳]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جای دیگر فرمودند:

مریم دختر عمران و مادر حضرت مسیح، برترین زن امت خود بود و خدیجه دختر خویلد، برترین زن امت محمدی است.[۴]

نویسنده یاد شده در اول کتاب می‌گوید:

این حدیث که در سطر بالا بیان شده، بهترین سند در اثبات برتری حضرت خدیجه بر تمام زنان امت محمدی است.[۵]

۲۳. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دنیا و آخرت

این امتیاز و شرف در میان همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تنها نصیب خدیجه شد.

---

۱. همان.

۲. ابن کثیر، *البدایه و النهایه*، ج ۳، ص ۱۲۹.

۳. حکیم محمد ادریس فاروقی، *سیره خدیجه الکبری*، ص ۱۲۵.

۴. همان، ص ۱۱۴.

۵. همان، ص ۲۵.

عایشه بنت‌الشاطی می‌گوید:

خدیجه دختر خویلد، اشرف امهات مؤمنین است و نزدیک‌ترین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عزیزترین آن‌ها نزد آن حضرت هم در دنیا و هم پس از مرگ. ۲۵ سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داشت و هیچ زنی در این افتخار با او شریک نیست.[۱]

مدنی علما با استناد به روایت *المعجم الکبیر* طبرانی می‌نویسند:

حضرت خدیجه در پایان عمر در بستر بیماری بود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به خدمت او تشریف آوردند و خطاب به او فرمودند: «برایم سخت است که شما را در این حالت ببینم؛ ولی خداوند عالم در این کار برای شما خیر گذاشته است. آیا می‌دانید خداوند در بهشت مرا با شما و مریم دختر عمران کلثم خواهر حضرت موسی و آسیه زن فرعون به نکاح درآورد».[۲]

نتیجه

بنابر گزارش‌های تاریخی و روایی فریقین، ام‌المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام دارای ویژگی‌هایی هستند که هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نداشتند. این ویژگی‌های یگانه و بی‌نظیر حضرت خدیجه علیها السلام، او را از دیگر زنان و همسران پیامبر ممتاز و بر دیگران مقدم می‌سازد و فضایل او را بر دیگر زنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آشکار می‌کند.

---

۱ . عایشه بنت الشای، *بانوی کربلا زینب* .

۲ . ابوالقاسم خویی، *المعجم الکبیر*، ج ۲۲، ص ۳۷۶؛ *فیضان خدیجه الکبری*، ص ۶۳ به نقل از کتاب *المعجم الکبیر للطبرانی*، ج ۹، ص ۳۹۳ .

منابع

الف) منابع عربی و فارسی

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید المعتزلی، *شرح نهج‌البلاغه*، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۳۸۷ ش.

۲. ابن اثیر، *اسدالغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۳. ابن سعد طبقات الکبری، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۵ ق.

۴. ابن کثیر دمشقی، *البدایه والنهایه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

۵. ابن هشام حمیری، *سیره‌النبویه*، بیروت، مکتبه محمدعلی صحیح، ۱۳۸۳ ش.

۶. ابن‌عبدآلبر، *الاستعیاب فی معرفه الاصحاب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۷. اربلی، علی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.

۸. اشتهاردی، محمدمحمدی، *حضرت خدیجه ؑ اسطوره ایثار و مقاومت*، تهران، انتشارات نبوی، ۱۳۷۷ ش.

۹. ــــــــــــ، *حضرت خدیجه همسر پیامبر* ﷺ، تهران، انتشارات نبوی، ۱۳۸۴ ش.

۱۰. آلوسی، *تفسیر روح‌المعانی*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.

۱۱. آیتی، ابراهیم، *تاریخ پیامبر اسلام*، قم، دارالفکر، ۱۳۸۶ ش.

۱۲. بلاذری، *انساب الاشراف*، بیروت، دارالفکر، ۱۱۴۱۷ ق.

۱۳. توفیق ابوعلم، *فاطمه الزهرا* ؑ، قاهره، دارالمعارف، بی‌تا.

۱۴. دخیل، محمدعلی، *خدیجه* ؑ، ترجمه فروز حریرچی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

۱۵. ذهبی، ***سیر اعلام النبلاء***، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۱۶. رسولی محلاتی، سیدهاشم، ***زندگی حضرت محمد خاتم النبیین*** صلی الله علیه و آله و سلم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

۱۷. زرقانی مالکی، عبدالباقی، ***شرح المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه***، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

۱۸. سائح، سیداحمد، ***الاضواء فی مناقب الزهرا***، بی نا، بی تا، بی جا.

۱۹. سبحانی، جعفر، ***فروغ ابدیت***، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.

۲۰. سبط بن جوزی، ***تذکره الخواص، الامامه فی خصائص الائمه***، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.

۲۱. شوشتری، قاضی نورالله، ***احقاق الحق و ازهاق الباطل***، قم، مکتبة آیه الله مرعشی، ۱۴۱۱ق.

۲۲. شیخ صدوق، ***امالی***، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ ق.

۲۳. شیخ مفید، ***الارشاد فی معرفه حجج الله العباد***، قم، مؤسسه اهل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.

۲۴. طبرسی، علی الفضل بن الحسن، ***تفسیر مجمع البیان***، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ق.

۲۵. ـــــــــــــــ، ***اعلام الوری باعلام الهدی***، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۹ ق.

۲۶. عایشه بنت شاطی، ***بانوی کربلا حضرت زینب کبری*** علیهاالسلام، ترجمه سیدرضا صدر، بی نا، بی تا، بی جا.

۲۷. عسقلانی، ابن حجر، ***الاصابه فی تمییز الصحابه***، بیروت، الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۲۸. عقیق بخشایشی، عبدالرحیم، ***همسران رسول خدا*** صلی الله علیه و آله و سلم، قم، دارالتبلیغ الاسلامی، ۱۳۵۲ ش.

۲۹. غالب سیلاوی، ***الانوار الساطعه من الغراء الطاهره***، قم، نشر محلاتی، ۱۴۲۴ ق.

۳۰. قطب، محمدعلی، ***خدیجه بنت خویلد***، بیروت، دارالقلم، ۱۴۲۵ ق.
۳۱. کمالی‌نیا، محمدتقی، ***خدیجه کبری*** علیها السلام، قم، امید، ۱۳۸۰ ش.
۳۲. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ***فرهنگ جامع سخنان حضرت فاطمه*** علیها السلام، تهران، ۱۳۸۹ ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار***، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. محلاتی، ذبیح‌الله، ***ریاحین الشریعه فی احوال النسا الشیعه***، تهران، دارالاسلامیه، ۱۳۸۵ ش.
۳۵. معروف الحسنی، هاشم، ***زندگی حضرت خدیجه کبری*** علیها السلام ***و حضرت فاطمه*** علیها السلام، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۰ ش.
۳۶. ـــــــــــ، ***سیره الائمه الاثنی عشر***، تهران، انتشار امیرکبیر، ۱۴۲۱ ق.
۳۷. یعقوبی، احمد بن یعقوب، ***تاریخ یعقوبی***، بیروت، دارصادر، ۱۴۲۰ ق.

ب) منابع زبان اردو

۳۸. اویس فاروقی، حکیم محمد، ***سیرت خدیجه الکبری***، پاکستان، دارالسلام، بی‌تا.
۳۹. سیدکرار حسین واعظ، ***ملیکه العرب***، پاکستان، رحمت‌الله بک ایجنسی، ۱۹۸۵م.
۴۰. صائم چشی، ***البتول***، دهلی، جیلانی بک دپو، ۲۰۱۱ م.
۴۱. صدقی، ادریس، ***حضرت خدیجه الکبری***، دهلی‌نو، فرید بکدپو، ۱۹۹۹ م.
۴۲. الطاهرالقادری، ***العقدالثمین، فی ام‌المؤمنین***، منهاج القرآن، ۲۰۱۱ م.
۴۳. طاهرالقادری، ***سیرت خدیجه الکبری***، پاکستان، منهاج القران، ۲۰۰۲ م.
۴۴. عبدالقدوس ندوی، محمدمصطفی، ***ام‌المؤمنین حضرت خدیجه اسوه و پیغام***، ناشر الفاروق، ۱۴۳۴ ق.
۴۵. مجاهد، عبدالمالک، ***سیده خدیجه کی زندگی***، دهلی، مکتبه بیت

الاسلام و فهیم بک دپو، ۲۰۱۲ م.

۴۶. مدنی گروه، *خاتون جنت*، دهلی، مکتبه المدینه، ۲۰۱۳ م.

۴۷. ـــــــــ، *فیضان امهات المؤمنین*، دهلی، مکتبه المدینه، بی‌تا.

۴۸. ـــــــــ، *فیضان خدیجه الکبری*، دهلی، مکتبة المدینه، بی‌تا.

۴۹. مفتی ثناء الله محمود، *سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد*، دهلی، اریب بلیشر، ۲۰۱۴ م.

۵۰. نرجس، سیده عابده، *خدیجه الکبری*، پاکستان، جامعه تعلیمات اسلامی، ۲۰۰۱ م.

۵۱. هاشمی، طالب، *سیرت فاطمه الزهرا* علیها السلام، دهلی نو، اعتقاد پبلشنگ هاوس، ۲۰۱۰ م.

تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه علیها السلام

سیدمحمدحسین جلال‌زاده میبدی

چکیده

برخی کتاب‌های روایی و تاریخی، در تلاش برای کاستن از جایگاه و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام هستند. مقاله حاضر ابتدا به گونه‌ای گذرا، به چهار نمونه تلاش برای زدودن فضایل ایشان اشاره می‌کند. سپس به شش نمونه از موارد تحریف تاریخ درباره ایشان می‌پردازد که شوربختانه به غلط شهرت نیز یافته است؛ مانند کتمان یکتاپرستی ایشان پیش از بعثت، ادعای دوبار ازدواج ایشان پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مصاهرت بین خلیفه سوم و ایشان، بازتاب کم‌رنگ پشتیبانی مالی حضرت خدیجه علیها السلام از اسلام، درگذشت ایشان در کهن‌سالی و ایجاد ابهام در تاریخ دقیق هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه.

این موارد، گاه مخالف مبانی کلامی و روایات فریقین و اسناد تاریخی است و به اخبار مرسل یا گزاره‌های مورد اعراض دانشمندان اسلامی و اخبار معارض تکیه دارد. قراین متعددی دال بر جعل این اخبار و تناقض موجود میان آن‌ها در دست است.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت خدیجه علیها السلام، تحریف، فضایل، تاریخ‌نویسان.

مقدمه

مظلومیت حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب‌های تاریخ و سیره‌نگاری، به جهت بیان نشدن فضایل، زدودن آن‌ها و تحریف تاریخ درباره ایشان است. این

حرکت، با هدف کاستن از منزلت و نقش حقیقی ایشان در ظهور و گسترش اسلام صورت گرفته است. به علاوه، برخی گزارش‌های غیرواقعی درباره ایشان ساخته شده تا نردبانی برای ارتقای جایگاه دیگران باشد.

افسوس که جعلیاتی در تاریخ به ایشان نسبت داده شده که با توجه به سخن حکیمانه محمد لطفی جمعه (د ۱۹۵۳م)، تنها با اسرائیلیات *تورات* سنجیدنی است.[۱] این گزاره‌ها، تنها به شخصیت ایشان لطمه نمی‌زند، بلکه به گفته نویسنده معاصر عرب، بهانه خاورشناسان برای تخریب شخصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را فراهم آورده است.[۲]

شوربختانه در رویارویی با گزاره‌های مرتبط با ایشان، به شهرت مطالب بسنده گردیده و اخبار معارض بررسی نشده است.[۳] این نوشتار تنها به بیان گوشه‌ای از این مظلومیت می‌پردازد.

تحریف و زدودن فضایل در کتاب‌ها

اینک به چهار نمونه از شواهد تلاش برای زدودن فضایل یا حقایق تاریخی درباره ایشان، اشاره می‌کنیم:

۱. حاکم نیشابوری (د ۴۰۵ ق) حدیثی در فضیلت حضرت خدیجه علیهاالسلام از *صحیح* مسلم (د ۲۶۱ ق) نقل کرده که در نسخه‌های امروزی آن وجود ندارد. شمس‌الدین ذهبی (د ۷۷۴ ق) در *تلخیص* نیز بر گفتار حاکم خرده نگرفته و احتمال اشتباه حاکم منتفی است. این نشان می‌دهد که *صحیح* مسلم در نقل فضایل خدیجه علیهاالسلام [بعد از دوران ذهبی] دچار تحریف شده است.[۴]

---

۱. ابراهیم الجمل، *ام المؤمنین خدیجه*، ص ۹۱.
۲. همان، ص ۹۹.
۳. یکی از ایرادهای برخی پژوهش‌های تاریخی، بی‌توجهی به دور باطل شهرت و حجیت است؛ زیرا در موارد بسیاری خاستگاه شهرت نابه‌جای یک قول، بی‌توجهی به اخبار معارض، مغفول ماندن تطور تاریخی گزاره و اتکای نابه‌جا به یک خبر واحد است.
۴. محمد حسن مظفر، *دلائل الصدق لنهج الحق*، ج ۶، ص ۴۴۳. تلاش برای زدودن برخی مطالب از *صحیحین*، شواهد متعددی دارد که با هدف از میان بردن مشترکات و زمینه‌های برادری میان شیعه و

۲. ذهبی قائل به برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند. عبارت وی چنین است: «نعم جزمت بافضلیة خدیجه علیها لامور لیس هذا موضعها». اما «جزمت» در چاپ دمشق، به «خرجت» تحریف شده و تمامی عبارت مذکور از برخی چاپ‌ها حذف گردیده است.[۱]

۳. ابن‌عبدالبر (د ۴۶۳ ق)، و ابن‌کثیر (د ۷۷۴ ق) از زبیربن‌بکار (د ۲۵۶ ق) نقل کرده‌اند که «طاهره» از القاب حضرت خدیجه علیها السلام بوده و به دلیل پاک‌دامنی بی‌مانندش در دوران جاهلیت، او را طاهره دختر خویلد نامیدند. ابن‌کثیر در دو اثر خود چنین نوشته است: «قال الزبیربن بکار کانت خدیجه تذکر فی الجاهلیة الطاهرة بنت خویلد». اما ابن‌حجر عسقلانی (د ۸۵۲ ق)، طاهره را از دختران خویلد و خواهر خدیجه علیها السلام معرفی کرده و آن را به زبیربن بکار نسبت داده و نوشته «الطّاهرة بنت خویلد: أخت خدیجة زوج النبی صلی الله علیه و آله و سلم ذکرها الزّبیربن بکار». در میان کتاب‌های تراجم و طبقات موجود، تنها ابن‌حجر آن را این‌گونه به زبیر نسبت داده است.[۲]

۴. همان‌گونه که برخی تصریح کرده‌اند، ایشان موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دوشیزه بودند. اطلاق گزارش پیشینیان مبنی بر آرزوی قریش برای ازدواج با ایشان،[۳] مؤید این حقیقت است. برداشت متأخران از عبارات پیشینیان نیز همین بوده و با پیش‌فرض قرار دادن آن‌چه در میانشان مشهور شده، به اطلاق عبارت پیشینیان قیدی افزوده‌اند. برای نمونه، ابن‌حجر تعبیر «لما تأیمت» را به اطلاق گزارش‌های پیشینیان افزوده و نوشته «و لما تأیمت کان کل شریف من قریش یتمنی أن یتزوجها».[۴]

اهل‌سنت صورت گرفته است.

۱. نک: *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲. ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ ابن کثیر، *البدایه و النهایه*، ج ۵، ص ۳۰۷؛ همو، *السیره النبویه*، ج ۴، ص ۶۰۸؛ ابن‌حجر، *الاصابه*، ج ۸، ص ۲۲۴.

۳. ابن‌اسحاق، *سیره*، ج ۲، ص ۶۰.

۴. ابن‌حجر، *الاصابه*، ج ۸، ص ۱۰۱. برای نمونه، این عبارت را با تعبیر ابن‌اسحاق (د ۱۵۱ ق) و ابن هشام (د ۲۱۸ ق) و ابن‌سعد (د ۲۳۰ ق)، بسنجید. «کل قومها قد کان حریصا علی ذلک منها لو یقدر علی ذلک».

با کمک این قراین و شواهد دیگری که مجال بیان آن نیست، می‌توان ادعا کرد، تنها گوشه‌ای از حقایق زندگی و فضایل این بزرگ‌بانوی اسلام به ما رسیده است. درباره ایشان همان را باید گفت که از ادیب مشهور خلیل بن احمد فراهیدی (د ۱۷۵ ق) یا از فقیه بزرگ اهل‌سنت، محمد بن ادریس شافعی (د۲۰۴ق) درباره امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که: «عجبت لرجل کتم اعداؤُه فضائلَه حسدا، و کتمها محبوه خوفا، ثم ظهر بین الکتمانین ما ملأ الخافقین».

کتمان یگانه‌پرستی حضرت خدیجه علیها السلام

ابن‌حجر در وصف فضائل حضرت خدیجه علیها السلام، یکی از ویژگی‌های ایشان را بزرگداشت و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل و بعد از بعثت دانسته است.[1] در این‌که حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زن مسلمان و به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صدیقه امت اسلامی بودند،[2] تردیدی نیست، اما تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت به چه معناست؟ در پاسخ باید گفت: این مطلب دال بر ایمان حضرت خدیجه علیها السلام به بشارت‌های انبیای پیشین در مورد بعثت پیامبری از نسل ابراهیم خلیل علیه السلام در شهر مکه است.

به گواه *قرآن کریم*، اهل کتاب جزیرةالعرب، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به خوبی و بسان پسران خود می‌شناختند.[3] ولی بیش‌تر آنان این حقیقت را کتمان می‌کردند.[4] افزون بر آنان، گروهی از مردم جزیرةالعرب به خدا و قیامت ایمان داشتند و در

(ابن‌اسحاق، *سیره*، ج ۲، ص ۶۰)؛ «کل قومها کان حریصا علی ذلک منها لو یقدر علیه». (ابن‌هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۱۸۹)؛ «کل قومها کان حریصا علی نکاحها لو قدر علی ذلک» (*الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۰۵).

.*الاصابه*، ج ۸، ص ۱۰۲.

۱. همان، ص ۱۰۲.

۲. ابن‌عساکر، *تاریخ دمشق*، ج ۷۰، ص ۱۱۸.

۳. سوره بقره، آیه ۱۴۶؛ سوره انعام، آیه ۲۰.

۴. ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۶، ص ۱۷۷.

انتظار نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند.[۱] آنان طبقه بافرهنگ و آشنا به خواندن و نوشتن و مأنوس با *تورات* و *انجیل* نازل‌شده از جانب خداوند و قائل به تحریف این دو کتاب بودند. به همین جهت، به دین حنیف ابراهیم علیه السلام اصلاح جامعه، مبارزه با عادات و رسوم غلط جاهلی و تلاش برای نجات مردم از شرک و جهل و خرافات تمایل داشتند و می‌توان آنان را مصلحان جامعه نامید. کسانی چون ابوذر، سلمان و ورقه‌بن‌نوفل،[۲] نهضت بازگشت به دین حنیف را رهبری می‌کردند و این دعوت مردم به پرستش خدای یگانه، سبب خشم بت‌پرستان از آنان بود.[۳] خدیجه علیها السلام نیز از این گروه به شمار می‌رفت. اخباری که او درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنید، او را به ازدواج با حضرت مشتاق نمود.[۴] در کتب آسمانی آمده بود که احمد با شخصی به نام خدیجه علیها السلام ازدواج خواهد کرد.[۵] خدیجه علیها السلام همواره ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از ورقة‌بن‌نوفل می‌پرسید و او نیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را همان کسی معرفی می‌کرد که حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام بشارت به پیامبری او داده بودند.[۶]

با این‌همه، گزاره‌هایی جعلی مبنی بر بت‌پرستی حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد. این خبر که احمدبن‌حنبل (د ۲۴۱ ق) آن را از یکی از همسایگان خدیجه علیها السلام درباره گفت‌گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام نقل کرده، حاکی از پرستش بت‌های لات و عزی توسط خدیجه علیها السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نتوانسته همسرش را برای پرهیز از بت‌پرستی قانع سازد، بلکه خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

---

۱. شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۲، ص ۵۹۰.

۲. به رغم تصویر شخصیت ایشان به عنوان یک مسیحی، در روایات نبوی بسیاری بر مراتب بالای ایمان ایشان تأکید شده و برخی از بزرگان اهل سنت ایشان را در عداد صحابه شمرده‌اند. برای نمونه نک: *ام‌المؤمنین خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت*، ص ۵۲،۵۴، ۸۱ و ۱۰۲.

۳. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، ج ۱۲، ص ۳۰، ۳۱، ۳۳؛ ج ۱۵ ص ۱۰۸، ۱۱۴، ۳۰۹ و ۳۱۹؛ رسول جعفریان، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۱، ص ۱۸۵.

۴. حلبی، *السیره الحلبیه*، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵. عینی، *عمده القاری*، ج ۱، ص ۶۳.

۶. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۲، ص ۳۷۳.

خواسته تا با بت‌ها کاری نداشته باشد![1]

ازاین‌رو، به اخباری که تنها دلیل آشنایی و ازدواج خدیجه علیهاالسلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مزدوری حضرت برای خدیجه علیهاالسلام در سفر تجاری شام دانسته باید تردید جدی داشت، به ویژه که بیش‌تر حنفا، بازرگان و از خانواده‌های برخوردارتر از سطح متوسط جامعه بودند.[2] بهترین سند تاریخی بر رد این مطلب، گواه تاریخ‌نویس مشهور یعقوبی (د ۲۹۲ ق) است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرگز کارگزار خدیجه علیهاالسلام یا دیگری نبوده است.[3]

بیوه نمایاندن حضرت خدیجه علیهاالسلام

یکی از تحریفات درباره حضرت خدیجه علیهاالسلام، افسانه ازدواج ایشان با یک یا دو مرد عرب پیش از ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ مانند ازدواج حضرت خدیجه علیهاالسلام با ابوهاله مخزومی.[4] برخی ازدواج دیگری با ابوهاله تمیمی را نیز ثبت کرده‌اند.[5] تاریخ‌نگاران در این ماجرا، گاه به منابعی که بدون سند یا مستند به گفتار متأخرانی چون جرجانی (د ۳۹۲ ق) است،[6] بسنده کرده و به تعارض این گزاره با سایر اخبار توجهی ننموده‌اند؛ در حالی که به تصریح برخی از تاریخ‌نگاران، ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دوشیزه بوده‌اند.[7]

این جهت‌گیری در برابر حضرت خدیجه علیهاالسلام، سیاست یک بام و دو هوا و نقطه مقابل موضع تاریخ‌نگاران در برابر دیگر صحابه است که به دو نمونه از

---

۱. احمدبن حنبل، *مسند احمد*، ج ۴، ص ۲۲۲.
۲. *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۱۲، ص ۳۴ و ج ۱۶، ص ۲۸۵.
۳. ابن‌واضح یعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، ص ۲۱.
۴. ابن‌منده، *معرفه الصحابه*، ج ۱، ص ۹۷۹.
۵. *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۱ و ۱۷۴.
۶. ابن‌منده، *معرفه الصحابه*، ج ۱، ص ۹۷۹؛ ابونعیم، *معرفه الصحابه* ج ۶ ص ۳۲۰۰ و ۳۲۰۱؛ ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۱۷.
۷. نک: ابوالقاسم اصفهانی، *دلائل النبوه*، ص ۱۷۸؛ رازی، *تبصره العوام*، ص ۲۴۵؛ ابن‌شهرآشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، ج ۱، ص ۱۶۱؛ طبری، *کامل البهایی*، ج ۱، ص ۳۴۹ ـ ۳۵۰.

آن‌ها اشاره می‌کنیم:

نخست، گزارش‌های کتب کهن تاریخی مانند *طبقات* ابن‌سعد (د۲۳۰ ق)، حاکی از ازدواج عایشه با مردی پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و داشتن فرزندی به نام عبدالله است،[۱] اما مشهور تاریخ‌نگاران بلکه اتفاق آنان بر دوشیزه بودن ایشان اوست.

دوم، برابر ادعای مشهور تاریخ‌نگاران، در ازدواج عثمان با دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، گفته‌اند همسران عثمان ام‌کلثوم[۲] و رقیه[۳] که بنابه قولی، پیش از اسلام با پسران ابولهب ازدواج کرده[۴] و پس از نزول سوره مسد از شوهر خود جدا شدند[۵] پس از گذشت سال‌ها از ازدواجشان هم‌چنان دوشیزه بوده‌اند.

ازاین‌رو باید پرسید راز پافشاری برخی تاریخ‌نگاران بر این تناقض‌گویی و سیاست دوگانه چیست و چرا گزاره‌های دال بر دوشیزه بودن ایشان نیز شهرت نیافته است؟! بعید نیست اینان خدیجه دختر خویلد اسدی را با خدیجه کبری دختر زبیربن‌عوام اسدی و اسماء دختر ابوبکر[۶] که دارای تجربه چند بار ازدواج از جمله با مردی مخزومی بوده،[۷] خلط کرده باشند.

اخباری که در کتاب‌های تاریخی و روایی[۸] دال بر داشتن اولادی از شوهران سابق حضرت خدیجه علیهاالسلام برای ایشان وجود دارد، صرف‌نظر از عدم تمامیت آن، اشکال کلامی که بر مضامین آن‌ها وجود دارد. مبنی بر جهنم رفتن کودکان کفار که با باورهای حشویه اهل حدیث سازگار و مخالف باورهای عدلیه است.[۹]

---

۱. ر.ک: ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶ ـ ۴۷ و ۵۰ ـ ۵۱؛ عاملی، الصحیح من السیره النبی الاعظم، ج ۱۲، ص ۱۰۶ ـ ۱۰۸ و ۱۱۳ ـ ۱۱۵.

۲. ابن‌قتیبه، *المعارف*، ص ۱۴۲ و ۱۲۶.

۳. *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۷۴

۴. مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۵، ص ۱۷.

۵. ابونعیم، *معرفه الصحابه*، ج ۶، ص ۳۱۹۸.

۶. *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۹۶؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱۱، ص ۶۱۶.

۷. ابن‌حبیب، *المحبر*، ص ۶۷ ـ ۶۶.

۸. ابن‌ابی‌عاصم، *کتاب السنه*، ص ۹۵، یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۳۲.

۹. علامه حلی، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، ص ۹۴.

و ضعف و ارسال آن،[۱] جعلی به نظر می‌رسد.

افسانه دوبار دامادی عثمان

همان‌گونه که ابن‌حجر گفته، از دیدگاه مشهور، عثمان به دلیل دوبار افتخار دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به «ذوالنورین» ملقب شده است.[۲] با توجه به این‌که به لحاظ تاریخی، دامادی عثمان تنها با دختری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیهاالسلام قابل فرض است، به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

در میان کتب شناخته شده، نخستین کسی[۳] که به لقب «ذوالنورین» برای عثمان اشاره کرده، نعیم‌بن‌حماد مروزی (د۲۲۸ ق) است که آن را از عبدالله بن عمروعاص نقل کرده که در هنگامه جنگ یرموک، آن را در کتابی با این لقب دیده است.[۴]

در این‌جا به دو نکته باید توجه کرد: نخست این‌که، راوی آن را در سال سیزدهم یا پانزدهم هجری، در کتابی مجهول دیده است. دوم این‌که، آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا یکی از صحابه نسبت نداده است. در این نقل، عثمان به دلیل این‌که مظلومانه کشته شده، مشمول «کفلین من رحمه‌الله»[۵] (دو بهره از رحمت خدا) معرفی شده است. بنابراین می‌توان ذوالنورین بودن را برابر باور نویسنده آن کتاب مجهول‌الهویه، این‌گونه تفسیر کرد که عثمان به دلیل برخورداری از نور ایمان و کشته شدن در راه خدا، شایسته دو بهره از رحمت خدا و لقب ذوالنورین گشته است.

---

۱. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲. ابن حجر، *الاصابه*، ج ۲، ص ۳۵۰ - ۳۴۹.

۳. مقصود از این مطلب، بررسی پیشینه استناد به وجود روایتی نبوی دال بر این مطلب در کتب اهل سنت است؛ و الا در این‌که این لقب را بنی‌امیه پس از شهادت امیرمؤمنان علیه‌السلام برای وی به کار بردند، تردیدی نیست.

۴. ابن حماد، *کتاب الفتن*، ج ۱، ص ۱۱۵.

۵. این مضمون برداشتی از آیه ۲۸ سوره حدید است، که بشارت مؤمنان باتقوا و معتقد به خدا و رسول به برخورداری دو سهم از رحمت خداوند است.

ابن ابی شیبه (د ۲۳۵ ق) و احمدبن‌حنبل (د ۲۴۱ ق) نیز همین مضمون را با تفاوت‌هایی نقل کرده‌اند.[۱] اما احمد، پس از نقل این حکایت غریب، روایتی را از طریق ابن‌عباس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده که بر روی تمامی برگ‌های درختان بهشتی، عبارت «محمد رسول‌الله، ابوبکر الصدیق، عمر الفاروق و عثمان ذوالنورین» نگاشته شده است![۲] بنابراین وی بدون اشاره به وجه تلقب و تسمیه، از نخستین کسانی است که ملقب شدن عثمان به ذوالنورین را از زبان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است.

آجری بغدادی (د ۳۶۰ ق) نیز از نخستین کسانی است که بعد از نقل دو روایت از طریق ابن‌عباس و ابوهریره از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ملقب شدن عثمان به ذوالنورین را به دلیل ازدواج عثمان با دو دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، می‌داند.[۳]

در نقد آن‌چه بیان شد باید گفت: گزاره موجود در کتاب *الفتن* و خبر واحد یکی از صحابه از یک کتاب ناشناس، هیچ‌گونه اعتباری ندارد. اما روایات منسوب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مخالف روایات عامه و خاصه است. برای نمونه، امام بخاری (د ۲۵۶ ق) در *صحیح* خود، مطلبی را از زبان عبدالله‌بن‌عمر، در مقام دفاع از امام علی علیه‌السلام و عثمان و نفی اتهام فتنه از آنان نقل کرده است. در این شهادت و گواه تاریخی، عبدالله به بیان فضیلت آن دو پرداخته و دامادی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تنها برای حضرت علی علیه‌السلام ذکر کرده![۴] در حالی که اگر حتی یک‌بار افتخار دامادی برای عثمان وجود داشت، شایسته بود که در چنین مقامی به آن اشاره شود. مؤید دیگر این مطلب در منابع روایی اهل سنت، ظهور اخبار مستفیض نبوی در یگانه بودن امام علی علیه‌السلام در دامادی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خدیجه علیهاالسلام است.

---

۱. ابن ابی شیبه، *المصنف فی الاحادیث والآثار*، ج ۶، ص ۳۶۳؛ احمدبن حنبل، *فضائل الصحابه*، ج ۱، ص ۴۲۳.

۲. *فضائل الصحابه*، ج ۱، ص ۴۲۳.

۳. آجری بغدادی، *الشریعه*، ج ۴، ص ۱۷۴۷.

۴. بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۵، ص ۱۵۷.

در ایـن اخبـار کـه خرگوشـی (د ۴۰۶ ق) و دیلمـی (د ۵۰۹ ق)، آن را نقـل کرده‌انـد،[۱] وجود دامادی جز حضرت علی ﷺ نفی شـده اسـت.[۲]

هم‌چنیـن در روایتـی کـه از امـام صـادق ﷺ نقـل شـده، حضـرت کسـانی کـه ـ به ناحق ـ خود را به صدیق، فاروق و ذوالنوریـن ملقـب کرده‌اند، نکوهش فرموده‌اند.[۳] امـام جـواد ﷺ نیـز در پاسـخ بـه پرسـش‌های یحیـی بن‌اکثـم، فضایـل منسـوب بـه خلفـا را کـه شـبیه مناقـب اهل‌بیـت ﷺ اسـت، از جعلیـات بنی‌امیـه شـمرده‌اند.[۴] بـا عنایت به این‌کـه بیش‌تریـن جعـل روایات در فضایـل صحابـه در زمـان بنی‌امیـه و بـا هـدف خوارسـاختن بنی‌هاشـم صـورت گرفتـه[۵] و تـلاش بر ایـن بوده تـا شـبیه بـه تمـام روایاتـی را کـه بر فضیلـت امیرمؤمنـان ﷺ دلالـت دارد، بـرای برخـی از صحابـه بسـازند،[۶] اعتبـار ایـن روایـات مخـدوش بـه نظر می‌رسـد. شـاهد ایـن ادعـا نیـز ملقب سـاختن عثمـان بـه ذوالنوریـن توسـط گروهـی از بنی‌امیـه، در مناظـره بـا امـام حسـن مجتبـی ﷺ اسـت.[۷]

جعـل ایـن روایـات، از سـه جهـت و شـبیه‌سـازی در آنـان از دو جهـت، بررسـی می‌شـود:

نخسـت: در روایـات نبـوی بـر منـوط بـودن انتخـاب همسـر بـرای فاطمـه ﷺ بـه رضایـت پـروردگار و نـزول وحـی دراین‌بـاره تأکیـد شـده اسـت.[۸] در روایـات برسـاخته امـوی، همیـن روایـات رونوشـت شـده و در برخـی بـه جـای نـام علـی ﷺ و فاطمـه ﷺ نـام عثمـان و ام‌کلثـوم جایگزیـن شـده و در برخـی نیـز سـخن از نـزول وحـی در هـر دو

---

۱. شوشـتری، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، ج ۴؛ ص ۴۴۴ ـ ۴۴۳؛ ج ۱۵، ص ۶۵۰ ـ ۶۴۹؛ ج ۲۲، ص ۳۳۱ ـ ۳۳۰ و ج ۳۰، ص ۳۶۰.
۲. جمیل حمّود، *ابهی المداد*، ج ۲، ص ۲۱۰.
۳. قمی، *تفسیر القمی*، ج ۱، ص ۱۴۰.
۴. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۴۴۷.
۵. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۱، ص ۴۶.
۶. همان، ص ۴۵ ـ ۴۴.
۷. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۱، ص ۴۰۳.
۸. کلینی، *الکافی* (اسلامیه)، ج ۵، ص ۵۶۸؛ شیخ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۳۹۳.

ازدواج عثمان، به میان آمده است.[۱]

دوم: با عنایت به ملقب شدن امیرمؤمنان علیه‌السلام به ذوالنورین، به دلیل نسبت پدری با نوادگان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،[۲] تلاش جاعلان برای اثبات این فضیلت در مرتبه بالاتر و اثبات ازدواج عثمان، با دو فرزند حضرت بوده است. از این‌رو، تأکید شده که این فضیلت در میان بشر به عثمان اختصاص دارد. اختصاص این فضیلت به عثمان، از مُهَلَّب‌بن‌ابی‌صُفْرَه (د۸۳ هـ)[۳] از والیان اموی مشهور به کذب[۴] و حسن بصری (د۱۱۰ ق)[۵] نقل شده و بیهقی (د۴۵۸) آن را از حسین جعفی (د۲۰۳ ق) از مشایخ احمدبن‌حنبل، نقل کرده است.[۶]

سوم: راز اصرار بر وقوع این دو ازدواج، روایت نبوی برساخته است که هم‌نشین بهشتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسانی هستند که با حضرت پیوند ازدواج برقرار کنند.[۷] روشن است که دوبار ازدواج دارای فضیلتی بس بالاتر از یک‌بار ازدواج و منزلتی والاتر است. برای نفی هرگونه تردید در صحت این ادعا، نقل این مطلب به داماد واقعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز نسبت داده شده است. خَیثَمه (د۳۴۳ ق) از علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نقل کرده که ذوالنورین، لقب عثمان در ملأاعلا، به دلیل ازدواج عثمان با دو دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.[۸] دارقطنی (د ۳۸۵ ق) نیز در ***الافراد والغرائب***، این مطلب را آورده است.[۹]

این اخبار به تدریج به کتب تاریخی و تراجم راه یافته و به عنوان یک حقیقت مسلم، قلمداد شده است. مقدسی (د ۳۸۱ ق) از نخستین کسانی به

---

۱. بخاری، *التاریخ الکبیر*، ج ۳، ص ۳۰۷ ـ ۳۰۸؛ فسوی، *المعرفه و التاریخ*، ج ۳، ص ۱۶۰ ـ ۱۵۹.
۲. کراجکی، *التعجب من اغلاط العامه*، ص ۱۰۲ ـ ۱۰۱؛ ابن‌شهرآشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، ج ۳، ص ۲۸۸.
۳. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۰۳۹.
۴. همان، ج ۴، ص ۱۶۹۲.
۵. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۳۹، ص ۵۱.
۶. بیهق، *السنن الکبری*، ج ۷، ص ۷۳.
۷. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۰۳۹؛ هیثمی، *بغیه الباحث*، ج ۲، ص ۹۲۰.
۸. سیوطی، *تاریخ الخلفاء*، ص ۱۳۴.
۹. عینی، *عمده القاری*، ج ۱۶، ص ۲۰۱.

شمار می‌آید که به این وجه تلقب، به استناد روایت نبوی اشاره کرده است. او از ازدواج رقیه و ام‌کلثوم با عتبه و عتیبه فرزندان ابولهب و طلاق آن دو از دختران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ازدواج رقیه و سپس ام‌کلثوم با عثمان، اشاره نموده و با گوشزد کردن یکی از اخبار منسوب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در پایان افزوده که عثمان به همین دلیل، به ذوالنورین ملقب شد.[۱] پس از وی، دیگران چون ابن‌عبدالبر (د۴۶۳ ق)، سمعانی (د۵۶۲ ق)، ابن‌عساکر (د۵۷۱ ق)، ابن‌جوزی (د۵۹۷ ق)، ابن‌اثیر (د۶۳۰ ق)، کنانی (د۷۶۷ ق) نووی (د۶۷۶ ق)، ابن‌کثیر (د۷۷۴ ق)، ابن‌حجر (د۸۵۲ ق) و دیاربکری (د۹۶۶ ق) وجه ملقب شدن عثمان را تزویج یکی پس از دیگری رقیه و ام‌کلثوم به وی، توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی کرده‌اند.[۲]

ارزش قائل شدن برای این اخبار، بدانجا رسیده که در مسائل اختلافی تاریخی، آن را بر مستندات تاریخی ترجیح می‌دهند! برای نمونه، در این‌که کدام‌یک از این دختران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بزرگ‌ترند، اختلاف نظر وجود دارد.[۳] در چنین مواردی، معمولاً به سخنان معاصران آنان و نسب‌شناسان مراجعه می‌شود. اما به‌رغم تصریح ابن‌عباس (د۶۸ ق)، و نسب‌شناسانی چون کلبی (د۲۰۴ ـ ۲۰۶ ق)[۴] و زبیربن‌بکار که ام‌کلثوم را بزرگ‌تر از رقیه دانسته‌اند،[۵] ابن‌اثیر (د۶۳۰ ق) به استناد به روایات ازدواج عثمان، رقیه را بزرگ‌تر از ام‌کلثوم دانسته است![۶]

لقب ذوالنورین بعد از شهرت اولیه آن، و به‌رغم وجود معانی متعدد دیگر

---

۱. مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۵، ص ۱۸ ـ ۱۷.

۲. *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۰۳۹؛ سمعانی، *الانساب*، ج ۶، ص ۱۶؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۳۹، ص ۵۱؛ ابن جوزی، *تلقیح فهوم اهل الاثر*، ص ۷۸؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۳، ص ۱۸۴؛ ابن جماعه، *المختصر الکبیر*، ص ۸۰؛ نووی، *تهذیب الاسماء واللغات*، ج ۱ ص ۲۶ و ۳۲۲؛ ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۳، ص ۳۴۷، همو، *السیره النبویه*، ج ۲، ص ۵۴۶؛ ابن حجر، *الاصابه*، ج ۲، ص ۳۵۰ ـ ۳۴۹؛ دیاربکری، *تاریخ الخمیس*، ج ۲، ص ۲۵۴.

۳. سهیلی، *الروض الانف*، ج ۲، ص ۲۴۳.

۴. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۴؛ ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۱۹.

۵. مصعب زبیری، *نسب قریش*، ج ۱، ص ۲۱.

۶. ابن‌اثیر، اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۸۴.

برای آن،[۱] به‌تدریج در معنای دوبار ازدواج، مشهور شد، تا نووی (د۶۷۶ ق) در کتاب خود درباره اصطلاحات، از میان وجوه نام‌گذاری عثمان به ذوالنورین، تنها به این مطلب اشاره کند[۲] و شهرت نیز برآن استوار گردد؛[۳] در حالی که کسانی چون مالینی (د۴۰۹ یا ۴۱۲ ق)، ابونُعیم اصفهانی (د۴۳۰ ق)، مزی (د۷۴۲ ق)، ذهبی (د۷۴۸ ق) و عصامی (د۱۱۱۱ ق)، به رغم بیان لقب ذوالنورین، آن را به دوبار دامادی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گره نزده‌اند.[۴]

به رغم وجود شهرت، دانشمندان شیعی، این گزارش‌ها را نپذیرفته‌اند. سید مرتضی علم‌الهدی (د۴۳۶ ق)، شیخ طوسی (د۴۶۰ ق)، ابوالفتح کراجکی (د۴۴۹ ق)، سید مرتضی رازی (د۵۲۵ ق) و سیدبن‌طاووس (د۶۶۴ ق)، تصریح کرده‌اند، وجود دخترانی جز حضرت فاطمه علیهاالسلام برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله محل تردید است. بر فرض وجود خارجی آنان، این دو «ربیبه» و دخترخوانده‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند و در عرف عرب، بر فرزندخوانده نیز اطلاق فرزند می‌شده است.[۵] دخترخواندگی آن دو را ابن‌شهرآشوب (د۵۸۸ ق) از بلاذری (د ۲۷۹ ق) نقل کرده که گویای وجود این مطلب در نسخ *انساب الاشراف* در روزگار ایشان است.[۶] بر فرض پذیرش وجود این دخترخوانده‌ها و اثبات ازدواج عثمان با آنان، به تعبیر مرحوم بروجردی (د ۱۲۷۶ ق) در *زبدة المقال*، اطلاق داماد بر شوهر دخترخوانده نیز رایج بوده است.[۷]

---

۱. ابوبکر سورآبادی، *تفسیر سورآبادی*، ج ۲، ص ۱۳۳۸ ـ ۱۳۳۷؛ ج ۴، ص ۲۳۵۳؛ ج ۴، ص ۲۳۸۴ ـ ۲۳۸۳.
۲. نووی، *تهذیب الاسماء واللغات*، ج ۱ ص ۲۶ و ۳۲۲.
۳. ابن حجر، *الاصابه*، ج ۲، ص ۴۱۹.
۴. ابونعیم، *معرفه الصحابه*، ج ۶، ص ۳۱۹۸؛ مزی، *تهذیب الکمال*، ج ۱۹، ص ۴۴۶؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳، ص ۴۶۷؛ همو، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۴۴۹؛ سیوطی، *تاریخ الخلفاء*، ص ۱۳۴؛ عصامی، *سمط النجوم*، ج ۲، ص ۵۱۴.
۵. کراجکی، *التعجب*، ص ۱۰۲ ـ ۱۰۱؛ رازی، *تبصره العوام*، ص ۲۴۵؛ ابن‌شهرآشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۱۵۹؛ سیدبن‌طاووس، *الطرائف*، ج ۲، ص ۴۹۸.
۶. *مناقب آل ابی طالب*، همان. موارد دیگری از حذف این گونه مطالب، در کتاب‌های نخستین، چون *انساب الاشراف* وجود دارد که استناد گسترده متقدمان شیعه به آن، و نبودن این مطالب، وجود هر گونه اشتباهی از جانب استناددهندگان را دفع می‌کند.
۷. جمیل حمّود، *ابهی المداد*، ج ۲، ص ۲۱۶.

مشکل دیگر نیز اضطراب و تناقضات در این گزارش‌هاست.[۱] برخی تولد آن دو را پیش از بعثت و برخی پس از بعثت می‌دانند. قتاده (د ۱۱۸ ق) تولد دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بعد از اسلام دانسته[۲] و بنابه گفته ابن‌عباس، دختران به ترتیب ام‌کلثوم، فاطمه علیها السلام و رقیه بوده‌اند.[۳] به تصریح ابونُعیم (د ۴۳۰ ق) ـ از ناقلان عمده اخبار این دو ازدواج ـ جدایی ام‌کلثوم و رقیه از عتبه و عتیبه، بعد از نزول سوره مسد بوده[۴] که برابر روایت ***صحیحین***، در سال چهارم بعثت نازل شده است.[۵] با عنایت به یکی از کهن‌ترین نقل‌ها در زمان تولد حضرت فاطمه علیها السلام که در ۴۱ سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است،[۶] می‌توان نتیجه گرفت که ام‌کلثوم حین جدایی از شوهرش چهار سال داشته و رقیه دو ساله بوده است!

عجیب‌تر این‌که بنابه نقل مشهور، رقیه در زمان هجرت به حبشه، حامله شده و در سه‌سالگی فرزندی از او سقط شده است![۷] نکته غریب دیگر این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ام‌کلثوم را پس از جدایی از شوهر نخست، تا ازدواجش با عثمان در سال سوم هجرت[۸] و بنابه نظر مشهور در زمان هجرت، دوازده سال بدون شوهر، در خانه خود نگه‌داشته است! اگر چنین بوده، چرا سخنی از هجرت او به یثرب، همراه فواطم یا پیش و پس از آن به میان نیامده است؟![۹]

شاید به دلیل همین تناقضات است که بَلاذُری (د ۲۷۹ ق) تنها به ذکر لقب ذوالنورین بدون اشاره به وجه آن بسنده کرده[۱۰] و ادیب مشهور ابوالعباس مبرد (د ۲۸۵ ـ ۲۸۶ ق) عثمان را در کتاب ***اذواء ـ ملقبان به اوصاف پیشی گرفته به ذو ـ***

۱. همان، ص ۲۰۷.
۲. مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۴، ص ۱۳۹ و ج ۵، ص ۱۶.
۳. *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۴.
۴. ابونعیم، *معرفه الصحابه*، ج ۶، ص ۳۱۹۸.
۵. ابن عاشور، *التحریر والتنویر*، ج ۳۰ ص ۵۹۹.
۶. ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۹۳.
۷. مقدسی، *البدء و التاریخ*، ج ۵، ص ۱۷؛ جمیل حمّود، *ابهی المداد*، ج ۲، ص ۲۰۷.
۸. مقدسی، *البدء و التاریخ*، همان.
۹. *ابهی المداد*، ج ۲، ص ۲۱۰.
۱۰. *انساب الاشراف*، ج ۱۲، ص ۲۹۵.

ذکر نکرده و به همین جهت سبب نکوهش ابن‌عبدالبر از وی گردیده و به خرق اجماع متهم شده است![1] شاید از همین روست که سورآبادی کرامی‌مذهب (د ۴۹۴ ق)، وجوه دیگری جز دوبار دامادی را نیز برای لقب ذوالنورین، نقل کرده است.[2]

شیخ مفید (د ۴۱۳ ق) با توجه به این شواهد، رواج القابی چون ذوالنورین را مانند ملقب کردن بت‌ها به الوهیت، معاویه به «خال‌المؤمنین» و کاتب وحی، و برخی حاکمان عباسی به القاب هادی، مهدی و...، بی‌اساس دانسته است.[3] مرحوم کراجکی (د ۴۴۹ ق) پس از تردید در این مطلب، افزوده که بر فرض صحت چنین ازدواجی، امیرمؤمنان برای ملقب شدن به ذاالنور و ذوالنورین به دلیل ازدواج با فاطمه ﷺ و ابوت حسنین و ائمه هدی شایسته‌ترند.[4] سیدمرتضی رازی (د۵۲۵ ق) از متکلمان شیعه نیز می‌نویسد:

شیعیان دامادی عثمان را نپذیرفته‌اند و به آن تردید دارند.[5]

سیدبن‌طاووس نیز مشابه گفتار مرحوم کراجکی را بیان کرده است.[6] ازاین‌رو، اخبار نادر شیعه نیز قابل استناد نیست.[7]

بازتاب نیافتن ایثار مالی حضرت خدیجه ﷺ

در منابع تاریخی اسلامی، در پشتیبانی مالی ابوبکر از اسلام، بزرگ‌نمایی بسیاری شده است؛ مانند هزینه کردن چهل هزار درهم (سیم، سکه نقره) در

---

۱. *الاستیعاب*، ج ۲، ص ۴۷۸.
۲. نک: سورآبادی، *تفسیر سورآبادی*، ج ۴، ص ۲۳۵۳.
۳. شیخ مفید، *الافصاح فی الامامه*، ص ۲۲۷ ـ ۲۲۵.
۴. کراجکی، *التعجب من اغلاط العامه*، ص ۱۰۲ ـ ۱۰۱.
۵. رازی، *تبصره العوام*، ص ۲۴۵.
۶. *الطرائف*، ج ۲، ص ۴۹۸.
۷. برخی از روایات نادر شیعه، در این زمینه است. (محمدتقی مجلسی، *لوامع صاحبقرانی*، ج ۲، ص ۳۱۸). بر فرض تمامیت سند این اخبار، با توجه به مخالفت آن‌ها با سایر روایات اهل‌بیت ﷺ، اعراض مشهور متقدمان از آن‌ها، قراین تاریخی، سخنان متکلمان بزرگان شیعه و شواهد کافی بر جعل آن، نیازمند توجیه و مانند حمل بر صدور آن در مقام تقیه است.

مکه و پنج هزار درهم در مدینه،[۱] هدیه شتری به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حضرت با آن به مدینه هجرت کردند[۲] و آزاد ساختن هفت تن از بردگان مسلمان مانند عامربن‌فهیره و بلال‌بن‌رباح که در راه خدا شکنجه می‌شدند.[۳] در منابع روایی، خبری را از طریق ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که حضرت خطاب به ابوبکر فرمود: «ما نفعنی مال ما نفعنی مال ابی‌بکر».[۴]

در این مورد، از اخبار معارض غفلت شده است. افزون بر آن‌که مسلم نیشابوری (د۲۶۱ ق) گزارشی را نقل کرده که موجب تردید در روایت معاصرانش ابن‌ابی‌شیبه و ابن‌حنبل می‌شود،[۵] در منابع تاریخی تصریح شده که اموال حضرت خدیجه علیها السلام به تنهایی با دارایی تمام قریش برابر بوده[۶] و حضرت چهل هزار دینار (زر، سکه طلا) و چهل هزار درهم، در راه اسلام هزینه کرده است.[۷]

به رغم اذعان تاریخ‌نگاران به این مطلب، نه‌تنها به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد ایثار حضرت خدیجه علیها السلام و عبارت «ما نفعنی مال کمالها»[۸] بی‌مهری شده و نقل نگردیده، بلکه ایثار حضرت نیز بسیار کم‌رنگ بازتاب یافته است. از ظاهر برخی نوشته‌ها، استفاده می‌شود که این دارایی در زمانه کوتاهی پاسخ‌گو بوده است.[۹] برای نمونه، یعقوبی (د۲۹۲ ق) ـ که شاید تنها بیان‌کننده این حقیقت است ـ نوشته که خدیجه علیها السلام اموال بسیاری را در دوران تحریم اقتصادی بنی‌هاشم هزینه کرد.[۱۰] بی‌شک مقصود وی از این گفته، منحصر کردن ایثار

---

۱. *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۱۲۸.

۲. *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۵۱۱.

۳. ابن قتیبه، *المعارف*، ص ۱۷۷.

۴. ابن ابی شیبه، *المصنف*، ج ۶، ص ۳۴۸؛ احمدبن حنبل، *مسند الامام احمد*، ج ۲، ص ۲۵۳؛ همو، *فضائل الصحابه*، ج ۱، ص ۶۵.

۵. مسلم نیشابوری، *صحیح مسلم*، ج ۶، ص ۱۱۶ ـ ۱۱۷.

۶. *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۲.

۷. سبط بن جوزی، *تذکره الخواص*، ص ۲۷۳.

۸. کراجکی، *التعجب من اغلاط العامه*، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۹. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۲، ص ۱۳۵.

۱۰. *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، ص ۳۱.

حضرت خدیجه علیهاالسلام در خصوص این برهه حساس تاریخی نیست، بلکه تنها اشاره به اهمیت ایثار خدیجه علیهاالسلام در این دوران است.

متأسفانه خبر منفردی دال بر پایان یافتن اموال خدیجه علیهاالسلام در سال دهم بعثت، در یکی از کتاب‌های معاصر شیعه وجود دارد که حاوی برخی غرائب، شواذ و مراسیل است. در این خبر مرسل، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در لحظات احتضار خدیجه علیهاالسلام، از پایان یافتن اموال ایشان در راه خدا سخن گفته‌اند. از ادامه گزارش نویسنده، برداشت می‌شود که چون خدیجه علیهاالسلام هزینه تأمین کفن خود را نداشته، در عبای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کفنی که جبرئیل فرستاده بود دفن شده است!؟[1]

این خبر مرسل، برخلاف اسناد کهن و متقن تاریخی است که نشان می‌دهد، دارایی پربرکت خدیجه علیهاالسلام، پایان نیافته و این شجره طیبه همواره در راه پیشبرد اهداف الهی، در اختیار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت قرار داشته است. برابر سندی که شیخ طوسی (د۴۶۰ ق) عرضه کرده، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «ما نفعنی قط مال ما نفعنی مال خدیجه علیهاالسلام». راوی در ادامه، در رد توهم مخاطبش که گمان کرده اموال خدیجه علیهاالسلام پایان یافته می‌گوید:

> پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هزینه هجرت [به حبشه و مدینه] را از دارایی خدیجه علیهاالسلام تأمین فرمود. ایشان بدهکاران و بردگان دربند را آزاد ساختند از کارافتادگان را عهده‌دار نمودند و فقرای اصحابش را در مکه در پیشامدها و فراز و نشیب روزگار یاری کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طول زندگی خود و پس از ایشان اهل‌بیت علیهم‌السلام از آن اموال بهره بردند.[2]

ابوجعفر اسکافی (د۲۴۰ ق) نیز آزادی بردگان مسلمانی چون بلال و عامر را به دست خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم [و دارایی خدیجه علیهاالسلام] دانسته است.[3] بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، غالب تاریخ‌نگاران بر بازتاب ندادن این افتخار و انعکاس روایات

---

۱. حائری، *شجره طوبی*، ج ۲، ص ۲۳۵-۲۳۴.
۲. شیخ طوسی، *الامالی*، ص ۴۶۸.
۳. ابوجعفر اسکافی، *نقض العثمانیه*؛ ص ۲۷۳.

برساخته اموی اصرار داشته‌اند. بنابراین، آن‌چه امروزه از این فداکاری حضرت خدیجه علیهاالسلام می‌دانیم، بسیار کم‌تر از عمق و ژرفای آن است.

بزرگ‌نمایی در سن حضرت خدیجه علیهاالسلام

سن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خدیجه علیهاالسلام در هنگام ازدواج مورد اختلاف قرار گرفته و سن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بین ۲۱ تا ۳۷ و سن خدیجه علیهاالسلام را بین ۲۵ تا ۴۵ سال نوشته‌اند.[۱] در غالب منابع تاریخی و روایی، بر چهل سالگی حضرت خدیجه علیهاالسلام هنگام ازدواج، و ۶۵ ساله بودن ایشان هنگام رحلت تأکید شده است.[۲] تنها سند تاریخ‌نگاران در نقل این مطلب مشهور، خبر حکیم بن حزام است.[۳] مهم‌ترین دلیل برخی از نویسندگان معاصر عرب در تأیید گزارش مشهور از حکیم، خبر *صحیح بخاری*،[۴] اجماع و نیز گزارش‌های مبتنی بر دو ازدواج حضرت پیش از ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است![۵]

افزون بر تعارض این خبر با دیگر اخبار،[۶] این گزارش شاذ،[۷] نادرست[۸] و جعلی[۹] معرفی شده است. برخی از نویسندگان معاصر عرب، به دلیل بی‌پایه بودن این خبر، به توجیه آن پرداخته و آن را نوعی مجازگویی برای اشاره به نهایت درایت و خرد حضرت خدیجه علیهاالسلام دانسته‌اند، نه بیان سن واقعی حضرت.[۱۰] به گفته

---

۱. حلبی، *السیره الحلبیه*، ج ۱ ص ۲۲۹؛ و ج ۲، ص ۱۶۶.
۲. نک: ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۰۰.
۳. یوسفی غروی، *موسوعه التاریخ الاسلامی*، ج ۱، ص ۳۳۶.
۴. عبد الحمید طهماز، *السیده خدیجه ام المؤمنین*، ص ۴۰.
۵. احمد الجهنی، *اللئالی البهیه*، ص ۸۶.
۶. ر.ک: بغدادی، *المحبر*، ص ۷۹.
۷. حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۲۰۱. عنوان شاذ در چنین مواردی، بر گزارش‌های نادر و غیرقابل اعتنا اطلاق می‌شود.
۸. بیهقی پنجاه سال را درست دانسته است؛ *دلائل النبوه*، ج ۲، ص ۷۱.
۹. ابراهیم جمل، *السیده خدیجه ام المؤمنین*، ص ۹۶.
۱۰. نک: ابراهیم الجمل، *ام المؤمنین خدیجه*، ص ۱۰۰.

ابن‌کثیر، بسیاری از دانایان، عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را هنگام ازدواج با خدیجه علیها السلام ۲۵[۱] و برخی از دانایان سی سال دانسته‌اند.[۲] خدیجه علیها السلام نیز در این هنگام ۲۵[۳] یا ۲۸ ساله[۴] بوده است.

به رغم وجود اخبار معارض، تلاش هدفمندی در منابع روایی برای تقویت این خبر واحدِ شاذ صورت گرفته است. از یک‌سو، برای نشان دادن حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان پیرزنی فرتوت و بدمنظر بسیار تلاش شده و در روایاتی ـ که نشانه‌های وضع در آن آشکار است ـ از حضرت با تعابیری چون «عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین»،[۵] «عجوز حمراء الشدقین»،[۶] «عجوز بنی‌اسد»[۷] و «کبیرة السن»[۸] یاد شده است. از سوی دیگر، تلاش شده تا دیگر همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نورسته و غرق در دنیای کودکی و معصومیت معرفی شود که به ناگاه وارد زندگی زناشویی شده است؛ مانند روایت احمد بن حنبل از هشام بن عروة از پدرش از عایشه که او را حین بازی با کودکان گرفته و به خانه شوهر برده‌اند.[۹] در برخی کتب تاریخی، مبالغه بسیاری برای اثبات این مطلب شده است.[۱۰]

بی‌شک این‌گونه مطالب سست، در پدید آمدن کتاب‌های شیطان‌صفتانی چون سلمان رشدی ـ همان‌گونه که محتوای آن گواهی می‌دهد ـ بی‌تأثیر نبوده است. به گفته یکی از نویسندگان معاصر عرب، کسانی که در تلاشند سن خدیجه علیها السلام را برابر سن مادر یا خاله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی کنند، سخن شرق‌شناسان را به زبان می‌آورند که ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام را دارای

۱. ابن کثیر، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۶۵.
۲. همو، *البدایه و النهایه*، ج ۵، ص ۲۹۳.
۳. *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۶۵.
۴. *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۳.
۵. بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۴، ص ۲۳۱.
۶. اسحاق بن راهویه، *مسند ابن راهویه*، ج ۲، ص ۵۸۷.
۷. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۲، ص ۱۳۵.
۸. دولابی، *الذریه الطاهره*، ص ۵۴ ـ ۵۳.
۹. احمدبن حنبل، *مسند احمد*، ج ۶، ص ۲۸۰.
۱۰. *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۴۷.

انگیـزه مـادی معرفـی می‌کننـد.[۱] اشـاره او بـه سـخن کسـانی چـون امیـل درمنـگام فرانسـوی (د ۱۹۷۱ م) اسـت.[۲]

کوچک‌نمایی آثار وجودی حضرت خدیجه علیهاالسلام

حضـرت خدیجـه علیهاالسلام، پشـتوانه بـزرگ پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودنـد و در برابـر تمـام سـتیزه‌جویی‌ها، صادقانـه از آن حضـرت حمایـت کردنـد. خدیجـه علیهاالسلام یـاور صـادق پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مایـه آرامـش دل پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودنـد.[۳] خداونـد بـه وسـیله خدیجه علیهاالسلام، دشواری‌ها را بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آسـان سـاخت. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بـا شـنیدن سـخنان ناگـوار از انـکار و تکذیـب مشـرکان، اندوهگیـن می‌شـدند و هنگامـی کـه [بـه خانـه] بازمی‌گشـتند، خداونـد بـه وسـیله خدیجـه علیهاالسلام بـه حضـرت گشـایش می‌بخشـید. خدیجـه علیهاالسلام گام‌هـای حضـرت را اسـتوار سـاخته، از رنـج او می‌کاسـت و کارشـکنی‌های مشـرکان را کم‌اهمیـت جلـوه مـی‌داد.[۴] او هم‌نشـین نیکـوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و فقـدان او بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گـران آمد[۵] تا آن‌جا که بر جـان حضـرت ترسـیدند.[۶]

بـا این‌همـه در کتاب‌هـای تاریخـی، تـلاش هوشـمندانه‌ای بـرای کم‌رنـگ جلـوه دادن نقـش ایشـان و حضـرت ابوطالـب و مسـاوی نشـان دادن بودونبـود ایـن دو حامی بـزرگ پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله شـده اسـت. بـرای روشـن شـدن ایـن ادعـا، ناگزیـر بایـد مقدمـات و مستنداتـی را بیـان کنیـم.

در مدت اقامـت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه بعد از نبوت و پیش از هجرت به مدینه[۷]

---

۱. ابراهیم الجمل، *ام المؤمنین خدیجه*، ص ۹۹.
۲. بنت‌الشاطی، *نساء النبی*، ص ۵۴.
۳. ابن اسحاق، *سیره ابن اسحاق*، ج ۵، ص ۲۲۷.
۴. همان، ج ۲، ص ۱۱۲.
۵. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۰.
۶. *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۴۷.
۷. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۲، ص ۳۸۳.

و سن مبارکشان هنگام رحلت،[۱] اختلاف‌نظر وجود دارد. در برخی از گزاره‌ها، وقوع هجرت هم‌زمان با رحلت یا اندکی پس از رحلت این دو پشتیبان بزرگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گزارش‌شده است. برای نمونه، بخاری (د۲۵۶ ق) این مطلب را از عروه‌بن‌زبیر (د۹۴ ق)[۲] و دولابی (د۳۱۰ ق) از زهری (د۱۲۴ ق) نقل کرده است.[۳] این نقل مؤید به روایات عامه و خاصه، باورهای کلامی عموم مسلمانان و گواهی صحابه و تابعان بزرگ و سخن برخی از تاریخ‌نگاران است.

در باب روایات، باید به حدیثی اشاره کرد که ابن‌ابی‌الحدید شهرت آن را میان عامه و خاصه ـ تا زمان خود ـ تأیید کرده[۴] و نیز روایتی که به دو طریق از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است. در این روایت، تأکید شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از رحلت ابوطالب، از جانب خداوند مأمور به هجرت به مدینه شدند.[۵] در برخی از روایات، به صدور این امر الهی در شب وفات حضرت ابوطالب اشاره شده است.[۶]

در خصوص گواه صحابه و تابعان نیز باید گفت، عایشه (د۵۸ یا ۵۷ ق)، ابن‌عباس، انس‌بن‌مالک (د۹۳ ق)، سعیدبن‌مُسَیب (د۹۴ ق) و عمروبن‌دینار (د۱۲۶ ق)، مدت اقامت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکه را ده سال دانسته‌اند.[۷] این گواه تاریخی، تنها بر هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از رحلت این دو حامی بزرگ منطبق است.

یکی از مؤیدات این نقل در منابع متأخر، گزارش صالحی شامی (د ۹۴۲ ق)

---

۱. سن حضرت در هنگام رحلت را بین ۶۵ ـ ۶۰ سال نوشته‌اند. (*الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۲۳۷ ـ ۲۳۵؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۸۴ ـ ۳۸۳).

۲. صالحی شامی، *سبل الهدی*، ج ۲، ص ۴۳۴.

۳. دولابی، *الذریه الطاهره*، ص ۳۹.

۴ ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*؛ ج ۱۴، ص ۷۰.

۵. شیخ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۱۷۴؛ کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۴۰.

۶. علامه مجلسی، *بحارالأنوار*، ج ۳۵، ص ۱۱۱.

۷. *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۲۳۵؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۳۸۴ ـ ۳۸۳؛ ابوبکر بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۲، ص ۱۳۲؛ ذهبی، *تاریخ الإسلام*، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۳، ص ۴.

است که هجرت به مدینه را اندکی بعد از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر طائف ذکر می‌کند؛[۱] در حالی که سفر حضرت به طائف پس از رحلت ابوطالب رخ داد.[۲] با عنایت به این‌که حضرت خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت،[۳] و با فاصله اندکی از درگذشت ابوطالب رحلت نمود، تا آن‌جا که برخی رحلت آن دو را در یک روز[۴] دانسته‌اند، تردیدی نیست که هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از رحلت این دو بزرگوار بوده است.

تنها مشکلی که برای پذیرش این نقل وجود دارد، عدم شهرت آن است. چون آن‌چه از میان اقوال متعدد شهرت یافته، حضور سیزده‌ساله پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و سه سال پس از این دو واقعه جان‌گداز است.[۵] به روایت این منابع، حضرت پس از بازگشت از سفر طائف، به دلیل نداشتن پشتیبان به کفار مکه پناهنده شده است![۶] این قول را بلاذری (د۲۵۶ ق) از عروه‌بن‌زبیر[۷] و دولابی (د۳۱۰ ق) از قتاده (د۱۱۸ ق) نقل کرده‌اند.[۸] گواه این قول در گفتار صحابه، گفته دیگر منقول از ابن‌عباس و شعر صرمه‌بن‌ابی‌انس است.[۹] مهم‌ترین مؤید این قول شهرت آن است.

این گزاره به‌رغم شهرت خود، با دو چالش جدی مواجه است: نخست این‌که پذیرش سه سال زندگی حضرت در پناه مشرکان و رکون به ظالمان، برخلاف تأکیدات گسترده قرآن،[۱۰] سیره حضرت و برخی روایات و سازگار با دیدگاه‌های حشویه درباره عصمت انبیا است. ابن‌جوزی (د۵۹۷ ق) که به

---

۱. صالحی شامی، *سبل الهدی*، ج ۲، ص ۴۴۱ ـ ۴۳۸.
۲. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۱، ص ۲۶.
۳. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۴۰۵.
۴. مقریزی، *امتاع الاسماع*، ج ۱، ص ۴۵.
۵. اقوال متعدد دیگری نیز وجود دارد که به شهرت این دو قول نیست.
۶. ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۳۸۱؛ صالحی شامی، *سبل الهدی*، ج ۲، ص ۴۴۱ ـ ۴۴۰.
۷. *سبل الهدی*، ج ۲، ص ۴۳۴.
۸. دولابی، *الذریه الطاهره*، ص ۳۹.
۹. *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۳۸۵ ـ ۳۸۴.
۱۰. مانند: سوره نساء آیه ۹۷، ۱۳۹ و ۱۴۱، سوره هود، آیه ۱۱۳، سوره کهف، آیه ۵۱ و سوره ممتحنه، آیه ۸ و ۹،

درستی به ناسازگاری این مطلب با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله پی برده، برای حل مشکل به دامن جبر متوسل شده و تسلیم در برابر مشیت خداوند حکیم را توصیه و شبهه‌کنندگان را ملحد قلیل‌الایمان معرفی کرده است.[۱] افزون برآن، این مطلب با باور عموم مسلمانان ناسازگار است. به گواه طبری (د۳۱۰ ق)، خاستگاه اختلاف دانشمندان در مدت اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، اختلاف در به شمار آوردن یا نیاوردن مدت حضور اسرافیل است.[۲] با این توضیح که از نگاه غالب تاریخ‌نگاران، مدت نزول وحی در مکه ده سال بوده و تنها اختلاف در این است که پیش از نزول جبرئیل (، فرشته دیگری مأمور آماده‌سازی ایشان برای تلقی وحی بوده یا نه. بنابه دیدگاه نخست، مدت حضور حضرت سیزده و بنابه دیدگاه دیگر ده سال بوده است. مستند گروه نخست، گزارش احمدبن‌حنبل (د ۲۴۱ ق) از شعبی (د ۱۰۳ ق) است که اسرافیل سه سال قبل از نزول وحی، همدم و آموزگار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و حضرت تنها صدای او را شنیده است. در این مدت چیزی از قرآن بر حضرت نازل نشده و پس از پایان این سه سال، جبرئیل بر حضرت نازل شده است.[۳]

صرف‌نظر از عدم حجیت کلام شعبی برای اثبات این مسأله کلامی، بسیاری از اندیشه‌وران، این مطلب را رد کرده‌اند. به گواه واقدی (د۲۰۷ ق)، اهل علم و سیره‌نویسان پیشین این قول را مردود دانسته‌اند.[۴] هم‌چنین بسیاری چون: سُهَیلی (د۵۸۱ ق)، نووی (د۶۹۶ ق)، ابن‌قیم (د۷۵۱ ق) و بُلْقِینی (د۸۶۸ ق) آن را نادرست دانسته‌اند.[۵]

ازاین‌رو، پذیرش گفتار احمدبن‌حنبل، خواسته یا ناخواسته، موجب شهرت قول دوم و ضعف قول نخست شده است. تاریخ‌نگاران مشهوری چون طبری

---

۱. صالحی شامی، *سبل الهدی*، ج ۲، ص ۴۴۱.
۲. *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۳۸۳ و ۳۸۷.
۳. همان، ۳۸۶ و ۳۸۷.
۴. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۵۰؛ *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۳۸۷ ـ ۳۸۶.
۵. بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۲، حاشیه ص ۱۳۲.

و ابن‌کثیر ـ که سه سال حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از رحلت ابوطالب و خدیجه را گزارش داده‌اند ـ به پذیرش گفتار احمدبن‌حنبل تصریح کرده‌اند.[۱] صالحی نیز به پذیرش گفتار امام احمد تصریح نموده و مطلبی دال بر زنده بودن حضرت ابوطالب یش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به دلیل مغایرت با وجود فاصله سه‌ساله بین رحلت ابوطالب و هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، غریب معرفی و آن را رد کرده است.[۲]

گفتار احمدبن‌حنبل، خواسته یا ناخواسته، از اهمیت و ارزش این دو حامی فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کاسته و نقش واقعی آنان در حمایت از حضرت و پیشرفت اسلام را پنهان نموده است.

۱. *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۳۹۲؛ ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۳، ص ۴.
۲. صالحی شامی، *سبل الهدی*، ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۳۰.

منابع

قرآن کریم

۱. آجری بغدادی، محمدبن الحسین، *الشریعه*، محقق: عبدالله الدمیجی، چاپ دوم، ریاض، دارالوطن، ۱۴۲۰ ق.

۲. ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، محقق: ابراهیم محمدابوالفضل، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۳. ابن‌ابی‌شیبه، خواستی عبسی، *المصنف فی الاحادیث والآثار*، محقق: کمال یوسف الحوت، چاپ اول، ریاض، مکتبة الرشد، ۱۴۰۹ ق.

۴. ابن ابی عاصم، *الآحاد و المثانی*، محقق: باسم فیصل احمد الجوابره، چاپ اول، دارالدرایة، ۱۴۱۱ ق.

۵. ـــــــــ، *السنه*، محقق: ناصرالدین آلبانی، چاپ اول، بیروت، المکتب‌الاسلامی، ۱۴۰۰ ق.

۶. ابن اثیر جزری، *اسدالغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.

۷. ـــــــــ، *الکامل فی التاریخ*، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.

۸. ابن اسحاق، *سیره*، محقق: محمد حمیدالله، معهد الدراسات و الابحاث للتعریف، بی‌جا، بی‌تا.

۹. ابن جماعة کنانی، *المختصر الکبیر فی سیره الرسول* صلی الله علیه وآله وسلم، محقق: سامی مکی العانی، چاپ اول، عمان، دارالبشیر، ۱۹۹۳ م.

۱۰. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان، *تلقیح فهوم اهل الاثر فی عیون التاریخ والسیر*، چاپ اول، بیروت، دارالارقم بن ابی‌الارقم، ۱۹۹۷ م.

۱۱. ـــــــــ، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، محقق: محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.

۱۲. ابن حبیب بغدادی، *المحبر*، محقق ایلزة لیختن شتیتر، بیروت، دارالآفاق الجدیده، بی‌تا.

۱۳. ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، محقق، عبدالموجود و

معوض، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
ـــــــــ، ـــــــــ، محقق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، ١٤١٢ ق.

۱۴. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، *مسند احمد*، بیروت، دارصادر، بی تا.

۱۵. ـــــــــ، *فضائل الصحابه*، تحقیق: وصی الله محمد عباس، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۳ ق.

۱۶. ابن‌راهویه، اسحاق بن ابراهیم مروزی، *مسند ابوهریره*، تحقیق عبدالغفور عبدالحق و حسین برد البلوسی، چاپ اول، مدینه منوره، مکتبة الایمان، ۱۴۱۲ ق.

۱۷. ابن سعد هاشمی، *الطبقات الکبری*، محقق: محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.

۱۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.

۱۹. ابن عبدالبر قرطبی، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، محقق: علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ ق.

۲۰. ابن‌عاشور، محمدطاهر بن عاشور تونسی، *التحریر والتنویر*، تونس، دارسحنون، ۱۹۹۷ م.

۲۱. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، محقق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۲۲. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم دینوری، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، دوم، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲ م.

۲۳. ابن کثیر دمشقی، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.

۲۴. ـــــــــ، *السیره النبویه*، محقق: مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۶ ق.

۲۵. ابن مَنْدَه محمد بن إسحاق عبدی، *معرفه الصحابه*، محقق: عامر حسن صبری، چاپ اول، مطبوعات جامعه الإمارات العربیه المتحده، ۱۴۲۶ ق.

۲۶. ابن هشام، *السیره النبویه*، محقق مصطفی السقا، الابیاری و شلبی،

بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۲۷. ابوالقاسم اصفهانی، *دلائل النبوه*، محقق: محمد محمد الحداد، چاپ اول، ریاض، دارطیبه، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. ابونعیم اصفهانی، *معرفه الصحابه*، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی، چاپ اول، ریاض، دارالوطن، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. اسکافی ابوجعفر، *نقض العثمانیه*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۳۷۸ ق.
۳۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، *التاریخ الکبیر*، المکتبه الإسلامیه، ترکیه، دیاربکر بی‌تا.
۳۱. ــــــــــ، *صحیح البخاری*، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۳۲. بلاذری احمد بن یحیی، *جمل من انساب الاشراف*، محقق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمان، *نساء النبی*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق.
۳۴. بیهقی ابوبکر، *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه*، محقق: عبدالمعطی قلعجی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۳۵. ــــــــــ، *السنن الکبری*، چاپ اول، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۴۴ ق.
۳۶. جعفریان رسول، *تاریخ سیاسی اسلام*، چاپ ششم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۶ ش.
۳۷. جلال‌زاده میبدی، سیدمحمدحسین، *ام‌المؤمنین خدیجه علیهاالسلام از ولادت تا شهادت*، چاپ دوم، قم، مشهور، ۱۳۹۵ش.
۳۸. الجمل، ابراهیم محمدحسن، *ام‌المؤمنین خدیجه بنت خویلد المثل الاعلی لنساء العالمین*، قاهره، دارالفضیله، بی‌تا.
۳۹. جمیل حمود، *ابهی المداد فی شرح مؤتمر علماء* بغداد، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۳ ق.
۴۰. جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، چاپ چهارم، دارالساقی،

۱۴۲۲ ق.

۴۱. الجهنی، احمد حمدان سلیمان، ***اللئالی البهیه فی سیره زوجاه خیر البریه***، چاپ اول، جده، ۱۴۳۱ ق.

۴۲. حاکم نیشابوری، ***المستدرک علی الصحیحین***، محقق: یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

۴۳. حایری، محمدمهدی، ***شجره طوبی***، چاپ پنجم، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.

۴۴. حلبی، علی بن ابراهیم، ***السیره الحلبیه***، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ق.

۴۵. خطیب بغدادی، ***تاریخ بغداد***، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

۴۶. دولابی، محمد بن احمد، ***الذریه الطاهره النبویه***، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ ق.

________، ________، محقق: سعدالمبارک الحسن، چاپ اول، کویت، الدارالسلفیه، ۱٤۰۷ ق.

۴۷. دیاربکری حسین بن محمد، ***تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس***، بیروت، دارصادر، بی‌تا.

۴۸. ذهبی شمس‌الدین محمدبن احمد، ***تاریخ الاسلام***، محقق: عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۳ ق.

۴۹. ________، ***سیراعلام النبلاء***، محقق: گروهی زیر نظر شعیب الارناؤوط، چاپ سوم، الرساله، ۱۴۰۵ ق.

________، ________، محقق: حسین اسد، چاپ نهم، بیروت، الرساله، ۱٤۱۳ ق.

۵۰. رازی حسنی، سیدمرتضی، ***تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام***، مصحح عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۶۴ ش.

۵۱. سبط بن جوزی، ***تذکره الخواص من الامه فی ذکر خصائص الائمه***، چاپ اول، قم، شریف رضی، ۱۴۱۸ ق.

۵۲. سمعانی، ابوسعید، ***الانساب***، محقق معلمی یمانی، چاپ اول، حیدر آباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ق.

۵۳. سورآبادی، عتیق بن محمد، ***تفسیر سورآبادی***، تحقیق: علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، چاپ اول، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ ش.

۵۴. سیدبن طاووس، علی بن موسی، ***الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف***، محقق: علی عاشور، چاپ اول، قم، خیام، ۱۴۰۰ ق.

۵۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، ***تاریخ الخلفاء***، تحقیق: محمد محی‌الدین عبدالحمید، چاپ اول، مصر، مطبعه السعاده، ۱۳۷۱ ق.

۵۶. سهیلی عبدالرحمان، ***الروض الانف فی شرح السیره النبویه***، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.

۵۷. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، ***الملل و النحل***، تحقیق: محمد بدران، چاپ سوم، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ ش.

۵۸. شیخ صدوق، ***کمال الدین و تمام النعمه***، محقق: غفاری، علی‌اکبر، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۵۹. ــــــــ، ***من لا یحضره الفقیه***، محقق: غفاری، علی‌اکبر، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۶۰. شیخ طوسی، محمدبن حسن، ***الامالی***، چاپ اول، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.

۶۱. شیخ مفید، ***الافصاح***، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

۶۲. صالحی شامی محمد بن یوسف، ***سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد***، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.

۶۳. صفدی، خلیل‌بن‌ابیک، ***الوافی بالوفیات***، محقق: احمدالارناووط و ترکی مصطفی، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۲۰ ق.

۶۴. طبرسی، احمدبن‌علی، ***الاحتجاج علی اهل اللجاج***، تعلیق، سیدمحمدباقر خرسانی، نجف اشرف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق.

۶۵. طبری، ابوجعفر محمدبن‌جریر، ***تاریخ الامم و الملوک***، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.

۶۶. طبری، عمادالدین، ***کامل البهائی فی السقیفه***، چاپ اول، المکتبه الحیدریه، ۱۴۲۶ ق.

۶۷. طهماز، عبدالحمید محمود، ***السیده خدیجه ام المؤمنین علیها السلام سباقة الخلق الی الاسلام***، چاپ اول، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۰ ق.

۶۸. عاملی، جعفرمرتضی، ***الصحیح من سیرة النبی الأعظم***، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.

۶۹. عصامی، عبدالملک بن حسین، ***سمط النجوم العوالی فی أنباء الاوائل و التوالی***، محقق: عادل احمد عبدالموجود- علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.

۷۰. علامه حلی، ***کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد***، تعلیقه: جعفر سبحانی، چاپ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.

۷۱. علامه مجلسی، محمدباقر، ***بحارالانوار***، محقق: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۷۲. عینی محمود بن احمد، ***عمدة القاری***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

۷۳. فسوی، یعقوب بن سفیان، ***المعرفة و التاریخ***، محقق: اکرم ضیاءالعمری، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.

۷۴. قاضی نورالله شوشتری، ***احقاق الحق و ازهاق الباطل***، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.

۷۵. قمی، علی بن ابراهیم، ***تفسیرالقمی***، محقق: موسوی جزائری، طیب، چاپ سوم، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.

۷۶. کراجکی ابوالفتح، ***التعجب من اغلاط العامه***، چاپ اول، قم، دارالغدیر، ۱۴۲۱ ق.

۷۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، محقق: غفاری و آخوندی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.

متقی هندی، کنزالعمال، تحقیق: بکری حیانی صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٤٠٩ ق.

۷۸. مجلسی، محمدتقی، ***لوامع صاحبقرانی (شرح فقیه)***، چاپ دوم، قم،

اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
۷۹. مزی، یوسف بن عبدالرحمان، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، محقق: بشار عواد معروف، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۰ ق.
۸۰. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، محقق اسعد داغر، چاپ دوم، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۸۱. مسلم نیشابوری، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۸۲. مصعب زبیری، *نسب قریش*، تحقیق: لیفی بروفسال، قاهرة، دارالمعارف، بی تا.
۸۳. مظفر محمدحسن، *دلائل الصدق لنهج الحق*، چاپ اول، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۲۲ ق.
۸۴. مقدسی، مطهربن طاهر، *البدء و التاریخ*، مکتبه الثقافه الدینیه، بی تا.
۸۵. مقریزی احمد بن علی، *امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع*، محقق: النمیسی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۸۶. نعیم بن حماد خزاعی مروزی، *کتاب الفتن*، محقق: سمیر امین الزهیری، چاپ اول، قاهره، مکتبه التوحید، ۱۴۱۲ ق.
۸۷. نووی، یحیی بن شرف، *تهذیب الاسماء و اللغات*، تصحیح گروهی، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۸۸. هیثمی، علی بن ابی بکر، *بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث*، محقق: حسین الباکری، چاپ اول، مدینه منوره، خدمه السنه و السیره النبویه، ۱۴۱۳ ق.
۸۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.
۹۰. یوسفی غروی، محمدهادی، *موسوعة التاریخ الاسلامی*، چاپ اول، قم، مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۹۱. نرم‌افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیهاالسلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

هاجر رضایت[1]

چکیده

شرق‌شناس انگلیسی‌زبان خانم کارن آرمسترانگ، کتاب ***زندگی‌نامه پیامبر اسلام*** را بعد از جریان سلمان رشدی نگاشت و بعد از حادثه یازده سپتامبر آن را منتشر کرد. او با بررسی تاریخ زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ضمن معرفی اسلام به عنوان یک دین رسمی، می‌کوشد موضوعات را با روش مادی‌گرایانه ارزیابی کند و برای گزارهای تاریخی، نمونه‌هایی از دوران معاصر عرضه نماید.

نویسنده با بررسی گزارش‌های زندگانی حضرت خدیجه علیهاالسلام، از تجارت و ازدواج ایشان با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، شروع کرده و مطالب خود را تا رحلت حضرت ادامه داده است. علاوه بر کاستی‌هایی که در گزارش‌های تحلیلی او دیده می‌شود، برخی از گزاره‌ها و تحلیل‌های وی نیاز به نقد و بررسی دارند.

نویسنده این نوشتار، با بازشناسی روایات خانم آرمسترانگ، ضمن بررسی مصادر اصلی مورد استفاده نویسنده، نخست اثبات نموده که بر خلاف نظر وی، منابع تاریخ اسلام منحصر به مصادر معرفی شده در کتاب وی نیست. سپس با ارزیابی نوع گزارش‌های منتخب و استدلال‌های نویسنده، عدم اثبات برخی از نظریه‌های او از جمله: خدیجه علیهاالسلام مشاور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در امر بعثت، ازدواج حضرت خدیجه علیهاالسلام در دوران جاهلیت و همانندی حضرت خدیجه علیهاالسلام با زنان قرن دوازدهم در اروپا را تبیین می‌کند.

---

۱. دانش‌پژوه سطح چهار، تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام، جامعه‌الزهرا علیهاالسلام

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه ؟عها؟، کارن آرمسترانگ، بعثت، تاریخ پیامبر ؟ص؟، شرق‌شناسان.

مقدمه

پژوهش‌های خاورشناسان در تاریخ پیامبر ؟ص؟ و معارف اسلامی، روش و سبک‌های متفاوتی دارد. برخی با محوریت دین‌پژوهی، با نگاه انتقادی به تخریب مبانی اساسی اسلام می‌پردازند. حوزه این دیدگاه، مباحث بنیادی و کلی است و موضوعات و گزارش‌های موردی از آن خارج می‌گردد. گروهی دیگر، پژوهش‌های خود را با محور الهیات پیش برده‌اند. این گروه با پذیرش اسلام به عنوان یک دین رسمی، به تحلیل محتوایی آن پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد اثر خانم آرمسترانگ، ***زندگی‌نامه پیامبر اسلام***، از گروه دوم است، هرچند نمی‌توان به صورت کلی آن را از روش دین‌پژوهی مبرا دانست.

با توجه به آن‌که موضوع این مقاله خاص است و تنها بخشی از کتاب یاد شده را دربرمی‌گیرد، روش آن موضوع محور است که تنها به نقد و بررسی گزارش‌های حضرت خدیجه ؟عها؟ در این کتاب می‌پردازد. این نوشتار ضمن بازشناسی گزاره‌های تاریخی و تشخیص کم‌وکاستی‌ها، به تحلیل درستی و یا نادرستی نظریه‌های نویسنده درباره حضرت خدیجه ؟عها؟ توجه دارد.

گفتنی است کاری جدی درباره این موضوع صورت نگرفته است. آقای محمود مطهری‌نیا در کتاب ***شرق‌شناسان و نبی اعظم ؟ص؟؛ نقد و بررسی آرا پنج تن از شرق‌شناسان***، دیدگاه‌های پنج نفر از شرق‌شناسان را در مورد پیامبر اکرم ؟ص؟ نقد و بررسی کرده است. از جمله خانم کارن آرمسترانگ. این نقد، بر مباحث کلی و بسیار مختصر صورت گرفته، بنابراین موضوعات مطرح شده با موضوع این مقاله متفاوت است.

موضوع محوری مقاله، سبب شده این نوشتار از جهت علمی و روایت شناسی، با دقت نظر بیش‌تر موضوع را ارزیابی کند.

معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ[1]

کارن از برجسته‌ترین صاحب‌نظران عرصه دینی در جهان انگلیس‌زبان است. وی هفت سال از عمر خود را در مسلک راهبه کلیسای کاتولیک سپری کرد و سپس در سال ۱۹۶۹ ادبیات کلاسیک و مدرن را در دانشگاه آکسفورد خواند. وی چندین برنامه تلویزیونی نیز درباره پولس رسول و تاریخ کلیسا تهیه کرد. او سپس به نوشتن کتاب‌هایی در زمینه اندیشه دینی روی آورد، در حالی که جهان‌نگری او برآمده از بینش دینی مسیحی و خردباوری غربی است. وی همواره کوشیده تا به عنوان یک پژوهش‌گر به دین‌ها بنگرد. به سخن دیگر، تلاش آرمسترانگ این بوده تا بنیاد مشترک دین‌های سامی را بیابد و میان آنان پلی بزند.[2]

برخی آثار او عبارتند از: ***شاهدی برای خداوند، دوازده گام به سوی زندگانی با مهربانی، حضرت محمد*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم***: زندگینامه پیامبر اسلام، تاریخ خداباوری، از میان معبر باریک*** که زندگی‌نامه خود نویسنده است؛ ***تاریخچه‌ای از خدا***؛ که به بیش از سی زبان ترجمه شده است؛ ***اسلام تاریخی کوتاه؛ کتاب بودا؛ در جست‌جوی خدا؛ بنیادگرایی در آیین یهود؛ مسیحیت و اسلام؛ تاریخ اورشلیم: یک شهر، سه دین؛ خداشناسی از ابراهیم تاکنون و عارفان انگلیسی قرن چهاردهم.***

دیدگاه نویسنده در مورد حضرت خدیجه علیهاالسلام را می‌توان در کتاب ***زندگی‌نامه پیامبر اسلام*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم[3] یافت این کتاب در ده فصل تنظیم شده است که عبارتند از:

۱. محمد، دشمن؛ ۲. محمد، انسان الهی؛ ۳. جاهلیت؛ ۴. وحی؛ ۵. بشات دهنده؛ ۶. آیه‌های شیطانی؛ ۷. هجرت؛ ۸. جنگ مقدس؛ ۹. صلح مقدس؛ ۱۰. وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

---

۱ – Karen Armstrong

۲. نک: کارن آرمسترانگ، *محمد* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*، زندگی‌نامه پیامبر اسلام*، ترجمه: کیانوش حشمتی؛ محمود مطهری‌نیا، *مستشرقان و نبی اعظم*، ص ۵۷.

3.MUHAMMAD A Biography of prophet.

نویسنده در فصل چهارم در ذیل عنوان وحی، بعد از نقل ولادت پیامبر ﷺ و جریان سفر آن حضرت به شام، با بیان ازدواج ایشان با حضرت خدیجه ؏، گزارش‌هایی از زندگانی حضرت خدیجه ؏ نقل کرده است. کتاب ***زندگانی محمد*** ﷺ با ترجمه کیانوش حشمتی، نخستین‌بار در سال ۱۳۸۳ در تهران در انتشارات حکمت به چاپ رسید. این نوشتار برگرفته از ترجمه مذکور است. کتاب در زمان درگیری غرب با ماجرای سلمان رشدی نوشته شده، ولی زمان انتشار آن بعد از واقعه یازدهم سپتامبر است. نویسنده انگیزه خود از نوشتن این کتاب را دفاع از اسلام و روشن کردن ذهن مسیحیان غربی نسبت به شخصیت نورانی پیامبر خدا ﷺ بیان می‌کند که پس از انتشار کتاب ***آیات شیطانی*** سلمان رشدی در غرب دچار ابهام شده بود.[۱] وی در مقدمه کتاب می‌نویسد:

> من این کتاب را به این علت نوشتم که در واقع افسوس می‌خوردم که سیمای [حضرت] محمد ﷺ برای مردم غرب فقط تصویری باشد که کتاب رشدی ارائه می‌دهد... من [حضرت] محمد ﷺ را یکی از نوادر تاریخ بشریت یافته بودم».[۲]

وی به سبب نوشتن این کتاب، در سال ۱۹۹۹ مفتخر به دریافت جایزه رسانه شورای امور عمومی مسلمانان گردید. این کتاب از پرفروش‌ترین کتاب‌های سال امریکا پس از حادثه یازده سپتامبر در اروپاست. نوشتار پیش رو، در دو بخش تقدیم می‌گردد: بخش اول نقد ساختاری مطالب ایشان درباره حضرت خدیجه ؏ و بخش دوم نقد محتوایی مطالب است.

نخست نقد ساختاری

روشن است که نوشته‌های خانم آرمسترانگ نسبت به کتاب‌های

---

۱. نک: کارن آرمسترانگ، همان، ص ۱۱-۱۸.

۲. همان، ص ۱۲.

شرق‌شناسانی مانند گلدزیهر[۱] و شاخت[۲] که با روش دین‌پژوهی، درصدد تخریب افکار اسلام‌شناسانه هستند، با دیدگاه منصفانه‌تری ارائه شده است. مطالب درست و ارزشمند زیادی در این کتاب می‌توان یافت و نکات فراوانی نیزوجود دارد که باید تحلیل و بررسی دارد. نویسنده سعی دارد که قضایا را با دید مادی‌گرایانه تحلیل کند و با استدلال تجربی به اثبات آن‌ها بپردازد. برای نمونه، او «تحنث»[۳] را وسیله تقویت فکر می‌داند که این قدرت را به انسان می‌دهد تا فکرش را به ماورای طبیعت گسترش دهد. او این کار را نوعی تمرین برای رسیدن به این مرحله می‌داند. (ص ۱۱۹) به نظر می‌رسد نویسنده تمایل دارد که برای گزارش‌های صدر اسلام نمونه‌های امروزی نشان دهد برای مثال، وقتی از فعالیت تجاری حضرت خدیجه عليها السلام می‌گوید، ایشان را با زنان قرن دوازده اروپا مقایسه می‌کند و می‌نویسد:

> در اروپای قرن دوازدهم هم ما زنان زیادی را در مشاغل تجاری، بانکی و فروشگاه‌ها می‌دیدیم که بسیار موفق عمل می‌کردند. خدیجه نیز همانند آن‌ها، ولی از مکه بود. (ص ۱۱۴)

مهم‌ترین منابعی که وی در کتاب خود از آن‌ها استفاده کرده است عبارتند از: تاریخ‌های، طبری، واقدی، ابن اسحاق و ابن سعد. او این چهار کتاب را منبع اصلی برای دریافت اطلاعات تاریخ اسلام در نوشته‌های خود معرفی می‌کند.

---

۱. ایگناس گلدزیهر (۱۹۲۱ م) شرق‌شناس یهودی‌الاصل، که آثار متعددی درباره اسلام دارد. او در دشمنی با اسلام شهره است و در یکی از آثارش به زبان عربی با عنوان *العقیده والشریعه بی الاسلام* ترجمه شده درباره اسلام، نظریاتی مغرضانه و دور از واقعیت مطرح کرده است. نک: مهدی پیشوایی، «نقد دیدگاه گلدزیهر درباره آگاهی پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم از جاودانگی جهان شمولی»، مجله: *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۵.

۲. یوزف شاخت همه احادیث فقهی منتسب به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم را ساختگی می‌داند و قائل است که آن‌ها در اواسط قرن سوم هجری، بعد از زمان شافعی، توسط نظریه‌پردازان مکاتب فقهی متأخر پدید آمده‌اند. فروغ پارسا، *حدیث در نگاه خاورشناسان؛ بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارلد موتسکی*، ص ۳.

۳. تحنث از کلمه حنث گرفته شده و حنث به معنای گناه است ولی تحنث به مفهوم دوری از گناه است. هم چنین به معنای عبادت و دوری از بت‌ها گفته شده است؛ (ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج۲، ص ۱۳۸، *العین*، ج ۳، ص ۲۰۶). در اصطلاح، به عبادت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در غار حرا تحنث می‌گویند؛ البته برخی این حالت را مختص رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نمی‌دانند و قائلند افراد دیگری از بزرگان قریش نیز به تحنث می‌پرداختند. (رسول جعفریان، *تاریخ اسلام*، ج۱، ص ۲۲۵).

وی در مورد این تاریخ‌نگاران می‌نویسد:

> این مورخان نیز تنها بر عقاید و اندیشه‌های خود تکیه ننموده‌اند، بلکه با تلاش فراوان، نقل قول‌های قدیمی را باز سازی کرده‌اند. (ص ۶۶)

در حالی که منابع تاریخ صدر اسلام، به این کتاب‌ها منحصر نیست. محدود کردن منابع تاریخی به کتب اهل سنت و نقل روایات تاریخی بدون نقد و ارزیابی آن‌ها، از درجه اعتبار و ارزش علمی نوشته می‌کاهد. روشن است که برای طرح هر نظریه، باید آن را در بستری کامل از علوم مرتبط قرار داد تا ثمره واقع‌بینانه استنتاج گردد. قرآن مهم‌ترین منبع برای شناسایی وقایع صدر اسلام است. کسی که با تفسیر و ابزارهای فهم قرآن آشنا باشد، می‌تواند دروغ‌پردازی‌های موجود در برخی از منابع را تشخیص دهد و یا از معیارهای قرآن برای درستی و نادرستی حوادث صدر اسلام استفاده کند. با این‌که نویسنده به استفاده از قرآن اعتقاد دارد، در نوشته‌هایش این بهره‌وری بسیار کم است. برای مثال، می‌توان در جریان وحی و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آگاهی و یا ناآگاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از بعثت، از قرآن کریم استفاده نمود.[1]

در موضوع مورد بحث، شش روایت از ابن‌اسحاق نقل شده، در حالی که اکثر روایات او خصوصاً روایات قبل از بعثت وی، مرسل[2] هستند و بدون ارزیابی آن‌ها نمی‌توان بر آن‌ها تکیه کرد. منبع دیگر *تاریخ طبری* است که در یک جا از آن نام می‌برد، گزارش‌های طبری نیز بدون ارزیابی قابل استفاده نیستند. روش نویسنده در ارجاع مطالب مشخص نیست؛ نام منبع برخی مطالب مشخصاً در پی نوشت آمده و گاهی نیز نام کتاب در متن ذکر شده است. در موارد زیادی، مطالب بدون ارجاع بیان شده‌اند، که به نظر می‌رسد برداشت‌های خود نویسنده از تاریخ باشد. (ص ۱۱۹)

---

۱. محمد بن مسعود عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۲۰۱؛ العروسی الحویزی، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۲، ص ۴۷۸.

۲. مرسل به حدیثی گفته می‌شود که در سند آن راوی حذف شده باشد. به عبارتی دیگر، روایت متصل به ناقل نباشد. الشریف المرتضی، *رسائل المرتضی*، ج ۲، ص ۲۸۲.

دوم. نقد محتوایی

الف) کاستی‌ها

دوران زندگی مشترک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با حضرت خدیجه علیهاالسلام از دوران‌های مهم تاریخ اسلام است و حضرت خدیجه علیهاالسلام در تاریخ صدر رسالت نقش زیادی داشتند. در بررسی به عمل آمده در عناوین و موضوعات مطرح در کتاب ***زندگی‌نامه محمد*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، کم‌وکاستی‌های زیادی به چشم می‌خورد. بی‌توجهی به مناقب و فضایل حضرت خدیجه علیهاالسلام که در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و روایی وجود دارد، سبب می‌شود که نقش ایشان در حوادث صدر اسلام به خوبی تبیین نگردد و یا دچار انحراف شود.

۱. موقعیت و شرافت حضرت خدیجه علیهاالسلام در دوران جاهلیت

آرمسترانگ وقتی به بیان وقایع تاریخی دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت خدیجه علیهاالسلام می‌رسد، ازدواج خدیجه علیهاالسلام با حضرت را با نقل جریان تجارت به شام آغاز می‌کند و در مورد موقعیت، شرافت و عظمت حضرت خدیجه علیهاالسلام در دوران جاهلی و بعد از آن‌که او را ممتاز نموده، سخنی به میان نمی‌آورد. ایشان دارای القابی بودند که نشان‌دهنده برجسته بودن ایشان در میان زنان عصر جاهلی است؛ از جمله: «طاهره قریش»[۱]، «کبری»[۲]، «سیدة نساء قریش»[۳] این القاب، به دلیل پرهیزکاری و شأن و مقام در دوران قبل از اسلام به ایشان داده شده است.

۲. خدیجه سرور زنان عالم

بعد از اسلام، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ایشان لقب «سیده نساء العالمین»[۴] دادند و بارها او را با عبارات مختلف از جمله چهار زن برتر دو جهان و بهشت و امت

---

۱. ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۲.
۲. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۶، ص ۷۸؛ *البدایه و النهایه*، ج ۵، ص ۳۲۹؛ *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۲۱۸.
۳. *السیرة الحلبیه*، ج ۱، ص ۲۲۴.
۴. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۲، ص ۱۸۲۱.

خواندند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

> سرور زنان هر دو جهان مریم است سپس فاطمه، بعد خدیجه و سپس آسیه.[۱]

در جای دیگر می‌فرماید:

> همانا چهار نفر برترین زنان اهل بهشتند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون.[۲]

در جای دیگر از ایشان به عنوان بهترین زنان امت یاد شده است.[۳]

۲. سلام خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام

یکی از فضایلی که حضرت خدیجه علیها السلام کسب کرد و کم‌تر کسی به آن نائل شده، آن است که خداوند به ایشان سلام رساند. انس روایت کرده که جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: «خداوند بر خدیجه سلام می‌رساند!»[۴]

۴. بشارت بهشت به حضرت خدیجه علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در چند مورد به حضرت خدیجه علیها السلام وعده بهشت داده‌اند این موضوع در *صحیحین* از عایشه نقل شده است.[۵]

ب) تحلیل برخی از گزارش‌ها

در ادامه به نقد و بررسی گزارش‌هایی پرداخته می‌شود که با برخی از مبانی دینی و دیگر گزارش‌های تاریخی هم خوانی ندارند:

۱. خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا سال دهم بعثت

نویسنده با استناد به تک‌همسری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دوران حضرت

---

۱. همان.
۲. ابن اثیر، *اسدالغابه*، ج ۷، ص ۸۳؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابه*، ج ۸، ص ۱۰۱.
۳. ابن اثیر، *اسدالغابه*، ج ۷، ص ۸۳.
۴. مسلم بن حجاج القرشیری نیشابوری، *الصحیح*، ص ۲۶۱؛ محمد بن اسماعیل بخاری، *صحیح*، ج ۴، ص ۲۳۱.
۵. احمد بن شعیب نسائی، *فضائل الصحابه*، ص ۷۵.

خدیجه علیها السلام ، به نقد دیدگاه‌های نویسندگان غربی درباره تعدد زوجات نبی صلی الله علیه و آله و سلم پرداختـه، می‌نویسـد:

> اگرچه [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم به زنان اشتیاق نشان می‌داد، هرگز تا زمانی که خدیجه زنده بود، تصور چند زن داشتن را که از کارهای عادی اعراب به شمار می‌رفت، به خود راه نداد. همین نکته، پاسخی است به غربیان که از ایشان به سبب داشتن چند زن انتقاد می‌کنند. (ص ۱۱۶)

به نظر می‌رسد گاهی تناقضاتی در متن وجود دارد که خواننده را دچار سردرگمی می‌کند. وی در جایی دنبال پاسخ‌گویی انتقادات به غربیان درباره تعدد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و می‌خواهد حضرت را از تهمت «تمایل به زنان و شهوت‌رانی» مبرا سازد و این در حالی که با جملاتی مانند: «اگرچه محمد صلی الله علیه و آله و سلم به زنان اشتیاق نشان می‌داد...»(ص ۱۱۶) کلام خود را نقض می‌کند.

بی‌شک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای حضرت خدیجه علیها السلام احترام ویژه‌ای قائل بودند و اگر گفته شود تک‌همسری نوعی عزت و احترام به همسر است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جهت اکرام حضرت خدیجه علیها السلام در دوران حیات ایشان همسر دیگری اختیار نکردند، توجه به این نکته هم ضروری است که آن‌چه سبب ازدواج‌های حضرت بعد از رحلت خدیجه علیها السلام شد، عوامل سیاسی - اجتماعی بود که تا قبل از سال ده هجری وجود نداشت، نویسنده در تحلیل تعدد همسران نبی به این نکته توجه نکرده است. (ص ۲۱۹) بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هیچ زمانی اشتیاق به زنان نداشته‌اند تا با این استدلال بخواهیم ایشان را تبرئه نماییم. نویسنده می‌خواهد بر بی‌میلی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زنان استدلال بیاورد، ولی با چینش مطالب، کلام خود را نقض می‌کند.

۲. ستایش حضرت خدیجه علیها السلام در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نشناختن ویژگی‌های اخلاقی و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، گاهی سبب قضاوت‌های نادرست در آثار خاورشناسان گردیده است. آرمسترانگ در مورد

محبت پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ به حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾ می‌نویسد:

... پس از مرگ خدیجه هم [حضرت] محمد ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ با ستایش همیشگی او، عصبانیت سایر زنان خود را برمی‌انگیخت. (ص ۱۱۶)

پیامبر اکرم ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ در دوران زندگانی با حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾، احترام خاصی برای او قائل بودند، و حتی بعد از رحلت خدیجه ﴿علیها السلام﴾ او را زیاد یاد می‌کردند و ستایش می‌نمودند، توجه به خدیجه ﴿علیها السلام﴾ با هدف ناراحت کردن دیگر زنان نبود بلکه به جهت زحمات و رنج‌هایی بود که خدیجه ﴿علیها السلام﴾ در راه اسلام، به عنوان یک همراه و دوست برای ترویج اسلام کشیدند، نخستین کسی که به پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ ایمان آورد، حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾ بود که او را از مصادیق «سابقون» در قرآن کریم قرار داد.[1] زمانی که پیامبر خدا ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ در مکه دعوت علنی خود را آغاز نمودند و تمام مکه با حضرت دشمنی می‌کردند، حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾ در کنار علی بن ابی‌طالب از پیامبر حمایت می‌نمودند. او تمام اموال و سرمایه تجاری خود را در اختیار پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ قرار داد. اگر آن حمایت مالی نبود، پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ دچار سختی‌های زیادی می‌شدند، او در شعب ابی‌طالب کنار رسول خدا ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ بود و سختی‌های آن را متحمل گردید.[2] عایشه نقل می‌کند که رسول خدا ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ همواره از خدیجه ﴿علیها السلام﴾ یاد می‌کردند که این غیرت و حسادت او را برمی‌انگیخت. وقتی اعتراض کرد که «مگر نه آن‌که خدیجه پیرزنی بود که درگذشت و خداوند بهتر او را نصیب تو کرده است؟» مشاهده کرد که پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ به شدت خشمگین شدند و چهره برافروختند، به‌گونه‌ای که مانند آن را فقط در زمان نزول وحی دیده بود. آن‌گاه فرمودند:

نه به خدا قسم! هرگز خداوند بهتر از خدیجه ﴿علیها السلام﴾ را به من نداده است. او زمانی به من ایمان آورد که مردم به من کفر می‌ورزیدند؛ و زمانی مرا تصدیق کرد که مردم مرا تکذیب می‌کردند، و زمانی با اموالش مرا حمایت کرد که مردم مرا تحریم کرده بودند. خداوند از او فرزندانی به من روزی کرد، در

---

۱. سوره واقعه، آیه۱۰.

۲. نک: *الاصابه*، ج ۸، ص ۱۰۳.

حالی که از همسران دیگر فرزندی ندارم.[1]

این‌ها از نمونه موارد خدمات و زحماتی است که دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاقد آن‌ها بودند. آن‌ها زمانی در کنار حضرت قرار گرفتند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه دارای زندگی نسبتاً آرامی بودند. سختی‌هایی که خدیجه علیها السلام متحمل گردید و زحمات او، سبب شد که نه‌تنها از زنان دیگر، بلکه از خیلی از مردان نیز در نزد خداوند و رسولش عزیزتر گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رفتار با همسرانش تفاوتی قائل نبودند و با همه آن‌ها با عدالت رفتار می‌کردند. نه‌تنها با عایشه، بلکه با همه با مهربانی و عطوفت برخورد می‌نمودند و اسوه و الگوی رحمت و عدالت بودند. خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را الگوی نیکی و خوبی معرفی کرده، در سوره تحریم می‌فرماید: «ولقد کان کم فی رسوالله اسوة حسنه».[2] در ذیل آیه ۵۸ سوره توبه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جواب منافقین می‌فرماید:

> وای بر شما! اگر من به عدالت رفتار نکنم، چه کسی می‌خواهد بعد من به عدالت رفتار کند.»[3]

۳. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده تصریح می‌کند که حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، دو مرتبه ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت (ص ۱۱۴). در منابع اسلامی درباره این موضوع، تردید وجود دارد و دلایلی آن را رد می‌کند: ابن شهرآشوب می‌نویسد:

> پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه ازدواج کرد در حالی که او عذرا (دوشیزه) بود.[4]

حضرت خدیجه خواستگاران زیادی داشت. بزرگان، اشراف و شخصیت‌های

---

۱. *اسد الغابه*، ج ۷، ص ۸۴؛ *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۳۸۴.
۲. سوره احزاب؛ آیه ۲۱.
۳. احمد بن علی نسائی، *تفسیر نسائی*، ج ۱، ص ۵۴۵؛ نصر بن محمد سمرقندی، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، ج ۲، ص ۶۷.
۴. «انّ النبی تزوج به و کانت عذراء». (محمد بن علی بن شهرآشوب، *المناقب*، ج ۱، ص ۱۵۹.

زیادی از قریش به خواستگاری او آمدند[۱] ولی به همه جواب رد می‌داد. اگر او دو مرتبه ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت، نمی‌توان تصور کرد که چنین مورد توجه بزرگان بوده باشد. نکته مهم دیگر، تناقض و تعارض‌هایی است که در روایات مربوط به ازدواج خدیجه علیها السلام دیده می‌شود که علامه جعفر مرتضی مفصل به آن پرداخته است. نام ابوهاله در این روایات، گاهی نباش بن زراره و یا زرارة بن نباش و گاهی هند و در مواردی مالک گفته شده است. این سؤال مطرح می‌شود که آیا او صحابی بوده یا نه؟ هند پسر بوده یا دختر؟ این موارد، از اختلافاتی است که به روشنی در این نقل‌ها وجود دارد.[۲] نکته دیگر در این گزارش، فرزندان زیادی است که از همسران قبلی به خدیجه علیها السلام نسبت داده می‌شود. اولاً در منابع، تعداد فرزندان بیش از دو نفر نقل نشده است. ثانیاً علامه جعفر مرتضی شواهد و قراینی آورده که ثابت می‌کند آنان فرزندان خواهر حضرت خدیجه بوده‌اند که به علت فوت خواهرشان تحت تکلف او قرار گرفتند.[۳]

خانم آرمسترانگ در مورد سن خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج تردید ایجاد می‌کند و می‌نویسد:

> ... در این زمان خدیجه چهل‌ساله بود، ولی از آن‌جا که توانسته شش فرزند برای محمد بیاورد، باید او را جوان‌تر تصور کرد. (ص ۱۱۵)

این تحلیل نویسنده از سن حضرت خدیجه علیها السلام، می‌تواند تقویت‌کننده روایاتی باشد که سن حضرت را کم‌تر از چهل سال بیان کرده‌اند.[۴]

۴. نقش حضرت خدیجه در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

---

۱. «کل شریف من قریش یتمنی ان یتزوجها». (ابن حجر عسقلانی، *الاصابه* ج ۸، ص ۱۰۱؛ جعفر مرتضی عاملی، *بنات الرسول* صلی الله علیه و آله *أم ربائبه*، ص ۹۱).

۲. علی بن محمد ابی‌القاسم کوفی، *الاستغاثه فی بدع الثلاثه*، ص ۱۱۴؛ جعفر مرتضی عاملی، *الصحیح من سیرة النبی*، ج ۱(جزء اول)، ص ۱۲۲.

۳. جعفر مرتضی عاملی در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان او مفصل بحث کرده است. نک: *بنات الرسول* صلی الله علیه و آله *أم ربائبه*، ص ۸۵.

۴. عبدالملک بن هشام، *السیرة النبویه*، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ، محمد بن احمد ذهبی، *سیر اعلام النبلا*، ج ۲، ص ۱۱۱.

حضرت خدیجه علیهاالسلام از ابتدای بعثت در کنار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و یاور ایشان بودند. نویسنده جریان وحی را چنین نقل می‌کند:

> [حضرت] محمد در شب هفدهم ماه رمضان سال ۶۱۰ در بالای کوه، همانند موسی علیه‌السلام خدای خود را ملاقات کرد و پس از ملاقات با پیک الهی وحشت‌زده شد و ناگهان از رؤیا بیرون آمد و تصور کرد که به کاهن جن‌زده تبدیل شده و اشباح او را تسخیر کرده‌اند. دیگر نمی‌خواست زنده بماند... (ص ۱۱۹) [حضرت] محمد سریعاً نزد خدیجه بازگشت. خدیجه با دلواپسی خاصی می‌خواست او را آرام سازد. به او گفت: «مطمئن باش که خداوند چنین روش مستبدانه و غیرمنطقی را برای الهام وحی برای خود انتخاب نمی‌کند. تو در تمام زندگی با خداوند دوستانه برخورد کرده‌ای و او هم در مقابل نخواهد گذاشت که تو شکست بخوری...» (ص ۱۲۲) و خدیجه ناچار سراغ ورقه رفت. ورقه که در ابلاغ پیامبری به آن حضرت شک نداشت، بلافاصله با هیجان فریاد کشید که «مقدسا، مقدسا! بزرگ‌ترین ناموس که بر موسی ظاهر شد، بر او نیز ظاهر شده است». (ص۱۱۹و۱۲۲- ۱۲۳)

در این متن به چند نکته باید توجه شود:

۱-۴- رسالت و وحی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در عالم خواب

این روایت، با روایت مشهور از عروه بن زبیر که بعثت و دریافت وحی را در بیداری می‌داند، در تعارض است. در آن جا بیان شده که ملاقات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با جبرائیل در بیداری اتفاق افتاده است.[1] از سوی دیگر، ورود جبرائیل بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله - به دفعات- در عالم بیداری، طی مدت عمر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به صراحت در منابع بیان شده است. به نظر می‌رسد با توجه به این نکته و مشکلات دیگری که این روایت دارد، نمی‌توان پذیرفت بدءالوحی پیامبر در رؤیا صورت گرفته است.

۲-۴- بی اطلاعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از رسالت

---

۱. نک: محمدرضا هدایت‌پناه، *زبیریان و تدوین سیره نبوی*، ص ۱۶۵.

بی اطلاعی از نبوت، با مبانی قرآنی و روایی اسلام تنافی دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ هذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللهِ عَلى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي»؛[۱] و «إِنِّي عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي»؛[۲] و «آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَينَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ...».[۳] این آیات شریفه بر آگاهی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از رسالت خویش صراحت دارند.

بر اساس منابع روایی، زراره از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد: «چگونه رسول خدا نمی‌ترسدکه آن‌چه به سوی او می‌آید از جانب شیطان باشد نه از جانب خدا؟» حضرت فرمود:

> وقتی بنده‌ای را رسول خودش قرار می‌دهد، بر او سکینه و وقار را نازل می‌کند، به طوری که کسی از طرف خدا به سوی او می‌آید.[۴]

علامه طبرسی در این باره می‌گوید:

> خداوند جز با دلایل آشکار و نشانه‌های روشن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وحی نمی‌کند؛ به طوری که رسولش مطمئن است که آن‌چه بر او وحی می‌شود، از ناحیه خداوند است.[۵]

در نتیجه این ر وایت، با قرآن و روایات دیگر در تناقض است. ناآگاهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از وحی، با مبانی عقلی سازگار نیست. کسی که رهبری امت را به عهده می‌گیرد، نمی‌شود خود مطلع از این رسالت بزرگ آگاه نباشد و افرادی از بیرون به او اطمینان دهند. از حکمت خداوند به دور است که رسولش را رها کند وخود اطمینان دهنده به او نباشد.

از سوی دیگر، هویت ورقه بن نوفل در منابع نامشخص است بر اساس منابع

---

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۲. سوره انعام، آیه ۲.

۳. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۴. محمد بن مسعود عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۲۰۱؛ العروسی الحویزی، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۲، ص ۴۷۸.

۵. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۳، ص ۲۷۱؛ نک: *معرفت، التمهید*، ج ۱، ص ۵۶-۵۸.

اهل‌سنت، او در تاریخ جاهلیت از دنیا رفته است.[۱] اگر ورقه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را تصدیق کرده و رسالت حضرت را تبریک گفته، چرا در منابع تاریخی نام او جزو مسلمانان صدر اسلام بیان نشده است؟ این‌گونه اشکالات، روایت را تضعیف و آن را از درجه اعتبار ساقط می‌کند.

۳-٤- ترس پیامبر از جن‌زدگی

همان‌گونه که در قسمت قبل بیان شد، این‌گونه گزارش‌ها با مبانی عقلی، قرآنی و روایی متناقض هستند و پذیرش آن‌ها از یک تاریخ‌نگار، نشانه ناآگاهی و بی‌مهارتی وی در منابع اسلامی است.

۴-۴- معرفی حضرت خدیجه علیهاالسلام به عنوان مشاور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

نویسنده تبیین درستی از حمایت‌های حضرت خدیجه علیهاالسلام در تبلیغ دین نکرده است. او با استفاده از برخی روایات ضعیف و جعلی، جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را تضعیف می‌کند. او پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را شخصی فاقد اراده معرفی کرده که قدرت تصمیم‌گیری ندارد شخصیتی که در برابر سختی‌ها به پشتیبانی حضرت خدیجه علیهاالسلام نیاز دارد. او می‌نویسد:

> تمامی منابع، از اتکاء خارج از تصور [حضرت] محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بر خدیجه در زمان‌های بحران خبر می‌دهند. (ص ۱۲۲)

در جای دیگر چنین آورده است:

> خدیجه تنها یک همسر مهربان و آرام‌بخش نبود؛ او مشاور روحی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز محسوب می‌شد. (ص ۱۲۲)

نویسنده تأثیر رحل حضرت خدیجه علیهاالسلام را در زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و پیشبرد اهدافش زیربنایی می‌داند و می‌نویسد:

> او نزدیک‌ترین یار و غم‌خوار [حضرت] محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بود و پس از مرگش هیچ‌کس نمی‌توانست جایگزین او باشد... و این موضوع بر زندگانی [حضرت] محمد به‌طور زیربنایی اثر گذاشت. (ص ۲۰۱)

---

۱. ابن عبدالبر، *الدرر*، ص ۳۳؛ الرازی، *تفسیر رازی*، ج ۳۰، ص ۷۹.

در جریان سفر به طائف می‌نویسد:

> جای خدیجه بسیار خالی بود که در این لحظات تنهایی او را درک می‌کرد و به او دلداری می‌داد و برای ادامه راه، به تشویق و نصیحت او می‌پرداخت. (ص ۲۰۶)

و در جای دیگر نوشته است:

> در آغاز سال ۶۱۹، مرگ خدیجه تثبیت موقعیت [حضرت] محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در مکه ناممکن ساخت. (ص ۱۹۸)

هیچ‌کس از او عزیزتر بر من نخواهد بود؛ زمانی که همه مرا رها کردند، تنها او از من حمایت می‌نمود. (ص ۳۱۲)

حضرت خدیجه علیهاالسلام نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار عزیز بود و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خدمات و زحمات او زیاد یاد می‌کردند، ولی این دلیل نمی‌شود که او را مشاور حضرت بخوانیم یا نصیحت‌گر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی نماییم. این سخن علاوه بر آن‌که دلیل محکمی ندارد، با آیات قرآن و مبانی کلامی شیعه که برگرفته از منابع اصیل اسلامی است، سازگاری ندارد.

همان‌گونه که در نقد ساختاری اشاره شد، این روایت مرسل است. روایت مرسل قابل‌اعتماد نیست.

۵. مدیریت تجاری حضرت خدیجه علیهاالسلام

کارن در مورد موقعیت حضرت خدیجه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبل از ازدواج چنین آورده است:

> زندگی شهری به بعضی از زنان، اجازه فعالیت‌های تجاری را داده بود. در اروپای قرن دوازدهم نیز زنان زیادی را در مشاغل تجاری، بانکی، و فروشگاه‌ها می‌دیدم که بسیار موفق عمل می‌کردند. خدیجه نیز همانند آن‌ها، ولی از مکه بود. (ص ۱۱۴)

حضرت خدیجه علیهاالسلام در این گزارش، به زنان اروپایی قرن دوازده اروپا تشبیه شده، در حالی که نویسنده معاصر است و در دوران حاضر، بیش‌تر زنان، در

عرصه اجتماعی بسیار موفق هستند. به نظر می‌رسد نویسنده مقصد خاصی را دنبال می‌کند. بنابراین لازم است به وضعیت اقتصادی زن اروپایی در این قرن توجه شود.

وضعیت اقتصادی بعد از قرن دوازده و سیزده، در اثر رشد سریع صنایع‌دستی و رونق بازار تجارت مقدمات جنبش عملی، فکری و صنعتی اروپاییان را فراهم کرد.[۱] در این بازار تجارت، به صنعت‌گران اجازه می‌دادند زنان و دختران خود را استخدام کنند؛ آن‌ها را به عضویت صنف درآورند، اصنافی که متشکل از هر دو جنس (زن و مرد) بودند، زنان به ندرت به مقامات استادکاری می‌رسیدند و برای کار مساوی، دستمزدشان از مردان کم‌تر بود.[۲]

زنان طبقات متوسط در این دوران، با لباس‌های فاخر، ثروت شوهران خویش را به رخ دیگران می‌کشیدند و با شور تمام در اعیاد مذهبی و جشن و سرورهای اجتماعی شهرها شرکت می‌کردند. بانوان طبقه اشراف با سهیم شدن در مسئولیت‌های شوهران و معاشرت با شهسواران، به چنان مقام و درجه اجتماعی نائل آمدند که نظیرش را هرگز ندیده بودند.[۳]

ادبیات این عهد، مالامال از اسناد و مدارکی است درباره زن‌هایی که شوهرانشان را مطیع خود ساخته‌اند.[۴]

چند نکته در این گزارش وجود دارد:

۱. استخدام زنان با حقوق ناچیز؛

۲. تفاخر زنان به وسیله ثروت همسرانشان؛

۳. موفقیت زنان در مطیع کردن همسرانشان.

حضرت خدیجه علیها السلام دارای کاروان‌های تجارتی بود. او مردان پاک و شریف و امانت‌دار را استخدام می‌کرد و به شهرهای شام برای تجارت می‌فرستاد.

---

۱. عباسقلی غفاری نژاد، *تاریخ اروپا از آغاز تا قرن بیستم*، ص ۲۲۱.
۲. دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن (عصر ایمان)*، ج ۲/۴، ص ۱۱۱۲.
۳. همان، ص ۱۱۱۳.
۴. همان.

استخدام مردان به صورت اجاره و تعیین از سهمی از معامله برای آنان بود.[۱] او مانند زنان اروپایی در استخدام کسی نبود. اولاً همان‌گونه که مطرح گردید، حضرت خدیجه ﷺ خانمی تاجرپیشه و صاحب کاروان‌های تجارتی بود و مانند زنان اروپایی در استخدام دیگران نبود.

به نظر می‌رسد نویسنده با زیرکی، ثروت حضرت خدیجه ﷺ را ثمره ازدواج‌های قبلی آن حضرت بیان می‌کند. گرچه برخی از تاریخ‌نگاران، به این موضوع نیز اشاره کرده‌اند، در اصل این جریان تشکیک وجود دارد؛ زیرا بیش‌تر تاریخ‌نگاران قدیمی، ثروت حضرت را ثمره تجارت و تلاش خود حضرت دانسته‌اند.[۲]

نویسنده می‌کوشد، پیامبر ﷺ را مطیع امر حضرت خدیجه ﷺ معرفی کند که در این مقاله مفصل بحث شد و علت چنین دیدگاهی حدسیات و تحلیلات ذهنی وی است.[۳]

۶. ازدواج پیامبر ﷺ

با این‌که نویسنده در تحلیل زمان ازدواج خدیجه با پیامبر ﷺ می‌نویسد: «با توجه به آن‌که [حضرت] محمد ﷺ شش فرزند داشت باید سن او کم‌تر بوده باشد»، (ص ۱۰۲) در این‌جا جضرت خدیجه را زنی مسن و بیوه معرفی می‌کند، همان‌گونه که بیان شد، در مورد ازدواج حضرت خدیجه ﷺ، قبل از ازدواج با پیامبر ﷺ اختلاف نظر وجود دارد و برخی به شدت آن را رد می‌کنند.[۴] خانم آرمسترانگ در این مورد می‌نویسد:

> با این‌که مسأله ازدواج با زنان مسن و بیوه خیلی پیچیده نبود و عملی عادی محسوب می‌شد، در مورد [حضرت] محمد چنین وانمود شده که

---

۱. *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، ج ۱، ص ۱۶؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۷؛ ابن هشام، *السیرة النبویه*، ج ۱، ص ۱۹۹؛ محسن امین، *اعیان الشیعه*، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. *طبقات الکبری*، ج ۱۰، ص ۱۷؛ *السیرة النبویه*، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳. نک: همین مقاله، قسمت نقش حضرت خدیجه ﷺ در رسالت.

۴. نک: همین مقاله، قسمت ازدواج حضرت خدیجه ﷺ.

ازدواج‌های او جنبه خودخواهی برای رسیدن به اهداف جاه طلبانه داشته است. (ص ۱۱۵)

در ادامه می‌نویسد:

حتی ماکسیم رودنسون[1] در *زندگی‌نامه محمد* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با احساس هم‌دردی می‌نویسد: «این ازدواج هم از لحاظ جنسی و هم از لحاظ احساسی باید برای [حضرت] محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار خسته کننده بوده باشد». (ص ۱۱۵)

این ازدواج جنبه راحت‌طلبی هم نداشت. [حضرت] محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بخش عظیمی از ثروت خدیجه را صرف مستمندان و فقرا کرد تا جایی که خانواده او در مشقت نسبی به سر می‌بردند. (ص ۱۱۶)

عشق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت خدیجه علیهاالسلام حتی پس از درگذشت او و علاقه زیاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ایشان که بعد از رحلت او توجه و محبت به نزدیکان خدیجه علیهاالسلام و فرزندش حضرت زهرا علیهاالسلام تجلی می‌کند، خلاف این گفته را تأیید می‌نماید.

۷. فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه علیهاالسلام

نویسنده فرزندان حضرت خدیجه علیهاالسلام را شش نفر بیان می‌کند؛ دو پسر به نام‌های قاسم و عبدالله که هر دو در نوزادی فوت کردند و چهار دختر به نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم، و فاطمه علیهاالسلام. (ص ۱۰۴)

تاریخ‌نگاران در مورد فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متفق‌القول نیستند. برخی فرزندان حضرت را چنین شمرده‌اند، قاسم، عبدالله و ام‌کلثوم و فاطمه علیهاالسلام؛ و دو دختر دیگر یعنی زینب و رقیه را دختران جحش به شمار می‌آورند و آن‌ها را «ربائب» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند.[2] افرادی نیز تنها حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام را فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی کرده و سه دختر دیگر را ربائب آن حضرت دانسته‌اند.[3]

۸. رحلت حضرت خدیجه علیهاالسلام

---

1. Maxime Rodinson.

۲. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۱۵۹؛ *اعیان الشیعه*، ج ۶، ص ۳۰۹.

۳. فضل بن محمد طبرسی، *اعلام الوری باعلام الهدی*، ج ۱، ص ۲۵۷.

رحلت حضرت خدیجه ؏ در کتاب آرمسترانگ چنین ترسیم شده است:

> تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان سال ۶۱۹ را سال حزن و اندوه [حضرت] محمد ﷺ نامیده‌اند. خدیجه ؏ اندکی پس از پایان تحریم فوت کرد. او که دوران شصت‌سالگی را می‌گذراند، به شدت از کمبود غذایی صدمه دیده بود. او نزدیک‌ترین یار و غم‌خوار [حضرت] محمد ﷺ بود و پس از مرگش هیچ‌کس نمی‌توانست جایگزین او باشد... و این موضوع بر زندگانی‌اش به طرز زیربنایی اثر گذاشت.(ص ۲۰۱) فاطمه تنها یادگار حضرت خدیجه ؏ نزد حضرت محمد ﷺ بود. پیامبر ﷺ به شدت به دو پسر حضرت علی ؑ حسن و حسین علاقه‌مند بود. (ص ۳۹۶)

در این قسمت نیز نویسنده براساس حدسیات شخصی خود علت رحلت حضرت خدیجه ؏ را گرسنگی و رنج در شعب ابی‌طالب می‌داند، در حالی که چنین مطلبی در منابع تاریخی نقل نشده است.

نتیجه

در بررسی انجام‌شده در کتاب ***زندگی‌نامه محمد*** ﷺ دیدگاه‌های نویسنده در مورد حضرت خدیجه ؏ به طور ساختاری و محتوایی نقد گردید. بنابرمطالب پیش‌گفته، نشانه‌هایی از تعصب و اسلام‌ستیزی در این اثر دیده می‌شود، اما بسیار کم‌نمود است. شاخصه‌های فکری و تحلیلی نویسنده را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد: استفاده افراط‌گرایانه از ابزار عقل در تحلیل‌ها، تحلیل‌های تاریخی براساس حدسیات و برداشت‌های شخصی، محدود کردن استنادات به برخی منابع، برجسته‌نمایی مسائل اختلاف‌انگیز و درون دینی و تحلیل گزارش‌های تاریخی براساس رفتارهای عرفی نامعتبر.

اشکالات محتوایی در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

با توجه به نقش حضرت خدیجه ؏ در تاریخ اسلام، کم‌وکاستی‌های در کتاب وجود دارد؛ نادیده گرفتن فضایل حضرت خدیجه ؏؛ مانند بیان نکردن القاب حضرت که از اخلاق حسنه و دوری ایشان از انحرافات و افکار جاهلانه

حکایت می‌کند و یا نیاوردن روایاتی که شاخصه مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام نزد خداوند و رسول گرامی را نشان می‌دهد، از موارد آن است. با توجه به این‌که این‌گونه روایات در کتاب‌های متقدمان به صراحت نقل شده است.

تحلیل‌های نادرست رفتارشناسانه از حضرت خدیجه علیها السلام؛ مانند تأکید بیش از حد بر نقش ایشان در جریان نزول وحی، سبب گردیده که خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور و ناصح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شود، و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تضعیف گردد؛ گویا مدیریت این رسالت به عهده حضرت خدیجه علیها السلام بوده، در حالی که این تحلیل‌ها با مبانی دین اسلام و قرآن در تعارض است.

تشبیه حضرت خدیجه علیها السلام به زنان اروپایی قرن شانزدهم، دلیل بر دیدگاه نویسنده به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان خانمی تفاخرگرا و زن‌سالار است. به نظر می‌رسد نوع نگاه نویسنده به آن حضرت، ناشی از دیدگاه فمینیستی است. ناسازگاری این دیدگاه، با گزاره‌های تاریخی ثابت گردید.

در نقل گزارش‌ها، به نظر می‌رسد نویسنده گزینشی عمل کرده است. برای مثال، از گزارش‌های ***تاریخ طبری*** یک مورد را انتخاب و ادامه آن را از منبع دیگر نقل می‌کند این‌گونه تحلیل‌ها از قوام متن می‌کاهد.

گزارش‌هایی در این کتاب نقل گردیده که در منابع اسلامی یا مردود شمرده شده‌اند و یا حداقل دید شک‌گرایانه‌ای نسبت به آن‌ها وجود دارد؛ ولی نویسنده آشکارا به بیان آن‌ها پرداخته است. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت و داشتن فرزندان وی از همسران قبلی، از این موارد شمرده می‌شود. سرانجام در مواردی مشاهده می‌شود که برخی مطالب نویسنده با گفته‌های دیگر او در تعارض است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، ***اسدالغابه فی معرفه الصحابه***، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۹.

۲. ابن سعد، ***الطبقات الکبری***، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.

۳. ابن شهرآشوب، محمد بن علی، ***المناقب***، چاپ اول، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹.

۴. ابن عبد آلبر، ابوعمرو یوسف بن عبدالله، ***الاستیعاب***، تحقیق: البجاوی، علی‌محمد، چاپ اول، دارالجیل، ۱۴۱۲.

۵. ابن عبد آلبر، ***الدرر***، بی‌نا، بی‌تا.

۶. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.

۷. ابن هشام، ***السیرة النبویة***، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

۸. ابی القاسم کوفی، علی بن احمد، ***الاستغاثه فی بدع الثلاثه***، تهران، اعلمی، ۱۳۷۳.

۹. امین، محسن، ***اعیان الشیعه***، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات، ۱۴۰۴.

۱۰. آرمسترانگ، کارن، ***محمد صلی الله علیه و آله و سلم، زندگی‌نامه پیامبر اسلام***، ترجمه: حشمتی، کیانوش، تهران، چاپ چهارم، انتشارات حکمت، ۱۳۸۹.

۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، ***صحیح***، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۱.

۱۲. بیهقی، احمد بن حسین، ***دلائل النبوه***، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.

۱۳. پارسا، فروغ، ***حدیث در نگاه خاورشناسان؛ بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارلد موتسکی***، ص ۳.

۱۴. پیشوایی، مهدی، «نقد دیدگاه گلدزیهر در باره آگاهی پیامبر از جاودانگی. جهان؛ شمولی»، مجله: ***تاریخ اسلام در آینه پژوهش***، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۵.

۱۵. *تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دایرة المعارف اسلام*، زیر نظر تقی‌زاده داروی، ناقدین: (عبدالرضا عرب، محمد موسی نوری، سید محمدحسین میرعبداللهی)، انتشارات شیعه شناسی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۶. جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا* صلی الله علیه و آله و سلم، انتشارات دلیل ما، چاپ هفتم، تابستان ۱۳۸۷.

۱۷. حسون، محمد، *اعلام النساء المؤمنات*، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، اسوه، ۱۴۱۱.

۱۸. دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ تمدن (عصر ایمان)*، مترجم: طاهری، ابوالقاسم، چاپ چهاردهم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.

۱۹. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، محقق: عمروی، عمر، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

۲۰. الشریف المرتضی، *رسائل المرتضی*، تحقیق: الحسینی، السید احمد، قم، دارالقرآن، ۱۴۰۵.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، چاپ اول، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۷.

۲۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق: ابراهیم، محمدابوالفضل، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۷۸.

۲۳. العاملی، جعفر مرتضی، *بنات النبی صلی الله علیه و آله و سلم أم ربائبه؟!*، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳.

۲۴. العاملی، جعفر مرتضی، *ما هو الصحیح من سیرة النبی الاعظم*، قم، ۱۴۰۳.

۲۵. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، محقق: رسولی محلاتی، سیدهاشم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.

۲۶. عسکری، سیدمرتضی، *احادیث ام المؤمنین عایشه*، چاپ اول، المجمع العلمی الاسلامی، چاپخانه النهضه، ۱۹۹۷- ۱۴۱۸.

۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، مصحح و محقق: رسولی

محلاتی، سیدهاشم، طبع العلمیه، تهران، بی‌تا.

۲۸. غفاری نژاد، عباسقلی، *تاریخ اروپا از آغاز تا قرن بیستم*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۳.

۲۹. القرشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.

۳۰. قمی، عباس، *منتهی الامال در ذکر تاریخ چهارده معصوم*، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۱۹.

۳۱. مطهری نیا، محمود، *شرق‌شناسان و نبی اعظم ﷺ*، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸.

۳۲. نسائی، احمد بن شعیب، *فضائل الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۱.

۳۳. نسایی، احمد بن علی، *تفسیر النسایی*، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۰.

۳۴. وداد، سکاکینی، *امهات المؤمنین و بنات الرسول ﷺ*، چاپ سوم، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۶.

۳۵. هدایت پناه، محمدرضا، *زبیریان و تدوین سیره نبوی*، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.

حضرت خدیجه علیهاالسلام در اندیشه گیورگیو

زهرا مهرجویی[1]

چکیده

تاریخ اسلام، از جمله مباحث پویایی است که هرچند حوادث و اتفاقات گذشته را بیان می‌دارد، همواره می‌توان به این رخدادها نگاهی ویژه داشت و آن‌ها را از یک روزنه متفاوت نگریست.

پژوهش حاضر با عنوان حضرت «خدیجه علیهاالسلام در اندیشه گیورگیو»، به مطالب مرتبط با این بانوی بزرگوار، در کتاب ***محمد پیغمبری که از نو باید شناخت*** می‌پردازد. این بحث، سه عنوان اساسی دارد که یکی به حیات حضرت خدیجه علیهاالسلام، دیگری زندگی‌نامه گیورگیو و سومی به مقوله خواستگاری و ازدواج ام‌المؤمنین با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختصاص دارد.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیهاالسلام، گیورگیو، همسر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بعثت.

مقدمه

در مکتب نورانی اهل‌بیت علیهم‌السلام و در کنار وجود گران‌قدر چهارده معصوم، زنانی حضور داشته‌اند که هرکدام در جایگاه همسر، دختر، عروس و کنیز، توانستند ماندگارترین رخدادها را به تصویر بکشند. پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همسران متعددی داشتند که هرکدام در تاریخ اسلام، اثری از خود بر جای گذاشتند- خواه

---

۱ . دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب.

مثبت و خواه منفی- اما اگر منصفانه بنگریم، حضرت خدیجه علیهاالسلام جایگاهی بس بی‌نظیر داشتند. ایشان نخستین همسر حضرت، مادر فرزندان ایشان و تنها همسری بودند که روزگار قبل از بعثت را درک نمودند. اما متأسفانه از جمله کسانی هستند که گذران تاریخ، بر شخصیت ایشان غبار فراموشی افکنده و چه‌بسا این دیده نشدن بانو ترفندی از سوی سودجویان عرصه تاریخ باشد.

در سده‌های اخیر، علاوه بر بحث تاریخی یک واقعه و یا یک شخصیت، مقوله شرق‌شناسان و دیدگاه‌های آنان نیز مطرح شده است که گاهی منصفانه و گاهی مغرضانه به نگارش درآمده‌اند.

در این نوشتار، به نگاه کنستانتین ویرژیل گیورگیو در کتاب ***محمد پیامبری که باید از نو شناخت*** می‌پردازیم. مقوله‌ای که متأسفانه در چند مورد، مطابقتی با نقل‌های معتبر تاریخی ندارد. اما پیش از ورود به بحث و به فراخور موضوع، مختصری از زندگانی حضرت خدیجه علیهاالسلام و نیز مختصری از زندگی‌نامه گیورگیو بیان می‌شود. امید است، این پژوهش، قدمی هرچند کوچک در همت معرفی ام‌المؤمنین خدیجه علیهاالسلام به دیگران، موردپذیرش اشرف مخلوقات، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار گیرد.

حضرت خدیجه علیهاالسلام نامی آشنا

او خدیجه دختر خویلد بن اسد بود که از جد پدری به قصی بن کلاب می‌رسید.[۱] وی اولین همسر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مادر همه فرزندان حضرت (به غیر از ابراهیم) بود[۲] و حضرت در زمان این بانو، همسر دیگری نگرفتند.[۳] او در زمان جاهلیت، از زنان بزرگوار، تاجرپیشه و ثروتمند قریش،[۴] به شمار می‌رفت و

۱. اندلسی، *جمهره انساب العرب*، ص ۱۲۰.
۲. همان، ص ۱۶.
۳. حمیری، *سیره النبویه*، ج ۱ ص ۲۰۱.
۴. بلاذری، *انساب الاشراف*، ص ۱۰۷؛ اربلی، *کشف الغمه*، ج ۲ ص ۱۳۱.

با القابی مانند «سیده قریش» و «طاهره» شناخته می‌شد.[۱] خدیجه علیها نخستین زن مسلمان[۲] و از زنان بهشتی به شمار می‌آید که خداوند وعده خانه‌ای از دّر و الماس به ایشان داده است.[۳] وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله مقامی بلند داشت و در همه امور با ایشان مشورت می‌کرد که حضرت او را وزیر صداقت می‌نامیدند[۴] و حتی پس از وفات، همواره از او به نیکی یاد می‌کردند.[۵] او تنها کسی است که جبرئیل بارها برای او حامل سلام خداوند بوده است.[۶]

ام‌المؤمنین خدیجه علیها پس از تحمل سختی‌های سه‌ساله شعب ابی‌طالب در دهم ماه مبارک رمضان سال دهم بعثت از دار دنیا رفت و در منطقه حجون به خاک سپرده شد که امروزه به قبرستان ابوطالب معروف است.[۷]

گیورگیو خاورشناسی رمان‌نویس

کنستان ویرژیل گیورگیو، نویسنده رومانی‌الاصل و متولد سال ۱۹۱۶ میلادی بود. او تحصیلات خود را در رشته فلسفه در بخارست آغاز کرد و سپس در هایدلبرگ آلمان تحصیلاتش را در زمینه علوم الهی تعقیب نمود. در پایان جنگ جهانی دوم به عنوان عضو وزارت امورخارجه رومانی، نخست در آلمان از طرف قوای متفقین زیر نظر قرار گرفت و سپس برای مدتی در اردوگاه اسرای جنگی زندانی شد و پس از آزادی از اردوگاه به پاریس رفت و از آن زمان تا هنگام مرگ فرانسه وطن دوم این نویسنده گردید. در دهه هفتاد در حکومت دیکتاتوری فاشیستی چاوشسکو که از رهبران استالینیست بلوک شرق محسوب می‌شد،

---

۱. دمشقی، *البدایه و النهایه*، ج ۲ ص ۲۹۴؛ حمیری، *سیره النبویه*، ج ۱ ص ۲۰۰؛ حلبی برهان‌الدین، *سیره الحلبیه*، ج ۱ ص ۱۳۷.
۲. بلاذری، *انساب الاشراف*، ص ۱۲۴؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ص ۱۱۳.
۳. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ص ۱۱۷؛ اربلی، *کشف الغمه*، ج ۲ ص ۱۳۰؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ص ۱۲۴.
۴. *تذکره الخواص*، ص ۳۱۲.
۵. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ص ۱۱۷؛ اربلی، *کشف الغمه*، ج ۲ ص ۱۳۰.
۶. حمیری، *سیره النبویه*، ج ۱ ص ۲۵۷، اربلی، *کشف الغمه*، ج ۲، ص ۱۳۲.
۷. قمی، *سفینه البحار*، ج ۲ ص ۵۷۱ (زیر ماده خدج).

به عنوان سرکشیش در رومانی زیر پوششی مذهبی به خدمت صهیونیسم درآمد و سرانجام در سال ۱۹۹۲ در خیابان‌های بخارست همراه با همسرش کشته شد.

وی نویسنده رمان‌های معروفی است و در آثارش بیش‌تر به مظلومیت قوم یهود می‌پردازد. آثاری مانند ***خانه پتروداوا***، ***دومین شانس*** و ***ساعت بیست و پنج*** را در پرونده خود دارد[1] که شهرت جهانی وی به سبب رمان اخیر بوده که به چهل زبان ترجمه شده است.

وی علاوه بر نویسندگی، به ترجمه و پژوهش در زمینه الهیات، دین و سیاست نیز می‌پرداخت. کتاب ***محمد پیغمبری که از نو باید شناخت*** تنها کتاب تاریخی وی به شمار می‌آید که ابتدا به صورت پاورقی در یکی از مجلات، و بعداً به صورت کتاب منتشر شد و تاکنون ده‌ها بار در شمارهای زیاد به چاپ رسیده است. این کتاب به زبان فرانسوی نوشته شده و به زبان‌های انگلیسی، رومانیایی و عربی هم ترجمه گردیده است.[2] آقای محمدعلی انصاری، کتابی با نام ***محمد پیامبر شناخته شده*** در نقد مطالب این کتاب، به نگارش درآورده است.

علت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؟

گیورگیو مانند دیگر خاورشناسان که تاریخ اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به نگارش در آورده‌اند، کتاب خویش را با کودکی حضرت آغاز کرده، حوادث و رخدادها را برحسب ترتیب زمانی بیان می‌دارد. وی زمانی که به مقوله سفر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تجارت با مال حضرت خدیجه علیها السلام می‌رسد، نوشته‌اش رنگ و بوی خیالی و قصه‌پردازانه به خود می‌گیرد؛ او در توصیف دلباختگی حضرت خدیجه علیها السلام به بی‌راهه رفته، شیفتگی حضرت را به زیبایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شکل و شمایل ظاهری حضرت منسوب می‌کند.[3] او حدود نیم‌صفحه از کتاب را به اوصاف ظاهری پیامبر، عشوه چشمان سیاهش، بوی عطر دل‌انگیزش، قد و قامت رعنا،

---

۱. فاطمی، سایت کتاب نیوز، ۱۳۸۴/۱۲/۲۸ ش.
۲. مقدمه کتاب.
۳. گیورگیو، *محمد پیغمبری که از نو باید شناخت*، ص ۴۱.

دندان‌های مرتب که هر چشمی را مجذوب می‌سازد و غیره اختصاص داده است. او حتی هنگام طرح موضوع ازدواج توسط نفسیه و نیز هنگام خواستگاری ابوطالب از عموی حضرت خدیجه علیها السلام باز به مسأله زیبایی پرداخته، آن را نوعی امتیاز برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند.[۱]

البته از چنین شخصیت رمان‌نویسی، چنین توصیفاتی عجیب نیست، اما آن‌جا که سخن از یک شخصیت واقعی و تاریخی در میان باشد، دیگر چنین تفکراتی زیبنده نیست و نویسنده باید به مطالب تاریخی مطرح شده و متقن رجوع نماید، نه این‌که از خیال خویش کمک جوید و قلم‌فرسایی کند.

هیچ‌یک از منابع تاریخی دست‌اول، به شیفتگی حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به جمال ظاهری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره نکرده‌اند. آری همه سخن از شیفتگی خدیجه علیها السلام نسبت به حضرت نوشته‌اند، اما این دل‌دادگی، معلول اموری فراتر از ظواهر بوده است. او شیفته اخلاق نیکو، راست‌گویی و امانت‌داری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شده بود و این امر را آشکارا در پاسخ به خواستگاری ایشان بیان نمود.[۲] هر چند نباید از عوامل زمینه‌ساز این توجهات، غافل ماند؛ زیرا در منابع تاریخی نقل شده که در یکی از اعیاد جاهلی، زنان مکه گرداگرد هم جمع شده بودند. مردی از اهل کتاب گذر کرد و به زنان حاضر در مجلس گفت: «ای زنان مکه، در شهر شما پیامبری خواهد بود که احمد نام دارد؛ پس هر کدام از شما توانست تلاش کند تا به همسری وی درآید». زنان به سخن وی توجهی نکردند اما خدیجه علیها السلام در فکر فرورفت.[۳] نیز در برخی نقل‌ها آمده که ایشان خوابی دید و ورقه بن نوفل در تعبیر این خواب، به همسری او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرد.[۴] با نگاه منصفانه،

---

۱. همان، ص ۴۳ و ۴۵.

۲. عسقلانی، *الاصابه*، ج ۴، ص ۲۸۲.

۳. مازندرانی، *المناقب*، ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸؛ عسقلانی، *الاصابه*، ج۴ ص ۲۸۲؛ حلبی، *السیره الحلبیه*؛ ج ۱ ص ۱۳۹.

۴. دمشق، *البدایه والنهایه*، ج ۲ ص ۲۶۹؛ حلبی، *السیره الحلبیه*، ج ۱ ص ۱۳۶؛ مجلسی، *حیاه القلوب*، ج ۳، ص ۲۲۶ به بعد.

خواهیم دید که همه این موارد، می‌تواند زنی را شیفته مردی سازد که به صفات نیکو و پسندیده‌ای شهره شهر بوده تا آرزوی وصال او را داشته باشد، نه این‌که تنها مجذوب و عاشق چشمان زیبا، لبخند ملیح و... بوده باشد!!

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آن شهرت و نام نیکو به پیشنهاد تجارت آمدند، خدیجه علیها السلام بی‌درنگ با درخواست او موافقت نمود و در این سفر، غلام خود را که «میسره» نام داشت با ایشان همراه می‌ساخت تا در صورت نیاز، به آن حضرت کمک کند.[۱] میسره در بازگشت از سفر، مطالبی را برای آن بانوی بزرگوار بیان نمود[۲] که خدیجه علیها السلام را دو چندان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم متمایل ساخت و او را بر آن داشت تا به فکر واسطه‌ای برای این ازدواج فرخنده باشد.[۳]

متأسفانه خاورشناس رمان‌نویس بحث ما آن‌قدر درگیر ظواهر و مادیات است که حتی غم و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از درگذشت خدیجه علیها السلام را ناشی از عشق مادی می‌داند. او با وجود این‌که در کتاب خویش از ایستادگی و همراهی خدیجه علیها السلام در راه تبلیغ اسلام و نیز از زندگی صمیمی و سراسر محبت آن دو یار دیرینه یاد می‌کند،[۴] می‌گوید:

> محمد که مردی عرب بادیه‌نشین بود خدیجه را چون اعراب بادیه‌نشین دوست داشت. روح و ذوق یک اروپایی که در قاره اروپا دریاهای نیلوفری و رودهای بزرگ و جنگل وسیع و... را می‌بیند و صدای بلبل را می‌شنود، نمی‌تواند به ارزش زن پی ببرد، ولی در بیابان‌های عربستان که نه دریا هست و نه جنگل و رودخانه و... یک عرب بادیه به جای تمام این مناظر، زن را می‌بیند و در عوض صدای بلبل، صدای زن را می‌شنود!![۵]

---

۱. ابن سعد، *طبقات الکبری*؛ ج ۱، ص ۸۷.
۲. مطالب زیادی در کتب مختلف تاریخی از سفر حضرت به شام مانند نحوه معاملات و سود تجاری، سخنان نسطور راهب و ... آمده است. (*سیره الحلبیه*، ج ۱، ص ۱۳۷؛ ابن اسحاق، *سیره النبویه*؛ ص ۸۱).
۳. دمشق، *البدایه و النهایه*، ج ۲، ص ۲۹۴؛ حلبی، *السیره الحلبیه*، ج ۱، ص ۱۳۷؛ حمیری، *السیره النبویه*، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ابن اسحاق، *السیره النبویه*، ص ۸۱ .
۴. کنستان ویرژیل گیورگیو، *محمد پیغمبری که از نو باید شناخت*، ص ۱۱۷ و ۱۳۲ و ۱۳۳.
۵. همان، ص ۱۱۷.

تنها سخنی که می‌توان درباره این نوشته گفت این ضرب‌المثل است که «کافر همه را به کیش خود پندارد». چه برداشت ضعیفی از انسانیت می‌توان داشت که وجود یک انسان را تنها در ظواهر محدود و محصور کنیم. آیا تنها صدای یک زن و چهره دلربای او، مرد را عاشق می‌سازد یا رفتار و کردار نیکو؟ آیا این‌همه فداکاری و تلاش خدیجه علیها السلام در راه تحقق مشیت الهی، جایی در این اقیانوس عشق و محبت ندارد؟![1]

اگر نبود سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره خدیجه علیها السلام و سبب محبت و توجه ایشان به آن بانو حتی پس از وفات ایشان، همان همراهی، مشاورت و صمیمت او برای نشان دادن علت محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به وی و غم و اندوه بی‌پایانش در رحلت ایشان کافی بود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها و بارها و در برابر برخی همسران که به توجهات حضرت به خدیجه علیها السلام معترض بودند، دلیل محبت و ارادت خود را نسبت به آن بانو چنین بیان می‌فرمودند: «او اولین زن مسلمان[2] بود و زمانی مرا تصدیق کرد که همگان مرا تکذیب کردند»؛[3] «خداوند تنها از ایشان به من فرزندی عطا نمود»؛[4] «خدیجه از زنان بهشتی است»؛[5] و گاهی نیز او را وزیر صداقت نامیده‌اند.[6]

نتیجه

بحث خاورشناسی یا مطالعات اسلامی در غرب، از موضوعات بسیار مهمی است که جوامع اسلامی در سده‌های اخیر با آن روبه‌رو شده‌اند. علم

---

۱. نویسنده در چند مورد، به رفتارهای نیکوی حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده، او را وسیله‌ای برای تحقق مشیت الهی می‌داند. (ص ۱۳۲).

۲. محلاتی، *ریاحین الشریعه*، ج ۲، ص ۲۰۷؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ص ۱۲۴؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ص ۱۱۳.

۳. همان.

۴. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ص ۱۱۷؛ اربلی، *کشف الغمه*، ج ۲، ص ۱۳۰؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ص ۱۲۴.

۵. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ص ۱۱۷؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۰.

۶. *تذکره الخواص*، ص ۳۱۲.

شرق‌شناسی به چندین شاخه تقسیم می‌شود که یک شاخه آن به بحث‌ها و موضوعات تاریخ اسلام می‌پردازد. انگیزه‌های این علم از قرن دوازده میلادی تا به امروز، به فراخور زمانه تغییر کرده است، اما انگیزه این بحث‌ها و تألیفات، هرچه باشد، در درازمدت و با توجه به موج سریع ترجمه آثار به زبان‌های مختلف، بر ایده و تفکرات جوامع اسلامی اثر خواهد گذاشت. پس جا دارد با مطالعه این نوشته‌ها، از صحت‌وسقم موضوعات مطرح آگاه بود تا بتوان آن‌ها را در مسیر درست قرار داد.

کتاب ***محمد، پیغمبری که از نو باید شناخت*** نوشته کنستانتین ویرژیل گیورگیو، از این قاعده مستثنا نیست و خوش‌بختانه آقای محمدعلی انصاری، کتابی در نقد مطالب کلان و اصلی کتاب نوشته که بیش‌تر به موضوعات پس از بعثت و هجرت پرداخته است.

پژوهش حاضر به نگاه این رمان‌نویس رومانی، تبار به حضرت خدیجه علیهاالسلام پرداخت. گیورگیو مانند دیگر تاریخ‌نویسان اسلام، در چند مبحث اساسی از ایشان نام می‌برد: تجارت و سفر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شام، خواستگاری و ازدواج، مبعث و عام‌الحزن. البته از انصاف نمی‌توان گذشت که او در موارد متعددی، از این بانوی ارجمند به نیکی یاد کرده و او را وسیله‌ای برای تحقق مشیت الهی قلمداد نموده است. اما نگاه مادی گرایانه وی نسبت به مقوله ازدواج و همسرداری این زوج آسمانی در این کتاب جای تأمل و نقد دارد؛ زیرا او هدف و انگیزه خدیجه علیهاالسلام را تنها در زیبایی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خلاصه کرده و در این باره هیچ سخنی از صداقت، امانت‌داری و حسن خلق حضرت نگفته است، درحالی‌که اغلب تاریخ‌نگاران به این مقوله اشاره داشته‌اند.

مطلب قابل‌ذکر دیگر این‌که گیورگیو وفات حضرت خدیجه علیهاالسلام را در شعب ابی‌طالب ذکر می‌کند، درحالی‌که کتب تاریخی، وفات ایشان را پس از خروج از شعب آورده‌اند. متأسفانه این کتاب به منبع منقولات اشاره نکرده و مانند دیگر کتاب‌های قصه و رمان، از هیچ پاورقی یا آدرسی دهی برخوردار نیست.

منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، بیروت: دارالاضواء، بی‌تا.

۲. اندلسی علی بن احمد بن حزم، *جمهره انساب العرب*، تحقیق عبدالمنعم خلیل ابراهیم، چاپ پنجم، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۹ م.

۳. بغدادی، محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.

۴. بلاذری احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکّار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.

۵. حلبی برهان‌الدین، *السیره الحلبیه*، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.

۶. حمیری عبدالملک بن هشام، *السیره النبویه*، تحقیق عبدالحفیظ شلبی و مصطفی السقا، مصر: انتشارات مصطفی البانی، ۱۳۵۵ ق.

۷. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، *البدایه و النهایه*، تحقیق و حواشی مکتب تحقیق التراث، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ق.

۸. ذهبی محمد بن احمد بن عثمان، *سیراعلام النبلاء*، چاپ نهم، بیروت: انتشارات الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۹. عسقلانی احمد بن علی بن حجر، *الاصابه فی تمییزالصحابه*، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۲۸ ق.

۱۰. قمی عباس، *سفینه البحار*، قم، انتشارات اسوه، بی‌تا.

۱۱. گیورگیو کنستان ویرژیل، *محمد پیغمبری که از نو باید شناخت*، ترجمه و اقتباس ذبیح‌الله منصوری، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات زرّین، ۱۳۹۴ ش.

۱۲. مازندرانی، محمد بن علی (ابن شهرآشوب)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: انتشارات علامه، بی‌تا.

۱۳. مجلسی محمدباقر، *حیاه القلوب*، تحقیق سیدعلی امامیان، چاپ نهم، قم: انتشارات سرور، ۱۳۹۰ ش.

۱۴. محلاّتی ذبیح‌الله، *ریاحین الشریعه*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، بی‌تا.

۱۵. مدنی محمد بن اسحاق بن یسار، *سیره النبی*، تحقیق سهیل زکّار، تهران: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه ؑ در آثار شرق شناسان

شهناز کریم‌زاده سورشجانی[۱]

چکیده

پس از ظهور اسلام، خاورشناسی غربیان تا حدود زیادی برای اسلام‌شناسی و خلق آثار درباره شخصیت پیامبر ﷺ شکل گرفت، اما وقایعی چون سلطه جهان اسلام بر غرب و شکست‌های آن‌ها در جنگ‌های صلیبی، کینه غرب را نسبت به اسلام تشدید نمود و موجبات تدوین کتب جهت‌دار بیش‌تری علیه اسلام و رسول اکرم ﷺ را فراهم کرد. با وجود این، در میان خاورشناسان، انسان‌های حقیقت‌طلب، بعضاً تلاش کرده‌اند از ورای تعصبات، واقعیت را رصد نمایند که نتیجه امر، شکل‌گیری دو دیدگاه متعصبانه و متعادل در حوزه اسلام‌شناسی و بررسی حیات پیامبر اسلام ﷺ است. از سوی دیگر، در ذیل بررسی عصر پیامبر اسلام ﷺ، ادوار حیات نخستین همسر ایشان، حضرت خدیجه ؑ، که با حساس‌ترین دوره و وضعیت زندگی پیامبر ﷺ پیوندیافته، توجه دو دیدگاه را جلب نموده و در معرفی وجوه شخصیت این بانو و سیره خانوادگی رسول مکرم اسلام ﷺ مؤثر واقع شده است. با شناسایی و نقد این داده‌ها، می‌توان برداشت‌های اشتباه و یا ناشی از تعصب در این آثار را شناسایی و معرفی نمود. به همین سبب، نوشتار حاضر با روش توصیفی- تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤال است که رویکرد شرق‌شناسان درباره حیات حضرت خدیجه ؑ چگونه است؟ هرچند گام‌هایی برای پاسخ به این سؤال برداشته

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام.

شده، نوشتار حاضر به شکل مشخص، به دادن گزارش و نقد سیمای حضرت خدیجه علیهاالسلام از دیدگاه شرق‌شناسان پرداخته است. به نظر می‌رسد محدودیت مآخذ پژوهشی آنان به منابع اهل‌سنت و اکتفا به قول مشهور، از مهم‌ترین اشکالات وارده به داده‌های آنان در این زمینه باشد.

واژگان کلیدی

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت خدیجه علیهاالسلام، نقد محتوایی، شرق‌شناسان، خاورشناسی.

مقدمه

واژه شرق‌شناسی اصطلاحاً به تلاش همه غربیان برای شناسایی و شناساندن کشورها، اوضاع جغرافیایی، معادن، تاریخ، قومیت‌ها، زبان، هنر، آداب، سنن، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان، تمدن‌ها و ویژگی‌های کشورهای مشرق‌زمین، از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه، گفته می‌شود؛ اما در این پژوهش، معنای محدودتر این واژه مانند اسلام‌شناس غیرمسلمان[1] موردنظر است. این پدیده قبل از ظهور اسلام، با انگیزه‌های غالباً سیاسی ظهور کرد؛ اما با رقابت مسیحیت با اسلام، ماهیت ایدئولوژی- سیاسی یافت و تمام وجوه اسلام، به ویژه شخصیت و زندگی پیامبر اسلام را عرصه مطالعات خود قرار داد. جنگ‌های صلیبی و عملکرد خلفای عباسی و عثمانی به عنوان جانشینان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دشمنی جهان غرب با دنیای اسلام را تشدید کرد و دو دیدگاه متعصبانه و معتدل در حوزه شرق‌شناسی را بنیان نهاد.

در این میان، گاه به شخصیت و زندگانی حضرت خدیجه علیهاالسلام توجه شده که با حساس‌ترین دوران زندگی نبی مکرم اسلام پیوند خورده است. او دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن

۱. حسین عبدالمحمدی، *مستشرقان و پیامبر اعظم* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دوم، تهران، نشر المصطفی،۱۳۹۴، ص ۲۶.

غالب بن فهربن مالک بن نضربن کنانه[۱] بود. ایشان در دوران جاهلیت، به سبب کمال و پاکی «طاهره» نامیده شد[۲] و در منابع، با عنوان بانویی دوراندیش،[۳] عاقل و باشرافت توصیف شده است.[۴]

رویکرد خاورشناسان به حیات ایشان، نه‌تنها دست‌مایه معرفی این بانو به دنیای غرب و غیرمسلمانان شده، بلکه دانشمندان مسلمان گاه این داده‌ها را مطمئن و خدشه‌ناپذیر دانسته و منبع نظریه‌پردازی قرار داده‌اند. بدین منظور این داده‌ها، با توجه به محدودیت‌های آن در حوزه اسلام‌شناسی، تعصبات و دشمنی برخی از ایشان با اسلام، باید بررسی علمی شود تا میزان وثوق وتدقیق علمی آن مشخص گردد.

پژوهش مستقلی از شرق‌شناسان در مورد حضرت خدیجه علیها السلام یافت نشد، اما در آثاری مانند ***کتاب الرسول المتخیل (قرائه النقدی در صوره النبی فی الاستشراق)*** که در اصل نقد دیدگاه مونتگمری وات و مکسیم رودنسون است، به حیات حضرت خدیجه علیها السلام هم اشاره شده است. یا در بخشی از کتاب ***تصویر خانواده پیامبر*** صلی الله علیه و آله وسلم ***در دایره المعارف اسلام*** انتشارات شیعه‌شناسی نیز نقد داده‌های مونتگمری وات در مورد حضرت خدیجه علیها السلام دیده می‌شود؛ اما پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی- تحلیلی به بررسی و نقد محتوایی داده‌های شرق‌شناسان درباره ادوار زندگی حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته و برخی از داده‌های ناشی از دیدگاه‌های متعصبانه را نقد کرده است.

منظور از نقد، نقد محتوایی است و نقد ساختاری این آثار، مجال دیگری می‌طلبد. نقد محتوایی (درونی)، نقدی است که در آن معیار و مبنای نقد- یعنی

---

۱ . ابن سعد، *طبقات الکبری*، دارصادر، بیروت، بی‌تا، ج ۸، ص ۸.

۲ . شهاب‌الدین احمدبن عبدالوهاب نویری، *نهایه الارب*، بیروت، دارالکتاب العلمیه، ۱۴۲۴ ه، ج ۱۴، ص ۱۷۱.

۳ . محمدبن جریر طبری، *الرسل والملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ۱۱ جلد، دوم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ه.ق. ج ۲، ص ۲۸۰.

۴ . محمدبن احمدبن عثمان الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۱۱۱.

عناصر درون متن، اعم از ساختار، معنا، زبان، و مانند آن- در ارتباطی متقابل، منسجم و هم‌بسته به یک‌دیگرند که در دو وجه سلبی و ایجابی، این عناصر ادراک، تفسیر و نقد می‌شوند. پس اتکا به ویژگی‌های درونی و تأثیرات متقابل عناصر درونی، نقش مهمی در نقد درونی دارند.[۱] بنابراین داده‌های متعارض با داده‌های منابع تاریخ اسلام، از حیث محتوا حذف و به گزارش داده‌های دیگر اکتفا شده است. به نظر می‌رسد داده‌های شرق‌شناسان، در بسیاری از جهات، تحت تأثیر منابع اهل‌سنت است که به دنبال فضیلت‌سازی برای برخی از شخصیت‌ها، تلاش کرده‌اند تا فضائل اهل‌بیت علیهم السلام را کم‌رنگ نمایند.

الف) دوره قبل از بعثت

۱. همکاری تجاری با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

از نخستین موضوعات مرتبط با حیات حضرت خدیجه علیها السلام که دست‌مایه شرق‌شناسان واقع شده و نظرهایی درباره آن ابراز داشته‌اند، موضوع هم‌کاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام برای تجارت به شام است که شرق‌شناسان با نگاه‌های متفاوت به آن پرداخته‌اند. در این آثار، گاه پیامبر اسلام چون شخصی تصویر شده که به دنبال یافتن فرصتی است که خود را به زنی ثروتمند مرتبط نماید تا از دنیای فقری که بدان گرفتار است، نجات یابد. ازدواج ایشان با حضرت خدیجه علیها السلام نیز در همین جهت توصیف شده است.[۲] این دیدگاه، منعکس‌کننده تعصب و غرض‌ورزی نویسنده در پرداخت به این موضوع است. این مسأله به چند دلیل نمی‌تواند داده درستی باشد:

اول این‌که در برخی دیگر از آثار شرق‌شناسان، حضرت خدیجه علیها السلام کسی است که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد هم‌کاری در تجارت داد و پیامبر

---

۱. علیرضا ملائی توانی، *درآمدی بر پژوهش در تاریخ*، تهران، نشرنی، ۱۳۸۶.

۲. مونتگمری وات، *محمد پیامبر و سیاستمدار*، ترجمه اسماعیل والی زاده، تهران: کتاب‌فروشی الاسلامیه، ۱۳۴۴، ص ۱۳.

پیشنهاد او را پذیرفتند؛[۱] مانند کتاب ***محمد، پیامبر و سیاست‌مدار*** این نظر در منابع تاریخی اسلام نیز پذیرفته شده است. حال چرا از میان نظریه‌های متفاوتی که برای آغاز این هم‌کاری در منابع وجود دارد، مونتگمری وات چنین داده‌ای را گزینش کرده، آن‌هم بدون آوردن دلیل این گزینش؟

دوم، اگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دنبال چنین هدفی بودند، چرا تا ۲۵ سالگی که در جزیرة‌العرب آن زمان سن نامتعارفی برای ازدواج بود، صبر کردند و به سبب وضعیت اقتصادی نتوانستند ازدواج نمایند؟

سوم، در برخی دیگر از آثار شرق شناسان، صفت کمالی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باعث شد خدیجه علیها السلام به ایشان درخواست مشارکت در تجارت بدهد. او از امانت‌داری و ثقه بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنید و ایشان را به عنوان وکیل خود برای تجارت با سوریه استخدام کرد.[۲]

طرح مسأله اجیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خدیجه علیها السلام، یکی دیگر از نکاتی است که در تجارت در آثار شرق شناسان به چشم می‌خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از بازگشت از سفر تجاری، شتری به عنوان پاداش دریافت نمودند که قیمت آن چهارصد درهم بود؛ در صورتی که قیمت یک بنده دویست تا هشتصد درهم و یک گوسفند چهل درهم بود. پس شتر چندان پاداش گران‌قیمتی نبود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دریافت آن راضی به نظر می‌رسیدند و خدیجه علیها السلام هم از خدمات آن حضرت خرسند بود و تصمیم داشت از آن به بعد، جوان قریشی را همراه کاروان خود روانه بازارهای عربستان کند.[۳] از داده‌های این‌چنینی، به دست می‌آید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجیر و مزدبگیر حضرت خدیجه علیها السلام در این هم‌کاری تجاری

---

۱ . کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* ترجمه کیانوش حجتی، تهران: حکمت، ۱۳۸۳. ص ۱۰۲.

۲ . مونتگمری وات، *محمد در مکه*، ترجمه شعبان برکات، بیروت: مکتبه العصریه للطباعه و النشر، بی‌تا، ص ۷۳.

۳ . کنستانتین ویرژیل گیورگیو، *زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)* ترجمه مهرداد صمدی، تهران: انتشارات آسیا، بی تا، ص ۴۲.

بوده، درحالی‌که این مسأله نمی‌تواند درست باشد و با واقعیت‌های تاریخی مطابقت ندارد. یعقوبی از تاریخ‌نگاران بزرگ، تأکید می‌کنند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرگز اجیر کسی نشدند.[۱] حضرت خدیجه علیهاالسلام حتی اموال و غلام خود را نیز در اختیار ایشان قرار داد و این با اجیر بودن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطابقت ندارد. ذهبی نوع این هم‌کاری را در قالب قرض می‌داند.[۲] علاوه بر این، به نوشته تاریخ‌نگاران، حضرت خدیجه علیهاالسلام افرادی را به شکل مضاربه به هم‌کاری دعوت می‌کردند.[۳] پس هم‌کاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز با ایشان به صورت مضاربه بوده است.

۲. سن حضرت خدیجه علیهاالسلام

قول مشهور، سن حضرت خدیجه علیهاالسلام را در زمان ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چهل سال می‌دانند.[۴] و غالب شرق‌شناسان هم این قول را پذیرفته‌اند. حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هنگام ازدواج ۲۸ سال و عیالش چهل ساله بودند.[۵] علی‌رغم اختلاف سنی، آن بانو به همسر جدیدی نیاز داشت و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انتخاب شایسته‌ای برای او بود.[۶]

در این آثار، گاه این احتمال در نظر گرفته شده که این میزان سن برای حضرت خدیجه علیهاالسلام در زمان ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صحت ندارد. مونتگمری وات به این مسأله اشاره می‌کند:

گفته می‌شود خدیجه علیهاالسلام در آن زمان در دهه چهل از عمرش بود و

---

۱. و لا کان اجیرا لاحدا قط (احمدبن اسحاق یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱).

۲. قد سافر فی مالها مقارضا الی الشام، احمدبن علی بن حجر عسقلانی، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفه، بی تا، ج ۷، ص ۱۰۰.

۳. تستأجر الرجال فی مالها و تضاربهم ایاه، محمدبن جریر طبری، *تاریخ طبری*، همان، ج ۱، ص ۱۲۱، علی بن محمدبن اثیر، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۴۳۵.

۴. حسن بن علی بن عیسی بن اربلی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ ه. ج ۱، ص ۵۱۰، ۵۱۳.

۵. جان دیون پورت، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، ترجمه غلامرضا سعیدی، سوم، تهران: شرکت انتشار، ۱۳۴۴، ص ۱۵.

۶. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان، ص ۱۰۲.

پیامبر ﴿ص﴾ در دهه بیست؛ چه بسا در عمر خدیجه ﴿؏﴾ در این دوره مبالغه شده است.[۱]

کارن آرمسترانک هم می‌گوید:

طبق روایات، در این زمان خدیجه ﴿؏﴾ چهل ساله بود؛ ولی از آن جا که توانست شش فرزند برای محمد بیاورد، باید او را جوان‌تر فرض کرد. ولی در هر حال از محمد مسن‌تر بود.[۲]

وات نیز به چنین مسأله‌ای اشاره کرده است.[۳]

به باور افرادی که به قول مشهور معتقدند، خدیجه ﴿؏﴾ پانزده سال قبل از عام‌الفیل به دنیا آمد و هنگام ازدواج با پیامبر ﴿ص﴾ چهل ساله بود.[۴] اما قول دیگر دایر بر این است که خدیجه ﴿؏﴾ موقع ازدواج با پیامبر ﴿ص﴾ ۲۸ ساله بوده‌اند. مدرک آنان، حدیث ابن عباس است.[۵] شرق‌شناسان این دست روایات را کم‌تر توجه کرده‌اند و نهایت اعتباری که برای این روایات قائل هستند، در حد ایجاد تشکیک در قول مشهور است. بعید نیست دلیل این امر، این باشد که غالب منابع در دست شرق‌شناسان، منابع اهل سنت بوده که در آن‌ها با وسواس خاصی، تلاش شده تنها همسر باکره و کم‌سن پیامبر ﴿؏﴾، عایشه معرفی شود.

۳. ازدواج قبل از پیامبر ﴿ص﴾

شرق‌شناسان به ازدواج‌های حضرت خدیجه ﴿؏﴾ قبل از رسول اکرم ﴿ص﴾ نیز اشاره کرده‌اند. شاید بتوان گفت غالب آثار آن‌ها، این مسأله را مفروض پنداشته

---

۱. مونتگمری وات، *محمد در مکه*، همان، ص ۷۳.

۲. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان،. ص ۱۲۲.

۳. مونتگمری وات، *محمد پیامبر و سیاستمدار*، ص ۱۳.

۴. علی بن محمد بن اثیر، *اسد الغابه*، همان، ج ۴، ص ۴۳۴.، حسن بن علیبن عیسی بن اربلی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، همان، ج ۱، ص ۵۱۰ و ۵۱۳. نورالدین الحلبی، *سیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۱۴۰.

۵. محمدبن احمدبن عثمان الذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: دارالفکر ۱۴۲۷ ق.، ج ۲، ص ۱۱۱.

و لزومی برای بررسی بیش‌تر در مورد آن ندیده‌اند. کارن آرمسترانگ معتقد است که خدیجه علیها السلام دو بار ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت.[۱] مونتگمری وات نیز در آثار خود به این مسأله اشاره می‌کند:

> او از طایفه بنی‌اسد بود که به مراتب از بنی‌هاشم قوی‌تر بودند؛ به همین دلیل خدیجه علیها السلام به یک تاجر موفق تبدیل شد. او پیش از ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله و سلم دوبار ازدواج کرده بود.[۲]

وات در اثر دیگر خود، همسر دوم خدیجه علیها السلام را از قبیله بنی‌مخزوم معرفی می‌کند.[۳] روایات این چنینی در منابع تاریخ اسلام نیز فراوان است وهمسران او قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یکی عتیق بن عائذ بن عبدالله بن عمرو مخزومی بود که دختری از او به دنیا آورد. بعد از فوت عتیق، با ابوهاله تمیمی ازدواج نمود و از او نیز فرزندی به دنیا آورد.[۴] این روایات، باعث شده است که برخی از شرق‌شناسان از جمله گیورگیو نیز با اشاره به وجود فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از همسران سابق، نظریه ازدواج او قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تقویت نمایند.[۵]

در این آثار، وجود فرزندان خدیجه علیها السلام از همسران سابق، به عنوان دلیل مقوم برای ازدواج‌های سابق ایشان در نظر گرفته می‌شود، در حالی‌که علی‌رغم شهرت این خبر، روایات دیگری وجود دارد که در درستی ازدواج‌ها تردیدهای جدی وارد کرده‌اند. این تردید زمانی تقویت می‌شود که بدانیم طرف‌داران عایشه کوشیده‌اند تا یکی از فضایل منحصربه‌فرد او را در قیاس با دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، باکره بودن او معرفی کنند و درباره خدیجه علیها السلام، ازدواج‌های سابق او را مطرح نمایند؛[۶] در حالی‌که شواهدی نشان می‌دهد که آن بانو نیز از زنان باکره

---

۱. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان، ص ۱۰۹.
۲. مونتگمری وات، *محمد پیامبر وسیاستمدار*، همان، ۱۳۴۴، ص ۱۳.
۳. مونتگمری وات، *محمد در مکه*، همان، ص ۷۳.
۴. حسن بن علی بن عیسی اربلی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، همان، ج ۱، ص ۵۱۰، ۵۱۳.
۵. کنستانین ویرژیل گیورگیو، *زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)*، همان، ص ۴۱.
۶. *تصویر خانواده پیامبر اسلام*، زیر نظر محمد تقی زاده داوری، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۷، ص ۳۱.

پیامبر ﷺ بودند، از جمله، ابن شهرآشوب از قول بلاذری، ابوالقاسم کوفی و سید مرتضی و ابوجعفر می‌نویسد:

پیامبر ﷺ با حضرت خدیجه ؑ ازدواج کردند، در حالی که او دوشیزه بود.[۱]

در نتیجه، اجماعی که ادعا می‌شود در مورد ازدواج‌های قبلی خدیجه ؑ وجود داشته فرو می‌ریزد.[۲] علاوه بر آن، اخبار و روایات درباره همسران ادعایی حضرت خدیجه ؑ دچار تناقض و تعارض آشکارند؛ برای مثال، در این‌که نام ابوهاله، آیا نباش بن زراره بود یا زراره بن نباش یا این‌که نامش هند یا مالک بوده و یا این‌که او پیش از عتیق با خدیجه ؑ ازدواج کرده یا پس از او؛ آیا هند که گفته‌اند فرزند حضرت خدیجه ؑ به شمار می‌آمده، پسر بوده است یا دختر، و آیا فرزند ابوهاله بوده یا عتیق و آیا بر اثر طاعون از دنیا رفته یا در جنگ جمل کشته شده، اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان به هیچ‌یک از آن‌ها اعتماد کرد و حقیقت را دست آورد.[۳]

از سوی دیگر، وجود فرزندان برای حضرت خدیجه ؑ قبل از ازدواج با پیامبر اسلام ﷺ نیز که مقوم ازدواج او با مردان دیگری بود، توسط داده‌های تاریخی دیگر رد می‌شود. نویسنده *الاستغاثه* این فرزندان را دختران هاله، خواهر حضرت خدیجه ؑ معرفی می‌کنند که پس از مرگ پدر، به همراه مادر خود نزد حضرت خدیجه ؑ زندگی می‌کردند. اما با درگذشت هاله که بعد از ازدواج پیامبر ﷺ با حضرت خدیجه ؑ بود، آن بانو سرپرستی این کودکان را به عهده گرفت.[۴]

---

۱ . محمدبن علی بن شهرآشوب، *مناقب آل ابی طالب*، همان، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲ . *تصور خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام*، ترجمه و نقد زیر نظر محمدتقی داوری، اول، قم: شیعه شناسی، ۱۳۸۷، ص ۳۲.

۳ . همان، ص ۳۳.

۴ . علی بن محمد ابی ابالقاسم کوفی، *الاستغاثه*، تهران، الاعلمی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۴.

ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

گمانه‌زنی‌های خاورشناسان با دو نگاه منصفانه و متعصبانه در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیهاالسلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پیش‌گامی این بانوی بزرگوار در این ازدواج، بعضاً زمینه‌ساز برخی از اتهامات علیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شده است. در این آثار، گاه انگیزه آن بانو برای این ازدواج، با زیبایی‌ها و شاخصه‌های ظاهری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرتبط دانسته شده است.[1] اما گاه نگاه مادی بر تبیین این مسأله اثر گذاشته و زمینه‌ساز تهمت و افترا به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شده و این ازدواج را دست‌آویزی برای برون‌رفت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از فقر معرفی می‌کنند:

> با این‌که ازدواج با زنان مسن و بیوه خیلی پیچیده نبوده و در غرب عملی عادی محسوب می‌گردیده است، در مورد محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین وانمود شده که ازدواج‌های او از روی خودخواهی و برای رسیدن به اهداف جاه‌طلبانه بوده است.

حتی ماکسیم رودنسون با احساس هم‌دردی می‌گوید:

> این ازدواج هم از لحاظ جنسی هم از لحاظ احساسی باید برای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار خسته کننده بوده باشد، اما واقعیت گویا خلاف این ادعاست.[2]

این نگاه مادی در برخی از آثار شرق‌شناسان، خود را به شکل دیگری نشان داده و آن را فرصتی برای تقویت روحی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و هموار شدن راه ورود ایشان به عرصه تجارت ارزیابی کرده است.[3]

اما گاه داده‌های منصفانه در آثار شرق‌شناسان، دو دلیل یادشده برای این ازدواج را نقض می‌کنند و صفات خاص و ویژگی‌های منحصربه‌فرد حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را پیش‌گامی حضرت خدیجه علیهاالسلام در این ازدواج معرفی می‌نماید.[4] علاوه بر آن، گاه برخی از این داده‌ها، از منطق حاکم بر عملکرد خدیجه علیهاالسلام برای

---

۱. کنستانین ویرژیل گیورگیو، *زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)* همان، ص ۴۲.
۲. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان،. ص ۱۲۲.
۳. مونتگمری وات، *محمد پیامبر وسیاستمدار*، همان، ص ۱۴.
۴. مونتگمری وات، *محمد در مکه*، همان، ص ۷۳. کارن آرم استرانگ، زندگینامه پیامبر اسلام، همان، ص ۱۲۱.

این اقدام حکایت دارد، زیرا وی پیش از ازدواج با پیامبر ﴿ص﴾، درصدد آزمایش ایشان برآمد و آن حضرت را به نمایندگی خویش با کاروانی به سوریه فرستاد. چون آن حضرت مأموریت خود را با موفقیت به انجام رسانیدند خدیجه ﴿ع﴾ به ایشان پیشنهاد ازدواج کرد.[۱]

در برخی دیگر از این آثار، خدیجه ﴿ع﴾ پس از شنیدن گزارش نمایندگان خود از سفر تجاری به شام، در دیداری با ورقه بن نوفل، سخنان نماینده خود را با او در میان گذاشت و پس از پیش‌گویی پیامبری آن حضرت توسط ورقه به ازدواج با ایشان تصمیم گرفت.[۲] این داده نیز با دلیل اول منافات دارد و نشان می‌دهد که حضرت خدیجه ﴿ع﴾ با این‌که پیامبر ﴿ص﴾ را شخص مناسبی تشخیص داده بودند کاملاً با مسأله برخورد منطقی داشته و پس از آزمایش و روشن شدن کفایت و کاردانی ایشان، پیشنهاد خود را مطرح کرده‌اند. به این ترتیب، خدیجه ﴿ع﴾ برای آزمایش، از ایشان خواست برایش تجارت کند و وقتی موفقیت‌های ایشان را دید، به حضرت پیشنهاد ازدواج داد.[۳] گاه نگاه مادی‌گرایانه، مسأله آشنایی و ازدواج پیامبر ﴿ص﴾ را به مسائلی خرافی و بخت و اقبال پیامبر ﴿ص﴾ منتسب می‌کنند که در سال ۵۹۵ میلادی تغییر کرد و زمینه هم‌کاری تجاری حضرت خدیجه با پیامبر ﴿ص﴾ را فراهم کرد.[۴] اما برخی از داده‌های تاریخ اسلام، حاکی از آن است که خدیجه ﴿ع﴾ شبی در عالم رؤیا، دید خورشید فروزان بالای شهر مکه چرخ زده و به خانه وی فرود آمده است. او خواب خود را برای ورقه نقل کرد و ورقه به او گفت: «با مرد بزرگی ازدواج می‌کنی که شهرت او جهانی خواهد شد».[۵] اگر چنین داده‌ای درست باشد، خدیجه ﴿ع﴾ منتظر این شخص بزرگ بوده و با

---

۱. مونتگمری وات، *محمد پیامبر و سیاستمدار*، همان، ص ۱۳.

۲. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۰۲.

۳. مونتگمری وات، *محمد پیامبر وسیاستمدار*، همان، ص ۱۳، همچنین کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* ترجمه کیانوش حجتی، تهران: حکمت، ۱۳۸۳. ص ۱۰۱.

۴. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۰۲.

۵. حسن بن علی عیسی اربلی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ج ۱، ص ۵۰۹.

آزمودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در مورد مصداق این خواب اطمینان یافته است.

قول مشهور این است که خدیجه علیها السلام به خواستگاری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رفت و گفت:

> پسرعمو، من به سبب شرافتی که در میان قریش داری و هم‌چنین امانت و راستی و خوش‌خلقی که به آن ممتاز گشته‌ای، به شما پیدا علاقه کرده‌ام، و می‌خواهم به همسری شما درآیم.[۱]

اگر این مساله به این شکل (پیش‌گامی خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، منعکس نشده بود، زمینه زیاده‌گویی بیش‌تر معاندان و برخی از شرق‌شناسان متعصب درباره چشم‌داشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ثروت خدیجه علیها السلام در این ازدواج می‌شد، درحالی‌که خدیجه علیها السلام در کنار ثروت خود، در جو سرشار از فساد آن زمان حجاز بانویی بی‌مثل و مانند بود و به «سیده قریش» معروف بود[۲] و ثروت، جایگاه و صفات نیک وی، باعث شده بود تا بسیاری از ثروت‌مندان و سران قریش مانند عقبه ابن ابی معیط، صلت بن شهاب، ابوجهل و ابوسفیان، اندیشه همسری او را در سر بپرورانند.[۳] برخی از آن‌ها، از جمله تاجران بزرگ زمان خود بودند، اما خدیجه علیها السلام درخواست همه آن‌ها را به بهانه نداشتن علاقه به شوهر، رد کرد. او در گفت‌گو با ورقه بن نوفل، نیافتن شخص موردنظر را دلیل عدم بی‌میلی به ازدواج بیان کرده[۴] که شاید بتوان از این مسأله به عنوان نیافتن هم‌کفو نام برد.

علاوه بر آن، حضرت خدیجه علیها السلام از گزارش میسره درباره کرامات و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تحت تأثیر قرار گرفت. این از مسلمات تاریخی است که عقل نیز آن را تأیید می‌کند؛ زیرا شخصیت برجسته و ممتاز ایشان که خود سرآمد پاکان

---

۱. اسماعیل بن عمربن کثیر دمشقی، *البدایه والنهایه*، همان، ج ۲، ص ۲۹۴،

۲. ابن هشام، *سیرت رسول خدا و اهل بیته*، همان، ص ۱۲۰.

۳. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق. ج ۱۶، ص ۲۳.

۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، چاپ اول، بیروت: دارالجیل، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۱۸۱۷.

و پرهیزکاران عصر خود بود، در آن محیط ظلمانی جاهلیت، قطعاً تحت تأثیر شخصیت بی‌نظیر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرارگرفته است. این مطلب در بیش‌تر منابع اصیل تاریخ آمده که دلیل اشتیاق خدیجه علیهاالسلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حکایاتی بود که میسره از این سفر برایش نقل کرد.[1] مجموع عوامل مذکور را می‌توان دلایل پیش‌گامی حضرت خدیجه علیهاالسلام در این ازدواج معرفی کرد.

۴. ایفای نقش نزدیکان حضرت خدیجه علیهاالسلام در ادوار زندگی او

از نظر شرق‌شناسانی که فاصله سنی که ۲۵ سال برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خدیجه علیهاالسلام و نیز انگیزه مادی برای این پیوند را پذیرفته‌اند، این ازدواج امر دشواری است؛ زیرا اولاً خدیجه علیهاالسلام چهل و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۲۵ سال داشتند و ثانیاً خدیجه علیهاالسلام ثروتمند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار فقیر بود.[2] این مسأله با نگاه مادی به مسائل، به جز همان تمنیات مادی که برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تصور می‌کنند توجیهی ندارد. از طرف دیگر، این مسائل برای خاورشناسان، دست‌آویز ابراز نارضایتی خاندان خدیجه علیهاالسلام نسبت به این ازدواج شده است.[3]

در برخی از این منابع آمده که حضرت خدیجه علیهاالسلام به دلیل مخالفت ولی خود[4] با این ازدواج، برای کسب اجازه از او، مجلس بزمی برپا کرد و دستور داد به این شخص شراب نوشانده شود و در حالت مستی برای این ازدواج از او رضایت بگیرند.[5] اگر کسی اندک آشنایی با شخصیت و زندگانی آن بانوی محترم داشته باشد، اذعان خواهد کرد که این روایات، به معنای انکار واقعیت‌های روشن

---

۱. محمدبن جریر طبری، *الرسل و الملوک*، همان، ج ۲، ص ۳۵،

۲. کنستانین ویرژیل گیورگیو، *زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)*، همان، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۴.

۴. در برخی از آثار ایشان، پدر و در برخی از آثار دیگر مستشرقین عموی ایشان امیربن اسد که رئیس قبیله نیز بوده است معرفی شده است.

۵. همان، ص ۴۴.

تاریخی درباره ایشان است.[۱] این بانو در دوران سیاه و آلوده جاهلیت به «طاهره قریش» مشهور بود. و سرآمد زنان پرهیزکار عصر خویش به شمار می‌رفت.[۲] در نتیجه، به او لقب طاهره، مبارکه، ملکه بطحا، بانوی بانوان قریش و سیده نساء قریش داده بودند[۳] چگونه زنی که به پاکی و پرهیز از گناه مشهور است، به چنین کار زشتی دست می‌زند؟ به علاوه این داده‌های شرق‌شناسان به چند دلیل مردود است:

اول، پدر حضرت خدیجه علیهاالسلام سال‌ها پیش از این ازدواج، در جنگ‌های فجار درگذشته بود و پدری نداشت تا او را مجبور به این ازدواج کند.

دوم، حضرت خدیجه علیهاالسلام عموی خود را در این ازدواج وکیل کرده بود و طبعاً او سلطه پدرانه نداشت تا بخواهد اراده خود را بر شخصیتی مانند خدیجه علیهاالسلام تحمیل کند؛ هم‌چنان که هیچ‌کس نتوانست خواستگاران فراوان و سرشناس و ثروتمند مکه را بر او تحمیل کند.

سوم، پذیرش چنین ازدواجی، با عصمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سازگار نیست؛ زیرا عصمت رکن اصلی نبوت است؛ کسی که خود معصوم نیست، نمی‌تواند دیگران را به پاکی دعوت کند.[۴]

در برخی از دیگر آثار شرق‌شناسان، گاه برای برخی از افراد خاندان خدیجه علیهاالسلام در همراهی یا عدم‌همراهی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حرکت او تفصیلاتی بیان شده است؛ از جمله ورقه بن نوفل مسیحی، از هنگام اطمینان برای نزول وحی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از آن حضرت پشتیبانی می‌کرده است.[۵] علاوه بر آن، به نقش مهم

---

۱. ابن سعد این روایت را در اثر خود آورده و آنرا بررسی کرده وضعیف پنداشته است، ابن سعد بن منیع هاشمی بصری، محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. همان، ج ۸، ص ۱۲.

۳. ذبیح الله محلاتی، *ریاحین الشریعه*، همان، ج ۲، ص ۲۰۷.

۴. *خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام*، همان، ص ۴۱.

۵. مونتگمری وات، *محمد پیامبر وسیاستمدار*، همان، ص ۱۴. همچنین کنستانین ویرژیل گیورگیو، *پیامبری که از نو باید شناخت*، همان، ص ۵۳.

ورقه در اطمینان‌بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای نزول وحی بر آن حضرت اشاره شده که خود زمینه طرح شبهاتی مبنی بر تردید شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تحقق بعثت ایشان را فراهم می‌کند.[۱]

تأکید بر این نقش ورقه، در حالی است که او مسیحی بود و کسی به مسلمان شدن وی پس از نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره نکرده، در حالی که او سال‌ها بعد از بعثت زنده بود، اما مسلمان نشد.[۲] ابن‌عباس گوید: «او بر دین نصرانیت باقی بود تا مرد».[۳] چگونه می‌شود شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در ارتباط مستقیم با فرشته وحی سخن گفته، از جانب خدا به این اطمینان نرسیده، اما از سخن شخصی مانند ورقه به یقین برسد که به نبوت منصوب شده است؟

۵. سبک زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام و تعداد فرزندان ایشان

گاه شرق‌شناسان، بدون در نظر گرفتن تضییقات و تحقیری که در دوره جاهلیت قبل از اسلام علیه زنان وجود داشته، با توجه به نوع تعامل و سبک زندگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام کبری، جایگاه ویژه‌ای برای زنان عصر جاهلی ذکر کرده‌اند و مشاوره، دوست، خزانه‌دار و ناصح بودن حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در این جهت توصیف نموده‌اند.[۴] حال آن‌که باید توجه داشت، جایگاه مذکور خاص تمام زنان عصر جاهلیت عرب نیست، بلکه به ندرت همسرانی در این عصر زندگی مالامال از عشق و محبت داشتند که زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه علیها السلام، کامل‌ترین و بهترین این نمونه‌هاست. گاه حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق‌شناسان به عنوان زنی توصیف شده که علی‌رغم جدی بودن، بسیار مهربان و شاد بوده است.[۵] این

---

۱. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان، ص ۱۱۰.
۲. ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی معرفه الصحابه*، همان، ج ۳، ص ۶۳۳.
۳. ابن اثیر، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، همان، ج ۱، ص ۲۰۷.
۴. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان، ص ۹۸.
۵. همان، ص ۱۰۹.

مسأله در کنار خلق حسنه و بی‌مثل و مانند حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، زندگی سرشار از تفاهم و صمیمیت برای ایشان ساخته است.[۱]

در کنار این مسأله از نگاه شرق‌شناسان، چون خدیجه علیهاالسلام اولین کسی بود که پیام حق را پذیرفت و اسلام آورد، این اعتماد و اعتقاد خدیجه علیهاالسلام در نظر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اهمیت فراوان یافت و باعث شد همواره بگوید:

> هیچ زنی بهتر از خدیجه علیهاالسلام نیست؛ زیرا او به من ایمان آورد و دیگران سخنانم را دروغ پنداشتند.[۲]

جان دیون پورت می‌گوید:

> این جمله باید به افتخار محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوشته شود که برای او نیز ایمان خدیجه علیهاالسلام تعجبی نداشت، زیرا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثابت کرده بود، برای این زنی که او را با عشق، از فشار نیازمندی نجات داده، مهربان‌ترین شوهر است و تا روزی که خدیجه علیهاالسلام حیات داشت؛ محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از حق معمول تعدد که آن روزها رایج بود استفاده نکرد؛ هم‌چنین حقیقت و واقعیت خودش را نسبت به عیالش از لحاظ عشق و محبت تغییرناپذیر ثابت کرده بود. در این صورت، چگونه ممکن بود که این زن در صحت گفتار او شک کند؛ بنابراین خدیجه علیهاالسلام رؤیا و حالات عارضه بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مظهر واقعی اراده خدا تلقی کرد و به او ایمان آورد.[۳]

گیورگیو نیز اشاره می‌کند که پانزده سال پس از ازدواج با خدیجه علیهاالسلام، زندگی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم‌چنان یک‌نواخت و آرام بود.[۴] کارن آرمسترانگ نیز معتقد است، اگرچه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به زنان اشتیاق نشان می‌داد، هرگز تا زمانی که خدیجه علیهاالسلام زنده بود تصور چند زن داشتن را که از کارهای عادی اعراب به شمار می‌رفت، به خود راه نداد. همین نکته پاسخی است به غربیان که از

---

۱. آن ماری شمیل، *محمد رسول خدا* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مترجم حسن لاهوتی، تهران: انتشارات علمی- فرهنگی، ۱۳۸۳. ص ۱۳. همچنین جان دیون پورت، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، همان، ص ۱۵.
۲. کنستانتین ویرژیل گیورگیو، *پیامبری که از نو باید شناخت*، همان، ص ۵۸.
۳. ص ۲۳.
۴. کنستانتین ویرژیل گیورگیو، *پیامبری که از نو باید شناخت*، همان، ص ۴۹.

پیامبر ﷺ به دلیل داشتن چند زن فراوان انتقاد می‌کنند. آن حضرت پس از مرگ خدیجه ﷺ هم با ستایش همیشگی از آن بانو عصبانیت دیگر همسران خود را برمی‌انگیخت و حتی یک‌بار با احساس شنیدن صدای خدیجه ﷺ، رنگ از رخسارشان پرید و صورت ایشان سفید گردید.[۱]

عدم ازدواج مجدد رسول خدا ﷺ در زمان حیات خدیجه ﷺ، و با وجود مرسوم بودن چنین امری در آن زمان، از طرف شرق‌شناسان به دلیل مهر و علاقه‌ای دانسته شده که در این زندگی حکم‌فرما بوده است. با وجود تفاوت سنی، آن دو بزرگوار، از مهربان‌ترین زن و شوهرها به شمار می‌رفتند. پیامبر ﷺ طی ۲۵ سال زندگی با خدیجه ﷺ، ذره‌ای به او خیانت نکردند و بعد از وفات آن بانو هروقت به یاد خدیجه ﷺ می‌افتادند، اشک می‌ریختند.[۲] جان دیون پورت در این زمینه می‌گوید:

> با وجود این‌که خدیجه ﷺ در چنین سن و سال وبرحسب قاعده باید زیبایی دوران جوانی خود را از دست داده باشد محمد ﷺ تا آخرین دقایق حیات خدیجه، ﷺ به او وفادار ماندند و همان‌طور که قبلاً اشاره شد، از گرفتن زنان دیگر خودداری کردند.[۳]

خدیجه ﷺ با وجود اختلاف سنی و اجتماعی که با شوهرش داشت، از بهترین زن‌ها بود. هیچ زنی مانند او رضایت همسر خود را جلب نکرده است. گیورگیو می‌گوید:

> حضرت آدم در بهشت، نگاهی به زندگی محمد ﷺ و خدیجه ﷺ انداخت و گفت: «یکی از برتری‌های حضرت محمد ﷺ بر من این است که زن او برای اجرای اوامر خداوند به شوهرش کمک نمود، حال این‌که زن من مرا در نافرمانی به دستورهای خداوند راهنمایی کرد».[۴]

---

۱ . کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۲۳.
۲ . کنستانین ویرژیل گیورگیو، *پیامبری که از نو باید شناخت*، همان، ص ۱۴ وص ۸۹.
۳ . جان دیون پورت، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، همان، ص ۳۲.
۴ . کنستانین ویرژیل گیورگیو، *زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)*، همان، ص ۴۶.

قدرشناسی و وفاداری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خدیجه عليها السلام، بعد از حیات ایشان و تا پایان عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ادامه داشت. عایشه به جایگاه بی‌بدیل این بانوی بزرگوار اشاره کرده است.[۱]

خاورشناسان در مورد تعداد فرزندانی که خدیجه عليها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز نظرهایی ابراز کرده‌اند. خدیجه عليها السلام شش فرزند برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا آورد. دو پسر به نام‌های قاسم و عبدالله که هر دو در نوزادی مردند، به همین دلیل خدیجه عليها السلام ام‌القاسم (مادر قاسم) نام گرفت، ولی چهار دختر او به نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه باقی ماندند.[۲] گیورگیو تعداد پسران را سه نفر معرفی می‌کند:

> خدیجه عليها السلام برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم سه پسر آورد که هر سه در خردی چشم از جهان فروبستند. به دنبال این سه پسر، چهار دختر نصیب محمد صلی الله علیه و آله و سلم شد به نام‌های رقیه، زینب، ام‌کلثوم و فاطمه. از این چهار دختر، یکی (فاطمه) صاحب نسل شد.[۳]

مونتگمری وات هم نام فرزندان را قاسم، رقیه، زینب، ام‌کلثوم، فاطمه، عبدالله (طیب) و طاهر معرفی می‌کند و می‌گوید:

> فرزندان پسر در دوران طفولیت از دنیا رفته‌اند.[۴]

اما قول صحیح در مورد تعداد و نام فرزندان خدیجه عليها السلام این است: خدیجه عليها السلام مادر تمام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جز ابراهیم بود. طبق قول مشهور، فرزندان آن حضرت عبارت بودند از قاسم، عبدالله (ملقب به طیب وطاهر) رقیه، زینب، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه عليها السلام.[۵]

---

۱. جان دیون پورت، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، همان، ص ۳۳.
۲. مونتگمری وات، *محمد در مکه*، همان، ص ۱۰۳.
۳. کنستانین ویرژیل گیورگیو، *زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)* همان، ص ۴۵.
۴. مونتگمری وات، *محمد در مکه*، همان، ص ۷۳
۵. فضل بن حسن طبرسی، *اعلام الوری*، بی‌نا، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ص ۲۷۵، ابن هیثم، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۶۹ م، ج ۹، ص ۲۱۸.

۶. منشأ ثروت خدیجه علیهاالسلام

در آثار شرق‌شناسان، به استقلال مالی حضرت خدیجه علیهاالسلام نیز اشاره شده است.[۱] کارن آرمسترانگ نیز می‌گوید:

در آن عصر، زندگی شهری به بعضی از زنان، فعالیت‌های تجاری را اجازه داده بود؛ همان‌گونه که در اروپای قرن دوم هم زنان زیادی را در مشاغل تجاری، بانکی و فروشگاه‌ها می‌دیدیم که بسیار موفق عمل می‌کردند، خدیجه علیهاالسلام نیز مانند آنان ولی در مکه بود.[۲]

در مواردی که شرق‌شناسان ازدواج‌های خدیجه علیهاالسلام با مردانی دیگر را مفروض گرفته‌اند، منشأ ثروت او نیز به تبع این مسأله و میراث از همسران سابق ایشان در نظر گرفته شده است. کارل بروکلمان نیز در این زمینه می‌نویسد:

محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از آن‌که به سن رشد رسید، به خدمت خدیجه علیهاالسلام در آمد. او زن متمول و بازرگانی بود که مال به ارث رسیده از دو شوهر پیشینش را شخصاً اداره می‌کرد؛[۳] در حالی که در مقابل قول ازدواج سابق حضرت خدیجه علیهاالسلام، قول عدم ازدواج و باکره بودن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم مطرح است و قراینی آن را تقویت می‌کند. اما در هر حال، اطلاعات اندکی درباره منشأ ثروت حضرت خدیجه علیهاالسلام در دست است و آن‌چه غالباً بیان می‌شود، حدس و گمان پژوهش‌گران و تاریخ‌نگاران است؛ اما بیش‌تر تاریخ‌نگاران، معتقدند که حضرت خدیجه علیهاالسلام سرمایه اولیه خود را از طریق پدر ثروتمند خود به ارث برد و چون خاندان وی حنیف و پیرو آیین ابراهیمی بودند، برخلاف دیگر زنان عصر جاهلی، از حق ارث محروم نبود و چون برادرانش به جز عمرو همه از دنیا رفته بودند و حضرت خدیجه علیهاالسلام از نظر سنی از همه بزرگ‌تر بود، این اموال در اختیار وی قرار گرفت و سپس آن را با درایت و قدرت مدیریت خود توسعه داد.[۴]

---

۱. مونتگمری وات، *محمد پیامبر و سیاستمدار*، همان، ص ۱۳

۲. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۰۹.

۳. کارل بروکلمان، *تاریخ دول و ملل اسلامی*، مترجم هادی جزایری، دوم، تهران: علمی- فرهنگی،۱۳۸۲، ص ۲۳۲.

۴. *خانواده پیامبر اسلام*، همان، همان، ص ۳۶.

ب) دوران پس از بعثت

۱. نقش خدیجه علیهاالسلام در اطمینان‌بخشی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در صدور وحی

کارن آرمسترانگ حضرت خدیجه علیهاالسلام را اولین مسلمان معرفی می‌کند. به گفته وی، آن بانو نخستین کسی بود که رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را پذیرفت و پس از او، خانواده پیامبر، علی، زید و چهار دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله[۱] در برخی دیگر از آثار شرق‌شناسان حضرت خدیجه علیهاالسلام اولین مسلمانی معرفی شده که حتی لحظه‌ای در ابراز ایمان خود تردید نکرد.[۲] در برخی از این آثار، به نگرانی حاصل از ترس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم اشاره شده است:

> او پس از وحی، در فضایی رها شده بود که هیچ‌گونه تصور قبلی از آن نداشت و به سادگی نمی‌توانست آن را برای خود توجیه کند؛ اما در این تنهایی و وحشت، سریعاً نزد خدیجه علیهاالسلام بازگشت و در حالی‌که روی چهار دست‌وپا می‌خزید و تمامی بدن او لرزان بود، سر به زانوی خدیجه علیهاالسلام گذاشت و گفت: «مرا بپوشان، مرا بپوشان!».[۳]

هم‌چنین در آثارشان اشاره کرده‌اند که خدیجه تلاش کرد به حضرت اطمینان دهد که آن‌چه بر او نازل شده، وحی است نه القاء شیطان؛[۴] زیرا در برخی از این منابع آمده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌ترسید تحت القاء شیاطین و یا جن، کاهن شده باشد.[۵] بنابراین پس از این‌که تعادل روحی خود را باز یافت، اولین سؤالش از خدیجه علیهاالسلام این بود: «آیا من یک کاهن شده‌ام؟»[۶] در این دوره، بزرگ‌ترین حامی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته شده است.[۷]

گاه در آثار شرق‌شناسان، نوع ادبیات حضرت خدیجه علیهاالسلام برای آرامش‌بخشی

---

۱. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان، ص ۱۳۳.
۲. جان دیون پورت، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، همان، ص ۲۲-۲۳.
۳. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان،. ص ۱۰۸.
۴. کنستانین ویرژیل گیورگیو، *پیامبری که از نو باید شناخت*، همان، ص ۵۲.
۵. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۰۹.
۶. همان، ص ۱۰۹.
۷. آن ماری شمیل، *محمد رسول الله*، مترجم حسن لاهوتی، اول، تهران: علمی- فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۱۳.

به پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ نیز تشریح شده است.[۱]

تکیه و تأکید بر نقش حضرت خدیجه ﴿عليها السلام﴾ در این زمینه، تا حدی است که برخی از آنان تصور می‌کنند حضرت محمد ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ در سال‌های اولیه مأموریت خود، بدون یاری و هم‌فکری خدیجه ﴿عليها السلام﴾ قادر به ادامه راه نبودند:

> خدیجه ﴿عليها السلام﴾ زنی فوق‌العاده و از دیگر زنان عرب متمایز بود. او به گفته ابن‌اسحاق (مورخ اسلامی)، باهوش و ممتاز بود. هر زمان که حضرت محمد ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ از حمله دشمنان یا رسیدن وحی به وحشت می‌افتاد، مستقیماً به سوی خدیجه ﴿عليها السلام﴾ می‌رفت و آرامش خود را بازمی‌یافت. او اولین زنی بود که به پیامبر اسلام ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ ایمان آورد و با قدرت بخشیدن به او، بار سنگین مأموریتش را سبک‌تر ساخت.[۲]

در برخی از آثار شرق‌شناسان می‌خوانیم:

> محمد ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ هرگاه که تنها می‌ماند و در مأموریت خود برای پیامبری دچار تردید می‌شد، به خدیجه ﴿عليها السلام﴾ روی می‌آورد.[۳] در ابتدای کار نیز پس از این‌که با اضطراب ناشی از وحی، نزد خدیجه ﴿عليها السلام﴾ رسید، خدیجه ﴿عليها السلام﴾ او را در آغوش گرفت و سعی کرد با نوازش، وحشت را از او بزداید!

تمامی منابع، از اتکاء خارج از تصور پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ بر خدیجه ﴿عليها السلام﴾ در زمان بحران‌ها خبر می‌دهند:

> از آن به بعد نیز هرگاه در کوه، الهام جدیدی به او می‌رسید، لرزان نزد خدیجه ﴿عليها السلام﴾ آمده، می‌خواست تا او را با عبا بپوشاند.[۴] هم‌چنین است در فترتی که محمد ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ بعد از نزول وحی به آن دچار شده بود.[۵]

داده‌های شرق‌شناسان در مورد ایمان آوردن حضرت خدیجه ﴿عليها السلام﴾ و نخستین

---

۱. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۱۰.

۲. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۲۲.

۳. کنستانین ویرژیل گیورگیو، *محمد پیامبر و سیاستمدار*، همان، ص ۱۴.

۴. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)*، همان، ص ۱۰۹. بر طبق مدارک صحیح تنها در ابتدای نزول وحی حضرت به خود گلیم و جامه پوشیده احساس سرما و لرز نمود.

۵. مونتگمری وات، *محمد در مکه*، همان، ص ۹۱.

مسلمان بودن ایشان درست است؛ زیرا طبق منابع، وی از طریق عالمان یهود ونصارا، نشانه‌های نبوت را در شوهر خود دیده بود.[۱] به همین سبب، بعد از دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از او برای ایمان آوردن خدیجه علیهاالسلام با آرامش و اطمینان قلبی عرض نمود: «من سال‌هاست که پیغمبری تو را انتظار می‌کشم»، پس شهادتین را بر زبان جاری ساخت و خالصانه به آن حضرت ایمان آورد.[۲]

در نقش عاطفی و حمایت‌های روحی حضرت خدیجه علیهاالسلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در آغاز نزول وحی تردیدی نیست. هرگاه پیامبر از آزار و اذیت قریش آزرده خاطر می‌شدند، حضرت خدیجه علیهاالسلام با دلداری دادن به ایشان، باعث آرامش و تسکین آن حضرت در برابر سختی‌ها می‌شد.[۳] اما در مورد اطمینان‌بخشی خدیجه علیهاالسلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد صدور وحی، باید گفت که همه داده‌های شرق‌شناسان متعصب، در یک نکته مشترک هستند و آن نیازمندی و احتیاج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به شخص دیگر است تا او را از دنیای تردید بیرون آورد. این اطلاعات، از داده‌های جعلی ناشی می‌شود که در کتب اهل‌سنت راه یافته و اکثر منابع شرق‌شناسان، تبیین درست و روشنی از نقش حمایتی حضرت خدیجه علیهاالسلام در تبلیغ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صورت نداده‌اند؛ بلکه با بهره‌گیری از روایات ضعیف اما مشهور، به جای تبیین شخصیت و جایگاه حضرت خدیجه علیهاالسلام، در این زمینه به تضعیف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته‌اند. ریشه این تحلیل‌های افسانه‌وار درباره چگونگی بعثت، عایشه است و جز او، راوی دیگری ندارد و سپس با تکرار در متون و منابع حدیث و تاریخ اسلام، به یک حقیقت قطعی و تردیدناپذیر تبدیل شده است.[۴] خوف حضرت از نزول وحی بر خود، به سبب اطمینان نداشتن به صدور وحی نبوده، بلکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با توجه به شناختی که از جامعه آن روز حجاز داشتند، می‌ترسیدند جامعه آن روز دعوتش را نپذیرند. به عبارت

۱. محمدبن علی بن شهرآشوب، *مناقب آل ابی طالب*، قم: منشورات العلامه، بی تا، ج ۱، ص ۶۸.
۲. همان، ج ۱، ص ۷۴.
۳. ابن هشام، *السیره النبی*، همان، ج ۱، ص ۱۸۵.
۴. *خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام*، ص ۴۵.

دیگر، روح هرچند برای برقراری ارتباط با عالم غیب توانا باشد، باز هم در آغاز کار، چون با فرشته‌ای که تا به حال با او روبه‌رو نشده مواجه شود، اضطراب به ایشان دست می‌دهد؛ اما بعدها اضطراب ایشان از بین رفت.[۱]

بی‌شک نقش حضرت خدیجه ﷺ، از بین بردن اضطراب‌های این‌چنینی بود و مطالبی که در این‌باره نقل می‌شود، گاه با مقام رسالت پیامبر ﷺ منافات دارد.[۲] روایت‌های این‌چنینی که در منابع اهل‌سنت به وفور یافت می‌شود، غالباً بدون سندشناسی و رجال‌شناسی منعکس شده، در حالی‌که علاوه بر آن باید ساحت و مقام عصمت نبوت نیز در نظر گرفته شود. این داده‌ها بدون این‌که بررسی تخصصی در مورد آن صورت گیرد، دست‌مایه شرق‌شناسان شده و قضاوت‌های بی‌اساس در مورد حضرت را باعث گردیده است.

۲. همراهی با پیامبر ﷺ و حمایت‌های مالی و اجتماعی

از جمله نکاتی که از نگاه شرق‌شناسان مخفی نمانده، همراهی حضرت خدیجه ﷺ و تکیه‌گاه واقع شدن ایشان برای رسول اکرم ﷺ است. در این آثار، حضرت خدیجه ﷺ نه‌تنها اولین ایمان آورنده به پیامبر ﷺ بلکه بهترین یار و مددکار ایشان معرفی شده و جایگاه او را به واسطه این همراهی، به عنوان هم‌نشین با برگزیده‌ترین زنان عالم ستوده‌اند.[۳]

از نظر شرق‌شناسان منصف، خدیجه ﷺ تنها یک همسر مهربان و آرامش‌بخش نبود، او مشاور روحی پیامبر نیز به شمار می‌رفت. به اعتقاد کارن آرمسترانگ، او برای پیامبر ﷺ نقش همان مشاورانی را بازی می‌کرد که در ادیان یکتاپرستی به کمک پیامبران آمده بودند.[۴]

همراهی آن بانو در نوع سلوک و منشی که پیامبر ﷺ در زندگی بدان معتقد

---

۱. جعفر سبحانی، *فروغ ابدیت*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. ابن اثیر، *اسدالغابه*، همان، ج ۵، ص ۴۳۶.

۳. کنستانین ویرژیل گیورگیو، *پیامبری که از نو باید شناخت*، همان، ص ۸۹.

۴. کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۰۹.

بودند، مسأله دیگری است که توجه شرق‌شناسان را جلب نموده تا جایی که برخی از آن‌ها گفته‌اند:

> این ازدواج، جنبه راحت‌طلبی نداشت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخش عظیمی از ثروت خدیجه علیهاالسلام را صرف مستمندان و فقرا کرد تا جایی که خانواده او در مشقت نسبی به سر می‌بردند.[۱]

یا به این مسأله اشاره کرده‌اند که در مدت سه سال محاصره اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در شعب ابی‌طالب علیه السلام، حضرت خدیجه علیهاالسلام تمام دارایی خود را در راه اسلام و حمایت از نومسلمانان هزینه کرد و در نتیجه، تمام ثروت خود را از دست داد.[۲]

همراهی و پشتوانه بودن حضرت خدیجه علیهاالسلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تا بدان پایه است که شرق‌شناسان فوت او بعد از جریان شعب ابی‌طالب را به عنوان یک ضایعه و از دست دادن اولین ستون اسلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توصیف کرده‌اند.[۳] از نگاه آنان، نقش حمایتی حضرت خدیجه علیهاالسلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حدی قوی بود که درگذشت او به عنوان از دست دادن بزرگ‌ترین پشتوانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توصیف شده است:

> در سال ۶۱۹ میلادی محمد صلی الله علیه و آله و سلم همسر باوفای خود خدیجه علیهاالسلام را از کف داد که در روزگار محنت و نزدیک به نومیدی، نیرومندترین پشتیبان بود.[۴]

از نظر آنان، نبود خدیجه علیهاالسلام در مقاطع دیگر حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ هم‌چنان خلأ جبران‌ناپذیری برای ایشان بوده است.[۵]

با وجود تمام نکات پیش‌گفته، در آثار شرق‌شناسان آن‌گونه که شایسته است، به همراهی و هم‌کاری حضرت خدیجه علیهاالسلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته نشده،

---

۱ . همان، ص ۱۲۳.
۲ . کنستانین ویرژیل گیورگیو، *محمد پیامبری که از نو باید شناخت*، همان، ص ۸۸.
۳ . همان، ص ۸۹.
۴ . آن ماری شمیل، *محمد رسول الله*، همان، ص ۱۶.
۵ . کارن آرم استرانگ، *محمد (زندگینامه پیامبر اسلام)* همان، ص ۱۸۳.

بلکه به طور پراکنده و مبهم به این مسأله پرداخته‌اند. در حالی‌که روایت‌های بسیار شفافی از فداکاری و پشتیبانی حضرت خدیجه علیها السلام از مقام رسالت، در منابع تاریخی منعکس گردیده است، تا جایی که گاه خدیجه علیها السلام وارد معرکه شده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از مهلکه آزار و اذیت جسمی نجات داد.[1] اما در آثار آنان به ایفای چنین نقش‌هایی پرداخته نشده است.

گاه این فداکاری‌ها، در آثار برخی از آنان نادیده گرفته شده است؛ برای نمونه، کارل بروکلمان، حقیقت را تحریف کرده و اقدامات و فداکاری‌های حضرت خدیجه علیها السلام را کاملاً نادیده گرفته و آن را جملگی به دیگران نسبت داده است؛ برای مثال می‌نویسد:

> گویا ابوبکر دوست محمد صلی الله علیه و آله و سلم، قسمت مهمی از ثروت خود را صرف بازخرید واستخلاص مظلومان بی‌دفاع نمود. در حالی که حضرت خدیجه علیها السلام پس از آغاز زندگی مشترک با محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اموالش را نیز وقف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرد و خطاب به مردم فرمود: «مردم شاهد باشید که من خودم و مالم متعلق به محمد صلی الله علیه و آله و سلم است».[2] بعد مالش را در اختیار شوهر امین خود قرار داد. کارکرد ثروت خدیجه علیها السلام در سال‌های نخست بعثت، به قدری بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سود هیچ مالی برای من مانند مال خدیجه علیها السلام نبود»[3] و این اموال همه در اختیار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت.

۳. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

مسأله درگذشت حضرت خدیجه علیها السلام و پیامدها و وقایع پس از آن نیز از جمله مسائل دیگری است که توجه شرق‌شناسان را جلب نموده و به آن اشاره کرده‌اند:

> پس از چند روزی که از وفات ابوطالب گذشته بود، خدیجه علیها السلام همسر

---

۱. اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۷ ق. ج ۳، ص ۱۹۷.

۲. عبدالحمید مهاجر، *اعلموا انی فاطمه*، بیروت: دارالکتب و العترت، ۱۴۱۳ ق.، ج ۲، ص ۲۳۵.

۳. محسن عاملی، *اعیان الشیعه*، تحقیق سید حسن امین، ۱۱ جلد، بی چا، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳.، ج ۱، ص ۲۲۰.

> باوفای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حالی که سرش در آغوش وی بود درگذشت. وفات این شریک زندگانی که آن‌قدر مورد محبت بود، در حقیقت برای او حادثه جان‌سوزی محسوب می‌شد؛ زیرا مدت پنج سال این زن برای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشاور و پشتیبان بود و در این هنگام، اجاق خانواده او خاموش گردید و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها ماند.[۱]

خدیجه علیهاالسلام در قبرستان مکه مدفون شد که در قسمت شمال غربی آن واقع است. جهانگرد معروف بورکسهاروت می‌نویسد:

> قبر خدیجه علیهاالسلام تاکنون به همان حال باقی است و منظم موردنیاز زائران است، مخصوصاً صبح روزهای جمعه و جز آیاتی چند از آیه‌الکرسی که روی قبر او با خط کوفی حک شده، چیز با اهمیتی در مقبره دیده نمی‌شود.[۲]

شرق‌شناسان به اولین ازدواج‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از وفات حضرت خدیجه علیهاالسلام نیز اشاره کرده‌اند:

> دو ماه بعد از رحلت آن بانو، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با بیوه‌ای به نام سوده ازدواج کرد و تقریباً در همان اوقات، عایشه دختر زیبای ابوبکر، دوست صمیمی وی به حباله نکاح او درآمد و این وصلت موجب تقویت و تشدید روابط طرفین گردید.[۳]

نتیجه

سیمای حضرت خدیجه علیهاالسلام از نظرگاه شرق‌شناسان پس از بررسی تاریخ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، غالباً با نگاه احترام‌آمیز به آن بانوست، اما دو نگاه متعصب و متعادل در ترسیم سیمای حضرت خدیجه علیهاالسلام در آثار آنان قابل ترسیم است، زیرا آثارشان به منابع اهل سنت محدود می‌شود در حالی‌که منابع تاریخ اسلام، در منابع اهل سنت خلاصه نمی‌گردد. از سوی دیگر، گاه در بهره‌گیری از

---

۱. جان دیون پورت، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*، همان، ص ۳۲.
۲. همان، ص ۳۲.
۳. همان، ص ۳۴.

گزارش‌های تاریخی، هرچه با پیش‌فرض‌ها و گرایش‌های مادی خود مطابقت دارد، گزینش می‌کنند و از نقد و ارزیابی و بررسی اخبار و روایات، خودداری می‌نمایند. در حقیقت اخبار و گزارش‌های مشهور، اساس نوشته‌های آنان را شکل می‌دهد، اما کسانی که با شیوه‌های علمی تاریخ آشنا هستند، می‌دانند که برای یک خبر، شهرت آن کافی نیست، بلکه باید اخبار معارض با آن را نیز بررسی و مطالعه کرد و به جمع‌بندی مناسب دست یافت.[1] از جمله این موارد، سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ و ازدواج‌های پیشین ایشان قبل از پیامبر ﷺ است. همان‌طور که در متن بررسی گردید، دیدگاه‌های دیگری در مقابل قولی که شرق‌شناسان اخذ کرده‌اند وجود دارد، ولی به آن نظرها اعتنایی نکرده‌اند.

این منابع، کم‌تر به نقش و فداکاری‌های حضرت خدیجه ؑ پرداخته‌اند برخی به این مسأله بسیار کم و اشاره‌وار در ذیل تاریخ و زندگی پیامبر ﷺ پرداخته‌اند. برخی دیگر به همین اندازه نیز توجه نداده و به اشاراتی گذار بسنده نموده‌اند. اما مطلبی درباره بیان فضایل و جایگاه حضرت خدیجه ؑ یافت نشد.

از دیگر نقاط ضعف آثار شرق‌شناسان این است که کم‌تر به ابعاد مختلف زندگی و شخصیت حضرت خدیجه ؑ پرداخته‌اند. هم‌چنین درباره پیشنهاد ازدواج از جانب خدیجه ؑ به پیامبر اکرم ﷺ، تحلیل‌های متفاوتی صورت گرفته، و کم‌تر به مسأله دلباختگی او به کمالات پیامبر ﷺ اشاره شده است. گاه دلباختگی حضرت خدیجه ؑ به سیمای زیبای پیامبر ﷺ و گاه اطمینان او از کاردانی و کفایت و نوع عملکرد آن حضرت در سفر به شام، دلیل چنین پیشنهادی است.

---

۱. *تصویر خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام* (ترجمه و نقد)، همان، ص ۲۶.

منابع

۱. ابن سعد، ***طبقات الکبری***، دار صادر، بیروت، بی‌تا.

۲. ابن شهرآشوب، محمدبن علی، ***مناقب آل ابی طالب***، بی‌جا، بی‌تا.

۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ***الاستیعاب فی معرفة الأصحاب***، تحقیق علی محمد بجاوی، چاپ اول، بیروت: دارالجیل، ۱۴۱۲ ق.

۴. ابن کثیردمشقی، اسماعیل بن عمر، ***البدایه والنهایه***، ج ۲، بی‌جا، بی‌تا.

۵. ابن هیثم، ***مجمع الزوائد ومنبع الفوائد***، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۶۹ م.

۶. ابن‌اثیر، علی بن محمد، ***اسدالغابه فی معرفه الصحابه***، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.

۷. ابن‌سعد، محمد، ***الطبقات الکبری***، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.

۸. اربلی، حسن بن علی بن عیسی، ***کشف الغمه فی معرفه الائمه***، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.

۹. آن ماری شمیل، ***محمد رسول خدا*** صلی الله علیه و آله و سلم، مترجم حسن لاهوتی، تهران: انتشارات علمی- فرهنگی، ۱۳۸۳ش.

۱۰. جان دیون پورت، ***عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن***، ترجمه: غلامرضا سعیدی، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشار، ۱۳۴۴ش.

۱۱. جمعی از نویسندگان، زیر نظر محمد تقی‌زاده داوری، ***تصویر خانواده پیامبر اسلام در دایره المعارف اسلام***، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷ش.

۱۲. حلبی، نورالدین، ***سیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون***، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

۱۳. ذهبی، محمدبن احمدبن عثمان، ***سیراعلام النبلاء***، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.

۱۴. سبحانی، جعفر، ***فروغ ابدیت***، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، بی‌تا.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ***اعلام الوری***، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.

۱۶. طبری، محمدبن جریر، ***الرسل والملوک***، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم ۱۱

جلد، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.

۱۷. عاملی، محسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق سیدحسن امین، ۱۱ جلد، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق.

۱۸. عبدالمحمدی، حسین، *شرق‌شناسان و پیامبر اعظم* صلی الله علیه و آله و سلم، چاپ دوم، تهران، نشر المصطفی، ۱۳۹۴ش.

۱۹. عسقلانی، احمدبن علی بن حجر، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.

۲۰. کارن آرمسترانگ، *محمد (زندگینامه پیامبراسلام)*، ترجمه کیانوش حجتی، تهران: حکمت، ۱۳۸۳ش.

۲۱. کوفی، علی بن محمدابی ابالقاسم، *الاستغاثه*، تهران، انتشارات الاعلمی، ۱۳۷۳ش.

۲۲. گیورگیو، کنستانین ویرژیل، *زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)*، ترجمه: مهرداد صمدی، تهران: انتشارات آسیا، بی‌تا.

۲۳. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۲۴. محلاتی، ذبیح الله، *ریاحین الشریعه*، ج ۲، بی جا، بی‌تا.

۲۵. ملائی توانی، علیرضا، *درآمدی بر پژوهش در تاریخ*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶ش.

۲۶. مونتگمری وات، *محمد پیامبر و سیاست‌مدار*، ترجمه: اسماعیل والی‌زاده، تهران، کتاب‌فروشی الاسلامیه، ۱۳۴۴ش.

۲۷. مونتگمری وات، *محمد درمکه*، ترجمه شعبان برکات، بیروت: مکتبه العصریه للطباعه و النشر، بی‌تا.

۲۸. مهاجر، عبدالحمید، *اعلموانی فاطمه*، بیروت: دارالکتب و العترت، ۱۴۱۳ ق.

۲۹. نویری، شهاب‌الدین احمدبن عبدالوهاب، *نهایه الارب*، بیروت، دارالکتاب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.

۳۰. یعقوبی، احمدبن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیهاالسلام در دائره‌المعارف قرآن لیدن

سکینه آخوند[1]

چکیده

مقاله «خدیجه علیهاالسلام» اثر باربارا فریر استواسر، در جلد دوم *دائره‌المعارف قرآن* لیدن منتشر شده است. وی با استناد به منابع اهل‌سنت، ابتدا به معرفی آن بانو پرداخته و بعد از بیان ویژگی‌های او، به چگونگی ازدواج خدیجه علیهاالسلام با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پردازد و در ادامه، به حمایت‌های مادی و معنوی او از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام آوردن او و آیاتی از *قرآن* که در متون تفسیری با خدیجه علیهاالسلام مرتبط شده و جایگاه خدیجه علیهاالسلام در بین زنان برگزیده اشاره می‌نماید. نویسنده مقاله، به رغم مراجعه به منابع متعدد، به دلیل استناد به منابع اهل‌سنت و منابع محدودی از شرق‌شناسان، دچار کاستی و اشتباهاتی شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی سازگار نیست. این نوشتار، درصدد است با بررسی این مقاله، مطالب آن را با استناد به منابع معتبر اسلامی نقد کند و جایگاه حضرت خدیجه علیهاالسلام نزد مسلمانان را کاملاً تبیین نماید.

واژگان کلیدی

قرآن، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خدیجه علیهاالسلام، شرق‌شناسان، دائرة‌المعارف لیدن.

---

۱. عضو هیأت‌علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن.

مقدمه

همسران پیامبر ﷺ، به جهت قرابت با حضرت محمد ﷺ و به لحاظ توجه خاصی که در آیات قرآن به ایشان شده، موضوع بسیاری از مقالات و پژوهش‌های مسلمانان و شرق‌شناسان است. حضرت خدیجه ﷺ از جمله آن‌هاست که به عنوان اولین همسر پیامبر ﷺ، جایگاه خاصی دارد. مقاله «خدیجه ﷺ» اثر باربارا فریر استواسر، در جلد دوم *دائره‌المعارف قرآن* لیدن منتشر شده است. خانم باربارا متولد ۱۹۳۵ میلادی علاوه بر این مقاله، دارای آثار دیگری مانند کتاب *زنان در قرآن*[1] (۱۹۹۸ م) و مقاله «زنان پیامبر» در *دائره‌المعارف قرآن* است.

در این مقاله، نویسنده بعد از بیان ویژگی‌های خدیجه ﷺ، به چگونگی ازدواج او با پیامبر اسلام ﷺ می‌پردازد و در ادامه، به حمایت‌های مادی و معنوی او از پیامبر ﷺ، چگونگی اسلام آوردن او و آیاتی از *قرآن* که در متون تفسیری با خدیجه ﷺ مرتبط شده، اشاره می‌کند و در نهایت، با توجه به آیات ۱۱-۱۲ تحریم و ۴۲ آل‌عمران، به جایگاه آن بانو در بین زنان برگزیده(مریم و فاطمه، خدیجه ﷺ و عایشه) اشاره می‌نماید. این مقاله شامل دو بخش است: نخست، ترجمه مقاله «خدیجه ﷺ» از *دائرة‌المعارف قرآن* لیدن، شامل گزارشی کوتاه از زندگی حضرت خدیجه ﷺ و جایگاه ایشان است؛ دوم، بررسی و نقد مقاله که مباحث مقاله در چند محور بررسی و نقد می‌گردد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود.

ترجمه مقاله

«خدیجه ﷺ دختر خویلد از طایفه اسد از قبیله قریش، اولین همسر پیامبر ﷺ، مادر تمام فرزندان آن حضرت جز یکی و اولین ایمان آورنده به رسالتش است. از آن‌جا که او سه سال قبل از هجرت به مدینه درگذشت و با

---

1 . Women in the Quran.

توجه به این‌که آیاتی که اختصاصاً خطاب به اعضای خانواده پیامبر ﷺ بودند در مدینه نازل شد، نام خدیجه ؏ به ندرت در متون تفسیری دیده می‌شود. با این حال، نقش وی در نوع‌های ادبی، سیره‌های نبوی، قصص‌الانبیا و نیز در دین‌داری عامیانه، پررنگ بوده است.

خدیجه ؏ تاجر مکی اشرافی و ثروتمندی بود که از ازدواج قبلی‌اش، دو پسر و یک دختر داشت. آن‌گاه که بیوه بود، [حضرت] محمد ﷺ به عنوان ناظر مال‌التجاره، در سفری تجاری به شام، خدماتی به او کرده و گفته می‌شود در طول این سفر، جوانی از خانواده خدیجه ؏ به نام میسره، معجزاتی از [حضرت] محمد ﷺ دید که انتخاب وی به نبوت را پیش‌گویی می‌کرد. این سفر تجاری، موفقیت‌آمیز بود و خدیجه ؏، متأثر از شخصیت خوب و امانت‌داری [حضرت] محمد ﷺ، به او پیشنهاد ازدواج داد. در منابع اهل‌سنت آمده است که این پیشنهاد را محمد ﷺ و عمویش حمزه بن عبدالمطلب به خویلد بن اسد، پدر خدیجه ؏ دادند.[1] یا این‌که عمربن سعد عموی خدیجه ؏، او را به ازدواج پیامبر درآورد.[2] طبق اکثر روایات، [حضرت] محمد ﷺ در آن زمان بیست‌وپنج و خدیجه ؏ چهل ساله بودند. او حداقل پنج فرزند برای شوهرش آورد؛ چهار دختر (زینب، ام‌کلثوم، فاطمه و رقیه) و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم، عبدالله؛ که البته ممکن است یک فرد باشند) با این‌که «الطاهر» و «الطیب» عموماً به عنوان لقب‌های عبدالله پذیرفته شده‌اند.[3]

حمایت‌های مادی عاطفی و معنوی خدیجه ؏، در توفیق رسالت محمد ﷺ بسیار اهمیت داشت. متون تفسیری عموماً آیه ۸ ضحی را «و تورا فقیر یافت، پس بی‌نیاز کرد»، به این ازدواج مرتبط می‌کنند. خدیجه ؏ اولین تجارب معجزه‌آسای [حضرت] محمد ﷺ و به ویژه برانگیخته شدن وی به نبوت را به ورقه بن نوفل، عموی مسیحی‌اش، گزارش داد و او این حادثه را به وحی

1. Ibn Ishaq-Guillaume,82-83.

۲. ابن سعد،۱۳۲/۱-۱۳۳.

3. Ibn Ishaq-Guillaume,82-83.

شریعت بر موسی شبیه دانست؛[1] هم‌چنین مطابق با نظریه‌ای، شاید همین ورقه جزئیات مربوط به باورهای مسیحیت را در اختیار محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار داده باشد.[2]

بر اساس اکثر روایات، خدیجه علیهاالسلام نخستین کسی بود که به خدا و رسول او و حقانیت پیامش ایمان آورد؛ یعنی او نخستین پیرو پیامبر و بعد از خود محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، دومین مسلمان بود. بر اساس برخی روایات، علی بن ابی‌طالب، پسرعموی پیامبر، دومین مسلمان و خدیجه علیهاالسلام سومین مسلمان بود. پیامبر تا خدیجه علیهاالسلام زنده بود، همسر دیگری اختیار نکرد و او همواره تکیه‌گاه اصلی پیامبر در جنگ‌ها علیه دشمنان مکی بود.[3]

رتبه خدیجه علیهاالسلام در بین زنان برگزیده خداوند، یعنی در واقع اهمیت کیهان‌شناختی وی، در متون تفسیری در تفسیر آیات ۱۱-۱۲ تحریم و ۴۲ آل‌عمران نشان داده شده است. در سیاق آیات ۱۱-۱۲ تحریم، او به سبب خدمات زیادش به رسالت پیامبر، هم‌ردیف همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران (مادر عیسی) دانسته می‌شود که هر دو اسوه‌ای برای مؤمنان بودند. درباره آیه ۴۲ آل‌عمران، یعنی سخن فرشتگان به مریم که خداوند او را بر زنان جهان برگزیده است، نام خدیجه علیهاالسلام به طور چشم‌گیری در مباحث تفسیری مربوط به منزلت مریم در بین شخصیت‌های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (خود خدیجه علیهاالسلام، عایشه همسر بعدی پیامبر و فاطمه، دختر پیامبر) دیده می‌شود. در این زمینه، در بسیاری از روایات در منابع تفسیری و متون قصص‌الانبیا، به نقل از پیامبر، خاطرنشان شده است که مریم، فاطمه، خدیجه علیهاالسلام و عایشه، بهترین زنان جهان و سرور زنان در بهشتند. با این‌که روایات مربوط به گنجاندن عایشه در این گروه به لحاظ تعداد کم‌ترند، بسیاری از روایات مربوط به سیره، تصریح دارند که مریم، آسیه، خدیجه علیهاالسلام و عایشه، همگی همسران محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در بهشت خواهند بود و در آن‌جا عمارت بهشتی

1. Ibn Ishaq-Guillaume,83,107.
2. Sprenger,Leben,I,124-134.
3. Ibn Ishaq-Guillaume,111-114.

خدیجه ﷺ بین خانه مریم و خانه آسیه خواهد بود.[۱۲]

بررسی محتوای مقاله

مقاله «خدیجه ﷺ»، دارای نکات مثبت است؛ از جمله:

۱. تأکید بر فضایل و ویژگی‌های آن بانو از قبیل این‌که وی اولین همسر پیامبر ﷺ، مادر تمامی فرزندان او جز یکی از ایشان، نخستین زن مسلمان به پیامبر ﷺ، حمایت‌های مالی و عاطفی و معنوی خدیجه ﷺ از آن حضرت و جزء زنان برگزیده عالم بودن وی؛

۲. اشاره به تفسیر برخی آیات قرآن درباره خدیجه ﷺ؛

۳. استناد به منابع متعدد از شرق‌شناسان و مسلمانان؛

۴. رویکرد مثبت و نسبتاً منصفانه به این شخصیت.

هم‌چنین مقاله در نگاه کلی، دارای کاستی‌ها و نکات خدشه‌پذیر متعددی است که به بررسی و نقد نیاز دارد؛ ازجمله این‌که نویسنده این مقاله و بیش‌تر شرق‌شناسان، در شناخت اسلام و قرآن، فقط به منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری اهل‌سنت مانند *طبقات* ابن سعد، *قصص الانبیا* ابن کثیر، *انوار بیضاوی*، *تفسیر* طبری، *تفسیر* فخر رازی مراجعه می‌کنند و خود را از منابع اصیل و غنی اهل‌بیت ﷺ محروم می‌سازند. این رویکرد، باعث می‌شود تصویر ناقصی از اسلام و منابع اسلامی به دست آورند و در داوری، گرفتار مشکل یا لغزش شوند. دوم این‌که سایر منابع ایشان در نوشتن مقاله، آثار نویسنده‌های غربی است که با روح اسلام بیگانه‌اند. از این رو، در بررسی تفصیلی، به ترتیب متن مقاله به چند محور پرداخته می‌شود:

---

۱. باربارا فریر استواسر، *دائرة المعارف لیدن*، ترجمه جلیل پروین.

۲. طبری، *تفسیر*، ج ۶، ص ۳۹۳-۴۰۰؛ فخر رازی، *تفسیر*، ج ۸، ص۴۵-۴۶؛ بیضاوی، *انوار*، ج۱، ص۱۵۵؛ ابن کثیر، *قصص*، ۲ ج، ص۳۷۵-۳۸۳.

الف) ازدواج‌های پیشین حضرت خدیجه ؑ

به اعتقاد نویسنده مقاله، حضرت خدیجه ؑ هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ، بیوه‌زنی بوده که از ازدواج قبلی‌اش صاحب دو پسر و یک دختر شده است. شاید دلیل این اعتقاد، مراجعه به کتب محدودی از اهل‌سنت باشد. این دیدگاه سست، ناشی از اشتباه تاریخ‌نگاران یا غرض‌ورزی برخی دیگر بوده است. در پاسخ باید بیان کرد که این ادعا مخدوش است و با بررسی بیش‌تر در منابع تاریخی و روایی، آشکار می‌شود که وی هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ دوشیزه بوده، ولی مغرضان برای این‌که این فضیلت را از آن دیگران معرفی کنند، وی را بیوه معرفی نموده‌اند.

ابوالقاسم علی بن احمد کوفی (م۳۵۲ ق) در این‌باره می‌نویسد:

> بی‌گمان حضرت خدیجه ؑ به جز رسول خدا ﷺ با هیچ‌کس ازدواج نکرد.[۱]

وی در ادامه سخنانش می‌گوید:

> خدیجه‌ای که به اتفاق تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان، دست رد به سینه همه اشراف و رجال برجسته زمان زده است، چه صاحب درک و اندیشه‌ای احتمال می‌دهد که به ازدواج شخص گمنامی از اعراب رضایت دهد. اهل خرد و اندیشه می‌دانند که چنین مطلبی، از محالات است و یقین می‌کنند که حضرت خدیجه ؑ جز رسول خدا با هیچ‌کس ازدواج نکرده است.[۲]

ابن‌شهرآشوب، از چهار شخصیت برجسته جهان تشیع و تسنن (بلاذری در *انساب الاشراف*، ابوالقاسم کوفی در *الاستغاثة*، سیدمرتضی علم‌الهدی در *الشافی*، و شیخ طوسی در *تلخیص الشافی*) روایت کرده که فرموده‌اند:

> پیامبر اکرم ﷺ هنگامی با حضرت خدیجه ؑ ازدواج کرد که وی

---

۱. ابوالقاسم کوفی، *الاستغاثه*، ج ۱، ص ۷۰.

۲. همان.

دوشیزه بود.[۱]

حسین بن حمدان خصیبی با صراحت و قاطعیت می‌نویسد:

> به جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، هرگز کسی افتخار همسری خدیجه علیها السلام را پیدا نکرد؛ چنان‌که تا خدیجه علیها السلام زنده بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همسر دیگری برنگزید.[۲]

ابن‌شهرآشوب با توجه به دو کتاب *الأنوار و البدع*[۳] تأکید می‌کند که رقیه و زینب دختران هاله، خواهر خدیجه علیها السلام بودند.[۴] علامه مجلسی نیز همین متن را از ابن شهرآشوب نقل کرده است.[۵]

به گفته یعقوبی، «خدیجه علیها السلام خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بدون سرپرست گذاشت. حضرت خدیجه علیها السلام که زنی ثروتمند بود، سرپرستی خواهر و خواهرزاده خود را به عهده گرفت و پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بچه‌ها در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی ماندند و عرب می‌پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی، فرزند توست؛ به همین جهت، برخی مردم آنان را دختران خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پنداشتند نه هاله».[۶]

سید جعفر مرتضی عاملی، دو تألیف مستقل با نام‌های ***بنات النّبی أم ربائبه*** و ***القول الصّائب فی اثبات الربائب*** در این باره که فرزندان خدیجه علیها السلام، ربیبه پیامبر نبوده و فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند، به رشته تحریر درآورده و هم‌چنین در کتاب ***الصّحیح من سیرة النبیّ الأعظم***، به تفصیل در این‌باره سخن گفته است.[۷]

با این اوصاف، چگونه می‌توان پذیرفت، خدیجه علیها السلام که از ازدواج با بزرگان و

---

۱. ابن شهرآشوب، *مناقب آل ابیطالب*، ج ۱، ص ۲۰۶.
۲. خصیبی، *الهدایة الکبری*، ص ۲۰۶.
۳. الانوار از تالیفات ابوالحسن البکری و البدع، کتاب *الاستغاثه فی بدع الثلاثه* از ابولقاسم کوفی است.
۴. ابن شهرآشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۲۰۶.
۵. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۲۲، ص ۱۹۱.
۶. احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۳۸.
۷. سید جعفر مرتضی عاملی، *الصّحیح من سیرة النبیّ الأعظم*، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ همو، *بنات النبی ام ربائبه*، ص ۷۵-۱۲۴.

سروران قریش خودداری نموده و خواستگاری آنان را رد کرده، با اعرابی از قبیله بنی‌تمیم ازدواج کند؟ چطور وقتی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفته، او را ترک کردند؛ چون از ازدواج با اشراف و بزرگان قریش سرباز زده و با محمد یتیم ابوطالب ازدواج کرده بود ولی در ازدواج با عرب‌های دیگر او را به عیب و عار متهم نساختند؟ چگونه می‌توان پذیرفت که حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ناحیه قریش سرزنش شده اما در ازدواج با یک اعرابی ابداً سرزنش نشده باشد؟ بنابراین شایعه ازدواج خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تحریف عمدی تاریخ بوده تا این فضیلت را از آن دیگران معرفی نمایند.

بدین ترتیب آن‌چه نویسنده مقاله درباره فرزندان خدیجه علیها السلام از ازدواج قبلی‌اش بیان داشته، پذیرفتنی نیست و طبق مستندات، مشخص می‌شود که فرزندان خواهر وی بوده‌اند که خدیجه علیها السلام کفالت آن‌ها را به عهده گرفته بوده است.

ب) سن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نویسنده مقاله بر اساس پاره‌ای از روایات اهل‌سنت، سن خدیجه علیها السلام را هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چهل سال و سن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ۲۵ سال دانسته است. البته وقایع‌نگاران و تاریخ‌نویسان اموی سن او را از ۴۰ تا ۴۶ سال نوشته‌اند تا رقیبی برای برخی از همسران پیدا نشود. ولی قول مقبول و معقول در سن حضرت خدیجه علیها السلام، همان است که بسیاری از تاریخ‌نگاران آن را برگزیده‌اند و قاطعانه گفته‌اند که حضرت خدیجه علیها السلام ۲۵ تا ۲۸ ساله بوده است.

حافظ عمادالدین یحیی بن ابی‌بکر بن محمد عامری، (م ۸۹۳ ق)، سن آن بانو را ۲۵ دانسته و هیچ قول دیگری نقل نکرده است.[1]

حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، (م ۴۵۸ ق)، نویسنده ***سنن کبری***، فقط

---

۱. عامری، *بهجة المحافل*، ج ۱، ص ۴۸.

همین قول را درست دانسته، می‌گوید:

> سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام وفات ۶۵ و به قولی پنجاه بوده و قول آخر درست‌تر است.[۱]

بر اساس مدارک تاریخی، ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در سال ۲۵ عام‌الفیل و ۱۵ پانزده سال قبل از بعثت انجام یافته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آن تاریخ ۲۵ ساله بوده‌اند و رحلت آن بانو سه سال پیش از هجرت در سال دهم بعثت رخ داده؛ بدین ترتیب اگر حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج ۲۵ ساله باشد، هنگام ارتحال پنجاه ساله بوده و اگر چهل‌ساله باشد، هنگام ارتحال ۶۵ ساله بود که بیهقی پنجاه ساله را درست دانسته است.

ابن‌کثیر نیز همین متن را از بیهقی نقل کرده،[۲] سپس می‌افزاید:

> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام ۲۵ ساله بودند؛ حضرت خدیجه علیها السلام نیز در آن هنگام ۳۵ و یا ۲۵ ساله بود.

بیهقی از حاکم این‌گونه روایت می‌کند.[۳]

قول دیگر این است که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲۸ ساله بوده و این قول ابن‌عباس است. ذهبی از او روایت کرده که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بوده است.[۴]

ابن‌حماد حنبلی از دانشمندان معروف اهل‌سنت می‌نویسد:

> بسیاری از تاریخ‌نگاران، این دیدگاه را ترجیح داده‌اند که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۸ ساله بوده است.[۵]

بلاذری در ضمن اقوال مختلف، گفته پیامبر ۲۳ ساله و خدیجه علیها السلام ۲۸ ساله بوده است.[۶] ابن‌عساکر نیز از ابن‌عباس نقل کرده که حضرت خدیجه علیها السلام ۲۸

---

۱. بیهقی، *دلائل النبوّة*، ج ۲، ص ۷۱.
۲. ابن‌کثیر، *البدایة والنهایة*، ج ۲، ص ۲۹۴.
۳. همان، ص ۲۹۵.
۴. ذهبی، *سیر اعلام النّبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۱.
۵. ابن الحماد الحنبلی، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، ج ۱، ص ۱۴.
۶. بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۱، ص ۱۰۸.

ساله بود: «کانت خدیجه عليها السلام یوم تزوجها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ابنه ثمان و عشرین سنه و مهرها اثنتی عشراوقیه».[۱] حاکم نیشابوری نیز از محمد بن اسحاق نقل کرده که خدیجه عليها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲۸ ساله بود.[۲]

بنابراین آن‌چه در منابع مختلف نقل شده که حضرت خدیجه عليها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چهل‌ساله بوده، شایعه‌ای بیش نیست؛ زیرا بیهقی آن را رد کرده و ۲۵ ساله بودنش را درست دانسته و حاکم آن را قول شاذّ می‌داند و در نقد سخن هشام بن عروه که وفات آن بانو را در ۶۵ سالگی دانسته، می‌نویسد: «هذا قول شاذ فان الذی عندی انها لم تبلغ ستین سنه».[۳] بنابراین اعتقاد دارد سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کم‌تر از سی بوده است.

پس بی‌شک سن آن بانو هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵ و حداکثر ۲۸ ساله بوده و تاریخ‌نویسانی که سن چهل را مطرح نموده‌اند، دلیلی برای قول خود ندارند و این قول شاذ است.

ج) خدیجه عليها السلام در قرآن

به گفته خانم فریر استواسر، به دلیل این‌که خدیجه عليها السلام سه سال قبل از هجرت درگذشته بود و از طرفی آیات مربوط به خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه نازل شده، پس در متون تفسیری، نام خدیجه عليها السلام به ندرت دیده می‌شود و فقط آیه ۸ سوره ضحی «و وجدک عائلا فأغنی» را در مورد ازدواج خدیجه عليها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؛ در حالی نویسنده به این متون استناد کرده که آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم و ۴۲ آل‌عمران نیز در مورد فضایل خدیجه عليها السلام تفسیر شده است.

بیان نویسنده مقاله، نشان می‌دهد که وی استقصای کاملی در آیات و تفاسیر *قرآن* نداشته است؛ زیرا علاوه بر آیه فوق[۴] که طبق تفاسیر عامه و خاصه

۱. ابن‌عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۳، ص ۱۹۳.
۲. حاکم، *المستدرک علی الصّحیحین*، ج ۳، ص ۱۸۲.
۳. همان ج ۳، ص ۱۸۲.
۴. خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود.

و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام تصریح شده که مراد از «بی‌نیاز ساختن پیامبر»، مال و بخشش خدیجه علیهاالسلام بود که همه را در طبق اخلاص گذاشته و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار داد، آیات متعدد دیگری نیز در شأن حضرت خدیجه علیهاالسلام تفسیر شده‌اند؛ از جمله:

۱. آیه «وَ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّةَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماماً؛ و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه‌روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»[۱] مطابق با احادیثی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده، منظور از «ازواجنا» درآیه شریفه، حضرت خدیجه علیهاالسلام است.

محمد بن عباس از ابی‌سعید خدری روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

> از جبرئیل پرسیدم: «مراد از أَزْواجِنا وَ ذُرِّیاتِنا کیست؟» گفت: «خدیجه علیهاالسلام و فاطمه علیهاالسلام «و قُرَّةَ أَعْینٍ» حسن و حسین علیهماالسلام و منظور از «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماماً» علی بن أبی‌طالب علیه‌السلام است».[۲]

حاکم حسکانی از قرآن‌پژوهان نام‌دار اهل تسنن، در این مورد آورده که پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تفسیر این آیه فرمودند:

> پس از نازل شدن این آیات، از فرشته وحی پرسیدم: «منظور از ازواجنا کیست؟» پاسخ داد: «خدیجه علیهاالسلام است؛ و «ذریاتنا» فاطمه و دو نور دیده‌اش حسن و حسین علیهماالسلام هستند و در جمله «و اجعلنا للمتقین اماما» منظور حضرت علی علیه‌السلام است».[۳]

علامه مجلسی نیز شبیه همین روایت را ذکر نموده است.[۴]

تفسیر *قمی* بر آن است که منظور از واژه «ازواجنا» در آیه مورد بحث، حضرت

---

۱. سوره فرقان، آیه ۷۴.

۲. سیدمحمد بروجردی، *تفسیر جامع*، ج ۵، ص ۵۵.

۳. حاکم حسکانی، *شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۴۱۶.

۴. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۶، ص ۲۶۳.

خدیجه ؑ است.[۱] فیض کاشانی نیز در تأویل آیه می‌نویسد:

منظور از آن، مقام والای رسالت، قرآن شریف و یار و مشاور پراخلاص پیامبر ﷺ خدیجه ؑ است که نسل سزاوار پیامبر ﷺ از اوست.[۲]

۲. ذیل آیات ۱۸ - ۲۸ سوره مطففین، از پیامبر ﷺ در تفسیر و بیان مصداق «مقربون» نقل شده است:

مقربان بارگاه خدا عبارتند از: پیامبر ﷺ، امیرمؤمنان ؑ، امامان اهل‌بیت ؑ که پس از علی ؑ، یکی پس از دیگری خواهند آمد، فاطمه ؑ دختر رسول‌الله و خدیجه ؑ دختر خویلد.[۳]

۳. هم‌چنین در *تفسیر قمی* آیه «السابقون السابقون اولئک المقربون؛ پیش‌گامان پیش‌گامند، آن‌ها مقربانند!»[۴] به رسول خدا ﷺ، خدیجه ؑ، علی بن ابی‌طالب ؑ و ذریه ایشان تفسیر شده است.[۵]

۴. علامه مجلسی از امام صادق ؑ در تفسیر آیه «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ اللهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِک وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ؛ پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان»[۶] نقل می‌کند که مراد از «مؤمنین» علی ؑ و اصحاب پیامبر و مراد از «مؤمنات» خدیجه ؑ هستند.[۷]

۵. ذیل آیه «إِنَّ اللهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمینَ؛ به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان آل‌عمران را بر مردم جهان برتری داده است»[۸] فرات کوفی نقل می‌کند:

---

۱. علی بن ابراهیم قمی، *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۱۱۷.
۲. محسن فیض کاشانی، *علم الیقین فی اصول الدین*، ج ۲، ص ۹۸۶.
۳. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲۴، ص ۳.
۴. سوره واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱.
۵. علی بن ابراهیم قمی، *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۴۳۹.
۶. سوره محمد، آیه ۱۹.
۷. *بحار الانوار*، ج ۲۴، ص ۳۲۱.
۸. سوره آل‌عمران، آیه ۳۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت فاطمه علیها السلام و عایشه وارد شدند، در حالی که آن دو بر یک دیگر افتخار می‌کردند و صورتشان برافروخته بود. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از حال ایشان جویا شده، ایشان بیان کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یا عایشه أو ما علمتان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و علیاً و الحسن و الحسین و حمزه و جعفراً و فاطمه و خدیجه علیهم السلام علی العالمین»؛ «ای عایشه! آیا نمی‌دانی که خداوند آدم، نوح، دودمان ابراهیم و خاندان عمران، وجود امیرالمؤمنین، حسن و حسین، حمزه، جعفر، خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام را بر جهانیان برگزید؟[۱]

بدین ترتیب، گرچه حضرت خدیجه علیها السلام سه سال پیش از هجرت از دنیا رفته و آیات مربوط به همسران پیامبر در مدینه نازل شده، با استقصای کامل می‌توان یافت آیات متعددی از جانب پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم درباره این شخصیت کم‌نظیر تفسیر شده است.

د) جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده عالم

خانم استواسر در ذیل آیه ۴۲ آل‌عمران و برگزیده شدن حضرت مریم بر زنان عالم، به نام و رتبه حضرت خدیجه علیها السلام در مباحث تفسیری مربوط به منزلت حضرت مریم در بین شخصیت‌های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر (خدیجه، عایشه و فاطمه)، اشاره می‌کند و می‌کوشد با استناد به تفاسیر اهل‌سنت در ذیل آیه مذکور، به عایشه همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توجه دهد؛ در صورتی که روایات ذیل آیه، تنها به جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارند.

در ذیل آیه «وَ إِذْ قالَتِ الْمَلائِکَةُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفاکِ عَلی نِساءِ الْعالَمینَ؛ و به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است،[۲] مخاطب

۱. فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، ص ۲۳؛ *بحارالانوار*، ج ۷۳، ص ۶۳.
۲ . سوره آل‌عمران، آیه۴۲.

در ایـن برتـری کمـال و پاکـی، حضـرت مریـم اسـت؛ اما روایـات تفسـیری، گویـای ایـن واقعیـت اسـت کـه حضـرت خدیجـه عليها السلام مصـداق دیگـر ایـن آیـه هسـتند. پیامبـر گرامـی اسـلام صلى الله عليه وآله وسلم مـی‌فرماینـد:

فضلـت خدیجه عليها السلام علی نساء امتی کما فضلت مریم علی نساء العالمین؛

همان‌گونـه کـه مریـم بـر زنـان جهـان برتـری داده شـد، خدیجـه عليها السلام نیـز بـر زنـان امـت مـن برتـری داده شـده اسـت.[۱]

غالـب تفاسیر اهل‌سنت نیز در ذیـل آیات مربوط به اصطفای مریم، به برگزیده بـودن حضـرت خدیجـه عليها السلام اشـاره دارنـد نـه عایشـه. زمخشـری از پیامبـر صلى الله عليه وآله وسلم نقـل می‌کنـد:

کَمُـلَ مـن الرجـال کثیـر و لـم یکمـل مـن النسـاء الا اربـع: آسـیه بنـت مزاحـم امـرأه فرعـون و مریـم بنـت عمـران و خدیجـه عليها السلام بنـت خویلـد و فاطمـه بنـت محمـد صلى الله عليه وآله وسلم؛

بسیاری از مردم در زندگی به سوی کمال اوج گرفتنـد، اما از میان زنان، ایـن چهـار زن نمونـه رشـد و اوج هسـتند: آسـیه، مریـم، خدیجـه عليها السلام و فاطمـه دختـر محمـد صلى الله عليه وآله وسلم.[۲]

آلوسی از ابن‌عباس از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم چنین نقل می‌کند:

اربـع نسـوه سـادات عالـم هـن مریـم بنـت عمـران و آسـیه بنـت مزاحـم و خدیجـه عليها السلام بنـت خویلـد و فاطمـه بنـت محمـد صلى الله عليه وآله وسلم و افضلهـن عالمـاً فاطمـه؛

چهـار زن سـالار زنـان روزگار شـدند: مریـم دختـر عمـران، آسـیه دختـر مزاحـم، خدیجـه عليها السلام دختـر خویلـد و فاطمـه کـه افضـل آن‌هاسـت.[۳]

قرطبی نیز با استناد به سخن ابن‌عباس از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نقل می‌کند:

افضـل نسـاء اهـل الجنـه خدیجـه عليها السلام بنـت خویلـد و فاطمـه بنـت محمـد صلى الله عليه وآله وسلم

۱. طوسی، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۴۵۶.
۲. زمخشری، *الکشاف*، ج ۴، ص ۵۷۳.
۳. آلوسی، *روح المعانی*، ج ۳، ص ۱۵۵؛ طبری شافعی، *ذخائر العقبی*، ص ۴۴؛ سیوطی، *درالمنثور*، ج ۲، ص ۲۳.

و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم؛

برترین و پرفضیلت‌ترین زنان بهشت عبارتند از: خدیجه علیهاالسلام، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم.[۱]

سپس می‌نویسد:

ظاهر قرآن و احادیث، اقتضا می‌کند که حضرت مریم از تمام زنان برتر و پس از آن فاطمه و سپس خدیجه علیهاالسلام و بعد آسیه باشد.[۲]

وی در این بین، سخنی از عایشه به میان نیاورده است.

ابن‌کثیر از امام علی علیه‌السلام چنین نقل کرده:

سمعت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خیر نسائها مریم بنت عمران و خیر نسائها خدیجه علیهاالسلام بنت خویلد؛

بهترین زنان، مریم دختر عمران و خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد هستند.[۳]

همین عبارت از طبری و بغوی نیز نقل شده است.[۴] هم‌چنین بغوی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین نقل می‌کند:

حسبک من نساء العالمین: مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه امرأة فرعون؛

از زنان عالم، مریم دختر عمران، خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و آسیه همسر فرعون تو را کفایت می‌کند.[۵]

بنابراین در ذیل این آیات، از بین همسران پیامبر فقط به برتری خدیجه علیهاالسلام در بین زنان عالم اشاره شده و نامی از عایشه نیامده است.

هـ) جایگاه خدیجه علیهاالسلام در بهشت

نگارنده در انتهای مقاله، به نقل از برخی تفاسیر اهل‌سنت و متون قصص،

---

۱. قرطبی، *جامع لاحکام القران*، ج ۲، ص ۸۲؛ *بحارالانوار*، ج ۴۳، ص ۹.
۲. همان، ج ۴، ص ۸۳.
۳. ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۱، ص ۳۱۲.
۴. حسین بن مسعود بغوی، *معالم التنزیل*، ج ۱، ص ۴۳۸؛ طبری، *جامع البیان*، ج ۳، ص ۱۸۰.
۵. بغوی، همان، ج ۱، ۴۳۹.

به روایاتی در منزلت خدیجه ﷺ از قول پیامبر ﷺ اشاره کرده که مریم، فاطمه، خدیجه ﷺ و عایشه را بهترین زنان جهان و سرور زنان بهشت می‌داند که این سخن نیز به بررسی نیاز دارد.

نگارنده مقاله، گرچه به کم بودن تعداد روایات مربوط به گنجاندن عایشه در بین بهترین زنان عالم اشاره کرده، در عین حال سعی نموده با توجه به کتب سیره، مقام و منزلت عایشه را در کنار خدیجه ﷺ تأکید و اثبات کند. در صورتی که کتب سیره و تفسیر، همه در مورد جایگاه خدیجه ﷺ و برتری او بر تمام زنان عالم و تمام همسران پیامبر، از زبان آن حضرت تأکید و تصریح دارند نه جایگاه عایشه. روایات ذیل برتری حضرت خدیجه ﷺ را در جهان و در بهشت بر سایر زنان بیان می‌کند:

- برید در حدیثی از امام صادق ﷺ نقل می‌کند:

> هنگام رحلت حضرت خدیجه ﷺ، فاطمه ﷺ که در حدود پنج سال داشت، شدیداً بی‌تابی می‌کرد و به دور پدر بزرگوارش می‌چرخید و می‌گفت: «پدرجان! مادرم کجاست؟» پس جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «یا رسول‌الله! خداوند می‌فرماید: «سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه ﷺ در خانه‌های بهشتی، با آسیه و مریم دختر عمران زندگی می‌کند»».[1]

- ابن‌حجر نقل کرده که رسول خدا ﷺ در حدیثی با سند نیکو فرموده‌اند:

> لَقَدْ فُضِّلَتْ خَدِيجَةُ عَلى نِساءِ أُمَّتِي؛
>
> خدیجه ﷺ بر بانوان امت من برتری یافته است.

با این حدیث، برتری خدیجه ﷺ بر عایشه استدلال شده است.[2] هم‌چنین می‌نویسد که پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی صحیح‌السّند فرمودند:

> افضل نساء اهل الجنه خدیجه ﷺ بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه بنت مزاحم و مریم بنت عمران؛

---

۱. محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، ج ۲، ص ۲۷۷.
۲. ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۷، ص ۱۳۵؛ ابن‌عساکر، *تاریخ دمشق*، ج ۷۴، ص ۱۳۹.

برترین بانوان بهشتخدیجه علیها السلام، فاطمه، مریم و آسیه‌اند.[۱]

آن‌گاه می‌گوید: «این حدیث، صریح است و قابل تأویل نیست».[۲]

ابن عساکر نیز برترین بانوان بهشتی را خدیجه علیها السلام دخت خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند.[۳]

- ابن‌کثیر نیز شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه علیها السلام را برشمرده، سپس می‌گوید:

برخی از اهل‌سنت غلو می‌کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است، بر خدیجه علیها السلام تفضیل می‌دهند.[۴]

بدین‌ترتیب با بررسی منابع اهل‌سنت، این مطلب به دست می‌آید که روایات بیان‌گر جایگاه بهشتی حضرت خدیجه علیها السلام، در کنار حضرت مریم و آسیه است نه بیش‌تر از آن.

نتیجه

با توجه به متن مقاله، این نتیجه به دست می‌آید که نویسنده مقاله، خانم باربارا فریر استواسر، گرچه تتبع مناسبی درباره جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام داشته و به ابعاد مختلف شخصیت و زندگی آن بانو اشاره کرده، عمده مشکل وی این است که فقط به برخی از منابع اهل تسنن و پاره‌ای از منابع شرق‌شناسان استناد کرده و به منابع شیعی کم‌توجهی نموده، به همین دلیل، در مورد این بانو مرتکب کاستی و خطا شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی سازگار نیست که با تتبع کامل در منابع تاریخی و روایی شیعه و حتی اهل‌سنت، این اشتباهات را می‌توان برطرف نمود.

---

۱. همان؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابه فی تمیز الصحابه*، ج ۴، ص ۳۶۶؛ حاکم نیشابوری، *مستدرک علی الصحیحین*، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۷، ص ۱۳۵.

۳. ابن‌عساکر، *تاریخ دمشق*، ج ۷۴، ص ۸۴.

۴. ابن کثیر، *البدایة والنهایة*، ج ۳، ص ۱۲۹.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌حجر عسقلانی، أحمد بن علی، ***الاصابه فی تمیز الصحابه***، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

۲. ـــــــــ، ***فتح الباری***، بیروت، دارالمعرفة، بی‌تا.

۳. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، ***مناقب آل ابی طالب***، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲ ق.

۴. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ***تفسیرالقرآن العظیم***، بیروت، دار الکتب العلمیة،۱۴۱۹ ق.

۵. ـــــــــ، ***البدایة والنهایة***، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

۶. ابن‌عساکر، علی بن حسن، ***تاریخ دمشق***، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.

۷. ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، ***الاستغاثه فی بدع الثلاثه***، نجف، انتشارات اعلمی، ۱۳۶۸ ق.

۸. احمد بن ابی یعقوب، ***تاریخ یعقوبی***، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

۹. آلوسی، سیدمحمود، ***روح‌المعانی***، بیروت، داراحیاء التراث العربی،۱۴۰۵ ق.

۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، ***صحیح بخاری***، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۰ ق.

۱۱. بروجردی، سید محمدابراهیم، ***تفسیرجامع***، تهران، انتشارات صدر، ۱۳۶۶ ش.

۱۲. بغوی، حسین بن مسعود، ***معالم‌التنزیل فی تفسیرالقرآن***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، ***أنساب‌الأشراف***، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.

۱۴. حاکم حسکانی، عبیدالله، ***شواهدالتنزیل***، مجمع احیاءالثقافه الاسلامیه،

طهران، ۱۴۱۱ ق.
۱۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ***المستدرک علی الصّحیحین***، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. حنبلی، ابن عماد، ***شذرات الذهب فی اخبار من ذهب***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۷. خصیبی، حسین بن حمدان، ***الهدایة الکبری***، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۶ ق.
۱۸. ***دائره‌المعارف لیدن***، ترجمه جمعی از نویسندگان، انتشارات حکمت.
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین، ***دلائل النبوة***، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. ذهبی، محمد بن احمد، ***سیر اعلام النبلاء***، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، ***الکشاف***، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. سیوطی، جلال‌الدین، ***الدر المنثور فی تفسیر المأثور***، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. طبری شافعی، احمد بن عبدالله، ***ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی***، قاهره، مطبعه القدسی، ۱۳۵۶ ق.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، ***جامع البیان***، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۶. عامری، یحیی بن ابی بکر، ***بهجه المحافل***، مدینه منوره، المکتبة العلمیّه، بی‌تا.
۲۷. عاملی، سیدجعفر مرتضی، ***بنات النبی ام ربائبه***، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم السلام، بی‌تا.

۲۸. ــــــــــــــ، *الصحیح من سیرة النبی الأعظم*، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۲۹. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. فیض کاشانی، ملأ محسن، *علم الیقین فی اصول الدین*، بیروت، دارالبلاغه، بی‌تا.
۳۱. قرطبی، محمد بن احمد، *تفسیر جامع لاحکام القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
Encyclopaedia of the Quran.

سیمای خدیجه کبری علیهاالسلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده‌های آیینی معاصر

سید جمال‌الدین موسوی[1]

چکیده

حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام همسر فداکار پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، از برترین زنان جهان، نخستین زن مسلمان، حامی مادی و معنوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و مادر حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام بود. وی به دلیل خدمات بزرگی که برای گسترش توحید انجام داد، در پیشگاه خدا و رسولش به جایگاه و منزلت مهم دست یافت. به همین دلیل، سیما و شخصیت و فضایل ایشان در متون تاریخی، روایی و ادبی مدح شده است. در ادب فارسی، شاعران فارسی‌سرا با بهره‌گیری از منابع تاریخی و روایی، سیمای مبارک او را در قالب‌های شعری گوناگون، با شیوه‌ها و رویکردهای متفاوتی به شعر کشیده‌اند. معرفی خدیجه کبری علیهاالسلام به عنوان الگوی برتر، ستایش و بیان فضایل و مناقب ایشان را به دلیل جایگاهی که در تاریخ اسلام دارد، دو رویکرد اساسی در سروده‌های فارسی به ویژه دوره معاصر می‌توان برشمرد. شاعران فارسی‌سرای آیینی، با آن‌که در معرفی شخصیت و تبیین زندگی‌نامه و در توصیف فضایل و مناقب ایشان اشاره‌های مشترکی داشته‌اند، در مواردی نیز کوشیده‌اند به یکی از عرصه‌های حیات این بانوی بزرگ به طور خاص توجه کنند و در سروده‌هایشان معرفی سازند.

۱. دانش‌پژوه دوره دکتری رشته جریان‌های کلامی معاصر در جهان اسلام، جامعة المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی.

واژگان کلیدی
خدیجه کبری علیها السلام، فضایل و مناقب، توصیف، شعر فارسی، شعر آیینی.

مقدمه

تکریم و بزرگداشت شخصیت‌های دینی، در تمامی ادیان و فرهنگ‌ها رایج است. در اسلام به دلیل تأکید بر کرامت انسانی افراد، به حفظ احترام شخصیت انسان تأکید شده، اما در این میان قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگان دین، برخی از شخصیت‌های دینی و مذهبی و اجتماعی را به دلیل جایگاه و خدماتشان که در راه اصلاح و پیشرفت جامعه انسانی ستوده‌اند.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام یکی از این شخصیت‌های بزرگ به شمار می‌آید که در تاریخ، حدیث و ادب ستوده شده است. شعر یکی از بخش‌های مهم دنیای ادبیات است و به لحاظ موضوع و محتوا، به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شود و هر بخش آن با رویکرد خاصی به وجود آمده است؛ از جمله شعر دینی و آیینی که شاعر شخصیت‌های ممدوح و موردنظرش را با آن می‌ستاید. حضرت خدیجه کبری علیها السلام، از جمله کسانی است که شاعران و سرایندگان بزرگ، با استفاده از منابع تاریخی و روایی، شخصیت، فضایل و مناقب، مصائب و خدمات این بانوی بزرگ را ستوده‌اند.

نوشتار حاضر، از سه بخش اصلی تشکیل شده است. در بخش نخست، اجمالی از زندگی‌نامه و شخصیت حضرت خدیجه کبری علیها السلام با استفاده از کتاب‌های تاریخ و سیره گزارش می‌شود. بخش دوم نیز دربردارنده تعریف و تبیین انواع شعر فارسی و بازشناسی شعر آیینی است. بخش سوم که بخش اصلی این نوشتار به شمار می‌آید، با مراجعه به سروده‌های شاعران فارسی‌سرای قدیم و معاصر درباره آن بانو، به بازخوانی و توصیف محتوایی آن‌ها پرداخته است.

در معرفی سروده‌ها، سعی شده عنوان سروده ذکر گردد و اجمالی از

زندگی‌نامه سراینده در پاورقی توضیح داده شود. از آنجایی که سروده‌ها بیش‌تر طولانی بودند، ناگزیر شدیم ابیات و بخش‌هایی از آن‌ها را گزینش نماییم. در برخی موارد، سرچشمه‌های تاریخی سروده‌های شاعران را به متن‌های تاریخی و روایی ربط داده‌ایم. در تهیه سروده‌ها و زندگی‌نامه‌های شاعران، از مجموعه‌های شعری، دیوان‌های شاعران، وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌های شاعران، و وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌های تخصصی در عرصه شعر و ادبیات فارسی بهره گرفته‌ایم. از میان هفده شاعر که سروده‌هایشان ذکر شده، به جز خاقانی و سنایی که به سده‌های پیشین تعلق دارند، بقیه متعلق به دوره معاصر هستند.

زندگی‌نامه حضرت خدیجه علیها السلام و شخصیت والای ایشان

خدیجه کبری علیها السلام دختر خویلد بن اسد و فاطمه بنت زائده در سال ۶۸ قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد.[۱] خانواده ایشان از تبارهای اصیل عرب بودند و پدرش از شجاعان طایفه اسد به شمار می‌رفت. هم‌چنین برخی از بستگان او مانند ورقة بن نوفل پسرعمویش، و ابوالعاص خواهرزاده و دامادش، در دوران جاهلیت به دلیل برخورداری از کمالات والای شخصیتی چون: علم، امانت‌داری، و راست‌گویی شهرت داشتند.[۲] آن بانو در دهم ربیع‌الاول سال بیست و پنجم عام‌الفیل یعنی پانزده سال پیش از بعثت ازدواج نمود و مدت ۲۵ سال با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زندگی کرد. حاصل این ازدواج و زندگی مبارک، تولد شش فرزند به نام‌های: قاسم، عبدالله، رقیه، زینب، ام‌کلثوم، و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود.[۳]

حضرت خدیجه علیها السلام به سبب نجابت، شرافت و تربیت خانوادگی‌اش، به القاب و کنیه‌هایی چون: مبارکه، طاهره، غرّاء، سیده نساء قریش، سیده نساءالعالمین، اُمّ هند، اُمّ المومنین، و اُمّ الزهّرا علیها السلام مفتخر است.[۴] از اعتقادات آن

۱. السید احمد زینی دحلان، *السیره النبویه والآثار المحمدیه*، ج ۱، ص ۲۲۶.
۲. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۶، ص ۶۲.
۳. ابن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰.
۴. *السیره النبویه والآثار المحمدیه*، همان، ج ۱، ص ۱۰۶.

بانو پیش از اسلام چیزی در منابع تاریخی نیامده، اما براساس برخی گزارش‌ها، وی خداپرست و پاک‌سرشت بوده است. ایشان با این‌که زنی ثروتمند و زیبا بود، تا هنگام ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، با آن‌که دو مرتبه ازدواج نمود، اما به لهو و لعب رایج در جامعه عرب جاهلی عصرش آلوده نگشت. وی در مجالس لهو و لعب زنان اشراف عرب که در نزدیکی‌های خانه‌اش برگزار می‌شد، شرکت نمی‌کرد و در کار تجارت نیز از برخورد بیش از حد با مردان کناره می‌گرفت و بیش‌تر اوقات میسره غلامش را برای رسیدگی به امور تجاری می‌فرستاد. او به سبب داشتن چنین فضایل اخلاقی، به «طاهره» ملقب شد. لقبی که بعدها حتی مایه افتخار اخلاف او شد و آنان به «بنو طاهره» ملقب شدند.[۱]

ایشان پیش از ازدواج با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، به دلیل داشتن شرافت خانوادگی و مکنت دنیوی، مورد توجه مردان بزرگ در شبه‌جزیره عربستان قرار داشت. بر اساس برخی روایات تاریخی، وی پیش از ازدواج با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، در آغاز با ابوهاله هند بن نباش بن زراره ازدواج کرد که حاصل این ازدواج فرزندانی با نام‌های هند، طاهر، حارث، هاله و دختری به نام زینب بود.[۲] البته درباره هاله اختلاف‌نظر وجود دارد و برخی وی را دختر ابوهاله دانسته‌اند.[۳] دومین ازدواج وی با پسرعمه‌اش عتیق بن عائذ بن عبدالله بن مخزوم بود.[۴] از ازدواج دومش صاحب دختری به نام هند و پسری به نام عبدالله شد.[۵]

حضرت خدیجه علیهاالسلام، از زنان ثروتمند جزیرةالعرب بود که پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، تمامی ثروتش را در راه اسلام مصرف کرد.[۶] وی هم‌چنین اولین زن مسلمان بود که به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و آیین ایشان ایمان آورد و از مربیان

---

۱. ابن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۷، ص ۵۶۷.
۲. ابن حزم اندلسی، *جوامع السیره و خمس رسائل اُخری*، ص ۳۲؛ *الروض الانف*، ج ۲، ص ۲۴۶.
۳. أبی عبدالله أبی المصعب بن عبدالله بن المصعب الزبیری، *نسب قریش*، ص ۲۲.
۴. ابن جریر طبری، *پیشین*، ج ۳، ص ۱۶۱؛ أبی المنذر هشام الکلبی، *جمهرة النسب*، ج ۱، ص ۹۰.
۵. عبدالرحمان سهیلی، *الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام*، ج ۲، ص ۲۴۶.
۶. محمدباقر مجلسی، *پیشین*، ج ۱۶، ص ۷۱.

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب ؟ع؟ بود. حضرت علی ؟ع؟ خاطره روزهای نخستین بعثت و ایمان آوردن حضرت خدیجه ؟سها؟ را چنین بیان می‌فرماید:

> در آن روزگار جز رسول خدا ؟ص؟ و خدیجه ؟سها؟، کسی به اسلام نگرویده بود و من سومین آن‌ها بودم.[۱]

این بانوی بزرگ به پیامبر اکرم ؟ص؟ علاقه شدیدی داشت؛ به طوری که در تمامی دردها و سختی‌های دوران بعثت تا آخرین لحظات حیات خویش، شریک سختی‌ها و رنج‌های ایشان بود.[۲] رحلت جان‌سوز حضرت خدیجه ؟سها؟، و حضرت ابوطالب ؟ع؟، در یک مقطع تاریخی در ماه شوال یا ذی‌قعده سال دهم بعثت رخ داد. ایشان هنگام جان سپردن شصت‌وپنج سال داشت و این مصیبت بزرگ برای پیامبر اکرم ؟ص؟ بسیار سخت تمام شد، به طوری که پیامبر ؟ص؟ آن سال را «عام‌الحزن» نامیدند.[۳]

شعر فارسی

شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل‌گرفته باشد. از منظر این تعریف، عناصر سازنده شعر عبارتند از: عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی، و تشکل. شعر فارسی به قدیم (کلاسیک) و نو (معاصر) تقسیم می‌شود. هم‌چنین شعر فارسی کلاسیک دارای قالب‌های مختلف چون: قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی، دوبیتی، ترجیع‌بند، و ترکیب‌بند، مسمط، مستزاد، و چهارپاره است.[۴] شعر فارسی کلاسیک نیز خود به حماسی، عرفانی، وصفی، و مدح و مراثی دسته‌بندی می‌شود.[۵]

---

۱. *نهج البلاغة*، تصحیح دکتر صبحی صالح، خطبه قاصعه، ص ۳۰۰-۳۰۱.
۲. امین الدین طبرسی، *اعلام الوری فی اعلام الهدی*، ص ۶۰.
۳. عزالدین ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، ص ۵۰۷.
۴. دکتر حسن احمدی گیوی و دیگران، *زبان و نگارش فارسی*، ص ۱۳۲- ۱۳۳.
۵. اکرم محرابی، *زندگی‌نامه شاعران ایرانی*، ص ۲۰- ۲۴.

شعر آیینی

شعر آیینی، یکی از دسته‌ها یا یکی از اقسام شعر فارسی است. دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ماهیت شعر آیینی و این‌که چه مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی دارد عرضه شده است. محمدکاظم کاظمی، شاعر و نویسنده سرشناس معاصر، سه رویکرد در مورد شعر آیینی بیان کرده است:

رویکرد اول: شعر آیینی، یعنی شعری که سروده شدن آن بر آموزه‌های دینی مبتنی باشد.

رویکرد دوم: که معمولاً در بین مردم رایج است، این که شعر آیینی یعنی شعری که درباره موضوعات دینی و به خصوص در مورد شخصیت‌های دینی و ائمه اطهار عليهم‌السلام سروده شود. این تلقی، شعر آیینی را به ستایش ائمه مذهب و دین محدود نمی‌سازد، بلکه موضوعات دیگری نیز می‌تواند سوژه آن باشد.

رویکرد سوم: در این رویکرد که دیدگاه بینابین و دقیق‌تری از شعر آیینی عرضه می‌کند؛ شعر آیینی یعنی شعری که موضوع آن به نحوی با آموزه‌ها و شخصیت‌های دینی پیوند بخورد.[۱]

برخی دیگر، شعر آیینی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

> شعر آیینی کلامی است مُخیَّل، آهنگین و معنوی که به لحاظ محتوایی و مقوله‌های معنوی، متأثّر از منابع اسلامی و باورهای دینی است و وجه تمایز آن با اشعار دیگر، در موضوعاتی است که به آن می‌پردازد و در خصوص عناصر شعری با آن‌ها تفاوتی ندارد.[۲]

بازخوانی رویکردهای سروده‌های فارسی و آیینی درباره حضرت خدیجه عليها‌السلام

سرایندگان فارسی‌سرا در سروده‌هایشان نسبت به حضرت خدیجه کبری عليها‌السلام رویکردهای متفاوتی داشته‌اند این رویکردها را در توصیف شخصیت و بیان فضایل، و مناقب آن بانوی بزرگ، به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم نمود:

---

۱. *درباره شعر آیینی*، وبلاگ محمد کاظم کاظمی:mkkazemi.persianblog.ir .

۲. محمدعلی مجاهدی پروانه، *سیری در قلمرو شعر نبوی*، ص ۲۸.

الف) برخی جدا از جایگاه دینی حضرت خدیجه علیها السلام، به شخصیت والای ایشان به عنوان یک انسان فرهیخته و باهمّت تأکید داشته‌اند. این دسته، با توصیف شخصیت آن بانو، سعی نموده‌اند از این طریق ممدوحشان را به خوبی وصف کنند.

ب) گروه دیگر که اکثریت را تشکیل می‌دهند، به دلیل داشتن تعلق خاطر به دین و شخصیت‌های دینی، این بانوی بزرگ را به عنوان فرد شاخص و شخصیت تاثیرگذار عصرش یاد کرده‌اند و به جایگاه ویژه‌اش در اسلام و گسترش پیام توحید تأکید داشته‌اند.

جستجویی که این نوشتار در سروده‌های برخی شاعران فارسی‌سرای سده‌های پیشین و معاصر داشته، به سروده‌های کوچک و بزرگ گوناگونی برخورده که از میان آن‌ها هفده مورد را با این دو رویکرد یافته است که در ذیل به بازخوانی محتوایی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. زینت‌بخش روزگار

جد من مصطفی امان زمان   پدرم مرتضی امین جهان
جده من خدیجه زین زمان   مادرم فاطمه چراغ جنان[۱]

ابیات فوق سروده بخشی از سرودهای سنایی غزنوی[۲] است که در بیان سبب و نحوه شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است. سنایی با بهره‌گیری از تناسب و جناس (امین و امان)، از قول امام حسن مجتبی علیه السلام حضرت خدیجه علیها السلام را

۱. نک: ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، *حدیقة الحقیقة*، ص ۲۶۲.
۲. سنایی شاعر و عارف بزرگ در سال ۴۶۳ یا ۴۷۳ قمری در غزنین به دنیا آمد. با تلاش و کوشش فراوان، با دانش‌های زمانش آشنا شد و در برخی از آن‌ها تبحر یافت. سنایی در سال ۵۲۵ یا ۵۳۵ قمری در ۶۲ سالگی در غزنین درگذشت. آثار او عبارتند از: ۱. دیوان اشعار شامل قصیده، غزل، ترکیب و ترجیع‌بند، قطعه و رباعی؛ ۲. مثنوی *حدیقة‌الحقیقه*؛ ۳. مثنوی *طریق التحقیق*؛ ۴. مثنوی *کارنامه بلخ*؛ ۵. مثنوی *سیرالعباد الی المعاد*؛ ۶. مثنوی *عشق‌نامه و عقل‌نامه*؛ ۷. سه *مکتوب منثور*؛ ۸. رساله منثور. (أکرم محرابی، *پیشین*، ص ۹۴-۹۸).

زینت‌بخش روزگار وصف کرده است.[۱]

۲. بخشندگی با مال و جان

تحفه بزم اوست مریم وار　　هرچه طوبی به نوبر افشاندست
آن خدیجه است کز ارادت حق　　مال و جان بر پیمبر افشاندست[۲]

این دو بیت، برگرفته از قصیده‌ای طولانی است که خاقانی شروانی[۳] در مدح صفوة‌الدین بانوی شروان‌شاه سروده است. خاقانی برای برانگیختن سخاوت ممدوحش، سخاوت او را به سخاوت حضرت خدیجه علیهاالسلام تشبیه نموده است.[۴]

از سر زهد و صفا در شخص او　　هم خدیجه هم حمیرا دیده‌ام
آن خدیجه همّتی کز نسبتش　　بانوان را قدر زهرا دیده‌ام[۵]

خاقانی در این ابیات نیز در وصف ممدوح خویش، با کلام نسبتاً اغراق‌آمیز و با آراسته نمودن کلام به تناسب، این‌گونه ممدوح را در آیینه حضرت خدیجه علیهاالسلام مشاهده کرده است. بر این اساس، وی حضرت خدیجه را آیینه تمام نمای زهد و صفا می‌داند.[۶]

۳. روایت منظوم ازدواج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خدیجه علیهاالسلام

روایت منظوم در بیان عشق خدیجه علیهاالسلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ماجرای ازدواج ایشان و رخدادهای پس از آن، اثر شاعر ناشناخته فارسی‌سرای است که در زمان

---

۱. محمد گلابی، *سیمای یاران حضرت رسول در متون ادبی و عرفانی*، ص ۱۷۲.
۲. افضل الدین بدیل خاقانی، *دیوان*، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، ص ۸۲.
۳. خاقانی شروانی ملقب به حسان‌العجم در سال ۵۲۰ قمری در شَروان به دنیا آمد و در سال ۵۹۵ قمری در تبریز درگذشت. خاقانی از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان در تاریخ شعر و ادب فارسی به حساب می‌آید. از خاقانی آثاری چون: دیوان اشعار شامل قصاید، ترجیعات، مقطعات و رباعیات. *تحفة العراقیین*: مثنوی در ۳۲۰۰ بیت. و منشأت: شامل نامه‌های خاقانی به بزرگان زمانش، برجای مانده است. (أکرم محرابی، پیشین، ص ۹۸-۱۰۲).
۴. محمد گلابی، *پیشین*، ص ۱۷۲.
۵. خاقانی، *پیشین*، ص ۲۷۳.
۶. محمد گلابی، *پیشین*، ص ۱۷۳.

قبل از سده دوازدهم قمری در شبه‌قاره هند می‌زیسته است.[۱]

این سروده طولانی، تقریباً بزرگ‌ترین نظم‌نامه درباره عشق حضرت خدیجه علیهاالسلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به یکدیگر محسوب می‌شود که برگرفته از روایات *بحارالانوار*[۲] در این باره است. شاعر در این نظم‌نامه، مسائلی چون: شخصیت حضرت خدیجه علیهاالسلام، دارایی و جایگاه اجتماعی او، تجارت پیشگی او، چگونگی آشنایی او با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هم‌کاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با کاروان تجاری خدیجه علیهاالسلام، چگونگی خواستگاری و ازدواج ایشان، بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حمایت‌های معنوی و کمک‌های مالی خدیجه به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در راه گسترش اسلام، برخورد زنان مکه با خدیجه علیهاالسلام قبل و بعد از ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تولد حضرت زهرا علیهاالسلام، و... را انعکاس داده است. ابیات ذیل بخشی از این سروده طولانی است:[۳]

روایت را به اسناد از مفضل — رسانیدست اسناد مکمل
از او پرسیدم از روی ارادت — که چون بودست زهرا را ولادت
تفحص چون ز صدق دل نمودم — چنین از جعفر صادق شنودم
که چون جفت پیمبر شد خدیجه — به آن بی‌مثل همسر شد خدیجه
چو کاری این چنین دیدند از وی — زنان مکه ببریدند از وی
از آن خورشید برگشتند یکسر — ازو چون سایه برگشتند یکسر
نمی‌رفتند دیگر جانب او — نمی‌بودند دیگر طالب او
سلام او نمی‌کردند هرگز — به سوی او نمی‌کردند هرگز

---

۱. محمدعلی‌خان گویا از کاتبان بنام قرن دوازدهم قمری در شبه‌قاره هند، این مجموعه را که بخش از سروده‌های (جنگ) نوزده بندی است، با خط نستعلیق زیبا در اندازه (۲۷ × ۱۴/۵) سانتی متر و با استفاده از کاغذ ترمه که در چهار ستون جدول‌بندی شده و در ۱۹۷ برگ شانزده سطری، کتابت و تنظیم کرده است. وی در مثنوی‌ها تصرفاتی انجام داده و برخی از آن‌ها را برگزیده است. بند دوازدهم این مجموعه نوزده بندی، ماجرای عشق و ازدواج پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با حضرت خدیجه علیهاالسلام است که با بهره‌گیری از روایات *بحارالانوار* انشاد شده است. (محمد محمدپور پیراشته، *نقش ام‌المؤمنین خدیجه* علیهاالسلام *در تاریخ اسلام*، ص ۱۲۱ به نقل از *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۸، ص ۴۳۷-۴۴۰).

۲. محمدباقر مجلسی، *پیشین*، ج ۱۶، ص ۸۱.

۳. محمد محمودپور پیر پشته، *پیشین*، ص ۱۲۱- ۱۳۵.

همین نی خود از و محروم بودند — که منع دیگران هم می‌نمودند
ازاین معنی خدیجه وحشتی داشت — ولی در اصل ازاین رودهشتی داشت
که پیغمبر از آن دَر هَم نباشد — دل شادش اسیر غم نباشد
چو زهرا در شکم پیدا شد او را — انیس خاطر شیدا شد او را
به تنهایی به او همراز می‌گشت — به او همراز و هم‌آواز می‌گشت
به دفع آن غم و اندوه صوری — به او می‌کرد تلقین صبوری[۱]

با نگاه اجمالی در این ابیات، می‌توان دریافت واژگان به کاربرده شده در آن، با قواعد نگارشی فارسی سده‌های پیشین سازگاری دارد. واژگان مانند «رسانیدست» و «باسناد» که در تعابیر ادبی امروزین «رسانده است» و «به اسناد» نگاشته می‌شود.

سلسله اسناد روایی که شاعر شعرش را در این ابیات مستند ساخته، می‌رساند که وی پیرو مذهب جعفری بوده است؛ زیرا وی این روایت را از *بحارالانوار* از طریق مفضل ابن عمر که از راویان حدیث ائمه در عصر امام جعفر صادق ﷺ بوده، به شعر کشیده است. وی در این ابیات، برخورد نامناسب زنان مکه را با حضرت خدیجه ﷺ بیان می‌دارد و در آن مقطع از تاریخ که آن بانو با پیامبر ﷺ ازدواج نمود و آن حضرت پس از این‌که به رسالت مبعوث شد، زنان مکه مانند مردان آن‌جا با پیامبر ﷺ و با خدیجه ﷺ بدرفتاری می‌کردند. خدیجه ﷺ از بی‌اعتنایی زنان مکه نسبت به خودش، از آن جهت اندوهگین بود که باعث رنجش خاطر پیامبر ﷺ می‌شد. و در این راه می‌کوشید تا پیامبر ﷺ از این ماجرا آزرده‌خاطر نشوند. خدیجه ﷺ و بارداری حضرت فاطمه زهرا ﷺ، سوژه‌ای دیگر است که شاعر، حضرت زهرا ﷺ را مایه آرامش خاطر، رفیق رازهای لحظه‌های تنهایی و کاهنده رنج‌ها و اندوه‌های مادرش معرفی می‌کند.

---
۱. همان، ص ۱۲۹.

۴. برترین زن

قصیده *بود از هر زنی برتر خدیجه*، سروده شاعر آیینی و دل‌سوخته اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام حبیب‌الله چایچیان «حسان»[۱] است. وی در این سروده، با نگاه آیینی، شخصیت، فضایل و مناقب حضرت خدیجه را وصف کرده است:

همین وارستگی شایسته‌ای اوست   چو زهرا را بود مادر خدیجه
کشد بار عطای آسمانی   چو باشد مادر کوثر خدیجه
چه کوثر آنکه یکتا همچو طاهاست   صدف شد بر چنین گوهر خدیجه
ز نامش مادران بر خود ببالند   که دارد یک چنین مادر خدیجه
چه خوش باشد غلام خود بخواند   «حسان» را در صف محشر خدیجه[۲]

شاعر در این ابیات، به مقام شامخ آن بانو از این زاویه تأکید کرده که او مادر برترین زن جهان یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود. بانویی که خداوند در مورد او به پیامبرش فرمود:

لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی علیه السلام لما خلقتک و لولا فاطمه لما

---

۱. حبیب‌الله چایچیان متخلص به «حسان، شاعر و مرثیه‌سرای بزرگ اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در سال ۱۳۰۲ شمسی در شهر تبریز متولد شد. در کودکی به همراه خانواده‌اش به تهران آمد. تحصیلاتش را در مدرسه ایران و آلمان گذراند سپس در بانک ملی ایران استخدام شد. چایچیان از معروف‌ترین شاعران عاشورا سراست که در تمامی مناطق فارسی‌زبان، سروده‌هایش طرف‌دار و خواننده دارد. وی نخست به جز اشعار آیینی و عاشورایی در عرصه‌های دیگر نیز شعر می‌سرود، اما با سفر به کربلاء معلی و نجف اشرف، فقط در مدح و مرثیه اهل‌بیت عصمت و طهارت اکتفا نمود. (محمد لی مجاهدی، *کاروان شعر عاشورا*، ص ۵۸۰؛ و مرضیه محمدزاده، *دانشنامه شعر عاشورایی*، ج ۲، ص ۱۲۱۶).
گل‌های پرپر، *خزان گلریز*، *باغستان عشق*، *سایه‌های غم*، *ای اشک‌ها بریزید* (جلد اول *دیوان اشعار*)، *خلوتگاه راز* (جلد دوم *دیوان اشعار*)، *چهل حدیث جالب از علی بن ابی‌طالب* علیه السلام و جلد سوم *دیوان اشعار* از جمله آثار او است. وی کتاب «بَطَلَةُ کربلا»، اثر «دکتر بنتُ الشّاطی» را با نام «زینب علیها السلام بانوی قهرمان کربلا» به فارسی ترجمه کرده است. این شاعر دل‌سوخته اهل‌بیت علیهم السلام با عالم مشهور شیعه علامه عبدالحسین امینی نویسنده کتاب گران‌سنگ *الغدیر* ارتباط داشته و به تأثیرپذیری از اندیشه‌های علامه سیدمرتضی عسکری نیز اقرار کرده است. (محمدعلی مجاهدی، *پیشین*، ص ۵۸۰؛ مرضیه محمدزاده، *پیشین*، ج ۲، ص ۱۲۱۶).
۲. علی کرمی فریدنی، *فروغ آسمان حجاز خدیجه* علیها السلام، ص ۵۶۲-۵۶۵.

خلقتکما.

اگر تو نبودی، موجودات را نمی‌آفریدم، و اگر علی علیه‌السلام نبود، تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود، شما دو نفر را نمی‌آفریدم.

۵. فخر بانوان

فخر بانوان، عنوان مسَدّسی است از شاعر مشهور آیینی در دوره معاصر مرحوم علی‌اکبر خوش‌دل تهرانی[۱] که در آن از آغاز آشنایی حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هم‌کاری در کاروان تجاری او، ازدواج با ایشان و... تا رحلت آن بانوی بزرگ را به تصویر کشیده است. جلوه ویژه‌ای که از زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیهاالسلام در سروده خوش‌دل تهرانی دیده می‌شود، به بخشی از اجر و پاداش الهی اشاره دارد که در قبال زحمات و خدمات این بانوی بزرگ به او عطا شد که در راه انتشار رسالت انجام داد. این پاداش در وجود نازنین حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام تجلی یافته است. ابیاتی از این بخش از مسَدّس چنین است:

خدیجه در ره آیین این مرد   همه هستی خود از جان فدا کرد
خدا هم در ازای هستی او   گرامی گوهری بروی عطا کرد
چه گوهر بِه زاعطینا و کوثر   چه اختر بهتر از زهرای اطهر
در آن روزی که آن فرخنده دختر   به بطن مام والایش مکان داشت
ببرد تا از دلش اندوه، با وی   حکایت‌های نغز و داستان داشت
که‌ای مادر ز بی یاری نرنجی   که من چون گوهری داری و گنجی

---

۱. علی‌اکبر خوشدل تهرانی (۱۳۳۲– ۱۳۶۵ ش) فرزند حاج رحیم صلح‌خواه، در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتداییه و متوسطه‌اش را در مدرسه تدین تهران و مدرسه ثروت (ایرانشهر) و علوم قدیمه (صرف، نحو، فقه و اصول، معانی، بیان، و بدیع، را در مدرسه مروی، کتاب *مطول تفتازانی* و *مغنی* ابن هشام را از آقاشیخ علی رشتی آموخت. وی حکمت و منطق را در اصفهان و شیراز فراگرفت و سپس به سیر و سیاحت پرداخت. خوشدل تهرانی در قالب‌های غزل، قصیده، قطعه، و مثنوی شعر می‌سرود و در غزل که مهارت خاص داشت از طائب تقلید می‌کرد. دیوان کامل وی، چند روز پیش از وفاتش در ۸۲۰ صفحه منتشر شد. *دیوان غزلیات* (جزء اول: ۱۳۵۶ ق)؛ *دیوان منتخبات* (۱۳۳۲ ش)؛ *عمدة الاسرار* (مجموعه شعر، ۱۳۵۶ ق.)؛ *گلشن خوشدل* (مجموعه شعر، ۱۳۶۵ ق.) مجموعه آثار وی است. قبر وی در آستانه شیخ صدوق در ری قرار دارد. (*وب‌سایت راسخون*: http://rasekhoon.net/mashahir/show/۷۳۴۲۹۵/).

در پایان نیز شاعر از عفت و شجاعت حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای احتجاج او با خلیفه اول در قضایای پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یاد نموده که این عفت و شجاعت را به دخترش زینب کبری علیها السلام در قرائت خطبه‌های آتشین در کوفه و شام آموزش داده است:

در آن روزی که زهرا با ابوبکر نمودی احتجاج بی‌قرین را
به زینب دختر خود یاد می‌داد بیان خطبه‌های آتشین را
زنِ اسلام آزاد است و بیدار ولیکن پاک‌دامن است و دین‌دار[1]

آزادگی، بیداری، پاک‌دامنی و دین‌داری از نگاه شاعر، مهم‌ترین ارکانی است که شخصیت زن مسلمان را تشکیل می‌دهد. و این ارکان را شاعر در وجود حضرت زهرا علیها السلام و بی‌بی زینب کبری علیها السلام که پیشوایان زنان مسلمان هستند، نمایان می‌بینند. بی‌شک فخر بانوان خدیجه کبری علیها السلام در متجلی شدن این عفت و شجاعت بی‌نقش نبودند.

۶. همسر رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم

مثنوی ***خدیجه همسر رسول‌الله*** صلی الله علیه و آله و سلم سروده زنده‌یاد استاد ژولیده نیشابوری[2] است که در آن شخصیت، فضایل و خدمات آن بانو را در راه اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، این‌گونه به تصویر می‌کشد:

خدیجه اولین بانوی اسلام کز او زن را به نامش زنده شد نام

---

۱. محمد صحّتی سردرودی، *فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی از ولادت تا شهادت*، ۱۲۶- ۱۲۹ به نقل از خوشدل تهرانی، *دیوان خوشدل تهرانی*، ص ۵۹۱.

۲. محمدحسن فرحبخشیان مشهور به ژولیده نیشابوری در سال ۱۳۲۰ شمسی در نیشابور به دنیا آمد. در دوران کودکی به سبب شرکت در مراسم‌های مذهبی و عشق به اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به شعر و ادبیات آیینی علاقه‌مند شد. وی بیش‌تر اشعارش را در زمینه‌های مدح و مرثیه اهل‌بیت علیهم السلام، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده است. ژولیده نیشابوری به دلیل داشتن روحیه انقلابی حدود سه سال و اندی از عمرش را در زندان‌های دوره طاغوت سپری نمود. وی سرانجام در سال ۱۳۸۶ شمسی در ورامین درگذشت. از مرحوم ژولیده حدود سی اثر در قالب کتاب و جزوه برجای مانده است. *گلبانگ عشق*، *ای قلب‌ها بسوزید*، *ای چشم‌ها بگریید*، و *چه کنم دام‌ها می‌سوزد*، مشهورترین مجموعه‌های شعری اوست. (*وب‌سایت شبکه اینترنتی آفتاب*: www.aftabir.com).

یگانه همسر پیغمبر است او　　به قدر و رتبه از مردم سر است او
خدا را بین زن‌ها او یگانه است　　که در تاریخ نامش جاودانه است
ز ایثارش کرم شرمنده گشته　　کرم پیش سخایش بنده گشته
به سهم خویش دین خود ادا کرد　　تمام ثروت خود را فدا کرد.[۱]

شاعر در این مثنوی فضایل و مناقب مختلفی را برای حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام برشمرده که از مهم‌ترین آن‌ها مسأله ایمان اوست. به گواهی تاریخ، آن بانو اولین زن مسلمان بود که به رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آورد و به همراه آن حضرت و امام علی علیه‌السلام نماز گزارد.[۲]

۷. عطیه حق

عطیه حق عنوان غزلی است از محمد عابد تبریزی،[۳] شاعر آئینی اهل‌بیت عصمت و طهارت. در ابیاتی از این غزل که در ذیل می‌آید، مقام زن و به ویژه مقام حضرت خدیجه علیهاالسلام را ستوده شده است:

زن است روح منزّه، زن است جان مصطفی
به شرط آن که ملبّس بُوَد به جامه تقوی
بهترین عطیه حق است زن به عالم هستی
علی‌الخصوص زنی هم‌چنان خدیجه کبری
زنی که گوی سبق برده از فحول به همت

---

۱. ژولیده نیشابوری، *ای چشم‌ها بگریید اشعار مذهبی*، با مقدمه استاد محمد باقر صدرا، ص ۱۲۵.
۲. اعظم رحمت‌آبادی، *پیشین*، ص ۸۸.
۳. محمد عابد (۱۳۱۴- ۱۳۸۵ ش) در محله خیابان تبریز به دنیا آمد. پدرش شاعر بود و در شعر «یتیم» تخلص می‌کرد، در کودکی نزد پدرش تحصیل نمود و در اول جوانی در بازار تبریز مشغول کار شد و در سال ۱۳۴۴ شمسی کارمند رسمی بانک تجارت گردید و در سال ۱۳۷۴ بازنشسته شد. وی با علوم و معارف اسلامی از جمله: فقه و اصول، فلسفه و عرفان، ادبیات عرب و پارسی و تفسیر قرآن آشنایی داشت و با شخصیت‌هایی چون: عمران صلاحی، دکتر مرتضوی، دکتر خیام‌پور، دکتر ترجانی‌زاده و آیت‌الله سلطان‌القرایی و... مراوده علمی و ادبی داشت. وی از کودکی حافظ *قرآن* و به *نهج‌البلاغه* علاقه‌مند بود و در شعر و ادبیات به مولانا، حافظ، سعدی و نظامی توجه بیش‌تری داشت. وی سراینده سروده‌های آیینی بود. (*وبلاگ عابد خلوت‌نشین انجمن ادبی استاد محمد عابد تبریزی*: moc.afgolb.izirbatedeba.www//:ptth).

زنـی کـه نـادره مـاسـوا بـود بـه سجایا
چـراغ بیـت نـبـوت بـه مـاه چـهـره تـابـان
صفـای بـاغ رسـالـت بـه سـرو قـامـت رعنا
زنی کـه بـود کـنـارش امـان «مأمـن هستی»
زنـی کـه بـود سـرایـش مـلاذ «مـلـجأ دنـیـا»
پـی رواج شـریعـت بـه مـنـتـهـای مناعت
نـثـار کـرد بـه پـای نـبـی طـلا و مـطـلاّ
همه شـدائـد دعـوت همه مصائب امت
ز لطف او به نبی بـود جمله نـوش و مهنّا
کسی نبود حمایت کند ز نفس رسالت
به جز خدیجه که بودش انیس، با تن تنها
سخن چگونه توان گفت در مدیحت آن زن
کـه هسـت همسر خیـرالانـام و مـادر زهـرا
برفت و دیده احمد گریست در غم هجرش
نه مصطفی که همه کائنات گشت معزّی[۱]

شـاعر در ایـن سـروده، بـه شـخصیت والای تاریخـی و اخلاقـی حضـرت خدیجـه علیها السلام تأکیـد دارد و او را بـه سـبب صفـات و خدماتـی چـون: وارسـتگی، زهـد، همـت، مناعـت طبـع، ایثـار جانـی و مالـی در راه رسـالت پیامبـر صلی الله علیه و آله و سلم، و... می‌ستاید. شـاعر تأکیـد می‌کنـد هر قدر بخواهیـم خدیجه کبری علیها السلام را مدح کنیـم، همسـری پیامبـر صلی الله علیه و آله و سلم و مـادری زهـرا علیها السلام، بزرگ‌تریـن افتخـار بـرای ایـن بانـوی بـزرگ اسـت کـه بـا همـه سـتایش‌ها برابـری می‌کنـد. غـم و انـدوه پیامبـر صلی الله علیه و آله و سلم در فقـدان خدیجه علیها السلام، در نـگاه نـازک خیالانـه شـاعر بر عالـم هستی تأثیر گذاشـت و به سـبب حـزن پیامبـر صلی الله علیه و آله و سلم، عالـم هسـتی بـا آن نفـس قدسـی و ولـی اولیـا همـراه شـد. ایـن بزرگ‌تریـن شـاهد بـر عظمـت خدیجـه علیها السلام اسـت.

۱. محمد صحتی سردرودی، *پیشین*، ص ۱۲۴، به نقل از محمدعابد تبریزی، *مهر درخشان*، ص ۴۰.

۸. گنج در ویرانه

گنج در ویرانه، عنوان غزلی است از شاعر و نویسنده معاصر مرحوم منصور امینی.[۱] از محتوای این سروده، چنین برمی‌آید که شاعر آن را هنگام حضور در مدفن حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام سروده است. شاعر با تجسم شخصیت آن بانو، رابطه خود با او را این‌گونه به شعر در آورده است:

مادرم این‌جاست در این شعب بوطالب دفین است
مادر بر حقّ من مادر به حقّ حق همین است
نیست او گر مادر من پس بگویید ای عزیزان
تاروپودم جان و قلبم از چه با مهرش عجین است
مادر ای مادر که شیرم داده‌ای، معذور دارم
مهر تو جسم است و مهر او مرا ایمان و دین است
این‌که این‌جا بر مزارش اشک می‌بارم چو باران
روح عشق و جان یک‌رنگی‌ست اُمّ‌المؤمنین است
عفت و مهر و وفاداری از او رونق گرفته

---

۱. منصور امینی (۱۳۱۰- ۱۳۸۵ ش) مهندس، نویسنده، مترجم، و شاعر مشهور در خانواده نسبتاً فقیر در باغبادران ساحل زاینده‌رود اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زمینه الکترونیک و علوم فنی در مدارس شرکت پالایشگاه آبادان به همراه آموزش زبان انگلیسی به پایان رسانید. وی پس از ۳۵ سال کار در پست‌های مهم فنی پالایشگاه آبادان، با آغاز جنگ تحمیلی عراق بازنشسته شد. از این زمان به بعد، با جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، مجتمع فولاد مبارکه، و بخش الکترونیکی ارتش هم‌کاری نمود. امینی شاعری را از پدرش که متخلص به «فانی» بود، به ارث برد و در کنار فعالیت‌های علمی، در زمینه‌های مختلف از جمله: نگارش کتاب‌هایی در بررسی و نقد مستشرقان درباره تاریخ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ترجمه گزیده *تفسیر نمونه* و برخی کتاب‌های دینی به زبان انگلیسی مجموعه‌های شعری مختلف را منتشر نمود. اولین مجموعه شعری وی در ۲۲ سالگی چاپ شد. *اشک عاشق*، *خدای نامه*، *یاران محمد*، *فلسفه الهی*، *خود را بیشتر بشناس*، *تاریخ ۴ هزار ساله فولاد ایران* و *دیوان منصور*، از آثار منظوم وی است. (*روزنامه کیهان*، ش: ۱۸۵۵۹ ت: ۱۳۸۵/۴/۱۵ ش، ص ۱۱ بخش: شهرستان‌ها و *وب‌سایت انجمن فرهنگی و هنری شیدا*، http://www.anjoman-sheida.com/info.php?links=page&id=39&id2=7).

عشـق را ایـن پاک‌بـاز دهـر مفهـوم آفریـن اسـت
مـن کـه جانـم را غـم بدعهـدی خوبـان گرفتـه
خوب می‌دانم چه گنجی اندر این ویران زمین است
فاطمـه خیرالنسـاء العالمیـن را مـادر اسـت او
همسـر بی‌مثـل و بی‌همتـای ختم‌المرسـلین اسـت
آه «منصـور» آن‌کـه اینجـا خفتـه او را می‌شناسـی
گنـج در ویرانـه یـا تـاج سـرش عـرش بریـن اسـت.[1]

شـاعر در ایـن غـزل، از جایگاه حضـرت خدیجـه علیهاالسلام سـخن بـه میـان آورده و او را مـادر مؤمنـان و مـادر حقیقـی خویـش دانسـته اسـت. وی محبـت بـه مـادرش را عاطفـی و محبتـش بـه حضـرت خدیجـه علیهاالسلام را دینـی و ایمانـی می‌دانـد.

۹. پیوند دو نور

پیوند دو نور، عنـوان مثنـوی نسبتاً طولانـی از سیدمرتضی میرفخرایـی جندقـی[2] اسـت. وی در ایـن مثنـوی، نخسـت نسـب خانوادگـی حضـرت خدیجـه علیهاالسلام، سـپس ماجـرای خواسـتگاری، مجلـس عقـد و پیونـد نبـی اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بـا حضـرت خدیجـه کبـری علیهاالسلام را بـه شـعر درآورده اسـت. ابیـات زیـر، بخشـی از ایـن مثنـوی طولانـی اسـت کـه در آن‌هـا فضایـل و کمـالات حضـرت خدیجـه علیهاالسلام بازتـاب یافتـه اسـت:

مظـهـر پـاکـی و جـمـال خـداسـت نـور رحمـت ز چـهـره‌اش پیداسـت
در وصـــول مـــرام هـمـسـر خـویـش گـــذرد از زر و دهـــد سـر خـویـش

---

۱. محمد صحتی سردرودی، *پیشین*، ص ۱۳۰ به نقل از منصور امینی، *دیوان منصور امینی*، ص ۱۹۳.

۲. سیدمرتضی فخرایی میرجندقی از شاعران، و منبریان تهران، تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی در دانشکده معقول و منقول و دانش‌سرا در تهران به پایان رساند. تحصیلات حوزوی‌اش را در زمینه‌های فقه، حکمت، و عرفان نزد پدرش سیدمحمدباقر فاضل جندقی، محمود شهابی، سیدکاظم عصار، میرزامهدی آشتیانی، و الهی قمشه‌ای فراگرفت. وی مدت ۲۵ سال در وزارت فرهنگ به تدریس پرداخت و بیش از پنجاه سال در تهران به منبر و ارشاد عموم اشتغال داشت. مجموعه سروده‌های سیدمجتبی میرفخرایی جندقی در زمینه تاریخ اسلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مناقب و فضایل خاندان عترت با عنوان *سیمای رسول‌الله* منتشر شده است. (سیدمرتضی میرفخرایی جندقی، *سیمای رسول‌الله*، تلخیص از ص ۹-۱۸).

هست با تابناکی آیینه‌اش　　تا شود وحی حق معاینه‌اش
چون خدیجه جمال احمد دید　　در جمالش کمال ایزد دید
لیک راه عبور آن‌همه نور　　بود چشمان روشن آن هور
که ز چشمان او بچشم امین　　می‌شد آن نور پاک جایگزین
دیده را به دیده‌اش وا کرد　　عالم غیب را تماشا کرد[۱]

یکی از بارزترین ویژگی‌هایی که شاعر در این ابیات برای حضرت خدیجه علیهاالسلام برشمرده، توانایی او در درک حقیقت است. درک حقیقت و واقعیت نیز به سبب کمال نهفته در وجود آن بانوست. حضرت خدیجه علیهاالسلام کمال الهی را در جمال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌بیند و برای دست یافتن به مرام و مقصود همسرش که همان تحقق یکتاپرستی است، از تمام دارایی خویش می‌گذرد و در این راه جان‌فشانی می‌کند. در نگاه شاعر، حضرت خدیجه به سبب داشتن طینت پاک و آراسته بودن به درک نور رحمت (یگانه‌پرستی)، توانست نور حقیقی را از چشمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بخواند و عالم غیب را بنگرد.

۱۰. سرچشمه کوثر

حضرت خدیجه علیهاالسلام سرچشمه کوثر، عنوان یکی از غزلیات شاعر آیینی سیدرضا مؤیّد خراسانی[۲] است. شاعر در این غزل با نگاه نازک خیالانه، حیات جاودانه و خدمات فراموش‌ناشدنی آن بانو را با زبان شعری این‌گونه بیان می‌کند.

خیمه عشق را عمود تویی　　صفت مهر را نمود تویی

---

۱. همان، تلخیص از ص ۲۶۴-۲۶۸.

۲. سیدرضا مؤید خراسانی در سال ۱۳۲۱ شمسی در مشهد به دنیا آمد. وی عضو شورای شعر انجمن ادبی رضوی مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی است. مؤید در سرودن شعر، به ویژه اشعار مذهبی دارای قریحه سیال و روان است؛ به نحوی که آیات و روایات به همراه سیر زندگی اهل‌بیت و داستان‌های تاریخی در شعرهای وی بسیار به چشم می‌خورد. سروده‌های وی در موضوعات: مدح و منقبت اهل‌بیت علیهم‌السلام، مضامین انقلابی، حماسه‌های دفاع مقدس است. ازآثار او می‌توان به: *گل‌های اشک*، *جلوه‌های رسالت*، *نغمه‌های ولایت*، *سفینه‌های نور*، *چکامه عشق* و *باران نور* اشاره کرد. (زندگی‌نامه سیدرضا موید خراسانی، مندرج در: *وب‌سایت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی*، http://aqart.ir).

در کنـــار تـمـامـی رحـمـت — مـظـهـری بـرتـمـام وجـود تـویـی
فـاطـمـه گـوهـروجـــود بـود — مـخـزن گـوهـروجـــود تـویـی
اولـیـن زن کـه از لـبـان رسـول — سـخـن وحـی را شـنـود تـویـی
اولـیـن زن کـه بـا رسـول خـدا — بـه رکـوع آمـد و سـجـود تـویـی
بـا سـلام پـیـمـبـری بـه رخـش — اولـیـن کـس کـه درگـشـود تـویـی
مـادری کـه چـهـارقـابـلـه‌اش — آمـد از آسـمـان فـرود تـویـی
آن‌کـه بـا جـبـرئـیـل درهـروحـی — آمـدش از خـدا درود تـویـی
مـنـعـمـی را کـه بـا تـهـی‌دسـتـی — کـردگـارش بـیـازمـود تـویـی
آن‌کـه در خـانـه بـود و یـک‌دم هم — غـافـل از رهـبـرش نـبـود تـویـی
بـاغـبـانـی کـه شـد گـل یـاسـش — بـیـن دیـوار و در کـبـود تـویـی
بـه عـلـی و مـحـمـد و زهـرا — اشـفـعـی یـا خـدیـجـة الـغـرا[1]

از مهم‌ترین فضایل و مناقبی که در این غزل برای حضرت خدیجه می‌توان برشمرد، مظهر تام بودن و منبع گوهر وجودی فاطمه زهرا علیهاالسلام، اولین زنی که کلام وحی را از زبان مبارک نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنید، اولین زن که به همراه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نماز گزارد و محبت و پایداری او نسبت به نبی رحمت است.

۱۱. گمشده

گمشده عنوان غزلی است که محمدکاظم کاظمی[2] شاعر نام‌آشنای معاصر

۱. سیدرضا موئید، *باران نور*، ص ۳۶۳.
۲. محمدکاظم کاظمی فرزند حاجی محمد کاظم در سال ۱۳۴۶ شمسی در خانواده نسبتاً متوسط و نام‌دار در عرصه فرهنگ و ادب در شهرهرات به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دبیرستان را در هرات و کابل سپری نمود. پس از به پایان رساندن دبیرستان در سال ۱۳۶۳ به دلیل حاکمیت کمونیست‌ها برافغانستان و اوضاع سخت دینی و مذهبی، وی به همراه خانواده به ایران کوچید. با سکونت در شهرمشهد، دوره کارشناسی را در رشته مهندسی عمران در دانشگاه فردوسی گذراند. کاظمی هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه و پس از آن تاکنون با نشریات و نهادهای فرهنگی و ادبی افغانستانی و ایرانی مختلف هم‌کاری داشته است. (احمدشاه فرزان، *افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان*، ص ۱۲۳-۱۲۵)
وی علاوه برسرایش شعر، در زمینه‌های آموزش شعر، نقد شعر، نویسندگی، ویرایش کتاب و مقاله فعالیت داشته است. وی به تازگی عضو ناپیوسته فرهنگستان زبان فارسی ایران شده و بیش از ده اثر در زمینه شعر

افغانستان آن را در شب وفات حضرت خدیجه کبری ﷺ سروده است. کاظمی در این غزل، نخست گفت‌گوی میان پیامبر اکرم ﷺ و بی‌بی خدیجه کبری ﷺ را به تصویر کشیده، سپس به مسائلی چون جان‌فشانی آن بی‌بی در راه خدا و رسول خدا، رحلت جان‌گداز و سوزوگداز پیامبر ﷺ در فراق یار دلسوزش و مقام و مظلومیت حضرت فاطمه زهرا ﷺ اشاره می‌کند.

تن و جان و سر و مالم به فدای قدمت
ای شریک دو جهانم! کم ما و کرمت
از تماشای چه گلزار فراز آمده‌ای؟
بوی گل می‌دهد امروز، دم و بازدمت
دست تنهای بشر! دست مرا هم بپذیر
و از این دست، مبادا برسد هیچ غمت
شعب دلخواه! من و رنج مرا دربرگیر
شهر گمراه! تو خوش باش به سنگ و صنمت
کفنی نیست اگر، پیرهن دوست که هست
مرگ محتوم! بیا، با دل و جان می‌خرمت
دخترم! بخت تو خوش باد که تا دامن حشر
عالَمی سینه‌زنانند به گِرد علمت
من میان دل مردان و زنان گم شده‌ام
از تو گم گشته اگر سنگ مزار و حرمت.[1]

در لابه‌لای این ابیات، دو نکته مهم از جان‌فشانی‌های حضرت خدیجه ﷺ را می‌توان دریافت:

و ادبیات منتشر ساخته است. *گزیده غزلیات بیدل*، *مرقع صدرنگ*، *کلید در باز*، *شمشیر و جغرافیا*، *کفران*، *پیاده آمده بودم*، و *روزنه*، نمونه آثار کاظمی است که تاکنون منتشر شده است. وی بیش‌ترین کتاب‌های انتشارات عرفان در تهران، و مجموعه آثار دکتر علی شریعتی را ویراستاری کرده است. (*وبلاگ محمد کاظم کاظمی*: http://mkkazemi.persianblog.ir)

۱. همان.

اول: حضرت خدیجه علیهاالسلام از ثروتمندان حجاز بود و پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آغاز رسالت، تمام ثروت خویش را در راه گسترش توحید و فراگیر شدن دین اسلام به مصرف رساند و حامی مالی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مسلمانان گردید.[۱] بیت «تن و جان و سر و مالم به فدای قدمت- ای شریک دو جهانم! کم ما و کرمت»، به همین نکته اشاره دارد.

دوم: ماجرای نزول فرشته وحی برای نخستین بار بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. این مسإله در روز ۲۷ ماه رجب، در چهل‌سالگی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رخ داد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طبق روال همیشگی در غار حرا مشغول عبادت و نیایش خداوند بودند که جبرئیل امین بر ایشان نازل شد و نخستین آیات سوره مبارکه علق[۲] را بر ایشان نازل کرد.[۳]

تغییر حالات روحی و معنوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از نزول فرشته وحی برای نخستین‌بار با آن‌چه پیش از این در عبادت با خداوند برایشان رخ می‌داد، متفاوت بود. بر همین اساس، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از بازگشت از غار حرا، ماجرا را با همسر دانا و مهربانش در میان گذاشتند و او با مشاهده حالات روحی ایشان، دریافت که حقیقت مهم که همان برانگیخته شدن ایشان به رسالت بود تحقق یافته است.[۴] بیت «از تماشای چه گلزار فراز آمده‌ای؟ بوی گل می‌دهد امروز، دم و بازدمت»، به نزول فرشته وحی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معطر شدن ایشان به عطر رسالت و نبوت از زبان حضرت خدیجه علیهاالسلام حکایت دارد.

۱۲. تکیه‌گاه خاتم پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

مثنوی *(ای تکیه گه ختم رسل نخل وجودت)*، اثر شاعر و ذاکر اهل بیت عصمت

---

۱. مجلسی، *پیشین*، ج ۴۳، ص ۳۶.
۲. *سوره مبارکه علق*، آیات ۱-۶.
۳. مجلسی، *پیشین*، ج ۱۶، ص ۱۱.
۴. گروهی از نویسندگان، *همسر آفتاب*، ص ۲۹.

و طهارت غلامرضا سازگار «میثم»[۱] است که آن را از بهترین سروده‌ها در معرفی شخصیت، فضایل و مناقب و خدمات حضرت خدیجه علیهاالسلام را در راه اسلام و پیامبر رحمت می‌توان برشمرد. در بخش‌های از این ابیات چنین آمده است:

ای قامت مردان جهان خم به سجودت
ای تکیه‌گه ختم رسل نخل وجودت
ای مکه ز خاک قدمت خلد مخلّد
ای عصمت معبود و امید دل احمد
آن‌روز که افتاد خزان در چمن تو
پرزد به جنان طوطی روح از بدن تو
تا بوی گل احمدی آید ز تن تو
شد جامهٔ پیغمبراکرم کفن تو
با مرگ تو آغاز شد ای عصمت سرمد
بی‌مادری فاطمه، تنهایی احمد
بردار سر از خاک و ببین همسر خود را
بنگر هدف سنگ سر شوهر خود را
بازآ و ببین اشک‌فشان دختر خود را
برگیر به بر دختر بی‌مادر خود را
بی‌روی تو گردون به نظر تیره چو دود است
برخیز که بی‌مادری فاطمه زود است
برخیز که بر ختم رسل فخر زمانه

۱. استاد غلامرضا سازگار (میثم) در سال ۱۳۲۰ شمسی در قم به دنیا آمد. وی در دوران کودکی با حضور در مجالس عزای اهل‌بیت عصمت و طهارت به شعر و مرثیه‌سرایی آیینی علاقه‌مند گردید. سازگار در حال حاضر از مرثیه‌سرایان و از ذاکران نام‌دار اهل‌بیت علیهم‌السلام در ایران به حساب می‌آید. مجموعه سروده‌های آیینی استاد سازگار با عنوان *نخل میثم* منتشر شده است. (زندگی‌نامه استاد غلامرضا سازگار «میثم»، مندرج در: *پایگاه اطلاع رسانی نخل میثم*: nakhlemeysam.ir).

خانه شده غم خانه‌ای بانوی خانه[۱]

شاعر در این ابیات، از شدت علاقه رسول مکرم اسلام ﷺ به حضرت خدیجه علیهاالسلام سخن به میان آورده است. همان‌گونه که آن بانو به رسول اکرم ﷺ عشق و علاقه وافر داشت و جدا از فداکاری‌هایی که در راه دین و رسالت انجام داد، برای حضرت محمد ﷺ همسری بسیار مهربان و فداکار بود. پیامبر اکرم ﷺ نیز به آن بی‌بی عشق و علاقه فراوان داشتند.

پس از رحلت جانکاه خدیجه کبری علیهاالسلام در سال دهم بعثت در مکه مکرمه، پیامبر اکرم ﷺ در سوگ او که سه روز پس از وفات حضرت ابوطالب رخ داد، بسیار اندوهناک شدند؛[۲] زیرا فراق آن بانو، غم بزرگی بود که تحمل آن برای پیامبر ﷺ و حضرت زهرا علیهاالسلام بی‌نهایت سنگین بود. از این به بعد، پیامبر ﷺ تکیه‌گاهی نداشتند که دردهای تبلیغ راه خدا را با او در میان بگذارند.

۱۳. بانوی دین و دنیا

شاعر و ذاکر اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام عباس عنقا تهرانی[۳] در غزلی که آن را در وصف حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام سروده، ایشان را بانوی دین و دنیا وصف کرده است. وی در این غزل، به برخی از ویژگی‌ها و فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیهاالسلام اشاره نموده که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

بزرگ بانوی اسلام و دین و دنیا بود

---

۱. همان.

۲. احمد صادقی اردستانی، *پیشین*، ص ۶۷.

۳. عباس عنقا تهرانی در سال ۱۳۲۹ شمسی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به شعر و ادبیات مذهبی در تهران به دنیا آمد و رشد یافت. به همین جهت وی به سرایش شعر آیینی و مذهبی علاقه‌مند شد. وی علاوه بر سرودن شعر، به ردیف‌خوانی آواز و مداحی اهل بیت علیهم‌السلام نیز فعالیت داشته است. عنقا هم‌اکنون دبیر انجمن نغمه‌سرایان مذهبی شرق تهران است. اشعار چاپ‌شده وی بیش‌تر مذهبی و در قالب‌های: دوبیتی، رباعی، غزل و مثنوی است. وی علاوه بر شعر مذهبی و آیینی، اشعاری در موضوع: شهیدان، آزادگان، و دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران سروده که در مجله پیام انقلاب منتشر شده است. *برگ سبز*، *طلوع دو خورشید*، *گلبرگ*، *گل سرخ*، *زمزمه‌های دلجو* و *اشک و خون* دفترهای شعری اوست. (زندگی‌نامه عباس عنقا تهرانی، مندرج در: *وبلاگ یالثارات الحسین* علیه‌السلام: .www madahanmosahebe.blogsky.com).

نهال دیـن حق، از همتش برومند است
سلام حق به خدیجه، امین به احمد داد
نگر مقام خدیجه، به پیش حق چند است
بـه دامـنـش بـه جـهـان، پـرورانـده زهـرا را
که قلب کون و مکان، زین ودیعه خرسند است
شـرف ز احـمـد و زهـرا و مـرتـضـی دارد
کـه قـدر و مـنـزلـت او، رهـیـن فـرزنـد اسـت
اگرچه شعر و سخن در زمانه بسیار است
کلام و مدحت «عنقا» به کام ما قند است[1]

از مهم‌تریـن فضایـل حضـرت خدیجه کبـری ؟عها؟ کـه در ایـن ابیات بـه آن تأکید شـده، درود خداونـد بـه آن بانوسـت کـه از طریـق جبرئیـل امیـن بـه پیامبـر اکـرم ؟ص؟ و از آن حضـرت بـه آن بانـو رسـیده اسـت. از دیـدگاه شـاعر، ایـن مقـام بزرگـی اسـت کـه حضـرت خدیجـه ؟عها؟ در پیشـگاه خداونـد دارد. امـام باقـر ؟ع؟ بـه حمـران، زراره و محمدبـن مسـلم فرموده‌انـد:

رسـول خـدا ؟ص؟ فرمـود: «شـبی کـه در معـراج بـودم، هنـگام بازگشـت از سـفر روحانـی، بـه جبریـل گفتـم: ای جبرئیـل، آیـا حاجتـی داری؟» جبرئیـل پاسـخ داد: «حاجـت مـن ایـن اسـت کـه از طـرف خـدا و مـن، بـه خدیجـه ؟عها؟ سـلام برسـانی». چـون رسـول خـدا ؟ص؟ پیغـام جبرئیـل را بـه خدیجـه رسـانیدند، آن حضـرت پاسـخ داد: «همانـا خـدا سـلام اسـت و سـلام از اوسـت و سـلام بـه سـوی اوسـت و بـر جبرئیـل سـلام بـاد!»[2]

۱۴. رهاتر از نسیم

غـزل *رهاتـر از نسـیم* اثـر شـاعر انقلابـی معاصـر، خانـم سـمین‌دخت وحیـدی[3] اسـت

---

۱. میرسید حجت موحد ابطحی، *یادواره بزرگداشت خدیجه کبری*، ص ۲۱۱.
۲. همان، ص ۱۵۱-۱۵۲ به نقل از مجلسی، *پیشین*، ج ۱۸، ص ۳۸۵.
۳. سیمین‌دخت وحیدی در اسفند سال ۱۳۱۲ در جهرم به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلاتش همان جا

که در آن عنصر خیال و عاطفه موج می‌زند. شاعر در این غزل، شمایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام را با واژگان عاطفی و نگاه رمانتیک این‌گونه به تصویر می‌کشد:

مقصدت کجاست ای پرنده، ای پرندهٔ صبور
ای گشوده بال تا همیشه، ای همیشه در عبور
سایه تو بر زلال آب سال‌هاست می‌رود
روی دست موج‌ها، روی دوش کوهی از بلور
باورم نمی‌شود که پرشکسته باشی و غمین
این‌چنین که می‌روی و بال می‌زنی به شوق و شور
ای هزار و چارصد بهار فاصله، به هر بهار
می‌کند هنوز هم مدینه قصهٔ تو را مرور
کافران هنوز هم به شانه تو سنگ می‌زنند
آه ای رهاتر از نسیم، ای لطیف‌تر ز نور
ای گلی که تا همیشه عطر خاطر محمدی
مادر بهار! اولین یقین! قصیدهٔ شعور
تا همیشه جاری از فرازهای سبز بی‌فرود
مقصدت خداست، ای پرنده، ای پرندهٔ صبور[1]

شاعر با استفاده از استعاره و تشبیه خدیجه علیها السلام را در این غزل، به پرنده‌ای تشبیه می‌کند که همیشه در حال پرواز است و مقصد نهایی این پرنده، رسیدن

گذرانـد و دیپلم ادبی گرفت. وی از سال ۱۳۲۹ به شعر روی آورد و شعرهایش پس از پیروزی انقلاب ایران تاکنون به صورت پراکنده در نشریات و مجموعه‌های شعری مختلف گردآوری شده و انتشار یافته است. وی قبل از انقلاب اسلامی ایران فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری داشته و پس از انقلاب اسلامی نیز در حوزه شعر مقاومت و دفاع مقدس از پیش‌گامان این عرصه است شعرهای سیمین‌دخت وحیدی همگی در قالب کلاسیک و بیش‌تر به غزل متمایل است. وی انجمن شعر ویژه زنان شاعر را تأسیس نموده و جلسات هفتگی انجمن را در منزل مسکونی خویش اداره و سرپرستی کرده است. (*زندگی‌نامه و فعالیت‌های سمین دخت وحیدی*، مندرج در: *وب‌سایت صبح هنر*: http://sobhehonar.ir).

۱. محمد صحّتی سردرودی، *پیشین*، ص ۱۲۹ به نقل از سمین‌دخت وحیدی، *مجموعه شعری موج‌های بی قرار*، ص ۱۲۲.

به پیشگاه خداوند است که با صبر و پایداری بدان دست می‌یابد. پرواز، کنایه از زحمات او در راه انتشار رسالت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و سایه، کنایه از نقش خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام است که همانند آب زلال، قرن‌هاست جریان دارد. موج نیز کنایه از حوادث تاریخی است که چهره درخشان حضرت خدیجه علیها السلام در آن هویداست. در نگاه شاعر، حضرت خدیجه علیها السلام مانند پرنده‌ای پرشکسته است که برای رسیدن به هدف خویش، چنان پرواز می‌نماید که انسان باور نمی‌کند پر او شکسته باشد. این تعبیر، کنایه از بردباری این بانوی بزرگ است که در دفاع از همسر و سرور خویش هرگز دست نکشید. شاعر در هنرپردازی شعری‌اش، خدیجه علیها السلام را لطیف‌تر از نور و رهاتر از نسیمی می‌داند که سنگ‌ها و کنایه‌های کافران، اثری در نابودی این نور و نسیم پاک ندارد.

۱۵. بانوی ایثار

از خدا بر تو سلام آورده جبریل امین
ای خدیجه بانوی ایثار و خاتون یقین
هم‌طراز هاجر و حوا و مریم در مقام
خرمن فیض و کمالت را ملائک خوشه‌چین
در سخاوت گوی سبقت برده‌ای از آفتاب
در طواف تربتت خورشید می‌بوسد زمین
روز سختی‌ها شدی سنگ صبور مصطفی
خاتم پیغمبران را نام تو نقش یقین
سینه‌ات شد گوهر ناب ولایت را صدف
مادر امّ ابیهایی و ام‌المؤمنین
ریختی در پای پیغمبر، تمام هست خویش
چشم عالم خیره بر این عشق پاک و راستین
شمع جانت آب شد در التهاب دردها

ساختی با غصه‌ها، تا سوختی در پای دین
پنجه شِعب ابی‌طالب، گلویت را فشرد
پر کشیدی تا خدا، در باغ فردوس برین
غربت و بی‌مادری، بر دوش او آوار شد
فاطمه بعد از تو تنها ماند، با قلبی حزین
سال مرگت را رسول‌الله عام‌الحزن خواند
بسکه سنگین بود داغت بر دل حبل المتین[۱]

محمود شریفی کاشانی «کمیل»،[۲] سراینده این غزل است. نکته نابی که این شاعر درباره حضرت خدیجه علیها السلام در این غزل به آن اشاره نموده، مقام بزرگ و رفیع آن بانو در پیشگاه خداوند است. حضرت خدیجه علیها السلام، حوا، هاجر و مریم چهار زن برگزیده جهان به شمار می‌آیند. البته در برخی روایات، چهار زن شامل خدیجه بنت خویلد علیها السلام، فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) برگزیده شده‌اند.[۳]

۱۶. مادر و شفیع امت

دو بیتی‌های ذیل، اثر شاعر جوان معاصر یوسف رحیمی[۴] است که به

۱. میرسید حجت موحد ابطحی، *پیشین*، ص ۲۱۴.

۲. محمود شریفی متخلص به کمیل کاشانی در سال ۱۳۵۰ شمسی در شهر کاشان به دنیا آمد. وی تحصیلاتش را در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی گذارند. در حال حاضر مشغول به تحصیل علوم دینی است. کمیل کاشانی از شاعران جوان آیینی و آزاد است. مجموعه آثار منتشرشده از وی در زمینه شعر آیینی و آزاد دفترهای ذیل است. *شعر نینوای ناله*، *مشهد آئینه ها*، *ناله‌های سوخته*، *ناله‌های زهرایی*، *ناله‌های پریشان*، *کربلایی دیگر*، *غریبانه* (۴ جلد)، *یک سجده دیدار*، *قبیله قبله*، *از نسل پرستوها*، *ما چون مسافریم*، *یاد آن روزها که زود گذشت*، *زمزمه‌های شعله‌ور*، دوباره محرم و چند جلد شعر کودکان. (*وبلاگ کمیل کاشانی*: http://komailkashani.blogfa.com).

۳. گروهی از نویسندگان، *همسر آفتاب*، ص ۳۴، به نقل از مجلسی، *پیشین*، ج ۱۳، ص ۱۶۲.

۴. یوسف رحیمی شاعر آیینی و از طلاب جوان حوزه علمیه قم است. از وی تا کنون نه دفتر شعر آیینی با عناوینی چون: *زخم سیب*، *نود پنج روز باران*، *تا کربلا*، *محراب شکسته*، *پنجره‌ای رو به اجابت*، *نور علی*، *شلمچه کربلا*، *از حرم تا بهشت*، منتشر شده است. (*وبلاگ کاروان دل «یوسف رحیمی»*: www.karavanedel.blogfa.com).

شخصیت حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام از زوایایی چون: همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مادر بودن برای زهرای اطهر علیهاالسلام، مادر بودن برای مؤمنان، یار وفادار بودن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سختی‌ها، و پشتیبان دین بودن نگریسته شده است:

نبوت را نگینی یا خدیجه / شفاعت آفرینی یا خدیجه
برایم مادری کن روز محشر / توام المؤمنینی یا خدیجه

***

تو داری آن چنان حق عظیمی / که در ایمان و دین ما سهیمی
نه تنها دخترت! بعد از تو دیدند / مسلمانان همه داغ یتیمی

***

نگاهت از غمی جانکاه می‌گفت / ز صدها داغ با هر آه می‌گفت
میان کوچه خالی بود جایت / که زهرای تو «وا اُماه» می‌گفت[1]

شاعر با شناختی که از خدیجه کبری علیهاالسلام دارد، این بانوی بزرگ را شفیع خویش در روز محشر خطاب می‌کند. در باور شاعر، حضرت خدیجه علیهاالسلام در آخرین لحظات عمر از سختی‌های جانکاه حکایت می‌کرد که مظلومیت‌های دخترش زهرای اطهر علیهاالسلام در این نگاه‌ها ریشه دارد.

۱۷. گل باغ بهشت

گل باغ بهشت عنوان سروده شاعر آیینی کنونی عباس براتی‌پور[2] است که آن را

---

۱. همان.

۲. عباسعلی براتی‌پور معروف به (عباس براتی‌پور) متولد سال ۱۳۲۲ شمسی در تهران، از اواخر دوران تحصیل در دبیرستان به شعر و ادبیات روی آورد. از سال ۱۳۳۸ که به عضویت کتاب‌خانه مجلس شورای ملی (آن زمان) رآمد پژوهش‌های ادبی و سرودن شعر را به صورت جدی‌تری دنبال نمود. وی در دوران تحصیل در خارج ایران نیز از سرودن شعر غافل نبود. وی درسال ۱۳۶۰ با حوزه هنری آستان قدس رضوی آشنا شد و از سال ۱۳۶۸ تاکنون اداره جلسات نقد و بررسی شعر این مرکز فرهنگی هنری را بر عهده دارد. دبیری کانون شاعران بنیاد جانبازان به مدت شش سال، عضویت شورای شعر وزارت ارشاد در استان تهران، و داوری مسابقات شعر در سطح کشوری، از جمله فعالیت‌های وی است. از سال ۱۳۶۹ تاکنون مجموعه‌های

در بیان فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها‌السلام سروده است.

ای چـراغ خـانـه شمس‌الیقیـن   آسـمـان حـلـم ختـم‌الـمرسلیـن
مـهـرتـابـان شـبـسـتـان وجـود   مـظـهـر احـسـان خـلاق ودود
اسـوه ایـثـار و تـقـوا و شـرف   گوهر عشق و فضیلت را صدف
هـمـسـرفـرخـنـده خـتـم رسـل   یـاور و یـار پـیـمـبر، عـقـل کـل
مـونـس دل، مـحـرم راز رسـول   مـادر والای زهـرای بـتـول
افـتـخـار بـانـوان عـالـمـی   پـاک‌دامـن هـم‌چـوجـان مریمی
نیست کس چون تـوبه آییـن وفا   غـمـگـسـار دردهـای مصطفی
سـیّـده بـانـوی نـسـتـوه قـریش   از تـبـار پـاک و بـشـکـوه قـریش
اولـیـن مـؤمـن بـه دیـن مصطفی   آیت بدرالدجی، شمس الضحی
مظـهـرصـبـرو کـرامـت بـوده‌ای   چشمه‌سار استقامت بـوده‌ای
گـاه در شعـب ابـی‌طـالـب مقیم   گـاه از تـیـر مـلامـت دل دونـیـم
هرجه بودت داده‌ای در راه دوست   نقد جان در راه جانان بس نکوست
آیـت کـبـرای حـق نـورمبیـن   مـظـهـر ایـمـان و ام‌الـمـؤمـنـیـن
ای خدیجه، ای گل بـاغ بهشت   ای خدایـی بـانـوی نیکو سرشت[1]

شاعر در این سروده، از سه زاویه به سوژه شعری‌اش نگاه انداخته است:

اول، تبیین صفات اکتسابی آن بانو مانند چراغ خانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آسمان بردباری، مهر تابان، مظهر احسان، الگوی فداکاری، گوهر عشق و...؛

دوم، اشاره به زحمات و خدمات ایشان مانند یار و یاور پیامبر که عقل کل بشریت بوده و همراهی با چنین وجود نازنینی، بزرگ‌ترین افتخار است که برای هرکسی میسر نیست. خدیجه علیها‌السلام نه‌تنها فقط یار و یاور آن حضرت، بلکه مونس

شعری: *بهت نگاه، وعده دیدار، عطش عشق، داغ تشنگی، سوار مشرقی، درساحل علقمه، ماه درفرات، برجبین صبح* را منتشر ساخته است. (*وب‌سایت موئسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی*: http://aqart.ir/ArtistDetail.aspx?ID=82).

۱. محمد صحّتی سردرودی، *پیشین*، ص ۱۲۴ و ۱۲۵ به نقل از عباس براتی پور، *مجموعه شعری دل و دریار*، ص ۱۱۴.

و محرم رازهای عقل کل بشریت بود.

سوم، اشاره به این‌که این بانوی بزرگ، در راه رسیدن به حقیقت بندگی و انتشار پیام توحید، همه دار و ندار خویش را فدا نمود و بدین سبب به مقام مظهر ایمان و مادر مؤمنان دست یافت.

نتیجه

۱. حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام از زنان نام‌دار جهان بود، که در سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام، به پاکی طینت، زهد، تقوا و پاک‌دامنی ایشان تأکید شده است. به دلیل خدمات شایانی که در راه گسترش اسلام انجام داد، جزء چهار زن برتر جهان در پیشگاه خداوند قرار گرفت. او تا زمان رحلت، در تمامی سختی‌ها و مرارت‌های نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یار و یاور ایشان بود.

۲. از مهم‌ترین فضایل این بانوی بزرگ که در تاریخ اسلام امر مسلم به حساب می‌آید، سبقت ایشان در ایمان، سعی و تلاش در حمایت‌های اقتصادی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و یار و یاور بودن برای ایشان در سختی‌ها، مادر بودن برای حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، و برترین زن جهان در فضیلت و جایگاه است. از این جهت در منابع تاریخی، روایی، تفسیری و ادبی، فضایل و مناقب فراوان برای آن بانو برشمرده‌اند.

۳. شعر و ادب فارسی که خود دارای مؤلفه‌ها و بخش‌های گوناگون است، یکی از عرصه‌های توصیف شخصیت‌های برجسته تاریخ به شمار می‌آید. حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام از جمله شخصیت‌های برجسته تاریخ است که سیمای نورانی‌اش در شعر و ادب فارسی بازتاب یافته است. شاعران فارسی‌سرای معاصر، با مرور تاریخ و روایات، کوشیدند تا زندگی، شخصیت، فضایل و مناقب آن بانو را با رویکردهای متفاوت در قالب‌های شعری گوناگون به تصویر بکشند. از میان رویکردهای مختلف شعری، به دو رویکرد در این نوشتار پرداختیم:

در رویکرد نخست، برخی از شاعران، به حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام به عنوان

الگوی شاخص برای ترغیب ممدوحشان توجه کرده‌اند، تا از این طریق، ممدوح خویش را به الگوگیری از ایشان و روی آوردن به صفات نیک ایشان ترغیب کنند.

در رویکرد دوم که رویکرد غالب بود و سروده‌های آیینی را شامل می‌شد، شاعران با در نظر گرفتن گوشه‌هایی از حیات طیبه و جاودانه این بانوی بزرگ، فضایل و مناقب و مصائب‌اش را به شعر درآوردند و ایشان را به عنوان شخصیت محوری دانسته‌اند که در شکل‌گیری، پیشرفت و امتداد دین اسلام نقش اساسی داشته و نزد خداوند، پیامبر ﷺ، و اهل‌بیت عصمت و طهارت دارای جایگاه ویژه بوده‌اند.

۴. شاعران آیینی که در این نوشتار سروده‌های ایشان را درباره حضرت خدیجه ﷺ بازخوانی کردیم، در ضمن این‌که اشاره‌های مشابه و مشترکی به فضایل و مناقب این بانوی بزرگ داشته‌اند، در عین حال از زاویه‌های متفاوت نیز به توصیف و برشماری مناقب و فضایل ایشان پرداخته‌اند. این زاویه دید در مواردی با خیال‌پردازی شاعرانه و با به کارگرفتن استعاره و تشبیه همراه بوده است. برخی از شاعران، از آن‌جایی که جایگاه حضرت خدیجه ﷺ را نزد خداوند، پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ رفیع دریافته‌اند، او را با صفاتی چون: مادر امت، سرچشمه کوثر، نگین نبوت، برترین زن، زینت‌بخش روزگار و شفیع و مددگار خویشتن خطاب کرده‌اند.

منابع

قرآن.

۱. ابن‌اثیر، عزالدین، ***الکامل فی التاریخ***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الرابعه، ۱۴۱۴ ق.

۲. احمدی گیوی حسن و دیگران، ***زبان و نگارش فارسی***، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۹ ش.

۳. اندلسی، ابن‌حزم، ***جوامع السیرة و خمس رسائل اخری***، تحقیق و مراجعه: الدکتور احسان عباس، الدکتور ناصرالدین الاسد، احمد محمود شاکر، دارالمعارف، مصر، بی‌تا.

۴. پورپیراشته، محمد محمود، ***نقش ام‌المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، نیمسال دوم ۱۳۷۷-۷۸ ش.

۵. خاقانی، افضل الدین بدیل، ***دیوان اشعار***، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، چ ۹، ۱۳۸۸ ش.

۶. رحمت‌آبادی، اعظم، ***مدخل حضرت خدیجه***، مندرج در: دانشنامه فاطمی، زیر نظر علی‌اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۹۳ ش.

۷. زبیری، ابی عبدالله المصعب بن عبدالله بن المصعب، ***نسب قریش***، دارالمعارف للطباعة و النشر، بی‌تا.

۸. زینی دحلان، السید احمد، ***السیرة النبویة و الآثار المحمدیة***، بیروت، المکتبة الاسلامیه، بی‌تا.

۹. ژولیده نیشابوری، ***ای چشم‌ها بگریید اشعار مذهبی***، با مقدمه استاد محمدباقر صدرا، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۷۸ ش.

۱۰. سنایی، مجدود بن آدم، ***حدیقة الحقیقه***، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چ ۶، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۱۱. سهیلی، عبدالرحمان، *الروض الانف فی شرح السیره النبویه لابن هشام*، تحقیق، تعلیق، و شرح: عبدالرحمان الوکیل، دارالکتب الحدیثة، بی‌تا.
۱۲. صادقی اردستانی، احمد، *حضرت محمد* صلی الله علیه و آله و سلم *و خدیجه* علیها السلام، انتشارات فجر قرآن، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. صالح، صبحی، *ضبط النص، و ابتکار الفهارس العلمیه للنهج البلاغة*، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
۱۴. صحتی سردرودی، محمد، *فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت*، انتشارات پرتو خورشید، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. طبرسی، امین الدین، *اعلام الوری فی اعلام الهدی*، دار المعرفة للطباعة و النشر، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
۱۶. طبری، ابن الجریر، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار سویدان، بیروت: ۱۳۸۷ ق.
۱۷. فرزان، احمدشاه، *افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان*، آهنگ قلم، مشهد، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. کرمی فریدنی، علی، *فروغ آسمان حجاز خدیجه* علیها السلام، نسیم انتظار (حاذق)، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. کلبی، ابی المنذر هشام، *جمهرة النسب*، تحقیق: الدکتور ناجی حسن، مکتبة النهضة العربیه، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. گروهی از نویسندگان، *همسر آفتاب*، کتاب طه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. گلابی، محمد، *سیمای یاران حضرت رسول در متون ادبی و عرفانی*، انتشارات مرسل، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۲۲. مجاهدی پروانه، محمدعلی، *سیری در قلمرو شعر نبوی* صلی الله علیه و آله و سلم، معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم السلام، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. مجاهدی، محمدعلی، *کاروان شعر عاشورا*، پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۶ ش.

۲۴. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، الطبعة الثانیه المصححه، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۲۵. محرابی، اکرم، *زندگی نامه شاعران ایرانی*، انتشارات دل آگاه، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. محمدزاده، مرضیه، *دانشنامه شعر عاشورایی (انقلاب اسلامی در شعر شاعران عرب و عجم)*، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. موحدابطحی، میرسیدحجت، *یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری* علیها السلام، انتشارات یاران خدیجه کبری، اصفهان، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. مؤید، سیدرضا، *باران نور*، انتشارات آرام دل، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۲۹. میرفخرایی جندقی، سیدرضا، *سیمای رسول الله*، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۳۰. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۹ ق.

وب سایت ها و وبلاگ های اینترنتی

۳۱. *زندگی نامه استاد محمد عابد تبریزی*، مندرج در: وبلاگ عابد خلوت نشین انجمن ادبی استاد محمد عابد تبریزی، (دسترسی: ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش) http:// www.abedetabrizi.blogfa.com
۳۲. *زندگی نامه ژولیده نیشابوری*، مندرج در: وب سایت شبکه اینترنتی آفتاب، (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): www.aftabir.com
۳۳. *زندگی نامه سیدرضا موئید خراسانی*، مندرج در: وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): aqart. .ir www
۳۴. *زندگی نامه عباس عنقا تهرانی*، مندرج در: وبلاگ یالثارات الحسین علیه السلام، (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): madahanmosahebe.blogsky.com www.

۳۵. *زندگی‌نامه علی‌اکبر خوش‌دل تهرانی*، مندرج در: وب‌سایت راسخون،: (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): http://rasekhoon.net/mashahir/show/۵۹۲۴۳۷

۳۶. *زندگی‌نامه محمود کمیل کاشانی*، مندرج در: وبلاگ کمیل کاشانی، (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): http://komailkashani.blogfa.com

۳۷. *زندگی‌نامه و رباعیات یوسف رحیمی درباره حضرت خدیجه* علیها السلام، مندرج در: وبلاگ کاروان دل «یوسف رحیمی»، (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): www.karavanedel.blogfa.com

۳۸. *زندگی‌نامه و فعالیت‌های دکتر منصور امینی*، مندرج در: *روزنامه کیهان*، ش: ۱۸۵۵۹ تاریخ نشر: ۱۳۸۵/۴/۱۵ ش، ص ۱۱، بخش: شهرستان‌ها

۳۹. *زندگی‌نامه و فعالیت‌های سمین دخت وحیدی*، مندرج در: وب‌سایت صبح هنر، (دسترسی: ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش) http://sobhehonar.ir

۴۰. *زندگی‌نامه و فعالیت‌های عباس برات پور*، مندرج در: *وب‌سایت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی*، (دسترسی:۱۳۹۵/۸/۲۳ ش) http://aqart.ir/ArtistDetail.aspx?ID=۸۲)

۴۱. غلامرضا سازگار (میثم)، *پایگاه اطلاع‌رسانی نخل میثم*، (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): nakhlemeysam.ir

۴۲. محمدکاظم کاظمی، *گمشده (غزل نذر حضرت خدیجه «س»)*، مندرج در: وبلاگ محمدکاظم کاظمی، (دسترسی در ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش): mkkazemi.persianblog.ir

۴۳. وب‌سایت انجمن فرهنگی و هنری شیدا، *زندگی‌نامه و فعالیت‌های دکتر منصور امینی* (دسترسی در: ۱۳۹۵/۸/۲۳ ش) http://www.anjoman-sheida.com/info.php۷)

بررسی مقاله "خدیجه علیها السلام" در دائره‌المعارف قرآن لیدن

جعفر هوشیاری[۱]

محمدحسن زمانی[۲]

چکیده

خانم باربارا استواسر مقاله « خدیجه علیها السلام» را در دائره‌المعارف قرآن لیدن نگاشته که دارای نقاط قوت و ضعف است. کلیت مقاله، از شناخت ناکافی نویسنده از تاریخ اسلام، به ویژه زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام حکایت می‌کند. محتویات مقاله، نشان می‌دهد که نویسنده بیش‌تر با تکیه بر منابع اهل سنت و کم‌توجهی به آرا و منابع شیعی، اقدام به نگارش مقاله کرده است. عدم‌جامعیت منابع به‌عنوان ضعفی زیربنایی، باعث سوگیری در پژوهش، ایجاد پیش‌فرض و در نهایت باعث بروز ضعف‌های محتوایی متعددی شده است؛ از جمله عدم‌جامعیت در ذکر فضایل حضرت خدیجه علیها السلام، اغراق در مورد تقدم اسلام آن بانو بر حضرت علی علیه السلام، اغراق در نقش و جایگاه عایشه، بزرگ‌نمایی شخصیت و نقش ورقه بن نوفل در ابتدای بعثت و سیر آشنایی و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم. نقاط قوت مقاله عبارتند از: اذعان به تقوا، پاک‌دامنی، شرافت و ایثار حضرت خدیجه علیها السلام در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، هم‌نشینی با آسیه و مریم در بهشت و این‌که خداوند متعال ایشان را جزو زنان برگزیده آورده است.

---

۱. دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی و عضو گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی، Mah-deh1359@yahoo.com.

۲ . استادیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

واژگان کلیدی
دائره‌المعارف قرآن، لیدن، خدیجه علیها السلام، ورقه بن نوفل، باربارا استواسر.

مقدمه

اسلام به‌عنوان یک دین زنده، پویا و دارای قدرت نفوذ در میان جوامع و طرف‌داران ادیان دیگر، همیشه توجه دو دسته شرق‌شناسان منصف و مغرض را به خود جلب که حاصل آن تألیفات متعدد عرضه‌شده در دائره‌المعارف‌ها و مجلات علمی است. *دائره‌المعارف قرآن لیدن*[1] تنها بخشی از تلاش شرق‌شناسان است که نزدیک هفتصد مدخل به زبان انگلیسی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ میلادی در انتشارات بریل در لیدن هلند در پنج جلد چاپ و منتشرشده است. سرویراستار این مجموعه، خانم جین دمن مک اولیف[2]، استاد دانشگاه جرج‌تاون امریکاست و دیگر ویراستاران اصلی آن عبارتند از: کلود ژیلیو استاد دانشگاه اکس-آن - پروانس فرانسه، ویلیام گراهام استاد دانشگاه هاروارد و شیکاگو و اندرو ریپین استاد دانشگاه ویکتوریای کانادا. متصدیان این دائره‌المعارف کوشیده‌اند اثری نسبتاً جامع در حوزه مطالعات قرآنی پدید آورند.

خانم باربارا استواسر،[3] یکی از نویسندگان مقالات این دائره‌المعارف، شرق‌شناس و استاد زبان عربی در دانشکده ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون است. وی در فاصله سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۹ مدیر مرکز مطالعات معاصر عربی در همین دانشگاه بود و به مدت دو سال (۱۹۹۸ و ۱۹۹۱) نیز ریاست انجمن مطالعات خاورمیانه را بر عهده داشت. علاوه بر عضویت در انجمن‌های مختلف در حوزه مطالعات اسلامی، زنان و خاورمیانه، از جمله سرویراستاران دو مجله مهم خاورشناسی به نام‌های *جهان اسلام* و *خاورمیانه* است. وی در

---

1 . Encyclopaedia of the Quran.
2 . Jane Demmen Mco Auliffe.
3 . Barbara Freyer Stowasser.

مدت تحصیل خود، شاگرد افرادی چون: نجاتی لوغال در آنکارا، هلموت ریتر در فرانکفورت آلمان، فون گرونباوم در دانشگاه کالیفرنیا و هانس ور در مونستر آلمان بوده است. او فوق‌لیسانس خود در رشته مطالعات خاورمیانه را از دانشگاه کالیفرنیای امریکا و دکتری خویش را در مطالعات تطبیقی اسلامی و سامی از دانشگاه مونستر دریافت کرده است. وی تألیفات زیادی را در حوزه شرق‌شناسی منتشر نموده؛ ازجمله کتاب ***زنان در قرآن، سنت و تفسیر*** که به بررسی شخصیت زنان معروف در تاریخ انبیای پیش از اسلام، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسائل بحث برانگیز زنان در قرآن و سنت از منظر متفکران جدید مسلمان می‌پردازد. هم‌چنین مقالات متنوعی در مجله‌های امریکایی، آلمانی، عربی و ترکی منتشر کرده است.[۱] در جلد دوم دائره‌المعارف قرآن لیدن (ص ۸۰-۸۱) مقاله‌ای از او در مورد حضرت خدیجه عليها السلام چاپ شده که به ترجمه، نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

ترجمه مقاله

[حضرت] خدیجه عليها السلام دختر خویلد از طایفه اسد از قبیله قریش، اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مادر همه فرزندان او به‌جز یک فرزند و اولین فردی بود که به رسالت پیامبر ایمان آورد. [حضرت] خدیجه عليها السلام سه سال قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه از دنیا رفت و آیات قرآنی مربوط به اهل‌بیت پیامبر در مدینه نازل شده‌اند؛ بنابراین نام خدیجه عليها السلام به ندرت در تفاسیر به چشم می‌خورد (نک: تفسیر قرآن: کلاسیک و قرون وسطا). با این‌حال، نام وی در سیره‌های مختلف [حضرت] محمد (نک: سیره، سیره و قرآن) و آثار مربوط به «داستان‌های پیامبران» (قصص‌الانبیا) حضور پررنگی دارد. وی در میان مردم نیز به تقوا و پاک‌دامنی شهرت داشت.

۱. مرتضی کریمی‌نیا، « زنان در قرآن، سنت و تفسیر: نگاهی به کتاب باربارا فرید استواسر»، مجله *گلستان قرآن*، ش ۱۲۴، ص ۳۴ - ۳۶، ۱۳۸۱ ش.

[حضرت] خدیجه علیها السلام یک بانوی اشرافی، ثروتمند و تاجر مکی بود که از دو ازدواج قبلی خود، دو پسر و یک دختر داشت. زمانی که وی بیوه بود، از خدمات [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم به‌عنوان مباشر تجاری در سفر تجاری شام بهره‌مند گردید و گفته می‌شود طی این سفر، پسر جوانی به نام میسره از خانواده خدیجه علیها السلام، شاهد چندین معجزه بود که نبوت [حضرت] محمد را بشارت می‌داد. این سفر تجاری موفقیت‌آمیز بود و [حضرت] خدیجه علیها السلام که تحت تأثیر شخصیت عالی و امانت‌داری [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرارگرفته بود، به وی پیشنهاد ازدواج داد. منابع حدیثی بیان می‌دارند [حضرت] محمد و عموی او حمزه بن عبدالمطلب این پیشنهاد را به عرض پدر خدیجه علیها السلام یعنی خویلد بن اسد رساندند[1] یا این‌که عموی خدیجه علیها السلام به نام عمرو بن اسد او را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآورد.[2] اکثر احادیث، سن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را هنگام ازدواج با خدیجه علیها السلام ۲۵ و سن خدیجه علیها السلام را چهل ذکر کرده‌اند. [حضرت] خدیجه علیها السلام حداقل پنج فرزند- چهار دختر (زینب، ام‌کلثوم، فاطمه و رقیه) و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم و عبدالله که احتمالاً هر دو آن‌ها یکی بودند و القاب طاهر و طیب عموماً القاب عبدالله تلقی می‌شوند)[3] برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا آورد. حمایت مادی، عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برای موفقیت رسالت وی بسیار حیاتی بود. تفاسیر قرآن عموماً آیه ۸ سوره ضحی «آیا تو را فقیر نیافت و غنی ساخت» را به ازدواج [حضرت] محمد و خدیجه علیها السلام نسبت می‌دهند. [حضرت] خدیجه علیها السلام اولین تجارب اعجازآمیز محمد، به ویژه دعوت به نبوت را به اطلاع پسرعموی مسیحی خود به نام ورقه بن نوفل رساند و او این تجارب را به حادثه حضرت موسی علیه السلام شبیه دانست که طی آن حضرت موسی احکام *تورات* را از خداوند دریافت نمود.[4] طبق اکثر احادیث، خدیجه علیها السلام اولین فردی

۱. ابن اسحاق. گیّوم، ص ۸۲- ۸۳.
۲. ابن سعد، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳.
۳. ابن اسحاق. گیّوم، ص ۸۲-۸۳.
۴. ابن اسحاق.گیّوم، ص ۸۳ و ۱۰۷؛ نک: تورات؛ فرمان‌ها؛ احتمال دیگر این است که ورقه جزئیات دین

بود که به خدا، رسول او و حقانیت رسالت او ایمان آورد. این امر بدان معناست که خدیجه علیهاالسلام اولین پیرو [حضرت] محمد و پس از خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دومین مسلمان است. بر اساس احادیث دیگر، علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام پسرعموی پیامبر، دومین مسلمان و خدیجه علیهاالسلام سومین مسلمان بوده است. خدیجه علیهاالسلام تا زمان وفاتش تنها همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حامی اصلی او در جنگ‌های متعدد با دشمنان مکی بود.[۱]

[حضرت] خدیجه علیهاالسلام جزو زنان برگزیده از سوی خداوند است و درواقع اهمیت جهان‌شناختی وی در تفاسیر آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم و آیه ۴۲ سوره آل‌عمران به اثبات رسیده است. در سیاق آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم، [حضرت] خدیجه علیهاالسلام هم‌نشین همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران ذکر شده که سرمشقی برای مؤمنان هستند؛ زیرا خدمات زیادی به رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کرد. در خصوص تفسیر آیه ۴۲ سوره آل‌عمران که در آن فرشتگان به مریم می‌گویند خداوند او را بر همه زنان عالم برتری داده است، نام خدیجه علیهاالسلام عمدتاً در مباحث تفسیری درباره مقام مریم در میان زنان مذکور در قرآن و در ارتباط با سه زن برگزیده اهل‌بیت پیامبر- خدیجه علیهاالسلام و همسر بعدی پیامبر یعنی عایشه دختر ابی بکر و فاطمه دختر پیامبر و خدیجه علیهاالسلام- آمده است. در این مورد، تعداد زیادی از احادیث موجود در تفاسیر و قصص الانبیا به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اثبات می‌کنند که مریم، فاطمه، خدیجه علیهاالسلام و آسیه، بهترین زنان عالم و زنان برتر بهشت هستند. گرچه تعداد احادیث مربوط به قرار گرفتن عایشه در میان این زنان معدود است، اکثر اقوال مدح‌آمیز بیان می‌دارند که مریم، آسیه، خدیجه علیهاالسلام و عایشه، همراهان [حضرت] محمد در بهشت هستند و در آن‌جا خانه بهشتی خدیجه علیهاالسلام بین خانه مریم و آسیه خواهد بود.[۲]

مسیحیت را در اختیار [حضرت] محمد قرار داده با اثر اسپرنگر، زندگی و آموزه‌های محمد، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۳۴ مقایسه شود.

۱. ابن اسحاق، گیّوم، ص ۱۱-۱۱۴.

۲. طبری، *تفسیر*، ج ۶، ص ۳۹۳-۴۰۰؛ رازی، *تفسیر*، ج ۸، ص ۴۵-۴۶؛ بیضاوی، *انوار*، ج ۱، ص ۱۵۵؛ ابن

منابع مقاله

منابع اصلی: بیضاوی، *انوار*؛ ابن اسحاق *گیوم*؛ ابن کثیر، *قصص الانبیاء*، قاهره ۱۹۶۸؛ ابن سعد، *طبقات*، بیروت ۱۹۵۷-۱۹۵۸، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۴، ۱۵۶-۱۵۷؛ ج ۸، ص ۱۴-۱۹. *تفسیر رازی*، به ویرایش م. محیی‌الدین؛ *تفسیر طبری*، ویرایش شاکر.

منابع ثانویه: سید الف. الف رضوی، *خدیجه علیها السلام الکبری*، الف اسپرنگر، *زندگی و آموزه‌های محمد*، سه جلد، برلین ۱۸۶۹، ج ۱، ص ۸۱، و ۱۲۴-۱۳۴ (در باب ورقه بن نوفل). باربارا فرایر استواسر، *زنان در قرآن*، احادیث و تفسیر، نیویورک ۱۹۹۴. دبلیو. ام. وات، *محمد در مکه*، آکسفورد ۱۹۵۳. ویرایش شده، *محمد در مدینه*، آکسفورد ۱۹۵۶ (پایان مقاله).

بررسی و نقد مقاله

الف) نقاط قوت و جنبه‌های مثبت

مهم‌ترین نقاط قوت مقاله بدین شرح است:

۱. نویسنده در ابتدای مقاله، به درستی اشاره کرده که حضرت خدیجه علیها السلام جزیکی از فرزندان پیامبر اسلام، مادر تمام فرزندان اوست. سپس شهرت ایشان به پاک‌دامنی و تقوا در بین مردم را مطرح کرده است.

۲. نگارنده در بخش میانی مقاله، پیشنهاد ازدواج و اظهار علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر اسلام را مطرح کرده است.[1] این مطلب، دیدگاه مغرضانه «ازدواج به خاطر ثروت خدیجه علیها السلام» را رد می‌کند.[2]

۳. وی در ادامه به حمایت مادی، عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرده و ایشان را تا زمان وفاتش تنها همسر و حامی پیامبر در

کثیر، قصص، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۸۳.

۱. *کشف الغمه*، ج ۲، ص ۱۳۹؛ *سیره حلبی*، ج ۱، ص ۱۳۸؛ *تاریخ الخمیس*، ج ۱، ص ۲۶۴؛ *ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم*، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. برخی ادعا کرده‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخاطر ثروت حضرت خدیجه علیها السلام با او ازدواج کرد. (*النبوه*، ص ۶۳).

جنگ‌ها و از عوامل موفقیت پیامبر اسلام در رسالتش دانسته است.

۴. خانم استواسر به نحو شایسته‌ای، بخش پایانی را با این مطلب شروع کرده: «خدیجه ﷺ جزو زنان برگزیده از سوی خداوند است» و در اهمیت جایگاه ایشان، به تفاسیر آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم و آیه ۴۲ سوره آل‌عمران استناد کرده و مقاله‌اش را چنین به پایان می‌برد که آسیه، مریم، خدیجه ﷺ و فاطمه ﷺ جزو بهترین زنان عالم و زنان برتر بهشت هستند.

ب) نقاط ضعف و اشکالات

درعین وجود نقاط قوت، مقاله دارای ضعف‌های زیادی است؛ از جمله:

۱. عدم جامعیت در منابع

کم‌توجهی به آرا و منابع شیعی، استناد زیاد به نویسندگان غربی، اقتباس از *دائره‌المعارف اسلام* و ضعف علمی نویسندگان، از اشکالات زیربنایی و کلی دائره‌المعارف قرآن لیدن است[۱] که مقاله مذکور نیز از آن‌ها پیراسته نیست. عدم‌جامعیت در منابع اسلامی، از جمله ضعف‌های زیربنایی مقاله است. منابع کهن مقاله، بیش‌تر شامل کتب روایی و تفاسیر معروف اهل‌سنت مانند *تفسیر انوار التنزیل و اسرار التاویل* بیضاوی (قرن هفتم هجری)، ابن‌کثیر، کسایی، *سیره* ابن اسحاق، *طبقات* ابن سعد می‌شود؛ اما کم‌تر از منابع شیعی استفاده کرده است؛[۲] میراث شیعی که در آن زنان بزرگی چون خدیجه ﷺ، فاطمه و

۱. محمدحسن زمانی، «نقدی بر دائره المعارف قرآن لیدن» *مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی*؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ش ۱۷-۱۸.

۲. مانند *اعلام الوری باعلام الهدی*، فضل بن الحسن الطبرسی، ۱۳۹۹ ق؛ *اعلام النساء*، علی محمد علی دخیل، ۱۴۲۲ ق؛ *ائمتنا*، علی محمد علی دخیل، ۱۴۰۲ ق؛ *سیره الائمه الاثنی عشر*، هاشم معروف الحسینی، ۱۴۱۱ ق؛ *سیره المصطفی: نظره جدیده*، هاشم معروف الحسنی، ۱۳۶۴ ش؛ *تاریخ الیعقوبی*، احمدبن ابی یعقوب بن جعفربن وهب الکاتب المعروف بابن واضح الاخباری، ۱۳۵۸ ق؛ *دایره المعارف تشیع*، مؤسسه دائره المعارف تشیع، ۱۳۶۸؛ *بحارالانوار* علامه مجلسی، ج ۱۶، ۱۴ و...؛ *وسائل الشیعه*، شیخ حر عاملی؛ *تاریخ الطبری تاریخ الامم و الملوک*، لابی جعفر محمد بن جریر طبری؛ *فاطمه الزهراء ﷺ من المهد الی اللحد*،

زینب نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. نیز دیدگاه‌های نویسندگان متأخر شیعه درباره جایگاه زن در اسلام، بیان نشده است.

۲. عدم جامعیت در بیان فضایل حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾

نسب حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾،[۱] ملقب به طاهره بودن در جاهلیت،[۲] مقام الهی[۳] و جایگاه ایشان نزد پیامبر اکرم ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾،[۴] سبقت در اسلام،[۵] مادری و تربیت حضرت زهرا ﴿علیها السلام﴾ و ده‌ها نقطه درخشان زندگی ام‌المؤمنین حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾[۶] همگی در این مقاله مغفول یا مستور مانده‌اند. پدر و مادر آن بانو با چند واسطه به «لویّ بن غالب» جدّ اعلای پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ می‌رسد و مادر مادر خدیجه ﴿علیها السلام﴾ «هاله» دختر عبدمناف از اجداد پیامبر اسلام به شمار می‌آید؛ بنابراین خدیجه ﴿علیها السلام﴾

محمدکاظم القزوینی، ۱۳۹۷ ق، ص ۷۰. از منابع فارسی مانند *مادر نمونه اسلام*، غلامعلی رحیمیان، ۱۳۴۶.

۱. حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾ هم از جانب پدر و هم از جانب مادر با پیامبر خاتم ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ نسبت داشت. ایشان از جانب پدر به قصی ابن کلاب جد چهارم پیامبر و از جانب مادر به لوی بن غالب جد هشتم پیامبر می‌رسد. (*تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمه*، یوسف بن قزغلی البغدادی سبط بن الجوزی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۷۰).

۲. نک: *الاصابه*، ج ۴، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۱۵۲؛ *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۱؛ *الروض الانف*، ج ۱، ص ۲۱۵؛ *تاریخ الخمیس*، ج ۱، ص ۲۶۴؛ *ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم*، ج ۱، ص ۳۴۱؛ ذبیح الله محلاتی، *ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ق، ج ۲، ص ۲۰۷؛ سیدمحمدصادق موسوی گرمارودی، *آخرین پیام آور*، ج ۱، ص ۲۱۳.

۳. *اسدالغابه*، ج ۵، ص ۴۳۸. «سلام مرا به خدیجه ﴿علیها السلام﴾ برسان».

۴. پیامبر به دلیل فضایل بسیار زیاد حضرت خدیجه ﴿علیها السلام﴾ به ایشان لقب کبری دادند. (محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، *خیرات حسان*، ص ۱۱۱؛ ابی عبدالله الحاکم النیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۸۴؛ علی بن محمد بن احمد المالکی المکی الشهیر بابن الصباغ، *الفصول المهمه فی معرفه الائمه* ﴿علیهم السلام﴾، ص ۱۲۹، ۱۴۲۲ ق.

۵. قال رسول الله ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾: «خدیجه ﴿علیها السلام﴾ سابقه نساء العالمین الی الایمان بالله و بمحمد». *بحارالانوار*، ج ۱۴، ص ۲۷؛ ابن اثیر، *اسدالغابه*، ج ۵، ص ۴۳۸. قال حسین ابن علی ﴿علیه السلام﴾: «... هل تعلمون ان جدتی خدیجه ﴿علیها السلام﴾ بنت خویلد اول نساء هذه الامه اسلاماً». *بحارالانوار*، ج ۴۴، ۳۱۶. *اعلام النساء*، ج ۱، ص ۲۹، ۱۴۲۲ ق.

۶. ابن هشام، *سیره نبوی*، ج ۱، ص ۲۰۱. *تاریخ طبری*، ج ۱، ص ۵۲۱ و ج ۲، ص ۲۰۸؛ *شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*، ج ۱۳، ص ۱۹۷؛ نک. *فضائل حضرت خدیجه* ﴿علیها السلام﴾.، علی امامی، مجله *مبلغان*، مسلسل ۵۹، مهر و آبان ۱۳۸۳، ص ۱۶؛ عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۳، ص ۷۷، ۱۴۲۳ ق؛ محمدکاظم القزوینی، *فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد*، ص ۷۰، ۱۳۹۷ ق.

هم از طرف پدر و هم از سوی مادر با پیامبر اسلام ﷺ هم‌نسب بود.[۱] آن بانو مورد سلام خداوند متعال،[۲] و محبوب‌ترین همسر رسول خدا ﷺ به شمار می‌رفت. بنابر حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ در تفسیر آیه ۴۲ آل‌عمران خطاب به امام علی ﷺ، خدیجه ﷺ یکی از چهار زن برتر دنیا بوده است.[۳]

۳. خطا در تفسیر معنای اهل‌بیت

اهل‌بیت اصطلاحی قرآنی، حدیثی و کلامی است که در معنا و شمول این مفهوم، میان مفسران، محدثان و متکلمان اختلاف‌نظر وجود دارد: برخی از مفسران اهل‌سنت، اعتقاد دارند که در آیه «وَ قَرْنَ فی بُیوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیةِ الْأُولی وَ أَقِمْنَ الصَّلاةَ وَ آتینَ الزَّکاةَ وَ أَطِعْنَ اللهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّما یریدُ اللهُ لِیذْهِبَ عَنْکمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَ یطَهِّرَکمْ تَطْهیراً»[۴] به قرینه جمله‌های قبل و بعد که درباره همسران پیامبر اسلام ﷺ است، این آیه تنها شامل همسران آن حضرت می‌شود.[۵] نویسنده مقاله، با بیان تقدم رحلت حضرت خدیجه ﷺ بر زمان نزول آیه، به این نظر اشاره کرده و به‌صورت ضمنی، نتیجه گرفته است که آیه شامل حضرت خدیجه ﷺ نمی‌شود؛ لذا از آن‌جا که کتب اهل‌سنت منابع پژوهشی وی بوده، دچار چنین نتیجه‌گیری خطایی شده است.

همه بزرگان شیعه و بسیاری از کتب بزرگان و مفسران اهل‌سنت، به استناد

---

۱. نک: شیخ عباس، قمی، *سفینه البحار*، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲. عن زراره و حمران بن أعین و محمد بن مسلم عن أبی جعفرع. قال: حدث أبو سعید الخدری أن رسول الله ﷺ قال إن جبرئیل قال لی لیله أسری بی و حین رجعت فقلت: یا جبرئیل هل لک من حاجه فقال: حاجتی أن تقرأ علی خدیجه ﷺ من الله و منی السلام. و حدثنا عند ذلک. أنها قالت حین لقیها نبی الله ﷺ فقال لها الذی قال جبرئیل، قالت: إن الله هو السلام و منه السلام و إلیه السلام و علی جبرئیل السلام. (*تفسیر العیاشی*، ج ۲، ص ۲۸۰؛ *بحارالأنوار*، ج ۱۸، ص ۳۱۳).

۳. ابن اسحاق، *السیر و المغازی*، ج ۱، ص ۲۴۵، دارالفکر، ۱۹۷۸، چاپ افست، قم ۱۳۶۸ ش؛ ابن عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۲۱، بیروت ۱۴۱۲/ ۱۹۹۲؛ *بحارالأنوار*، ج ۴۳، ص ۳۶.

۴. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۵. *جامع البیان*، ج ۲۲، ص ۷.

شواهد، قراین و روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، ام سلمه،[۱] عایشه،[۲] ابوسعید خدری، ابن‌عباس و دیگر اصحاب، اعتقاد راسخ دارند که آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء (حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) نازل شده و منظور از اهل‌بیت آن‌ها هستند.[۳] این مطلب از نظر روایات قطعی است.[۴]

۴. بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام

گرچه قول مشهور این است که ایشان قبل از پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم دو بار ازدواج کرده، شواهد زیادی، ازدواج‌های قبل از وصلت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را رد کرده‌اند.[۵] علامه مجلسی در جلد ششم *بحارالانوار*، در باب زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم‌چنین ابن شهرآشوب در *مناقب* احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی در کتاب خود، سیدمرتضی در کتاب *شافی* و ابوجعفر طوسی در *تلخیص الشافی* آورده‌اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام ازدواج نمود، در حالی‌که او دوشیزه بود.[۶]

۵. وحی تجربه نبوی!

«خدیجه علیها السلام اولین تجارب اعجازآمیز [حضرت] محمد، به ویژه دعوت به نبوت را به اطلاع پسرعموی مسیحی خود به نام ورقه بن نوفل رساند و او این

---

۱. محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، ج ۵، ص ۶۹۹.
۲. *صحیح مسلم*، ص ۱۰۴۹، ح ۲۴۲۴؛ حسکانی، *شواهد التنزیل*، ج ۲، ص ۳۶.
۳. *تفسیر فخر رازی*، ج ۲۵، ص ۲۱۰؛ محمد بن احمد قرطبی، *الجامع الاحکام*، ج ۱۴، ص ۱۸۳؛ حاکم حسکانی، *شواهد التنزیل لقواعد التفصیل*، ج ۲، ص ۲۱؛ علی بن محمد بن مغازلی شافعی، *مناقب علی بن ابی طالب*، ص ۳۰۴، ح ۳۸۴؛ احمد بن شعیب النسائی، *خصائص امیرالمؤمنین*، ص ۳۳، ۳۵؛ المرفق بن احمد المکی الخوارزمی، *المناقب*، ص ۶۱؛ ابوعبدالله حاکم نیشابوری، *المستدرک الصحیحین*، ج ۲، ص ۴۱۶؛ *جامع البیان عن تأویل آیات القرآن*، ج ۱۳، ص ۶؛ ابن ابی الحدید معتزلی، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۹، ص ۳۱۳۳، نیشابوری، *اسباب النزول*، ص ۲۹۵؛ *سنن ترمذی*، ج ۵، ص ۶۶۳؛ *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*، ج ۶، ص ۶۰۳. نک: مقاله؛ ایلقار اسماعیل زاده، «تفسیر تطبیق آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت»، فصلنامه تخصصی *مذاهب و فرق اسلامی*، شماره ۸ و۹، ۱۳۸۳.
۴. *بحارالأنوار*، ج، ۳۶، ص ۳۳۶، ح ۱۹۹.
۵. *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۱۳۸. *الصحیح من سیرة النبی الاعظم*، ص.، ج ۲، ص ۱۲۱ ـ ۱۲۹.
۶. *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۱۵۹. *ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم*، ج ۱، ص ۳۴۹.

تجارب را به حادثه حضرت موسی علیه السلام شبیه دانست». نویسنده با این جمله، به تجربه دینی اشاره دارد که یکی از رویکردهای شرق‌شناسان در تحلیل وحی است.

وحی در ادیان ابراهیمی، جایگاه رفیعی دارد و سنگ بنای آن‌ها محسوب می‌شود که قرآن مجید تبلور اصیل آن است. از دید مسلمانان، لفظ، حروف، کلمات، جملات و صوت قرآن، همگی از خداوند متعال است که جبرئیل امین به پیامبر خاتم افاضه کرده؛ اما مدتی است که برخی روشن‌فکران مسلمان،[۱] به‌تبع دانشمندان مسیحی، وحی را تجربه دینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند. فردریک شلایرماخر یکی از نظریه‌پردازان تجربه دینی، ادعا کرده است که "نمی‌توان آن را تعریف کرد". اما از مجموع آرای طرف‌داران این دیدگاه، می‌توان چند ویژگی اساسی تجربه دینی را به دست آورد که عبارتند از: امری عمومی است و به پیامبران اختصاص ندارد، مصون از خطا نیست، تعبیرات در آن همواره بشری است، مجموعه باید و نبایدها (شریعت) نیست، بلکه به هست و نیست‌ها مربوط است، شخصی است و برای دیگران الزام‌آور نیست.

نقد و بررسی این دیدگاه را به منابع تفصیلی در این زمینه واگذار می‌کنیم،[۲] فقط چند نکته را به‌اجمال می‌آوریم:

تجربه دینی با وحی تفاوت اساسی دارد؛ ازجمله ناسازگاری در حقیقت، همگانی بودن آن، انسانی بودن تعابیر و معجزه نبودن آن؛ علاوه بر این‌که التزام به تجربه دینی پیامدهای منفی دارد؛ مانند لغو ارسال رسل، تنزل دادن مقام وحی، کثرت ادیان، تعمیم نبوت، عدم حجیت معارف الهی، به حاشیه رفتن وحی و خطاپذیری وحی.[۳]

---

۱. چنان که دکتر سروش، وحی و دین را امری بشری دانسته و از آن به عنوان الفاظ و تعبیرات شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یاد کرده است. (سروش، *بسط تجربه نبوی*، پیش گفتار).

۲. نک: محمد اشرف شجاع، « نقدی بر رهیافت تجربه دین خاورشناسان بر وحی»، ص ۱۲۱-۱۳۸؛ محمدحسن زمانی، *مستشرقان و قرآن*، ص ۲۱۵، ۱۳۸۵.

۳. سبحانی نیا، ص ۷۹-۱۰۲.

۶. نقش ورقه بن نوفل

علامه مرتضی عاملی درجاهای مختلف کتاب ارزشمند خود، با دلایل متعدد، حضور ورقه بن نوفل در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و جریان خواستگاری و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به کلی رد کرده و آن را از اسرائیلیات دانسته است.[۱]

روایات در مورد ورقه بسیار متعارض هستند.[۲] مضمون بسیاری از روایات که در منابع اهل‌سنت آمده، این است که پیامبر در ابتدای رسالت، هنگامی که صدای پیک وحی را شنید، بسیار ترسید، فرار کرد و نمی‌دانست این چه صدایی است؛ در مواردی تصمیم گرفت خود را از بالای بلندی پرت کند و خودکشی نماید تا این‌که حضرت خدیجه علیها السلام متوجه شد و به ایشان گفت: «هرزمان فرشته آمد بیا روی ران من بنشین تا فرشته برود»! چند بار این کار تکرار شد، اما فرشته نمی‌رفت تا این‌که یک‌بار خدیجه علیها السلام حجاب برداشت و موی سر خود را عریان کرد تا این‌که فرشته رفت.[۳] در روایات دیگری آمده است:

پیک وحی پیامبر را گرفت، به او گفت: بخوان! او گفت: «خواندن نمی‌دانم». فرشته او را تا سرحد مرگ فشرد. باز گفت: بخوان! باز گفت: «خواندن نمی‌دانم». باز چنان ایشان را فشرد که بی‌رمق افتاد.[۴] روایات دیگری گفته‌اند، خدیجه علیها السلام جریان را به اطلاع ورقه رساند؛ او گفت: «این نشانه‌های نبوت است» و با پیامبر صحبت کرد و حضرت بعد از آن دیگر نترسید.[۵] عده‌ای هم نقل کرده‌اند، خدیجه علیها السلام به نزد نسطور و بحیرای راهب مسیحی رفت و یا نامه نوشت و حالات پیامبر را گزارش کرد و آن‌ها گفتند: «این نشانه‌های نبوت است».[۶]

---

۱. *الصحیح من سیرة النبی الاعظم*، ج ۳، ص ۹-۴۰.
۲. محققان را به منابع تفصیلی ارجاع می‌دهیم، از جمله:
۳. *سیره دحلان*، ج ۱، ص ۸۳؛ *سیره حلبی*، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۵۵؛ *سیره مغلطای*، ص۱۵؛ *سیره ابن هشام*، ج ۱، ص ۲۵۵؛ *تاریخ خمیس*، ج ۲، ص ۲۸۳؛ *المصنف صنعانی*، ج ۵، ص ۳۲۳.
۴. *صحیح بخاری*، ج ۱، ص ۳؛ *صحیح مسلم*، ج ۷، ص ۱۰۰.
۵. *سیره ابن هشام*، ج ۱، ص ۲۵۴؛ *سیره حلبی*، ج ۱، ص ۲۳۹؛ *سیره دحلان*، ج ۱، ص ۸۲.
۶. *المستدرک الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۱۲؛ *المناقب خوارزمی*، ص ۲۱؛ *الجامع الصحیح*، ج ۵، ص ۶۴۰.

بررسی روایات

الف) سند روایات

مهم‌ترین سند این روایت در کتاب‌های *صحیح* بخاری و مسلم آمده و دیگر مجامع روایی از زهری و او از عروه بن زبیر نقل کرده‌اند. زهری از عوامل امویان بوده[۱] و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را سب می‌کرده، درحالی‌که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من سب علیاً فقد سبنی»[۲]. عروه نیز در زبان عبدالله بن عمر به منافق توصیف شده و اسکافی او را از تابعانی شمرده که در ذم علی علیه السلام جعل اخبار می‌کرده است.[۳] چگونه می‌توان روایت چنین اشخاصی را پذیرفت؟

ب) تناقض آشکار روایات

تعارض و تناقض روایات در حدی است که هیچ‌گونه جمعی بین مضامین آن‌ها ممکن نیست، به‌علاوه، نشانه‌های جعلی بودن در سراسر آن‌ها نمایان است.[۴] تناقض دیگر این‌که بعضی روایات، نقش اصلی در جریان بعثت و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ورقه آورده‌اند و بعض دیگر به عداس نصرانی غلام عتبه بن ربیعه اشاره کرده‌اند.[۵]

ج) سؤالاتی در مورد مضامین روایات

۱. چطور می‌شود جبرئیل، پیامبر را تا سرحد مرگ فشار و شکنجه بدهد؟ بخاری در جایی نقل می‌کند: «در جریانی حضرت موسی با فرشته درگیر شد و چنان سیلی به‌صورت فرشته نواخت که نزدیک بود چشم او درآید».[۶] آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌توانست مانند موسی علیه السلام فرشته را سیلی بزند؟

---

۱. *کشف الغمه*، ج ۲، ص ۳۱۷.
۲. *المستدرک الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۲۱.
۳. *صفه الصفوه*، ج ۲، ص ۸۵.
۴. *الصحیح من سیره النبی*، ج ۳، ص ۱۰.
۵. *تاریخ الخمیس*، ج ۱، ص ۲۸۴؛ *سیره حلبی*، ج ۱، ص ۲۴۳.
۶. *صحیح بخاری*، ج ۲، ص ۱۵۹؛ *صحیح مسلم*، ج ۷، ص ۱۰۰.

۲. چطور می‌شود کسی برگزیده باشد، اما فرشته وحی را نشناسد، از او بترسد و فرار کند! اما ورقه او را آرام سازد؟ مگر در سخن وی چه استدلالی بود که توانست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را آرام کند؟

۳. نسطور و بحیرای راهب در نزدیکی شام سکونت داشتند؛ پس چگونه خدیجه علیها السلام به نزد آن‌ها رفت و یا نامه نوشت و حالات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را گزارش داد و آن‌ها تأیید کردند که حالات نبوت است! درحالی‌که در جای دیگری از همان روایات آمده که خدیجه علیها السلام روز دوم بعثت به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام نماز خواند.[1]

۴. ورقه و بحیرای راهب که از جریان نبوت و بعثت اطلاع داشتند و چندین سال بعد از بعثت نیز زنده بودند، چرا ایمان نیاوردند؟[2] با وجودی که روایات به ایمان نیاوردن ورقه تأکید بسیاری دارند، پس چگونه نقل کرده‌اند که او بهشتی است؟[3]

۵. اشکال دیگر در مورد کشف حجاب حضرت خدیجه علیها السلام است. در بعض کتب اهل‌سنت آمده که حجاب در مدینه واجب شد؛ پس اگر حجاب واجب نبوده، کشف حجاب چه معنایی دارد؟ اگر هم حجاب وجود داشته، چنین کاری از زنی با آن فضایل بعید به نظر می‌رسد؛ به‌علاوه، مگر نگاه کردن به زنان بر ملائک حرام است؟

دیدگاه درست

براساس مجامع روایی شیعه، حضرت جبرئیل در غار حرا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

---

۱. *المستدرک الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۱۲؛ *المناقب خوارزمی*، ص۲۱؛ الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۶۴۰.

۲. ابن عساکر: کسی را نمی‌شناسم که گفته باشد ورقه بن نوفل ایمان آورده است. (*الاصابه*، ج ۳، ص ۶۳۳). ورقه مسیحی مرد در حالی که چندین سال از بعثت پیغمبر خاتم را درک کرد. (*فتح الباری*، ج ۱، ص ۲۶؛ *حلیه الاولیاء*، ج ۱، ص ۱۴۸).

۳. نک: *المستدرک الصحیحین*، ج ۲، ص ۶۰۹؛ *سیره مغلطای*، ص۱۵؛ *سیره حلبی*، ج ۱، ص ۲۵۰؛ *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۸۹.

نـازل شـد و ایشـان می‌دانسـتند کـه پیـک حـق و فرشـته وحـی اسـت. زراره از امـام صـادق ﷺ سـؤال کـرد: «وقتـی پیـک وحـی نـازل شـد، پیامبـر چگونـه نترسـید؟» حضـرت فرمودنـد: «هـرگاه خداونـد یکـی از بندگانـش را بـه رسـالت برگزینـد، بـه او آرامـش می‌دهـد».[۱]

هم‌چنیـن از امـام صـادق ﷺ پرسـیدند: «پیامبـران چگونـه از رسـالت خـود مطلـع می‌شـوند؟» حضـرت فرمودنـد: «پـرده از آنـان برداشـته می‌شـود و حقایـق بـر آنـان عیـان می‌گـردد».[۲] مرحـوم طبرسـی[۳] و قاضـی عیـاض[۴] تأکیـد کرده‌انـد کـه پیامبـران هنـگام نـزول فرشـته وحـی او را می‌شناسـند، امـر بـر آنـان مشـتبه نمی‌شـود و نمی‌ترسـند.

تعـدادی از کتـب شـیعی، حضـور ورقـه در سـیر ازدواج حضـرت خدیجـه ﷺ بـا پیامبـر ﷺ را بـدون هیچ‌گونـه نقـدی، نقـل کرده‌انـد.[۵] عـده‌ای نیـز بـدون ذکـر نـام وی واسطه ازدواج حضرت خدیجه ﷺ با پیامبر ﷺ را زنی از بستگان خدیجه ﷺ به نـام نفیسـه دانسـته‌اند.[۶]

بنابرایـن در جمع‌بنـدی نهایـی بایـد گفـت: مـا منکـر سـنگینی دریافـت وحـی نیسـتیم، امـا موضـوع جهـل پیامبـر ﷺ بـه وحـی، تـرس و اضطـراب ایشـان، فـرار از پیـک وحـی و اقـدام بـه خودکشـی پذیرفتنـی نیسـت. از سـوی دیگـر، بـا ملاحظـه تمـام دلایلـی کـه علامـه مرتضـی عاملـی بـرای اثبـات اسـطوره و جعلـی بـودن شـخصیت ورقـه آورده[۷] و بـا بررسـی روایـات مذکـور،[۸] محقـق بـه اطمینـان می‌رسـد کـه گرچـه شـاید نتـوان وجـود خارجـی شـخصی بـه نـام ورقـه را منکـر شـد، بـا اسـتناد بـه ایـرادات

۱. *بحارالانوار*، ج ۱۸، ص ۲۶۲؛ *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۲۰۱.
۲. *بحارالانوار*، ج ۱۱، ص ۵۶.
۳. *مجمع البیان*، ج ۱۰، ص ۳۸۴.
۴. *رساله شفاء*، ص ۱۱۲.
۵. از جمله: جعفر سبحانی، *فروغ ابدیت*، ج ۱، ص ۱۹۶.
۶. هاشم معروف الحسینی، *سیره الائمه الاثنی عشر*، ج ۱، ص ۴۷، ۱۴۱۱ ق؛ *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ص ۳۷۵؛ محمد ابراهیم آیتی، *تاریخ پیامبر اسلام*، ص ۷۰.
۷. *الصحیح من سیره النبی*، ج ۳، ص ۹-۴۰.
۸. همان.

اسناد روایات، تعارض‌های لفظی و محتوایی روایات و نشانه‌های ساختگی بودن بعضی از آن‌ها، می‌توان گفت: در مورد مقام و جایگاه او، نقش او در ابتدای بعثت و ازدواج حضرت خدیجه علیهاالسلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جعل و بزرگ‌نمایی شده است.[۱]

۷. اول مسلمان حضرت علی علیه‌السلام یا خدیجه علیهاالسلام

متأسفانه با وجود روایات متعدد و قراین واضح، عده‌ای کوشیده‌اند، نه به خاطر حضرت خدیجه علیهاالسلام بلکه به دلیل دشمنی با امام علی علیه‌السلام سابقه امام در اسلام را مخدوش کنند. لذا ایمان خدیجه علیهاالسلام را بر آن حضرت مقدم می‌دارند. نویسنده این مقاله نیز به هر دلیل، در بخشی از مقاله‌اش آورده است:

> طبق اکثر احادیث، خدیجه علیهاالسلام اولین فردی بود که به خدا، رسول او و حقانیت رسالت او ایمان آورد. این امر بدان معناست که خدیجه علیهاالسلام، اولین پیرو [حضرت] محمد و پس از خود ایشان، دومین مسلمان است.

نویسنده در ادامه آورده:

> بر اساس احادیث دیگر، پسرعموی پیامبر، علی ابن ابی‌طالب دومین مسلمان و خدیجه علیهاالسلام سومین مسلمان بوده است.

البته در این‌باره تحقیق جامع و موشکافانه‌ای انجام نشده زیرا به نظر اکثر قریب به اجماع تاریخ‌نویسان، امام علی علیه‌السلام اولین فردی بودند که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آوردند و با ایشان نماز خواندند.[۲]

---

۱. نویسنده کتاب *الصحیح من سیره النبی* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بیان اهداف این جعل و بزرگ‌نمایی پرداخته است که از نقل آن‌ها خودداری می‌کنیم. (*الصحیح من سیره النبی* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ج ۳، ص ۳۵-۳۹.

۲. نک: *سیره حلبی*، ج ۲، ص ۲۶۸- ۲۷۵. خوارزمی، *المناقب*، ص ۱۸-۲۰؛ *سیره دحلان*، ج ۱، ص ۹۱؛ *الغدیر*، ج ۳، ص ۲۲۰-۲۳۶؛ *حلیه الاولیاء*، ج ۱، ص ۱۸۶؛ *تهذیب تاریخ دمشق*، ج ۳، ص ۴۰۷؛ *ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ج ۱، ص ۴۱۸؛ صدر، ص ۸۹. قال حسین ابن علی علیه‌السلام: هل تعلمون ان جدتی خدیجه علیهاالسلام بنت خویلد اول نساء هذه الامه اسلاماً. (*بحارالانوار*، ج ۴۴، ص ۳۱۶؛ علی محمد علی دخیل، *اعلام النساء*، ج ۱، ص ۲۹).

۸. برترین همسر رسول خدا کیست؟

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

از مردان، بسیاری به حد کمال رسیدند، ولی از زنان به‌جز چهار نفر به حد کمال نرسیدند: اول آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون، دوم مریم دختر عمران، سوم خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد و چهارم فاطمه دختر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند.[۱]

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

پیامبر با پانزده زن ازدواج کردند که بهترین آنان خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد بوده است.[۲]

سیوطی مفسر بزرگ اهل‌سنت در تفسیر *الدرالمنثور* آورده که احمد و طبرانی و حاکم (وی حدیث را صحیح دانسته)، از ابن‌عباس روایت کرده‌اند که گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

افضل زنان اهل بهشت، خدیجه علیهاالسلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، مریم دختر عمران، و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون است و در فضیلت او همین بس که خدای تعالی، داستانش را در قرآن برای ما ذکر کرده که گفت: «رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیتاً فِی الْجَنَّةِ».[۳]

شرافت، طهارت، رفعت مقام و معنویت و ایثار آن بانوی گرامی، باعث شده بود که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان حیات و وفات، ایشان را به‌غایت گرامی بدارند. به حدی که باعث حسادت دیگران شده بود. عایشه اعتراف می‌کند:

به هیچ‌یک از همسران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، همانند خدیجه علیهاالسلام حسادت نکردم؛ زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همیشه از او به نیکی و بزرگی یاد می‌کردند و برای

---

۱. *تفسیر مجمع البیان*، ج ۱۰، ص ۳۲۰؛ *ترجمه المیزان*، ج ۱۹، ص۵۸۱؛ *خصال شیخ صدوق*، باب خصال اربعه.

۲ . خصال، همان؛ *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۴۳۷؛ *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۲۱.

۳. أخرج أحمد و الطبرانی و الحاکم و صححه عن ابن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله أفضل نساء أهل الجنة خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و مریم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون. (*الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج ۶، ص ۲۴۶؛ *تفسیر الصافی*، ج ۵، ص ۱۹۹).

دوستان خدیجه علیهاالسلام هدایایی می‌فرستادند.[۱]

۹. سن حضرت خدیجه علیهاالسلام

اختلافات فراوانی درباره سن حضرت خدیجه علیهاالسلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجود دارد و قول چهل سال قطعی نیست. افراد زیادی متوسط سن ایشان را ۲۵ تا ۳۵ سال تخمین زده‌اند.[۲]

نتیجه

بر اساس این نوشتار، می‌توان چنین نتیجه گرفت: حضرت خدیجه علیهاالسلام گرچه مشمول آیه تطهیر نبود، ویژگی‌های برجسته‌ای داشت که او را در آسمان‌ها، معروف و مشمول سلام خداوند متعال و جبرئیل و در زمین محبوب و مورد تکریم پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گردانید. بارزترین ویژگی‌های ام‌المؤمنین حضرت خدیجه علیهاالسلام عبارتند از: ملقب به طاهره بودن در جاهلیت، حمایت عاطفی و معنوی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ایثار جان و مال خویش در راه رسالت ایشان، عظمت جایگاه و مقام ایشان نزد پروردگار عالم و پیغمبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سبقت در اسلام و ایمان به امامت و جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، مادری و تربیت حضرت زهرا علیهاالسلام، سن حضرت خدیجه علیهاالسلام و دوشیزه بودن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیش‌قدم شدن در اظهار علاقه و خواستگاری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مادر تمام فرزندان آن حضرت جز یکی. این‌ها از نکات مهم و قابل توجه است.

---

۱. *صحیح بخاری*، ج ۵، ص ۴۸ و ج ۷، ص ۴۷ و ج ۸، ص ۱۰و ج ۹، ص ۱۵۵؛ *صحیح مسلم*، ج ۷، ص ۱۳۳- ۱۳۴؛ *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۴۳۸؛ *المصنف صنعانی*، ج ۷، ص ۴۹۳؛ *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۲۸۶؛ *صفه الصفوه*، ج ۲، ص ۸؛ ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۱۵۳؛ *البدایه النهایه*، ج ۳، ص ۱۲۸؛ *ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲. بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۲، ص ۷۱؛ *البدایه و النهایه*، ج ۲، ص ۲۹۴؛ *شذرات الذهب*، ج ۱، ص ۱۴؛ *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۹۸؛ *تهذیب تاریخ دمشق*، ج ۱، ص ۳۰۳؛ *سیره حلبی*، ج ۱، ص ۱۴۰؛ *تاریخ الخمیس*، ج ۱، ص ۲۶۴؛ نک: *ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم* صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ج ۱، ص ۳۴۴.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌اثیر، علی بن ابوالکرم، ***اسدالغابه فی معرفه الصحابه***، تهران: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۰.

۲. ابن‌اسحاق، ***السیر و المغازی***، قم: دارالفکر، چاپ افست، ۱۳۶۸ ش.

۳. ابن‌الصباغ، علی بن محمد بن احمد المالکی المکی، ***الفصول المهمه فی معرفه الائمه*** علیهم السلام، حققه و وثق اصوله و علق علیه سامی الغریری، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.

۴. ابن‌جوزی، ***صفه الصفوه***، حیدرآباد، هند: دارالوعی، حلب، سوریه، ۱۳۹۰ ق.

۵. ابن‌جوزی، یوسف بن قزغلی البغدادی، ***تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمه***، تحقیق حسین تقی‌زاده. تهران: المجمع العالمی لاهل‌البیت علیهم السلام، مرکزالطباعه و النشر، ۱۴۲۶ ق.

۶. ابن‌شهرآشوب، محمد بن علی، ***مناقب آل ابی طالب***، قم: چاپخانه علمیه، ۱۳۷۶ ش.

۷. ابن‌کثیر، ***البدایه و النهایه***، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، مکتبه المعارف، ۱۴۱۳ق.

۸. ابوالحسن علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی، ***کشف الغمه***، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۵م.

۹. ابوالحسن مسلم بن حجاج بن مسلم نیشابوری، ***صحیح مسلم***، بیروت، دارالفکر، ۱۳۳۴ هـ.

۱۰. ابونعیم اصفهانی، ***حلیه الاولیاء***، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۷ ق.

۱۱. ابی یعقوبی، احمدبن جعفربن وهب الکاتب المعروف بابن واضح الاخباری، ***تاریخ یعقوبی***، نجف: مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۸ ق.

۱۲. احمد زینی دحلان، ***سیره النبویه و آثار المحمدیه***، بیروت، لبنان: دارالمعرفه،

بی‌تا.

۱۳. اسماعیل‌زاده، ایلقار، «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم‌السلام و اهل سنت»، فصلنامه تخصصی ***مذاهب و فرق اسلامی***، قم: مدرسه عالی امام خمینی (ره)، شماره ۸-۹، سال ۱۳۸۳.

۱۴. امامی، علی، فضائل حضرت خدیجه علیهاالسلام، ***مبلغان***، مسلسل ۵۹، مهر و آبان ۱۳۸۳، ص ۱۶.

۱۵. امینی، عبدالحسین نجفی، ***الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب***، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ ه.

۱۶. آل یاسین، شیخ محمد حسن، ***النبوه***، بیروت، دارالمکتبه الحیاه، ۱۳۹۲ ه.

۱۷. آیتی، محمد ابراهیم، ***تاریخ پیامبر اسلام*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تجدید نظر و اضافات و کوشش ابوالقاسم گرجی، با تجدید نظر و اضافات. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی، ***الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی***، قاهره: دارالحدیث، بی‌تا.

۱۹. جعفر مرتضی عاملی، ***الصحیح من سیره النبی الاعظم*** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بیروت، ۱۴۱۵ق.

۲۰. حاکم نیشابوری، ابی عبدالله، ***المستدرک علی الصحیحین، مع تضمینات الامام الذهبی فی التخلیص و المیزان ...***؛ دراسه و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.

۲۱. حسکانی، ***شواهد التنزیل***، ج ۲، ص ۳۶. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: چاپ اول، ۱۹۷۴ م.

۲۲. حسین بن محمد بن حسن دیار بکری، ***تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس***، مصر، ۱۳۸۳ ه.

۲۳. خوارزمی، موفق بن احمد بکری مکی حنفی، ***المناقب***، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۱.

۲۴. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، *تاریخ الاسلام*، قاهره: دارالکتاب المصری، ۱۴۰۷ق.
۲۵. رحیمیان، غلامعلی، *مادر نمونه اسلام*، قم: انتشارات امیر، ۱۳۴۶ش.
۲۶. زمانی، محمدحسن، «نقدی بر دایرة المعارف قرآن لیدن»، مجله *پژوهش‌های فلسفی- کلامی*، شماره ۱۷-۱۸، ۱۳۸۲.
۲۷. زمانی، محمدحسن، *شرق‌شناسان و قرآن: نقد و بررسی آراء شرق‌شناسان درباره قرآن*، قم: بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ش.
۲۸. سبحانی، جعفر، *فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم* صلی الله علیه و آله و سلم، ویراست ۲ با تجدید نظر و اضافات و ویرایش، قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۲ش.
۲۹. سروش، عبدالکریم، *بسط تجربه دینی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸ش.
۳۰. سروش، عبدالکریم، *فصلنامه پژوهش قرآنی فراراه*، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۷.
۳۱. سهیلی، *الروض الانف*، مصر: الطباعه الفنیه المتحده و مؤسسه نبع الفکر العربی للطباعه، ۱۲۹۱ه.
۳۲. سیوطی جلال الدین، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۳. شبلی، محمود، *حیاه ام المؤمنین خدیجه* علیها السلام، بیروت: دارالجیل، ۱۴۰۹ق.
۳۴. شجاع، محمد اشرف، «نقدی بر رهیافت تجربه دینی خاورشناسان بر وحی»، دو فصلنامه *قرآن پژوهی خاورشناسان*، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش.
۳۵. *صحیح مسلم*، ص ۱۰۴۹، ح ۲۴۲۴، دار احیاء تراث الاسلامی، بیروت: چاپ اول، ۲۰۰۰م.
۳۶. صنعاتی، ابوبکر عبدالرزاق، *المصنف*، بیروت، لبنان: المجلس العلمی،

.۱۹۸۰

۳۷. الطاهر البسیونی، حامد احمد، ***موسوعه آل البیت و احفاد النبی صلی الله علیه و آله و سلم: سیره کامله آل بیت النبی صلی الله علیه و آله و سلم، حکم آل البیت و مواعظهم، ماساه آل البیت، مراقد آل البیت***، قاهره: المکتبه التوفیقیه، ۱۴۲۴ ق.

۳۸. طبرسی فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.

۳۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.

۴۰. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، ***تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)***، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی‌نا، بی‌تا.

۴۱. عبدالقادر بدران، ***تهذیب تاریخ دمشق***، بیروت، لبنان: دارالمسیره.

۴۲. عبدالوهاب شعرانی، ***کشف الغمه عن جمیع الامه***، دارالکتب العربیه الکبری، ۱۳۳۲ ه.

۴۳. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، ***الاصابه فی تمییز الصحابه***، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.

۴۴. العلایلی، عبدالله، ***مثلهن الاعلی: السیده خدیجه علیها السلام***، بیروت: دارالجدید، ۱۹۹۲م.

۴۵. علی بن برهان الدین حلبی شافعی، ***سیره حلبی***، بیروت، لبنان: دار المعرفه، ۱۴۰۰ ه.

۴۶. علی دخیل، علی محمد، ***اعلام النساء***، بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۲ ق.

۴۷. علی دخیل، علی محمد، ***ائمتنا، مزیده و منقحه***، بیروت: دارالمکتبه الامام الرضا علیه السلام؛ دارالمرتضی، ۱۴۰۲ ق.

۴۸. عیاشی، محمد بن مسعود، ***التفسیر***، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۴۹. الفضل بن الحسن الطبرسی، ابی علی، ***اعلام الوری باعلام الهدی***، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۹۹ ق.

۵۰. فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، روایی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.

۵۱. قرطبی، یوسف احمد بن عبدالله، *الاستیعاب*، مصر: دارالمعارف مصر، ۱۴۱۲ ه.

۵۲. قزوینی، محمدکاظم، *فاطمه الزهراء علیهاالسلام من المهد الی اللحد*، بیروت: دارالصادق علیه‌السلام، ۱۳۹۷ ق.

۵۳. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، تهران: نشر فراهانی.

۵۴. کریمی نیا، مرتضی، «زنان در قرآن، سنت و تفسیر: نگاهی به کتاب باربارا فرییر استواسِر، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۴»، مجله *گلستان قرآن*، شماره ۱۲۴، مهر ۱۳۸۱.

۵۵. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق و استدارک محمدرضا المامقانی، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، لاحیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.

۵۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحارالأنوار*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۵۷. محلاتی، ذبیح الله، *ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ق.

۵۸. محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بخاری، *صحیح بخاری*، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۱.

۵۹. محمد صادق صدر، *امیرالمؤمنین علیه‌السلام در عهد پیامبر صلی‌الله علیه وآله وسلم*، ترجمه دکتر سید جمال موسوی.

۶۰. محمد عمر، عبدالمنعم، *خدیجه علیهاالسلام ام المؤمنین نظرات فی اشراق فجر الاسلام*، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۴م.

۶۱. مذهبی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶.

۶۲. معروف الحیسنی، هاشم، *سیره الائمه الاثنی عشر*، بیروت: دارالتعارف

للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق.

۶۳. معروف الحیسنی، هاشم، ***سیره المصطفی***: نظره جدیده، قم: الرضی، ۱۳۶۴.

۶۴. موسوی گرمارودی، سیدمحمدصادق، ***آخرین پیام‌آور***، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ش.

۶۵. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ***ترجمه تفسیر المیزان***، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.

۶۶. هاشمی، عبدالمنعم، ***ام المؤمنین خدیجه علیها السلام بنت خویلد***، بیروت: دارالبحار، دارالتیسیر، ۱۴۲۱ق.

تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ستایش خدیجه کبری علیهاالسلام

ابرار حیدری[۱]

چکیده

در عظمت شخصیت خدیجه کبری علیهاالسلام و نقش و تأثیر ایشان در پیشبرد اهداف بعثت تردیدی نیست. تکریم و نکوداشت آن بانو در رفتار و گفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ظهور داشته و این مفهوم به مناسبت‌های متعدد به جامعه القا شده که از آن به حسن عهد و یا حفظ عهد[۲] یاد شده است. با این حال، گفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ستایش خدیجه کبری علیهاالسلام مسأله‌ای فراتر از وفاداری و نکوداشت معمول است که بایست اهدافی خاص برای آن جست‌جو نمود. در این نوشتار، سعی شده است ستایش‌های گفتاری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله واکاوی گردد و به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به اوضاع حاکم بر جامعه، چه تحلیلی می‌توان از این روایت‌ها نمود؟ بررسی گزاره پرتکرار بهشتی بودن در روایت‌های ستایشی عام، علاوه بر استفاده از شخصیت‌های قرآنی آشنا، نشان می‌دهد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دنبال نهادینه کردن اصل جایگاه الگویی حضرت خدیجه کبری علیهاالسلام در جامعه نخستین اسلامی بودند نه فقط بیان ویژگی‌های شخصیتی ایشان.

واژگان کلیدی

---

۱. دانشجوی دکتری، تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهدی.

۲. «حسن العهد ای الوفاء و الخفاره و رعایه الحرمه" حسن عهد به معنای وفاداری، توجه و حرمت‌داری است. (مناوی، ج۲، ص۵۶۶).
هنگامی‌که عایشه از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله علت توجه ایشان به دوستان خدیجه را جویا می‌شود، حضرت می‌فرماید: «یا عائشة أنها کانت تأتینا زمان خدیجة وإن حسن العهد من الایمان».

خدیجه کبری علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ستایش عام، اهل الجنه، الگو.

مقدمه

با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خدیجه کبری علیها السلام همسر ایشان، نخستین زنی بود که دعوت آن حضرت را پذیرفت و با ایشان همراهی کرد. آن بانو در سال‌های نخستین و دشوار مبارزه، در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت و اندوخته مالی و اجتماعی خویش را در این راه صرف کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از رحلت آن بانو، یاد ایشان را بسیار گرامی می‌داشتند و در موقعیت‌های گوناگون، از ایشان به نیکی یاد می‌کردند. گرامیداشت خدیجه کبری علیها السلام در رفتار و گفتار آن حضرت در منابع ضبط گردیده و روایت‌های متعددی از ایشان نقل شده است.

اما این وفاداری و یاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، از یک توجه معمول فراتر رفت و بر اساس روایاتی، موجبات ناراحتی عایشه گردید. گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ستایش خدیجه کبری علیها السلام، حاوی نکاتی است که با واکاوی و تحلیل آن، امید می‌رود پرده از این ابهام برداشته شود. نوشته‌های موجود درباره آن بانو، اغلب به بیان این روایت‌ها و عظمت جایگاه ایشان پرداخته و تحلیلی در زمینه ستایش خدیجه کبری علیها السلام وجود ندارد.

گونه‌شناسی روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام

ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه کبری علیها السلام، و بزرگداشت او در موقعیت‌های مختلف، به صورت گفتاری بیان شده و اصحاب نقل کرده‌اند. این ستایش‌ها، در منابع تاریخی و روایی مسلمانان با تعابیر مختلف و گاه ذیل عنوان "مناقب خدیجه" ضبط شده[۱] و اغلب در کتاب‌های روایی اهل سنت و

---

۱. کتاب‌هایی که عنوانی خاص برای مناقب و یا فضایل خدیجه کبری اختصاص داده‌اند: ابن بطریق، *عمده عیون صحاح الاخبار*، ص ۳۹۱؛ نسائی، *فضایل الصحابه*، ص ۷۵؛ *السنن الکبری*، ج ۵، ص ۹۴؛ طبرانی، *المعجم الکبیر*، ج ۷، ص۲۳؛ مغازلی، *مناقب علی ابن ابی طالب*، ص ۳۴۷؛ *صحیح مسلم*، ج ۷، ص۱۳۲؛ متق هندی، ج ۱۲، ص۱۳۰؛ قندوزی، ج ۲، ص۳۳۰.

گاه منابع تاریخی پیشین آمده است. می‌توان روایت‌های ستایش گفتاری پیامبر اکرم ﷺ را با توجه به اغراض، اهداف و نوع ستایش به دو دسته، تقسیم نمود:

دسته اول، روایات عام

دسته اول، روایاتی است که ستایش‌هایی عام و شمولی نسبت به خدیجه کبری بیان می‌دارد. به این معنا که روایت به نوعی، فضیلتی، جایگاهی و یا شأن و منزلتی برای ایشان تعریف و بدان اکتفا می‌کند. عبارت‌های توصیفی در این ستایش، عام و قابلیت توسعه مفهومی دارد و بر موارد و مصادیق فضایلی بسیار منطبق است؛ ولی در روایت به این موارد تصریح نشده است. این دسته از روایات، خود در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. روایت‌هایی با مضمون برتری خدیجه کبری نسبت به زنان

پیامبر اکرم ﷺ با تعابیری متعدد، به برتری و بزرگی خدیجه کبری اشاره فرموده‌اند. افضلیت آن بانو در روایات در کنار فرزند ایشان حضرت زهرا علیهاالسلام، هم‌چنین مریم فرزند عمران و آسیه همسر فرعون نسبت به زنان عالم و یا زنان اهل بهشت بیان شده و در روایت‌های دیگری، گاه از برتری کامل ایشان نسبت به زنان عصر خویش سخن به میان آمده است:

«عن علی قال النبی ﷺ خیر نسائها مریم بنت عمران و خیر نسائها خدیجة»[۱] حضرت علی علیه‌السلام از پیامبر اکرم ﷺ این روایت را نقل می‌کند که «برترین زنان، مریم فرزند عمران و خدیجه هستند». احتمال می‌رود ضمیر "ها" در هر دو عبارت، به زنان عصر اشاره کرده؛ یعنی مریم، برترین زنان عصر خویش بود؛ چنان‌که خدیجه برترین زنان عصر خویش به شمار می‌آید.[۲] برخی نیز ضمیر

---

۱. نسائی، *السنن الکبری*، ج ۵، ص۹۳؛ بخاری، ج ۴، ص۱۳۸ و ۲۳۰؛ دولابی، *الذریه الطاهره النبویه*، ص ۶۱؛ طبرانی، همان، ۲۳ / ۷؛ ابن عبد آلبر،ج۴، ص۱۸۲۳؛ ابن عساکر، ج ۳۶، ص۱۳۱؛ بلاذری، ج۱، ص۴۰۶.

۲. ابن‌حجر با استناد به روایت پیامبر اکرم ﷺ، خطاب به فاطمه زهرا علیهاالسلام این تفسیر را برمی‌گزینند: قال: «یا بنیة، ألا ترضین أنّک سیدة نساء العالمین؟» قالت: «یا أبت، فأین مریم بنت عمران؟» قال: «تلک سیدة

را به معنای دنیا دانسته‌اند. در این صورت، روایت به معنای برترین زنان عالم، خواهد بود.[1] این روایت در همه منابع از حضرت علی علیه‌السلام نقل و در کوفه از ایشان شنیده شده است.[2] به نظر می‌رسد این عبارت، بخشی تقطیع شده از کلام آن حضرت باشد که در ایام خلافت ایشان بیان شده و بخش‌های دیگر آن در منابع نیامده است.

در کنار این روایت، روایت‌های دیگری در منابع آمده که نشان می‌دهد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، چهار زن از جمله خدیجه کبری را برترین زنان بهشتی معرفی می‌فرماید، همراه با تأکیدی نمایشی که تداعی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند:

عن ابن‌عباس قال خط رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فی الارض اربع خطوط ثم قال هل تدرون ما هذا قالوا الله و رسوله اعلم فقال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله افضل نساء اهل الجنة خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون؛[3]

ابن‌عباس می‌گوید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چهار خط راست بر زمین کشیدند، سپس فرمودند: «که آیا معانی آن را دریافتید؟» اصحاب گفتند: «خدا و رسولش آگاه‌ترند». پس ایشان فرمودند: «برترین زنان بهشتی، خدیجه فرزند خویلد و فاطمه فرزند محمد و مریم فرزند عمران و آسیه فرزند مزاحم، (همسر فرعون)، هستند».

این روایت، در منابع متعدد نقل گردیده و با دو طریق در کتاب‌های روایی و تاریخی بسیار تکرار شده است.

روایت دیگر، به برتری ایشان بر همه زنان اشاره می‌کند و با دو تعبیر «حسبک من نساء العالمین» و «خیر نساء العالمین»، در منابع از انس و جابر بن عبدالله از

نساء عالمها» ج ۸، ص۱۳۲؛ ابن جوزی، *کشف المشکل من حدیث الصحیحین*، ج ۱، ص ۱۸۰.

۱. الاغانی، ج ۱۳، ص ۲۳۲؛ نویسنده آن را تفسیر قرطبی دانسته است.

۲. مقریزی، *امتاع الاسماع*، ج۱۰، ص ۲۶۹.

۳. طبرانی، همان، ج۵، ص ۲۶۶؛ بخاری، ج ۴، ص ۱۳۸؛ ابن عبد آلبر، ج ۴، ص ۱۸۲۱؛ ابن کثیر ج ۲، ص ۷۷.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است:[۱]

عن أنس أن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال حسبک من نساء العالمین مریم بنت عمران و خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و آسیة امرأة فرعون؛[۲]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این روایت، برتری را متعلق به این چهار زن دانسته و در مقایسه با زنان عالم، فضیلت آنان را بی‌نیاز کننده برشمرده‌اند.

روایت‌های این دسته، نوعی ارتباط خاص میان خدیجه کبری و سه تن از زنان شناخته شده (فاطمه زهرا، مریم و آسیه)، برقرار می‌کند. این ارتباط که در همه روایت‌های ستایش خدیجه کبری دیده می‌شود، در پی هدفی خاص است که در بخش بعدی به واکاوی آن خواهیم پرداخت.

۲. روایاتی با مضمون درود جبرئیل به خدیجه کبری علیهاالسلام

روایاتی با اختلاف در الفاظ، از ابلاغ درود جبرئیل به خدیجه کبری حکایت دارد که در زمان حیات ایشان بوده است:

عن بن عباس قال بینما رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله جالس مع خدیجة إذ أتاه جبریل علیه‌السلام فقال یا محمد اقرأ خدیجة منی السلام؛[۳]

ابن‌عباس می‌گوید که هنگام مصاحبت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با خدیجه کبری علیهاالسلام، جبرئیل توسط آن حضرت به ایشان سلام و درود می‌فرستد.

و روی من وجوه أنّ النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: یا خدیجة، إن جبرئیل علیه‌السلام یقرئک السلام.[۴]

در نقل دیگری، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پیغام درود جبرئیل را به خدیجه کبری علیهاالسلام

---

۱. بلاذری این قسمت را از عایشه نیز نقل می‌کند. (همان، ج ۱، ص ۴۱۲).
۲. طبرانی، همان، ج ۲۳، ص ۷.
۳. *السنن الکبری*، ج ۵، ص ۹۳، ج ۶، ص ۱۰۱؛ *المصنف*، ج ۷، ص ۵۲۹؛ *مسند ابی یعلی*، ج ۱، ص ۴۷۷؛ الیریه الطاهره، ج ۶۱؛ *المعجم الکبیر*، ج ۱۱، ص ۲۴۳؛ *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۲۱ با طرق متعدد، *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۱۳۸.
۴. نسائی، *السنن الکبری*، ج ۶، ص ۱۰۱؛ ابن هشام، ج ۱، ص ۲۴۱، طبرانی، ج ۱۱، ص ۲۴۳، ابن عبد آلبر، ج ۴، ص ۱۸۲۱.

می‌رساند. و در نقلی دیگر، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله این سلام را از جانب خداوند و توسط جبرئیل به خدیجه کبری ابلاغ می‌فرماید و ایشان با درود و ستایش پاسخ می‌دهد.[۱]

طرق این روایت، متعدد و از ابن‌عباس، ابوهریره، عبدالرحمان بن ابی لیلی و دیگران روایت شده است. در برخی روایت‌ها، بشارت خانه بهشتی به همراه آن آمده و برخی دیگر پاسخ سلام توسط خدیجه کبری بیان شده است.

این رویداد در زمان حیات خدیجه کبری علیهاالسلام بوده، اگرچه ممکن است بعدها پیامبر اکرم، بازگو کرده باشند. بیان آن حضرت چه در زمان حیات آن بانو و چه پس از آن، از جمله ستایش‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره ایشان به شمار می‌آید. ابلاغ سلام الهی و یا سلام جبرئیل از زبان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، متوجه افراد معدودی بود که جایگاه خاصی در جامعه اسلامی یافتند و مورد توجه خاص آن حضرت قرار داشتند.

۳. روایاتی با مضمون برخورداری خدیجه کبری علیهاالسلام از خانه‌ای بهشتی

> قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله أریت فی الجنة بیتا لخدیجة، من قصب،[۲] لا صخب فیه ولا نصب؛
>
> پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: خانه‌ای مرواریدی در بهشت برای من نمایان شد که از آن خدیجه است و در آن شلوغی و سختی دیده نمی‌شود.

این روایت، با وجود کثرت و تعدد ناقلان که بخش زیادی از روایت‌های ستایش را تشکیل می‌دهد، در لفظ مشترک است و در بیان ویژگی‌های خانه بهشتی اختلافی در الفاظ دیده نمی‌شود. این روایت در موقعیت‌های متعددی بیان شده است. تعدد راویان حدیث هم به این مسأله تأکید می‌کند. صدر

---

۱. «وبعضهم یروی هذا الخبر أنّ جبرئیل قال: یا محمد، اقرأ علی خدیجة من ربّها السلام، فقال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله: یا خدیجة، هذا جبرئیل یقرئک السلام من ربک. فقالت خدیجة: الله هو السلام، ومنه السلام، وعلی جبرئیل السلام» (ابن عبد آلبر،ج ۴، ص ۱۸۲۱).

۲. «قال ابن هشام القصب هنا الؤلؤ المجوف» (دولابی، همان، ص۶۱).

روایت اغلب با سلام حضرت جبرئیل به ایشان آغاز شده، ولی به نظر می‌رسد که بشارت بهشتی خطاب به پیامبر اکرم ﷺ بوده و در جهت تبیین جایگاه خدیجه کبری و یا دلداری[۱] حضرت این پیغام به ایشان ابلاغ شده حال آن‌که سلام الهی در زمان حیات آن بانو صادر شده است.

می‌توان گفت: روایات خانه بهشتی، نوعی بیان تکمیلی نسبت به روایات بهشتی است؛ یعنی خدیجه کبری علیها السلام از جمله برترین زنانی است که جبرئیل بر ایشان درود فرستاده و خداوند خانه‌ای در بهشت به ایشان اختصاص داده است. به همین جهت، این سه گروه از روایات که ستایش را با مفهومی عام و کلی بیان می‌کند، در یک دسته طبقه‌بندی می‌شود و به نظر می‌رسد هدفی مشترک را دنبال می‌کند.

دسته دوم، روایات خاص

این دسته از روایات، برخلاف دسته اول، نگاهی تفصیلی در ستایش خدیجه کبری داشته، ایشان را با توصیفاتی خاص می‌ستاید. به جهت آنکه این ستایش‌ها در پی رویدادی و یا وقایعی خاص گفته شده، شایسته است در فضای خاص خود، تحلیل و بررسی شود. روایت‌ها از زبان عایشه نقل شده که در مضمون بسیار شبیه هم است. در ذیل این روایت‌ها پیامبر اکرم ﷺ خدیجه کبری علیها السلام را به نیکی یاد می‌کنند و سه یا چهار صفت از فضایل خدیجه را برمی‌شمارند:

> قالت عائشة کان رسول‌الله ﷺ إذا ذکر خدیجة لم یکن یسأم من ثناء علیها والاستغفار لها فذکرها ذات یوم واحتملتنی الغیرة إلی أن قلت قد عوضک الله من کبیرة السن قالت فرأیت رسول‌الله ﷺ غضب غضبا سقط فی جلدی فقلت فی نفسی اللهم إنک إن أذهبت عنی غضب

---

۱. «ولما توفیت خدیجة، جعلت فاطمة تتعلق برسول الله وهی تبکی وتقول: أین أمی؟ أین أمی؟ أین أمی؟ فنزل علیه جبریل فقال: قل لفاطمة إن الله تعالی بنی لأمک بیتا فی الجنة من قصب لا نصب فیه ولا صخب». (یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۳۵).

رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله لم أذكرها بسوء ما بقيت فلما رأى رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله الذى قد لقيت قال كيف قلت والله لقد آمنت بى إذ كفربى الناس وصدقتنى إذ كذبنى الناس ورزقت منى الولد إذ حرمتيه منى؛[۱]

عایشه می‌گوید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آن هنگام که خدیجه را یاد می‌نمودند، بسیار ایشان را ستوده، بر وی استغفار می‌کردند؛ چنان‌که روزی ایشان را یاد کردند. بنابراین بر وی رشک بردم و به پیامبر عرض کردم: «خداوند به جای آن زن مسن، همسری جوان به شما عطا نمود». آن‌گاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنان غضب نمودند که پشیمان شدم و در دل گفتم: «پروردگارا اگر خشم پیامبر خدا را فرونشاندی، تا آن زمان که زنده باشم، به بدی از وی یاد نکنم». چون پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله حالت من را مشاهده نمودند فرمودند: «چگونه این سخن راندی؟ حال آن‌که وی به من ایمان آورد، آن هنگام که مردم مرا تکذیب نمودند، مرا تصدیق نمود، آن زمان که مردم مرا تکذیب کردند، و از او صاحب فرزند شدم، آن‌گاه که تو از جانب من صاحب فرزند نشدی».

در روایات دیگر، عبارت «و واستنى بمالها»، در کنار سه وصف مذکور نیز بیان شده است.[۲] هم‌چنین اتفاقی که به اعتراض و بیان و در نتیجه ستایش منجر گردید، در منابع مختلف، به صورت‌های متعددی بیان شده که در مسأله اهتمام و توجه به خدیجه کبری مشترک است.[۳] برخی منابع، همان الفاظ صدر روایت را بدون ذیل آن نقل کرده و به گفتار عایشه در کثرت ذکر خدیجه و رشک

---

۱. طبرانی، *المعجم الکبیر*، ج ۲۳، ص۸.

۲. *مسند ابن حنبل*، ج۶، ص ۱۱۷؛ ذهبی، *سیراعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۱۱۷؛ متق هندی، همان، ج ۱۲، ص ۳۲.

«عن عائشة قالت كان النبى صلی‌الله‌علیه‌وآله إذا ذكر خديجة أحسن عليها الثناء فقلت ما تذكر منها وقد أبدلك الله بها خيرا قال ما أبدلنى الله بها خيرا منها صدقتنى إذ كذبنى الناس وواستنى بمالها إذ حرمنى الناس ورزقنى الله منها الولد إذ لم يرزقنى من غيرها».

۳. ورود یکی از دوستان خدیجه کبری نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهتمام ایشان به این فرد (طبرانی، همان، ج ۲۳، ص ۱۴)؛ توجه و خوشامدگویی آن حضرت به هاله خواهر خدیجه کبری (طبرانی، همان، ج۲۳، ص ۱۲؛ ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۲۴۱؛ ابن کثیر، همان، ج ۳، ص ۱۲۸)؛ ارسال هدایا به دوستان خدیجه و دل‌جویی از آنها (طبرانی، همان، ج ۲۳، ص ۱۱؛ ابن عبد آلبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۲۲).

او اکتفا نموده‌اند.[۱] به نظر می‌رسد این روایت‌ها، از همان جریان کاملی حکایت دارد که به صورت تقطیع شده ضبط گردیده است.

می‌توان گفت: روایت در سه مورد مشخص و معین، یعنی ایمان و تصدیق، انفاق مالی و بالاخره فرزندآوری خدیجه کبری، توجه دارند و آن بانو را می‌ستایند. این اوصاف، بر خلاف دسته اول، عام نبوده و ویژگی‌هایی خاص در ستایش ایشان بیان شده است.

تحلیل گزاره‌های «اهل بهشت» و «خانه بهشتی»

برای دست‌یابی به تبیین علمی وقایع تاریخی و پاسخ به چرایی آن‌ها، توجه به دو مقوله در باب تحلیل گفتار، اهمیت دارد. ابتدا، فهم و درک راستین گفتار که در شناخت گوینده، تفکرات، بینش، قصد و اهداف وی نهفته است. دوم، بررسی بستر و اوضاع حاکم بر آن زمانه است. اوضاع حاکم و دریافت و فهم جامعه از سخن، جهت و قالبی فراخور به گفتار می‌دهد که لازمه شناخت سخن است. بی‌شک بدون شناسایی جایگاه و موقعیت حقیقی گوینده، هم‌چنین بی‌توجهی به موقعیت‌ها و بسترهای اجتماعی، درک و فهم گفتار تاریخی، واقع‌بینانه نخواهد بود.

آموزه‌های پیامبر اکرم ﷺ مبین ارزش‌ها و بینش‌های ایشان و از طرف دیگر مشخص‌کننده وظایف ایشان در قبال جامعه بشری است. این آموزه‌ها، پیامبر اکرم ﷺ را رهبری می‌داند که در برابر انتقال ارزش‌های الهی به جامعه و بنای جامعه‌ای رستگار، متعهد و مسئول است. ایشان در این راه، تلاشی مداوم داشتند و همواره دنبال تغییر ارزش‌های حاکم و تأسیس مبانی دین اسلام در جامعه حرکت می‌نمودند.

این نوشتار، درصدد اثبات این موضوع و بیان تلاش‌های پیامبر اکرم ﷺ نیست؛ زیرا امری مفروض دانسته شده است. برجسته نمودن افراد شاخص در

۱. نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۷۹۰؛ بلاذری، همان، ج ۱، ص ۴۱۲.

جامعه که از نظر اسلام در سطوح بالای فردی و اجتماعی قرار دارند، در ضمن تلاش‌هایی است که برای رسیدن به جامعه آرمانی صورت گرفته و همواره موردتوجه قرآن کریم[۱] و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. ولی باید توجه داشت، ایجاد ارتباط میان الگو و افراد جامعه، زمانی فراگیر و مؤثر است که تعریف و شناسایی فرد موردنظر، در قالب گفتار[۲] موردعلاقه جامعه صورت پذیرد مسأله‌ای که سبب توجه عموم افراد به الگو شده، حرکت جامعه به سمت آرمان‌های مطلوب را سرعت می‌بخشد.

آموزه‌های دینی اسلام، در نظام معرفتی، باور به زندگی جاوید متناسب با واقعیت‌های وجودی افراد را ضروری می‌داند. انسان‌ها با توجه به درک و باورشان و رفتار و کردار فردی و اجتماعی خویش، حیات ابدی خود را رقم می‌زنند. برترین آن، بهشتی است که پاداش انسان‌های نیکوکار خواهد بود. بهشت و بهشتی شدن آرمانی بود که جامعه آن روزگار، متأثر از آموزه‌های قرآنی، به تمنای یافت آن، شوق، انگیزه و حرکت می‌نمود.[۳]

اگرچه واقعیت‌های معنوی همانند تکامل روحی، قرب الهی، اقتدار سیاسی، عزت فردی و اجتماعی، اهدافی مطلوب و عموماً برانگیزاننده و در ادواری بسیار تأثیرگذار به شمار می‌آمدند، تصور آن است که در گام‌های اولیه آشنایی جامعه حجاز با اسلام، بهشت و نعمت‌های بهشتی، از جمله بیش‌ترین گزاره‌های تأثیرگذار در ایجاد انگیزه و تلاش و شوق مسلمانان به انجام دادن تکالیف فردی و اجتماعی خویش، به شمار می‌آمد.

---

۱. نک: مقاله سیدحسن سعادت مصطفوی، سیدمحمد صالح هاشمی گلپایگانی، عباس اشرفی، «ارائه الگو: راهکاری قرآنی برای تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی در زیست اخلاقی» (۱۳۹۳)، *پژوهش‌های اخلاقی*، دوره ۴، شماره ۱۵.

۲. منظور از گفتار در این عبارت، مقبولیت عمومی ناشی از انس ذهنی جامعه نسبت به واژه و در نهایت کثرت کاربردی آن است.

۳. آیات بسیاری به وصف بهشت و نعمت‌های بهشتی می‌پردازد؛ برای نمونه نک: سوره بقره، آیه ۲۶۵؛ سوره سبأ، آیه ۱۵؛ سوره حجر، آیه۱۵؛ سوره حاقه، آیه ۲۲؛ سوره غاشیه، آیه ۱۰؛ سوره زمر، آیه ۷۳؛ سوره زخرف، آیه ۷۰؛ سوره رعد، آیه ۲۴.

البته این دیدگاه، به معنای نادیده گرفتن حقیقتی که ورای این امر وجود دارد و یا فقدان مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگر در جامعه اسلامی نیست. بلکه تصور آن است که فضای غالب عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا پایان نیم‌قرن اول،[۱] از غلبه این انگیزش نسبت به دیگر مقولات آرمانی حکایت دارد. توجه به کارکرد تاریخی واژه «اهل بهشت» در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و مدتی پس از آن، مؤید این معناست.

استناد جریان‌های متعدد به روایت‌های اهل بهشت برای بزرگان خویش،[۲] در موقعیت‌های حساس و تأثیرگذار،[۳] برای جذب افکار عمومی، نشانه تأثیرگذاری این واژه و ارتقای جایگاه افراد آن در جامعه است؛ به نحوی که مرجعیت علمی و سیاسی آنان تأیید و پذیرفته می‌شد.[۴] با وصف بهشتی، جایگاه فرد در جامعه ارتقا می‌یافت و در موقعیتی تأثیرگذار قرار می‌گرفت.[۵]

همین مساله، زمینه‌ساز «جعل روایت» در این مورد خاص را فراهم آورد و روایت‌های ساختگی «اهل الجنه»، با هدف برجسته نمودن افرادی و یا سپردن موقعیت‌هایی به آنان، وضع گردید. آن‌گاه که قدرت نیازمند تقویت و تأثیرگذاری حضور عبدالله بن سلام را پیدا کرد، روایت بهشتی بودن وی در جامعه پراکنده گردید.[۶]

بی‌شک نمی‌توان نقش و تأثیر انتشار روایت «العشره‌المبشره»[۷] را در شکل‌گیری

---

۱. زمان تحکیم قدرت امویان.

۲. توجه کنید به دو روایت "الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه" و "انهما (ابوبکر و عمر) سیدا کهول اهل الجنه" که در جهت اثبات مشروعیت و مرجعیت سیاسی مورد استناد فریقین بوده است.

۳. استناد خلیفه دوم به روایت "العشره المبشره" برای توجیه شورا. (طبری، همان، ج ۴، ص ۲۲۸؛ ابن سعد، همان، ج ۸، ص ۱۷۹).

۴. نک: روایات متعدد منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، درباره حضور ناگهانی یک فرد بهشتی در جمع اصحاب. (واقدی، همان، ج ۱، ص ۳۳۰؛ ذهبی، همان، ج ۳، ص ۶۳۶؛ ابن سعد، همان، ج ۳، ص ۱۳۰ و ۳؛ ابن اثیر، همان، ج ۳، ص ۶۰۶).

۵. فارغ از جعلی یا حقیق بودن وصف بهشتی، بررسی کارکرد و تأثیر تاریخی آن مورد توجه نویسنده است.

۶. ابن عبدآلبر در ذیل عنوان «عبدالله بن سلام و انه من اصحاب الجنه» این روایت‌ها را نقل می‌کند. (همان، ج۳، ص ۹۲۲).

۷. این روایت با برخی اختلاف‌ها از اهل بهشتی بودن ده صحابی حکایت دارد: «عن عبدالرحمان بن عوف: أن النبی صلی الله علیه و آله قال: أبوبکر فی الجنة، وعمر فی الجنة، وعلی فی الجنة، وعثمان فی الجنة، وطلحة فی الجنة، والزبیر

شورا و یا مشروعیت جملیان[۱] نادیده گرفت و یا تأکید حقانیت خلافت به دلیل وجود روایاتی در اتصاف صاحبان آن به اهل بهشت، آن هم با ترتیبی معنادار منطبق بر ترتیب جانشینی خلفا.[۲]

تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر اهل بهشت بودن حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، با تأکید بر لفظ سیادت که معنای خاصی را القا می‌کند، در این رهیافت قابل ارزیابی است.[۳] استفاده مکرر اهل‌بیت[۴] ازاین‌روایت در احتجاجات، بلکه عموم مسلمانان در نکوهش عملکرد یزید،[۵] نشانه کارایی این وصف خاص در آن دوره است[۶]. تا جایی که مسلمانان تصور می‌کردند که این توصیفات برای دیگر اقوام نیز شوق برانگیز و عامل توجه آنان به اسلام خواهد بود. ازاین‌رو، سرداران فاتح در دعوت پیش از پیکار، از گزاره بهشت بسیار کمک می‌گرفتند.[۷]

فی الجنة، و عبدالرحمان بن عوف فی الجنة، وسعد بن أبی وقاص فی الجنة، وسعید بن زید فی الجنة، وأبو عبیدة ابن الجراح فی الجنة. (نسائی، *السنن*، ج ۵، ص ۵۶؛ بلاذری، همان، ج ۱۰، ص ۶۲؛ ابن اثیر، همان، ج ۲، ص ۳۰۷).

۱. به دلیل وجود طلحه و زبیر که از جمله العشره المبشره در سپاه جمل بودند، هم‌چنین روایات منفردی که درباره بهشتی بودن طلحه نقل شده است. (واقدی، همان، ج ۱، ص ۲۵۵؛ ذهبی، همان، ج ۳، ص ۶۳۶).

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یطلع علیکم رجل من أهل الجنّة. قال: فتراءینا من یطلع، فطلع أبو بکر رضی الله عنه، فقمنا فبشّرناه بما قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ثم سلّم ثم ردّوا علیه ثم جلس. ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یطلع علیکم رجل من أهل الجنّة. فتراءینا من یطلع من خلال السّعف. فطلع عمر بن الخطّاب رضی الله عنه، فقمنا فبشّرناه بما قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم فسلّم ثم جلس. ثم قال: یطلع علیکم رجل من أهل الجنّة. فنظرنا من خلال السّعف، فإذا علی علیه السلام قد طلع. (واقدی، همان، ج ۱، ص ۳۳؛ ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۳، ص ۶۰۶؛ ابن کثیر، *البدایه والنهایه*، ج ۸، ص ۷۴).

۳. تا جایی که وجود روایت سیدالکهول در مقابل، برای جلب رضایت عمومی، نیاز مؤکد آنان در جامعه آن روزگار به شمار می‌رفت.

۴. احتجاج امام حسین علیه السلام به این روایت، در وقایع پس از شهادت و دفن امام حسن مجتبی علیه السلام (بلاذری، ج ۳، ص ۶۰) و در واقعه عاشورا (طبری، ص ۵۴۲۵؛ ابن سعد، ج ۱، ص ۴۷۱) و احتجاج زینب کبری در خطبه کوفه (بلاذری، همان، ج ۵، ص ۱۲۱).

۵. ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۱۲۹؛ طبری، همان، ج ۸، ص ۱۸۸.

۶. ام ایمن در مواجهه با خلیفه اول و برای مشروعیت‌بخشی به سخنانش، از روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص بهشتی بودن خویش بهره برد.

۷. نک: خطبه شرحبیل در مواجهه با رومیان (واقدی، *فتوح الشام*، ج ۱، ص ۲۰۶) و سخن خالد ابن الولید در نبرد با رومیان. (واقدی، همان، ج ۱، ص ۹۰؛ ابن اعثم، همان، ج ۱، ص ۱۸۸).

با توجه به این مقدمات، می‌توان تأکید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در معرفی و گزینش افرادی با وصف بهشتی را در جهت ایجاد زمینه‌های تأثیرگذاری و انگیزه بیش‌تر در افراد جامعه دانست. شخصیت‌هایی که ویژگی‌های فردی آن‌ها نسبت به جامعه آرمانی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، والا و برتر است. حضرت علی علیه‌السلام، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام، حضرت زهرا علیهاالسلام،[1] حمزه و یا جعفر طیار[2] افراد برجسته‌ای بودند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مناسبت‌های مختلف آنان را بهشتی خوانده‌اند تا با توجه به تأثیر گزاره بهشت بر جامعه، زمینه‌های تأثیرگذاری شخصیتی آنان را در جامعه فراهم نمایند.[3]

همین تحلیل، در تأکید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر بهشتی بودن خدیجه کبری پذیرفتنی است. توجه به روایات ستایش خدیجه کبری علیهاالسلام و نوع گزاره‌های به کار رفته درباره ایشان و تأکید بر بهشتی بودن و بهره‌مندی از خانه بهشتی، به جهت گسترده کردن زمینه‌های تأثیرگذاری شخصیت ایشان بر جامعه اسلامی ارزیابی می‌شود.

در حقیقت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با این توصیفات، زمینه‌های علاقه عاطفی افراد جامعه به آن بانو و در نتیجه آشنایی و فهم ابعاد شخصیتی خدیجه کبری و در مراتب بعدی گسترش آن‌ها در جامعه اسلامی را فراهم می‌نمودند. بنابراین تصور می‌شود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خصوص واژه و گزاره بهشتی، دنبال ایجاد زمینه‌های ارتباطی و آن موقعیت تأثیرگذار شخصیتی خدیجه کبری علیهاالسلام در برابر جامعه اسلامی بودند نه صرف معرفی بهشتی بودن و یا صرف بیان شأن و مقام ایشان.

---

۱. علاوه بر روایات «سیدات اهل الجنه» روایات جداگانه‌ای درباره ایشان وارد شده است. (ابن عبد آلبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۹۴؛ بلاذری، ج ۱، ص ۴۰۵؛ ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۶، ص ۳۱۷).

۲. «قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: دخلت البارحة الجنة فإذا فيها جعفر يطير مع الملائكة، و إذا حمزة مع أصحابه» (ابن عبدآلبر، همان، ج ۱، ص ۲۴۴).

۳. «قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: نحن ولد عبدالمطلب سادة أهل الجنة: انا وحمزة و جعفر، و علی، و الحسن، و الحسين، و المهدی (ابن بطريق، ص ۵۲).

مؤید این تحلیل، نام‌هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار نام خدیجه کبری قرار دادند؛ افرادی که شخصیت الگویی آنان در قران تصریح شده است.[۱] این‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید داشتند که ایشان را همانند حضرت زهرا، آسیه و مریم یک ضلع از مربع رسم کنند و یا یک خط مساوی در راستای سه خط شناخته شده دیگر،[۲] ممکن است نشان از تساوی غایت پیامبر صلی الله علیه و آله در بزرگ‌داشت این زنان باشد، نه تساوی در مقام و منزلت.[۳]

هم‌چنین در روایت دیگری آمده که خانه بهشتی خدیجه کبری، بین دو منزلگاه مریم و آسیه در بهشت است.[۴] بنابراین می‌توان گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همان تعابیر قرآنی که برای افراد جامعه مأنوس و خوشایند بود، استفاده نموده‌اند تا اذهان مؤمنان را به پذیرش واقعیت الگویی ایشان آماده سازند. به همین جهت، روایت‌های بهشتی بودن و خانه بهشتی داشتن، بیش‌ترین نقل‌ها و طرق روایی را دارد و مبین اهمیت این موضوع در تبیین‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

تحلیل گزاره درود جبرئیل

دو جهت را در بررسی درود و سلام جبرئیل به خدیجه کبری می‌توان واکاوی نمود: ابتدا بعد معنوی و فردی این درود که نشان از مقام معنوی والای ایشان دارد و دیگری بعد اجتماعی و تربیتی آن‌که در ابلاغ این درود نهفته است.

ابراز و اعلام این درود به مسلمانان، معنایی خاص دارد که موردتوجه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. شاید بتوان روایت‌های سلام را روایاتی در نطاقی محدودتر نسبت به روایات اهل‌الجنه و در همان زمینه برشمرد و تحلیل نمود. افرادی مورد تحیت و سلام الهی و جبرئیل معرفی شدند که دارای ویژگی‌هایی خاص از نظر

۱. سوره *تحریم*، آیه ۱۱.
۲. نک: به دسته اول از روایات ستایش.
۳. در روایات دیگری، برافضلیت حضرت زهرا علیها السلام برهمه زنان عالم تأکید شده است.
۴ . ابن کثیر، *تفسیر*، ج ۴، ص ۴۱۷.

پیامبر اکرم ﷺ بودند. ایشان با استفاده از این اوصاف، تلاشی فراوان در تأکید این جایگاه برای جامعه اسلامی داشتند. ذهبی از ابن‌عباس روایت می‌کند که در پی ولادت فاطمه زهرا ؑ، جبرئیل نازل شد و بر ایشان و پدر بزرگوارش سلام و درود فرستاد.[۱] هم‌چنین روایت‌های بسیاری درباره حضرت علی ؑ و جایگاه ایشان و درود جبرئیل بر ایشان، ضبط شده است.[۲] تلاش پیامبر اکرم ﷺ جهت نهادینه کردن جایگاه حضرت علی ؑ در میان مسلمانان، امری پذیرفتنی و مؤکد است. همان‌گونه که توجه به جایگاه فاطمه زهرا ؑ نیز بر همان مبنا و هدف صورت می‌پذیرد.

این‌که روایات سلام جبرئیل به خلیفه اول[۳] و عایشه[۴] برای تعظیم و تکریم آنان نسبت داده شده، دلیل اهمیت خاص و برداشت ویژه‌ای است که از این تعبیر می‌شد؛ موضوعی که پیامبر اکرم ﷺ در پی تثبیت آن برای خدیجه کبری ؑ بودند. در حقیقت پیامبر اکرم ﷺ با این تعابیر، دنبال تبیین اصل عظمت خدیجه کبری ؑ و جایگاه خاص ایشان در جامعه بودند. قرار دادن نام آن بانو در کنار بزرگان،[۵] در روایتی که از فریقین نقل شده است، این مسأله را تأیید

---

۱. «عن ابن عباس، قال: لما ولدت فاطمة بنت النبی ﷺ سماها المنصورة، فنزل جبرائیل فقال: الله یقرئک السلام ویقرئ مولودک السلام (*میزان الاعتدال*، ج ۲، ص ۴۰۰).

۲. «محمد بن إسماعیل، باسناده، عن عبدالله بن عباس، أنه قال: قدم علی ؑ من بعض غزواته المبارکة. فقال له النبی ﷺ: یا علی إن جبرائیل یقرئک السلام، وأخبرنی أنه عنک راض». (قاضی نعمان، همان، ج ۲، ص ۴۱۱).

۳. «طعن أبی هریرة قال: کنا عند النبی ﷺ فالتفت وأبو بکر الصدیق عن یمینه وقال: هنیئا لک یا أبا بکر تحیة من عند الله إیاک! هبط جبریل فقال: یا محمد! من هذا المتخلل بالعباءة عن یمینک؟ فقلت: هذا أبو بکر، أنفق ماله علی قبل الفتح وصدقنی وزوجنی ابنته، فقال: یا محمد! أقرئه السلام من الله وقل له: أراض أنت عنی فی فقرک هذا أم ساخط؟ فبکی أبو بکر طویلا ثم قال: رضیت وسلمت لقضاء الله وقدره» (متقی هندی، همان، ج ۱۲، ص ۵۰۵).

۴. «ومن فضائلها ان جبریل ؑ کان یقرئها السلام ویبلغها رسول الله ﷺ فیقول لها: یا عائشة: هذا جبریل هو یقرأ علیک السلام فتقول: و علیه السلام و رحمة الله، تری ما لا نری» (ابن راهویه، همان، ج ۲، ص ۲۱).

۵. طبرانی، همان، ج ۳، ص ۶۷؛ قاضی نعمان، همان، ج ۲، ص ۳۷۵. «عن ابن عباس قال صلی رسول الله ﷺ صلاة العصر فلما کان فی الرابعة أقبل الحسن والحسین حتی رکبا علی ظهر رسول الله ﷺ

می‌کنـد.

اگـر روایـات اهـل بهشـت و خانـه بهشـتی را در کنـار ایـن روایـت قـرار دهیـم، بایـد گفـت پیامبـر اکـرم صلی الله علیه و آله و سلم بـا ایـن سـتایش‌ها، تـلاش نمودنـد تـا جایـگاه الگویـی آن بانـو در جامعـه اسـلامی را بـا اسـتفاده از گزاره‌هـای تأثیرگـذار و مـورد علاقـه جامعـه اسـلامی آن زمـان، نهادینـه کننـد.

تحلیل روایات دسته دوم

توجه به این روایت‌ها، از چند بعد اهمیت دارد:

نخسـت آن‌که آیا ایـن روایات از یک رویداد با مضامینـی متفاوت حکایت دارد و یا آن‌که از یک رونـد و جریانـی مستمر و تکرارشـده در منـزل پیامبـر اکـرم صلی الله علیه و آله و سلم پـرده برمـی‌دارد؟ یعنـی آیا سـخنانی کـه بـه غضـب پیامبـر اکـرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌انجامیـد، مکـرر بیـان می‌شـد و ایشـان بارهـا غضـب می‌نمودنـد؟ و یـا اتفاقـی بـود کـه بـا مضامیـن متعـددی بیـان شـده اسـت؟

تصـور آن اسـت کـه ایـن روایت‌هـا هم‌زمـان، و از جهتـی، از یـک جریـان مسـتمر حکایـت دارد و در بعـدی دیگـر، از یـک رویـداد واحـد گـزارش می‌دهـد.

نکتـه پرتکـرار روایـت، از جهـت رخـداد تاریخـی، اهتمـام پیامبـر اکـرم صلی الله علیه و آله و سلم بـه ابـراز شـخصیت خدیجـه کبـری اسـت کـه در عبـارت «کان یکثـر» ظهـور دارد؛ بنابرایـن آن حضـرت، بـا توجـه بـه اهدافـی کـه بیـان شـد، دنبـال معرفـی و برجسـته نمـودن شـخصیت خدیجـه کبـری بودنـد؛ بـه همیـن جهـت، در رفتـار و گفتـار، دایـم از ایشـان یـاد می‌کردنـد و جایـگاه ایشـان را برجسـته می‌نمودنـد.

فوضعهما بین یدیه و أقبل الحسن فحمل رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم الحسن علی عاتقه الأیمن و الحسین علی عاتقه الأیسر ثم قال أیها الناس ألا أخبرکم بخیرالناس جدا وجدة ألا أخبرکم بخیرالناس عما وعمة ألا أخبرکم بخیر الناس خالا وخالة أو أخبرکم بخیر أناس أبا وأما هما الحسن والحسین جدهما رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وجدتهما خدیجة بنت خویلد وأمهما فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وأبوهما علی بن أبی طالب وعمهما جعفر بن أبی طالب وعمتهما أم هانئ أبنت أبی طالب وخالهما القاسم ابن رسول الله وخالتهما زینب ورقیة وأم کلثوم وبنات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جدهما فی الجنة أبوهما فی الجنة وجدتهما فی الجنة وأمهما وعمهما وعمتهما فی الجنة وخالاتهما فی الجنة وخالهما فی الجنة وهما فی الجنة وأختهما صلی فی الجنة».

اما بخش بعدی روایت، از یک حادثه واحدی حکایت دارد که ناشی از تکرار است. ابراز نارضایتی عایشه از توجه پیامبر ﷺ که با تعابیری مشترک در روایات آمده، موجب ناراحتی یا خشم پیامبر ﷺ می‌شود و همین امر، باعث پشیمانی گوینده شده، ابراز می‌کند که در پیشگاه خداوند متعهد شده چنین سخنی را بر زبان نراند.[1]

تصور آن است که پیامبر اکرم ﷺ با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خدیجه کبری و فارغ از رابطه همسری که با ایشان داشتند، برجسته نمودن این شخصیت را ضرورت و نیاز جامعه می‌دانستند. مسأله‌ای که ممکن بود برای اغلب افراد جامعه و از جمله همسر ایشان، قابل‌درک نباشد. همین ابهامات، عامل ایجاد حساسیت و یا نارضایتی قلبی شد و در یک رویدادی به مناسبت، با تعبیری که نشان‌دهنده همین ابهام است، بیان گردید.

مؤید این تحلیل، عبارت‌هایی است که پیامبر اکرم ﷺ در ذیل این روایت و در پاسخ به این اعتراض بیان می‌دارند. ایشان از زیبایی و وجاهت و یا مکنت مالی خدیجه کبری ؏ سخن نگفتند؛ چنان‌که تصور سؤال‌کننده بوده و کنایتا به آن اشاره کردند.[2] بلکه ویژگی‌هایی را بیان کردند که از همراهی آن بانو با ایشان در رسالت حکایت دارد. ازاین‌رو، ایشان در حقیقت با این ستایش‌ها، علت توجه، معرفی و بزرگ‌داشت خدیجه کبری ؏ را برای رفع ابهام بیان می‌دارند. بنابراین احتمال می‌رود که این واقعه، امری گذرا بود که با قاطعیت پیامبر اکرم ﷺ و به جهت اهمیت خاص موضوع، در بعد اجتماعی آن متوقف گردید.

هم‌چنین عبارت‌های متعددی در منابع فریقین و در ذیل برخی ازاین‌روایات

---

۱. «فقلت فی نفسی اللهم إنک إن أذهبت عنی غضب رسول الله ﷺ لم أذکرها بسوء ما بقیت». (طبرانی، همان، ص ۱۲).

۲. «فقلت ما تذکر من عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین» (ضحاک، همان، ج ۵، ص ۳۸۶ و «قد عوضک الله من کبیرة السن» (طبرانی، همان، ج ۲۳، ص ۱۳ و «هل کانت إلّا عجوزا» (ابن عبدآلبر، همان، ج ۴، ص ۱۸۲۴).

آمده که نشان می‌دهد عایشه پس از این واقعه، جزبه مدح خدیجه کبری سخن نگفت. گویا او به نوعی این حقیقت را می‌پذیرد که جایگاه خدیجه نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، فراتر از علاقه و توجه همسران است.[۱]

از طرف دیگر، روایت منقول از عایشه، در حقیقت بیانی دیگر از ستایش و جایگاه خدیجه کبری علیها السلام نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که با استمرار ناراحتی‌ها و حساسیت‌ها، سازگاری ندارد. علاوه بر آن، چنین تعبیری از هیچ‌یک از زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نشده و جایگاه خدیجه کبری نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جهت جایگاه ایشان در مکتب اسلام، برای آنان تا اندازه‌ای روشن و یا محتمل بوده است.[۲]

ازاین‌رو باید گفت کثرت ستایش، با توجه به نگاه پیامبر اکرم، نوعاً حساسیت‌برانگیز نبوده اگرچه ممکن است به دلیل ابهاماتی برای برخی ایجاد حساسیت و ناراحتی را به همراه داشت.

دومین مورد در تحلیل روایت، نکاتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تبیین ویژگی‌های خدیجه کبری صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌فرماید. با توجه به قراین موجود در روایت که همان ابهامات به وجود آمده برای سؤال‌کننده است. بنابراین به نظر می‌رسد ویژگی‌های مذکور، درصدد پاسخ‌گویی و رفع ابهام، بیان شده که با روایت‌های دسته اول که ابتدئاً به ستایش می‌پردازد، متفاوت است؛ همان تفاوتی که میان فعل و علت فعل وجود دارد. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بیان ویژگی‌های شخصیتی خدیجه کبری در مرتبه دوم و پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان در جامعه اسلام توجه داشتند.

---

۱. «فما زلت أتقرب إلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بذکرها» (مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۸)؛ «والذی بعثک بالحق لا أذکرها بعد هذا إلا بخیر» (الطبرانی، همان، ص ۱۴)؛ «والله لا أعاتبک فی‌ها بعد الیوم» (ذهبی، همان، ج ۲، ص ۱۱۷)؛ «و لا أذکرها بعیب أبدا» (قندوزی، همان، ج ۳، ص ۳۳۱).

۲. بلکه تصور آن است که همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عموماً به جایگاه ایشان توجه داشتند و ابراز محبت می‌کردند مانند روایتی که ام‌سلمه از جایگاه خدیجه کبری علیها السلام نقل می‌کند و می‌گوید: «فهناها الله بذلک و جمع بیننا و بینها فی درجات جنته و رضوانه و رحمته. خداوند آن را برایش گوارا قرار دهد و ما را هم‌نشین ایشان در بهشت فرماید و مشمول رضوان و رحمت پروردگار باشیم».

به تعبیر دیگر، آن بانو دارای ویژگی‌هایی خاص بودند که برای یک جامعه آرمانی و الهی موردنظر پیامبر اکرم ﷺ مطلوب بود. این ویژگی‌ها، باید با بررسی زندگانی خدیجه کبری کشف و الگوگیری شود. به همین جهت، ستایش‌های پیامبر اکرم ﷺ در قدم اول، دنبال نهادینه کردن اصل الگوبودن خدیجه کبری در جامعه اسلامی است تا پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان، بعدها جامعه اسلامی با توجه به درک، معرفت و بینش خویش، به کشف ابعاد شخصیتی ایشان بپردازد. به همین جهت، در تحلیل این گزاره‌ها، تصور می‌شود که این ستایش‌ها، در جهت حصر و تعیین نبوده، بلکه روشن‌کننده بعدی از ابعاد موردتوجه پیامبر اکرم ﷺ در طرح الگو به شمار می‌آید.

نتیجه

روایات ستایش خدیجه کبری به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول روایاتی است عام که خدیجه کبری ؏ را با اوصافی کلی و شمولی می‌ستاید. این روایات خود سه دسته هستند: روایاتی که برتری ایشان نسبت به همه زنان را بیان کرده و یا ایشان را از جمله زنان برتر اهل بهشت معرفی می‌کند. دوم روایات مبین برخورداری ایشان از خانه‌ای بهشتی و سوم روایاتی که ابلاغ سلام جبرئیل به ایشان از جانب رسول اکرم را نشان می‌دهد. این روایت‌ها به دلایل ذیل، با هدف نهادینه نمودن شخصیت الگویی خدیجه کبری تبیین شده است:

- بررسی کارکرد واژه بهشت و بهشتیان در جامعه اسلامی دوران پیامبر اکرم ﷺ و میزان تأثیرگذاری و نقش آن در هدایت افکار عمومی جامعه، نشان‌دهنده علت تکرار عبارت اهل بهشت برای خدیجه کبری است.

- یادآوری و تکرار نام آن بانو در کنار زنانی که قرآن آنان را الگو برای کل جامعه معرفی می‌فرماید.

- استفاده از واژه‌های قرآنی و مورد علاقه مسلمانان همانند خانه بهشتی، در

جهت ایجاد پیوند و ارتباط عاطفی با خدیجه کبری؛

- اختصاص سلام و درود جبرئیل به حضرت علی علیه‌السلام، فاطمه زهرا علیهاالسلام و خدیجه کبری علیهاالسلام در روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشان‌دهنده تأکید ایشان در تقویت جایگاه خدیجه کبری است. همان‌گونه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نهادینه کردن و تثبیت جایگاه حضرت علی علیه‌السلام توجه داشتند.

بنابراین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، با استفاده از الفاظ موردعلاقه و تأثیرگذار جامعه اسلامی، خدیجه کبری را می‌ستودند تا پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان، بعدها جوامع اسلامی به تناسب درک و معرفت خویش، به تبیین و تعیین فضایل ایشان توجه نمایند.

روایت‌های دسته دوم، از وقوع یک رویداد در نتیجه اهتمام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تکرار یادآوری ایشان حکایت دارد. آن حضرت برای رفع ابهامات حاصل‌شده در ذهن مخاطب، علت توجه به خدیجه کبری را جایگاه ایشان در اسلام بیان فرموده، در این زمینه ایشان را می‌ستایند. ستایش‌هایی خاص که برای رفع ابهام و به نحو غیرتعیینی بیان شده است.

تصور نویسنده آن است که بعدها تلاش‌هایی برای پررنگ نمودن این رویداد و انعکاس آن در منابع، برخلاف آن‌چه بوده صورت پذیرفته است. تصویری که ستایش خدیجه کبری را در حد یک نزاع درون خانه‌ای میان همسران پایین آورد و اهداف بزرگ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بی‌ثمر گرداند.

هم‌چنین انتظار می‌رود با توجه به بلوغ فکری و دینی موجود در جامعه اسلامی امروز، تحلیل و درک ابعاد شخصیتی خدیجه کبری که متوجه جامعه اسلامی بوده و در پی تلاش‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای نهادینه کردن جایگاه الگویی ایشان، تحکیم یافت، به آن توجه گردد و از ابزارهای معرفتی پیشرفته برای درک این ابعاد استفاده شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌اثیر (م ۶۳۰)، ابوالحسن الجزری، ***اسدالغابه فی معرفه الصحابه***، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۲. ابن‌اعثم (م ۳۱۴)، احمد، ***الفتوح***، تحقیق علی شیری، دارالاضواء، بیروت ۱۴۱۱ ق.

۳. ابن‌بطریق (م ۶۰۰)، شمس‌الدین، ***عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار***، مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۷ ق.

۴. ابن‌جوزی (م ۵۹۷)، عبدالرحمان بن ابی الحسن، ***المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک***، تحقیق محمدعبدالقادر عطا و مصطفی هبدالقادر عطا، تصحیح نعیم زرزور، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۲ ق.

۵. --------------- ***کشف المشکل من حدیث الصحیحین***، تحقیق علی حسین البواب، دار الوطن للنشر، الریاض ۱۴۱۸ ق.

۶. ابن‌حبان (م ۳۵۴)، محمد، ***صحیح***، تحقیق شعبب الارنؤوط، مؤسسه الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷. ابن‌حجر عسقلانی (م ۸۵۲)، احمد بن علی، ***الاصابه***، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، دارالفکر العلمیه، بیروت ۱۴۱۵ ق.

۸. ابن‌سعد (م ۲۳۰)، محمد، ***الطبقات الکبری***، دارصادر، بیروت بی‌تا.

۹. ابن‌عبدآلبر، یوسف بن عبدالله، ***الاستیعاب***، تحقیق علی‌محمد البجاوی، دارالجیل، بیروت ۱۴۱۲ ق.

۱۰. ابن‌کثیر (م ۷۷۴)، اسماعیل بن عمر، ***البدایه و النهایه***، تحقیق علی شیری، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۸ ق.

۱۱. --------------- ***تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق یوسف عبدالرحمان المرعشی، دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت ۱۴۱۲ ق.

۱۲. ابن‌هشام (م ۲۱۸)، عبدالملک، ***السیره النبویه***، تحقیق مصطفی السقا و

ابراهیـم الأبیـاری و عبدالحفیـظ شـلبی، دارالمعرفـه، بیـروت، بی‌تـا.

۱۳. اصفهانـی (م ۳۵۶)، ابوالفـرج، *الاغانـی*، داراحیـاء التـراث العربـی، بیـروت، بی‌تـا.

۱۴. بـلاذری (م ۲۷۹)، احمـد بـن یحیـی، *انسـاب الاشـراف*، تحقیـق محمـد حمیـدالله، دارالمعـارف، مصـر ۱۹۵۹ م.

۱۵. بیهقـی (م ۴۵۸)، احمـد بـن الحسـین، *السـنن الکبری*، دارالفکـر، بی‌جـا، بی‌تـا.

۱۶. حمـوی (م ۶۲۶)، یاقـوت، *معجـم البلـدان*، داراحیـاء التـراث العربـی، بیـروت ۱۳۹۹ ق.

۱۷. دولابـی (م ۳۱۰)، محمـد بـن احمـد، *الذریة الطاهـرة النبویة*، تحقیـق سـعدالمبارک الحسـن، دارالسـلفیه، الکویـت ۱۴۰۷ ق.

۱۸. ذهبـی (م ۷۴۸)، شـمس‌الدین، *میـزان الاعتـدال*، تحقیـق علی‌محمـد البجـاوی، دارالمعرفـه الطباعـه و النشـر، بیـروت ۱۳۸۲ ق.

۱۹. ---------------- *سـیر اعـلام النبـلاء*، تحقیـق شـعیب الارنئـوط، مؤسسـه الرسـاله، چـاپ نهـم، بیـروت ۱۴۱۳ ق.

۲۰. ضحـاک، ابـن ابـی عاصـم (م ۲۸۷)، *الاحـاد و المثانـی*، تحقیـق باسـم فیصـل و احمـد الجوابرة، دارالدرایة، ۱۴۱۱ ق.

۲۱. طبرانـی (م ۳۶۰)، سـلیمان بـن احمـد، *المعجـم الاوسـط*، دارالحرمیـن، ۱۴۱۵ ق.

۲۲. طوسـی (م ۴۶۰)، محمـد بـن الحسـن، *الامالـی*، تحقیـق موسسـه البعثـه، دارالثقافـه للطباعـه و النشـر، قـم ۱۴۱۴ ق.

۲۳. عینـی (م ۸۵۵)، بدرالدیـن، *عمـده القـاری شـرح البخـاری*، داراحیـاء التـراث العربـی، بیروت، بی‌تـا.

۲۴. قنـدوزی (م ۱۲۹۴)، *ینابیـع المـوده*، تحقیـق سـیدعلی جمـال اشـرف الحسـینی، دارالاسـوه للطباعـه و النشـر، ۱۴۱۶ ق.

۲۵. متقی هندی (م ۹۷۵)، علاءالدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقا، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۰۹ ق.

۲۶. مجلسی (م ۱۱۱)، محمدباقر، ***بحارالانوار***، تحقیق محمدباقر بهبودی، موسسه الوفا، بیروت ۱۴۰۳ ق.

۲۷. مقریزی (م ۸۴۵)، تقی‌الدین، *امتاع التسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع*، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۲۰ ق.

۲۸. موصلی (م ۳۰۷)، احمد ابویعلی، *مسند ابی یعلی*، تحقیق حسین سلیم اسد، دارالمأمون للتراث، بی‌تا.

۲۹. نسایی (۳۰۳)، *السنن الکبری*، عبدالغفار سلیمان البنداری و سیدکسروی حسن، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۱ ق.

۳۰. واقدی (۲۰۷)، محمد بن عمر، *فتوح الشام*، دارالجیل، بیروت، بی‌تا.

۳۱. یعقوبی (م ۲۸۴)، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، دارصادر، بیروت، بی‌تا.

۳۲. سعادت مصطفوی، سیدحسن؛ هاشمی گلپایگانی، سیدمحمد صالح؛ اشرفی، عباس، «ارائه الگو: راهکاری قرآنی برای تقویت انگیزه‌های عالی و تضعیف انگیزه‌های دانی در زیست اخلاقی»، پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۴، شماره۱۵، ۱۳۹۳ش.

سیمای حضرت خدیجه علیهاالسلام در دیوان امام علی علیه‌السلام

بهاره رحیمی خلیل اللهی[1]

چکیده

ذکر و وصف شخصیت خاندان عصمت و طهارت به‌ویژه خدیجه کبرا علیهاالسلام، از موضوعات مهمی بوده که در کانون توجه ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار داشته است، ایشان فضایل حضرت خدیجه علیهاالسلام را یادآور می‌شدند و در احادیث گهربار خود از این بانوی بزرگوار یاد می‌کردند. از جمله، امام علی علیه‌السلام. پژوهش حاضر بر آن است تا قصیده‌ای را که ایشان در مدح و رثای بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه علیهاالسلام سروده‌اند، از نظر زیبایی‌شناسی محتوایی و ساختاری بررسی کند و نوع نگاه حضرت را به خدیجه علیهاالسلام تبیین نماید. امام علی علیه‌السلام در دیوان خود، با اشاره به احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت خدیجه علیهاالسلام را پاک‌دامن و یاری‌گر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زن اولین مسلمان می‌دانند و حضرت را با لقب «سیّدة النساء» مدح می‌کنند. شایان‌ذکر است که امام علیه‌السلام در بیان اوصاف و فضایل خدیجه علیهاالسلام، از فنون سخنوری و بلاغت، کاملاً بهره برده و اشعار روان و دل‌نشینی را در مدح ایشان سروده‌اند.

واژگان کلیدی

امام علی علیه‌السلام، حضرت خدیجه علیهاالسلام، احادیث، مدح.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه: baharehrahimi7@gmail.com.

مقدمه

احادیث فراوانی در کتب حدیثی، در شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که در آن به فضایل و فداکاری‌های حضرت در راه اسلام اشاره شده است. تاریخ‌نگاران آورده‌اند که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در رجز خویش، به جده خود خدیجه علیها السلام اشاره فرمودند که این امر نشان‌دهنده بزرگی مقام و منزلت آن بانو نزد ائمه است. امام علی علیه السلام نیز در دیوان خویش، به زندگانی آن حضرت اشاره فرموده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی دیدگاه امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان در مورد أم‌المؤمنین علیها السلام و معرفی ایشان از دریچه شعر و ادب به مخاطبان است؛ زیرا شعر یکی از بهترین وسیله‌های تأثیرگذار بر افکار دیگران به شمار می‌آید. امام علی علیه السلام در عصری که دوره شکل‌گیری و تثبیت عقاید دینی مسلمانان بود، کوشیدند تا با بیان روان و دل‌نشین خود، به دفاع از عقاید اسلام به ویژه به بیان سیمای حضرت خدیجه علیها السلام بپردازند.

مواد و روش پژوهش

دیوان منسوب به امام علی علیه السلام و مصادر و منابع مرتبط با حضرت، از مهم‌ترین مواد مورد استفاده در پژوهش حاضر است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون‌متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌گیرد. بدین ترتیب که ابتدا به استخراج قصیده امام علیه السلام در مدح و رثای خدیجه علیها السلام و سپس به شرح و تحلیل مضامین آن و زیبایی‌شناسی محتوایی و ساختاری آن پرداخته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در مورد امام علی علیه السلام و دیوان ایشان صورت گرفته که در این‌جا به ذکر برخی از آن‌ها بسنده می‌کنیم: پایان‌نامه لیلا خوشنویسان با عنوان «بررسی مضامین دیوان منسوب به امام علی علیه السلام با *نهج‌البلاغه*» (۱۳۸۹)

که در آن به بررسی مضامین دیوان منسوب به امام با *نهج البلاغه* می‌پردازد. نویسنده معتقد است که صحت انتساب اشعار منسوب به حضرت علی علیه السلام از زوایای مختلف قابل بررسی است؛ زیرا ابیات مذکور از جهت منابع و وجود مضمون و واژگان مشترک با سخنان امام علی علیه السلام یکسان نیستند؛ به گونه‌ای که بخشی از آن‌ها در دیوان شاعران عرب دیده می‌شود و یا در منابع عربی به گویندگان دیگری نسبت داده شده است. هم‌چنین پایان‌نامه عاطفه اقتصادی رودی با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای امام علی علیه السلام در دیوان ابن‌حسام خوسفی و ناصرخسرو» (۱۳۸۹) که به اعتقاد نویسنده، حضرت علی علیه السلام نزد عموم مسلمانان از جایگاهی ویژه برخوردارند. شاعران ادب پارسی اعم از شیعه و سنی، در ابراز ارادت و محبت خود به آن بزرگ‌مرد دادگری و جوان‌مردی، اشعار بسیاری سروده و دیوان‌های خویش را به ستایش او مزین نموده‌اند. ابن‌حسام خوسفی شاعر شیعی دوازده‌امامی قرن نهم هجری و ناصرخسرو شاعر توانمند اسماعیلی‌مذهب قرن پنجم هجری، از جمله این شاعران هستند که در ابیات بسیاری به بازتاب سیمای امام علی علیه السلام پرداخته‌اند. در مورد خدیجه کبری علیها السلام نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته که در این‌جا به ذکر برخی از آن‌ها اکتفا می‌کنیم: مقاله سیدجواد حسینی با عنوان «کجا مثل خدیجه می‌توان یافت» (۱۳۸۷) که به بررسی نسب و فضایل ایشان می‌پردازد. نیز مقاله محمدمحسن طبسی با عنوان «حضرت خدیجه علیها السلام مادر امت» (۱۳۷۸) که به بررسی فضایل و فداکاری‌های حضرت می‌پردازد.

گذری بر زندگی امام علی علیه السلام

اولین ستاره فروزان آسمان ولایت، در روز سیزدهم رجب، سی سال پس از عام‌الفیل در شهر مکه و در خانه خدا طلوع کرد و امام اول شیعیان و نور چشم پدر پا به عرصه وجود گذاشت و در سال چهلم هجری شب نوزدهم ماه رمضان، وقت طلوع فجر با شمشیر ابن‌ملجم مرادی ضربت خورد و شب بیست و یکم همان

ماه به شهادت رسید. زندگی امام علی علیه السلام، برای اسلام بسیار پربرکت بود، بلکه برای بشریت. ایمان حضرت را نمی‌توان درک کرد. عمر هنگام انتخاب اعضای شش نفره شورا برای تعیین خلیفه، سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره امام را تکرار کرد: «ای علی اگر ایمان همه خلایق را با ایمان تو مقایسه کنیم، ایمان تو برآن‌ها برتری دارد».[۱] سخن امام در *نهج البلاغه* که می‌فرمودند: «سلونی»، نشان‌دهنده علم بی‌نظیر ایشان است. کتب تاریخی، تمام فضایل و کرامت‌های انسانی را برای ایشان ثبت کرده‌اند.

گذری بر زندگی حضرت خدیجه علیها السلام

در حدود سی سال قبل از ظهور اسلام، فرزندی متولد شد که خانواده او برخلاف رسم سیاه و منحط زمانه، مقدم او را گرامی داشتند و ضمن تبریک ولادت او به پدرش «خویلد» و مادرش «فاطمه»، نام نوزاد خویش را «خدیجه» به مفهوم برگزیده و گسسته از ناپسندی‌ها و نازیبایی‌ها و نارواها برگزیدند.[۲] ایشان پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، صاحب دو پسر به نام‌های قاسم و عبدالله و چهار دختر به نام‌های ام کلثوم، زینب، رقیه و فاطمه علیها السلام شدند. ایشان تمام اموال خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واگذار کردند و بیست‌وچهار سال و یک ماه با آن حضرت زندگی نمودند و سرانجام در ماه رمضان، سه سال قبل از هجرت، درگذشتند و پیامبر ایشان را در حجون مکه به خاک سپردند.[۳]

پردازش تحلیلی موضوع

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در شعر امام علی علیه السلام

قرآن کریم از ویژگی‌هایی چون پاک‌دامنی و عفاف، اسلام و ایمان، اقامه نماز، یاری‌گری نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سخن گفته و آن‌ها را ستوده است. از آن‌جایی که

---

۱. مظاهری، *زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام*، ص ۵۰-۴۷.
۲. کرمی فریدنی، *فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام*، ص ۳۱-۳۳.
۳. محلاتی، *ریاحین الشریعه*، ج ۲، ص ۲۰۲.

همسر پیامبر نیز باید این ویژگی‌ها را داشته باشد تا شایسته این همسری باشد، حضرت خدیجه نیز در این امور زبانزد خاص و عام است و مولا علی علیه‌السلام نیز این ویژگی‌های ایشان را در قالب کلماتی روان و دل‌نشین و استوار به تصویر کشیده‌اند و این شخصیت محبوب و مورد اعتماد رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را این‌گونه ستوده‌اند:

۱. بی‌بدیل بودن حضرت خدیجه علیهاالسلام

امام علی علیه‌السلام قصیده‌ای چندبیتی در رثای حضرت خدیجه علیهاالسلام و حضرت ابوطالب علیه‌السلام، پدر بزرگوارشان سروده‌اند که ابیات آن نشان‌دهنده ذوق هنری و تصویرسازی بسیار دقیق امام و ارادت خاص حضرت به این دو بزرگوار است. امام علیه‌السلام با مخاطب قرار دادن چشم‌هایشان و با کلماتی که سرشار از غم و اندوه است، قصیده را آغاز می‌کنند و از چشم‌ها می‌خواهند که در فراق ایشان فراران بگریند؛ زیرا این دو تن نمونه‌اند و در شرافت این دو تن همین بس که ابوطالب پدر امام علی علیه‌السلام و حضرت خدیجه علیهاالسلام مادر فاطمه زهرا علیهاالسلام بودند؛ زهرایی که مادر یازده پیشوای امت اسلامی هستند و گریه فراوان در غم از دست دادنشان شایسته است:

اعینی جودا بارک‌الله فیکما   علی الهالکین لا تری لهما مثلاً[۱]

«ای دو چشم من! خدا به شما برکت دهد! برای دو فردی که از دنیا رفتند و نمونه ندارند، اشک بریزید!»

امام علیه‌السلام در این بیت، با مخاطب قرار دادن چشم‌ها، از صنعت تشخیص[۲] استفاده نموده که در زیباسازی کلام و رساندن پیام، تأثیربسزایی دارد. هم‌چنین مولا علیه‌السلام که بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین عرب پس از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند، از تأثیربار اصوات بر بافت شعر و جلب‌توجه مخاطب آگاه بوده‌اند و از واج‌آرایی در حرف «الف» برای تحقق این امر بهره برده‌اند، زیرا تکرار فراوان «الف» در این

---

۱. مصطفی زمانی، *ترجمه دیوان علی بن ابی طالب* علیه‌السلام، ص ۳۵۹.

۲. آدم‌گونگی یا تشخیص، آن است که گوینده عناصر بی‌جان یا امور ذهنی را به رفتار آدمی بیاراید که با نسبت دادن حالتی، آن را هم‌چون موجودی انسانی تصویر کرده است. (داد، ۱۳۷۸، ص ۱).

بیت، آه و انـدوه را بـه نمایـش می‌گـذارد.

بـه نظـر می‌رسـد، امـام علـی علیه السلام در سـرودن مصـرع اول بیـت یـاد شـده، بـه ایـن بیـت «خنسـاء» شـاعر عصـر جاهلـی، نظـر داشـته‌اند:

أعَـيـنـي جُــودَا وَلَا تَـجَـمُـدَا ألا تـبـكـيـان لـصـخـر الـنّـدى[1]

«ای دو چشـم مـن! گریـه کنیـد و خشـک نباشـید و این‌کـه بـرای صخـر (بـرادر شـاعر) گریـه نکنیـد!»

اگـر دو مصـرع اول را بـا هـم مقایسـه کنیـم، درمی‌یابیـم کـه ایشـان بـه جـای «لا تجمُـدا»، از «بـارک‌الله فیکمـا» اسـتفاده نموده‌انـد و کاربـرد جملـه دعایـی در بیـت امـام علیه السلام ، باعـث تأثیرگـذاری بیش‌تربرمخاطـب شـده و رنـگ و بـوی اسـلامی بـه شـعر داده و بـه تثبیـت اعتقـاد مسـلمانان و این‌کـه مـردم از خداونـد یکتـا خواسته‌هایشـان را بخواهنـد، کمـک نمـوده اسـت.

۲. خدیجه علیها السلام سرور زنان و اولین زن نمازخوان

احمـد بـن محمـد بـن حنبـل شـیبانی در مسـند و طبرانـی و دیگـران بـا سـندهای خـود، از انـس بـن مالـک از رسـول خـدا صلی الله علیه و آله و سلم روایـت کرده‌انـد کـه فرمـود:

خیـرُ نِسـاءِ العالمیـن اربعٌ: مریـمُ بنـت عمـران و آسـیةُ بنـت مزاحـم و خدیجـه بنـت خویلـد و فاطمـه بنـت محمـد صلی الله علیه و آله و سلم ؛

بهتریـنِ زنـان جهـان چهـار نفرنـد: مریـم دختـر عمـران، آسـیه دختـر مزاحـم، خدیجـه دختـر خویلـد و فاطمـه علیها السلام دختـر محمـد صلی الله علیه و آله و سلم .

حضـرت خدیجـه علیها السلام از جهـات عدیـده بـر مریـم و آسـیه فضیلـت دارد؛ زیـرا ویژگی‌هایـی چـون بـذلِ مـال، علـم، عبـادت، معرفـت، صبـر، شـکیبایی، حضانـت اولاد، تدبیـر منـزل و خـوب شـوهرداری کـردن مـلاک فضیلـت زنـان اسـت. آن‌چـه بـرای خدیجـه علیها السلام فراهـم بـود، بـرای آن‌هـا یعنـی آسـیه و مریـم فراهـم نبـود.[2]

---

۱. الخنساء، *دیوان*، ص ۳۱.

۲. محلاتی، *ریاحین الشریعه*، ص ۲۰۳.

ابن اثیر در کتاب *الکامل فی التاریخ*، درباره اسلام آوردن حضرت از قول ابن اسحاق چنین می‌گوید:

اولین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و ایشان را تصدیق کرد همسرش، خدیجه دختر خویلد بود.[۱]

حضرت خدیجه علیها السلام نمونه کامل و عملی این آیه بودند که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يؤْمِنُونَ بِالْغَيبِ وَ يقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ ينْفِقُونَ﴾[۲] «(متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می‌دارند و از آن‌چه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند».

حضرت خدیجه علیها السلام هم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان داشت و هم نماز می‌خواند. وی اولین زنی بود که پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواند. و تمام اموال خود را به آن حضرت هدیه داد تا در راه گسترش اسلام مصرف فرماید.

امام علیه السلام در ادامه قصیده، به صورت تلمیحی و با اقتباس از آیه شریفه و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نمازخواندن و بزرگی مقام حضرت خدیجه علیها السلام اشاره فرموده‌اند:

علی سید البطحا[۳] و ابن رئیسها وسیدة النسوان[۴] اول من صلی[۵]

« بر سید مکه و پسر رئیس آن و بر سرور زنان عالم و اولین زنی که نماز خواند گریه کنید!».

مولا علیه السلام در این بیت، از مجاز مفرد مرسل[۶] به علاقه محلیه در واژه «بطحا» بهره

---

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، ص ۶۵۰.
۲. سوره بقره، آیه ۳.
۳. بطحاء: سرزمینی است که بخشی از قبیله قریش پیش از اسلام در آن‌جا زندگی می‌کردند.
۴. النسوان: جمع الجمع النساء.
۵. مصطفی زمانی، *ترجمه دیوان علی بن ابی طالب* علیه السلام، ص ۳۵۹.
۶. مجاز لفظی است که در غیر آن‌چه برای آن وضع شده، به کار رفته و این کاربرد، به جهت پیوند و مناسبتی است که میان معنای حقیق و مجازی وجود دارد و همراه با قرینه است که مانع از اراده معنای وضعی آن می‌شود (الهاشمی، ۱۳۸۶: ۳۱۲-۳۱۱). مجاز مرسل، مجازی است که علاقه میان دو طرف استعمال معنای حقیق و معنای مجازی. غیر مشابهت است. (شفیعی کدکنی، *موسیقی شعر*، ص ۱۰۴).

برده‌اند. زیرا ایشان با آوردن محل زندگی مردم قریش، خود مردم را اراده فرموده‌اند. بی‌شک استفاده از واژگان متضاد در زبان، ضمن برجسته‌سازی آن‌ها، در منتقل کردن مفهوم مؤثر افتاده، هرکدام معنای دیگری را تقویت می‌کند.[۱] ایشان در این بیت، از نقش تضاد موجود در دو واژه «سیّد» و «سیّده» در تأکید و تقویت کلام بهره برده‌اند. هم‌چنین لفظ «نسوان»، معنا را دو برابر می‌کند. امام علی علیه السلام آن را با صیغه جمع به کار برده تا بلیغ و رسا شود و خواننده به کثرت آن‌ها پی ببرد؛ زیرا «نسوان» عمیق‌تر و وسیع‌تر از «نساء» و «إمرأة» مفرد آن است و صفت کثرت و شمول به آن می‌دهد. به‌کارگیری چند نکته بلاغی در یک بیت، نشان‌دهنده قدرت و توانایی فنی امام علیه السلام است.

۳. خدیجه علیها السلام، پاک‌طینت و خوش‌اخلاق

بخاری در *صحیح* خود می‌نویسد:

> پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت می‌فرماید: «خدیجهُ کانت مِن احسنِ النساء جمالاً و اکملُهنَّ عقلاً و اتمهنَّ رأیاً و اکثرهنَّ عِفَّةً و حیاءً و مروءةً و مالاً؛
>
> خدیجه از بهترین زنان از نظر زیبایی، و کامل‌ترین از نظر عقل و درایت و اندیشه، و بیش‌ترین از نظر پاک‌دامنی و حیا و جوانمردی و مال بود».[۲]

معنای پاک‌دامنی، انزوا نیست؛ بلکه رعایت پاکی در رفت‌وآمد طبیعی و عادی است[۳] پاک‌دامنی و پاکیزگی، برترین ارزش است.[۴] و یاد علم خدا به پنهان و آشکار، مایه حیا و پاک‌دامنی ماست.[۵] از آن‌جایی که حضرت خدیجه علیها السلام به خداوند ایمان داشت، ایمان او باعث نیکوشدن اخلاقش شده بود. امام علیه السلام با آگاهی از این نکته، با اقتباس از سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن بانو را پاک‌دامن

---

۱. انصاری، سیفی، «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» *مجله ادب عربی*، ص ۱۰.
۲. محلاتی، *ریاحین الشریعه*، ص ۲۰۴.
۳. قرائتی، *تفسیر نور*، ج ۴، ص ۹۸.
۴. همان، ج ۱، ص ۴۸۱.
۵. همان، ج ۴، ص ۳۵۵.

می‌دانند و معتقدند که خداوند، اخلاق ایشان را نیکو گردانیده است:

مهذبةٌ قد طیبَ اللهُ خیمَها مبارکةً و اللهُ ساق لها فضلاً[1][2]

«پاک‌طینت بود و خدا اخلاق وی را شایسته و مبارک قرار داده و برتری را به سوی او گسیل داشته بود».

طینت پاک و اخلاق نیکوی حضرت، در این بیت محور اصلی توصیف قرار می‌گیرد. امام علی علیه السلام در این بیت، از ایجاز حذف بهره برده و مسندالیه را حذف نموده‌اند؛ زیرا ایشان معتقدند که خدیجه علیها السلام، همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مادر حضرت زهرا علیها السلام از چنان پاکی و اخلاق نیکویی برخوردار بودند که هیچ زنی جز ایشان شایسته صفت «پاک‌طینت» نیست؛ لذا به سبب وضوح، از ذکر نام آن حضرت خودداری نمودند.

بزرگی مصیبت از دست دادن آن دو بزرگوار

فبت اقاسی منهما الهم و الثکلا مصابهما ادجی الی الجو و الهوی[3]

«شب که می‌خوابم، غم و مصیبت آنان مرا فرا می‌گیرد و مصیبت آنان میان آسمان و زمین را تاریک می‌گرداند».

امام علی علیه السلام در این بیت، علتی هنرمندانه برای تاریکی شب می‌آورند و معتقدند که غم و مصیبت آنان، زمین را تاریک می‌گرداند. حزن و اندوه امام برای مرگ آن دو بزرگوار، بیان‌گر به کارگیری عنصر عاطفه است که از ارکان عناصر ادب محسوب می‌شود.

۵. یاری‌گر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ وَجَدَکَ عائِلًا فَأَغْنی»؛[4] «و تهی‌دستت یافت پس

۱. مهذبة: پاک‌طینت؛ خیم: اخلاق؛ ساق: گسیل داشت.
۲. مصطفی زمانی، *ترجمه دیوان علی بن ابی طالب* علیه السلام، ص ۳۵۹.
۳. همان.
۴. سوره الضحی، آیه ۸.

بی‌نیازت نمود».

کلمه «عائل»، به معنای تهی‌دستی است که از مال دنیا چیزی ندارد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همین‌طور بودند و خدای تعالی ایشان را بعد از ازدواج با خدیجه بی‌نیاز فرمود. خدیجه علیهاالسلام تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشید.[1] حسین مظاهری در ذیل معرفی شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام، درباره خدیجه علیهاالسلام این‌گونه می‌گوید:

> اسلام مرهون زحمات آن بزرگوار است. مادری که سه سال، مسلمانان محصور در شعب ابی‌طالب را اداره کرد و همه اموال خود را در این راه خرج کرد؛ مادری که چندین سال در مکه با آن مصیبت‌های کمرشکن ساخت و دوش به دوش رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را یاری فرمود و در این راه سنگ‌ها به بدن مبارکش فرود آمد؛ بی‌حرمتی‌ها به او وارد شد؛ شماتت‌ها در این راه دید و هرچه این اتفاقات بیش‌تر می‌شد، صبر و استقامت او زیادتر می‌گشت.[2] امام علی علیه‌السلام که شاهد کرامت‌ها و بزرگواری‌ها، یاری‌گری‌های این دو بزرگوار نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اسلام بودند، در بیت زیر، با اقتباس از *قرآن* به این امر اشاره می‌فرمایند:

لقد نصرا فی الله دین محمد علی بغی فی الدین قد رعیا لا دجی[3]

«ابوطالب و خدیجه در راه خدا، دین محمد را یاری کردند و در برابر کسانی که علیه دین به پا خاسته بودند، مقاومت کردند و پیمان خود را با خدا و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حفظ نمودند».

یاری‌گری و نصرت حضرت در این بیت، محور اصلی کلام است. امام برای تأکید بر سخن خود، از «لقد» بهره می‌گیرد که از حروف تأکید است.

پایان یافتن ابیات قصیده با مصوت «ا» نیز می‌تواند به نوعی تحسر شاعر را تداعی کند. از این روی «ا» در کنار تناسب آوایی، با مضمون موردنظر شاعر

---

۱. طباطبایی، *تفسیر المیزان*، ج ۲۰، ص ۵۲۴.
۲. مظاهری، *زندگانی چهارده معصوم* علیهم‌السلام ص ۳۸.
۳. مصطفی زمانی، *ترجمه دیوان علی بن ابی طالب* علیه‌السلام، ص ۳۵۹.

هماهنگ است.[۱]

نتیجه

- ذکر فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیهاالسلام همیشه کانون توجه ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است.

- امام علی علیه‌السلام اولین پیشوای شیعیان، حضرت خدیجه علیهاالسلام و فداکاری‌های او را می‌ستایند.

- ذکر فضایل اخلاقی حضرت دارای بسامد بالایی است.

- حضرت خدیجه علیهاالسلام در دیوان حضرت، بانویی پاک‌دامن، مسلمان، نمازخوان و یار رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی می‌گردد.

-امام علیه‌السلام به سبب از دست دادن حضرت، غمگین شده‌اند و این نشان‌دهنده والایی منزلت حضرت خدیجه علیهاالسلام در نزد امام علی علیه‌السلام است.

- امام علیه‌السلام در بیان فضایل حضرت، از قرآن و سخنان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اقتباس نموده‌اند.

---

۱. انصاری و سیفی، «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» *مجله ادب عربی*، ص ۶۱.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: عمرعبدالسلام تدمری، چاپ اول، بیروت: دارالکتاب العربی، ١٤١٧ ق.

۲. اقتصادی رودی، عاطفه، *بررسی تطبیقی سیمای امام علی عليه السلام در دیوان ابن حسام خوسفی و ناصرخسرو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹ ش.

۳. انصاری، نرگس و سیفی، طیبه، «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» *مجله ادب عربی*، ش ۲، سال ششم، ۱۳۹۳ ش.

۴. حسینی، سیدجواد «کجا مثل خدیجه می‌توان یافت»، *نشریه پاسدار اسلام*، ش ۳۲۱، ۱۳۸۷ ش.

۵. الخنساء، *دیوان*، تحقیق: عمر فاروق الطباع، بیروت: شرکة دارالأرقم بن ابی الأرقم، بی‌تا.

٦. خوشنویسان، لیلا *«بررسی مضامین دیوان منسوب به امام علی عليه السلام با نهج‌البلاغه»*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی،۱۳۸۹ ش.

۷. داد، سیما، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ اول. تهران: مروارید، ۱۳۷۱ ش.

۸. زمانی، مصطفی، *ترجمه دیوان علی بن ابی طالب* عليه السلام، قم: پیام اسلام، ۱۳۶۹ ش.

۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا، *موسیقی شعر*، چاپ چهارم، تهران: آگاه، ۱۳۷۳ ش.

۱۰. طبسی، محمدمحسن «خدیجه عليها السلام مادر امت»، *فرهنگ کوثر*، شماره ۳۴، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.

۱۲. کرمی فریدنی، علی، *فروغ آسمان حجاز خدیجه* عليها السلام، قم: دفتر فرهنگی

نسـیم انتظـار، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. محلاتـی، ذبیـح‌الله، *ریاحین‌الشریعه*، ج ۲، تهـران: دارالکتـب الاسـلامیه، بی‌تـا.
۱۴. مظاهـری، حسـین، *زندگانـی چهارده معصوم* علیهم السلام، چـاپ ششـم، تهـران: پیـام آزادی، ۱۳۷۸ ش.
موسـوی همدانـی، سـیدمحمدباقر، *ترجمه تفسیرالمیزان*، چـاپ پنجـم، قـم: دفتـر انتشـارات اسـلامی جامعهٔ مدرسـین حوزه علمیـه قـم، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. هاشـمی، احمـد، *جواهرالبلاغه فـی المعانـی والبیان والبدیع*، چـاپ اول، قـم: قـدس، ۱۳۸۶ ش.

تطور گزارش‌های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری

رویا باقری[۱]

چکیده

این نوشتار، به منظور دست‌یابی به چگونگی توجه تاریخ‌نگاران اهل‌سنت به سیر گزارش‌های زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تدوین شده و درصدد پاسخ به این سؤال است که گزارش‌های تاریخی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در سه دوره «همراهی شغلی»، «همراهی در زندگی مشترک» و «همراهی در جریان بعثت»، چه فرآیندی داشته است؟

برای پاسخ، از روش استقرا در گردآوری داده‌های تاریخی و مقایسه آن‌ها با یک‌دیگر در یک روند تاریخی، به منظور کشف شباهت‌ها و تمایزها، استفاده شده است. کتاب‌های تاریخ، سیره، دلایل‌نگاری و تراجم منابع مورد بررسی در این موضوع است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همراهی شغلی، بعثت، اهل سنت.

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد فرزند اسد فرزند عبدالعزی فرزند قصی

۱. پژوهش‌گر و مدرس جامعه‌الزهرا علیها السلام.

بود.[۱] زندگی این بانو در یک بازه تاریخی، رنگ خاصی به خود گرفته و با جریان رسالت گره خورده است. این بازه زمانی تقریباً سال‌های ۲۵ عام‌الفیل تا ۱۰ بعثت را پوشش می‌دهد و مقارن با ورود حضرت خدیجه ؑ به زندگی پیامبر ﷺ تا هنگام وفات ایشان است. رخدادهای مهمی در این برهه تاریخی اتفاق افتاده که به مناسبت آن واقعه حضور آن بانو را در این گزارش‌ها می‌توان دنبال کرد. این نوشتار، سه عنوان مهم این بازه زمانی را دنبال می‌کند که عبارتند از: «همراهی شغلی»، «همراهی در زندگی مشترک» و «همراهی در جریان رسالت». این سه عنوان، در منابع سیره، تاریخ، انساب، دلایل‌نگاری و تراجم، تا قرن پنج هجری پی‌گیری می‌شود. در برخی از منابع مانند: ***اخبارالطوال*** دینوری (م.۲۸۲)[۲] و ***تاریخ خلیفه بن خیاط*** (م.۲۴۰)[۳] که در این محدوده زمانی قرار دارد، مطلبی در مورد حضرت خدیجه ؑ یافت نشد.

از آن جا که به موضوع نوشتار حاضر برای اولین بار به عنوان مسأله پژوهش توجه شده، طبیعی است که پیشینه خاص نداشته باشد. اما منابع سیره و تاریخ پیامبر ﷺ و کتاب‌هایی که به شرح حال خدیجه ؑ پرداخته‌اند، مانند ***الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد*** اثر شیخ غالب السیلاوی[۴] را می‌توان به عنوان پیشینه عام معرفی کرد. مقالاتی چون: «ام‌المؤمنین الطاهره خدیجه بنت خویلد»[۵] و «مناسبات اقتصادی و روابط شغلی خدیجه ؑ با پیامبر اکرم ﷺ»[۶] نیز وجود دارد که هیچ‌یک از آنان با محوریت موضوع این

---

۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۳۹۸؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۱.

۲. کتاب *اخبار الطوال* نیز بعد از ذکر اولاد آدم ؑ و پادشاهان، وارد بحث فتوحات اسلامی از زمان ابوبکر شده است. (نک: دینوری، *اخبار الطوال*، ص ۱)

۳. کتاب *تاریخ خلیفة* بن خیاط بعد از ذکری مختصر از تولد پیامبر ﷺ، وارد وقایع سال اول هجرت شده است. نویسنده در مقدمه، نه این که کتاب تاریخ خود را از هجرت پیامبر ﷺ آغاز کرده، اشاره داشته است. (نک: *تاریخ خلیفة بن خیاط*، مقدمه کتاب)

۴. غالب السیلاوی، *الانوار الساطعه*، ناشر مؤلف، ۱۴۲۱.

۵. حائری، شیخ جعفر عباس، *مجله علوم الحدیث*، ش ۱۱، ص ۵۵-۱۱۷، سال ۱۴۲۳.

۶. منصوره اعتمادی، *بانوان شیعه*، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۱۷۳-۲۰۰، سال ۱۳۸۶.

نوشتار به نگارش درنیامده و این نکته، ضرورت پژوهش در این موضوع را نمایان می‌کند.

هم‌کاری شغلی خدیجه ﷺ و پیامبر ﷺ

اولین بار ابن‌اسحاق در کتاب ***سیره***، ضمن مباحث تاریخ زندگی پیامبراکرم ﷺ، ابعادی از شخصیت حقیقی و حقوقی حضرت خدیجه ﷺ را به تصویر کشیده است. وی گزارش خود درباره آن حضرت را با همراهی شغلی آن بانو با پیامبر ﷺ آغاز می‌کند که بعدها با تفاوت‌هایی در منابع روبه‌رو می‌شود به طوری که می‌توان این تفاوت‌ها را در ضمن سه دیدگاه به تصویر کشید:[۱]

دیدگاه اول

بر اساس این نظر، هم‌کاری و مشارکت شغلی به شکل مضاربه بوده است. برخی منابع بدین نکته تصریح دارند.[۲] در گزارش ابن‌هشام (م.۲۱۸) که در واقع همان خبر ابن‌اسحاق (م.۱۵۱) است، ضمن اشاره به مضاربه‌ای بودن هم‌کاری، به دو نکته توجه داده که تأییدی بر این نوع هم‌کاری است:

> خدیجه ﷺ زنی صاحب‌مال و بازرگان بود و از سوی دیگر قریش نیز مردمی بازرگان بودند. به همین سبب، وی مردان را در مقابل سهمی از سود کاروان، با خود شریک می‌کرد. لذا دنبال حضرت فرستاد تا هم‌کاری شغلی خود را با ایشان آغاز کند. پیشنهاد خدیجه ﷺ این بود که پیامبر ﷺ برای سفر تجاری به شام بروند و سرمایه آن بانو را در اختیار گیرند.[۳]

بنا به این گزارش، وجود صفاتی چون: راست‌گویی، امانت‌داری و بزرگواری

۱. ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال‌الدین شیال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۲. «کانت خدیجة بنت خویلد امرأة تاجرة ذات شرف و مال. تستأجر الرجال فی مالها و تضاربهم إیاه، بشیء تجعله لهم». (*السیرة النبویة*، ج ۱، ص۱۸۸).

۳. «فعرضت علیهان یخرج فی مال لها الی الشام تاجرا». (ابن‌هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۱۸۸).

در پیامبر ﷺ، خدیجه ؈ را تشویق کرد تا خود پیشنهاد همکاری با حضرت را طرح کند.

ابن‌سعد (م.۲۳۰) خبری را از واقدی بدین مضمون آورده که راوی آن نفیسه دختر منیه است:

> ابوطالب به دلیل سختی و مشکلات روزگار و این‌که نمی‌توانست پیامبر ﷺ را از نظر مالی تأمین کند، به پیامبر ﷺ عرض کرد: «کاروان تجاری قوم تو به طرف شام می‌رود و خدیجه ؈ مردانی از قومت را به کار گرفته است».

در این خبر نیز مانند خبر قبل، بیش‌تر بر بازرگان بودن قریش، کار کردن مردانی از قریش برای خدیجه ؈ و این‌که آن بانو آن‌ها را در کاروان خود به شکل مضاربه استخدام می‌کرد، تأکید می‌شود.[۱]

تاریخ‌نویسان بعدی چون: طبری[۲] و بیهقی نیز این گزارش را بدون هیچ تفاوتی، از ابن‌اسحاق نقل می‌کنند و به مضاربه بودن همکاری اشاره دارند.[۳]

ابونعیم اصفهانی (م.۴۳۰ ق) نیز گزارش خود را بر مبنای خبر واقدی قرار داده که با نشان دادن سلسله سند کامل، در نهایت به نفیسه دختر امیه[۴] می‌رسد. پیامبر ﷺ پیشنهاد ابوطالب مبنی بر رفتن نزد خدیجه ؈ را نپذیرفتند و معتقد بودند شاید خدیجه ؈ کسی را نزد آنان فرستد. در نهایت نیز چنین شد. واسطه خدیجه ؈، دلایلی چون: آگاهی خدیجه ؈ از گفت‌گوی ابوطالب و پیامبر ﷺ، راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق کریمانه پیامبر ﷺ را انگیزه آمدن نزد آن حضرت و دعوت از ایشان برای همکاری تجاری با آن بانو، ذکر کرد.

---

۱. «کانت تستأجر الرجال و تدفع المال مضاربة». (ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۲).

۲. طبری گزارش خود در مورد همکاری شغلی خدیجه ؈ و پیامبر ﷺ را به شکل مسند و بدون هیچ تفاوتی از ابن‌اسحاق نقل کرده است. (طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۲، ص ۲۸۰)

۳. گفتنی است که طبری و بیهقی، گزارش دیگری نیز آورده‌اند که بر اجیر بودن پیامبر ﷺ دلالت دارد که در دیدگاه سوم مطرح می‌شود. (طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ بیهقی *دلائل النبوة*، ج ۱، ص ۹۰).

۴. در گزارش‌های دیگر، نفیسه بنت منیه است.

این گزارش نیز برمضاربه‌ای بودن نحوه هم‌کاری شغلی دلالت دارد.[۱]

دیدگاه دوم

این دیدگاه، بیان‌گر آن است که نحوه هم‌کاری بر اساس وکالت بوده و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از طرف خدیجه علیهاالسلام وکیل شدند تا به تجارت بپردازند.

بلاذری (م.۲۷۹) در کتاب *انساب الاشراف* از روایات واقدی (م.۲۰۷) و ابن‌سعد (م.۲۳۰) استفاده زیادی کرده و در بحث همراهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با کاروان تجاری خدیجه علیهاالسلام، دو گزارش آورده که در دو قالب مرسل و مسند بیان شده است. روایت مسند به نقل از واقدی، اما بدون ذکر حلقه واسط است. اولین خبر در مورد حضرت خدیجه علیهاالسلام، به جریانی اشاره دارد که به ازدواج وی با حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انجامید. خبر به صورت مسند، بدون ذکر نام راوی و با عنوان «قالوا» آمده است. این گزارش نسبتاً کوتاه، در کلیت با دیگر روایات تفاوتی ندارد؛ اما دربردارنده مطالب مهمی چون: تجارت وسیع خدیجه علیهاالسلام، پیشنهاد ابوطالب علیه‌السلام در مورد کار کردن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کاروان، بیان ویژگی‌هایی چون: امانت‌داری، پاکی و درست‌کاری و وفاداری است که نیاز خدیجه را تأمین می‌کرد. و در نهایت به این نکته تصریح می‌کند که صحبت در مورد هم‌کاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با خدیجه علیهاالسلام، بر مبنای وکالت برخی از امور تجاری به حضرت بود.[۲] خبر دیگر، جریان ازدواج را بیان می‌کند که در ضمن آن، بسیار مختصر به سفر تجاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای خدیجه اشاره شده است.

---

۱. ابونعیم اصفهانی، *دلائل النبوة*، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. «قال له ابوطالب: یا ابن أخی، إنّ خدیجة بنت خویلد امرأة موسرة ذات تجارة عریضة، و هی محتاجة إلی مثلک فی أمانتک و طهارتک و وفائک. فلو کلّمناها فیک فوکلتک ببعض أمرها و تجارتها. فقال صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: افعل یا عمّ ما رأیت. فسعی ابوطالب إلیها، فکلمها فی توکیل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ببعض تجارتها». (بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۹۷).

دیدگاه سوم

برمبنای این نظر، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، اجیر و استخدام شده بودند. ابن‌سعد بار دیگر از قول واقدی، خبری را نقل کرده که گزارش‌گر آن نفیسه دختر منیه است. در این گزارش، ابوطالب به فقر خود و سختی روزگار اشاره داشته و پیشنهاد رفتن نزد خدیجه علیها السلام را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان می‌گذارد. آن بانو از این گفت‌گو آگاهی می‌یابد و کسی را نزد آن‌ها می‌فرستد که «من دو برابر حق‌الزحمه‌ای را که به خویشانت می‌دهم، به تو خواهم داد». بنا به نقلی دیگر، ابوطالب به اجرت دو شتر راضی نشد. نزد خدیجه علیها السلام رفت و چهار شتر را پیشنهاد داد و خدیجه علیها السلام نیز پذیرفت. گرچه به دلیل سود زیاد کاروان در این سفر دو برابر آن‌چه قرار گذاشته بودند، به حضرت داد.[۱] در این نقل تصریح شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل کار در کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، چهار شتر دریافت کردند که نشان می‌دهد هم‌کاری به شکل مضاربه نبوده است.[۲]

طبری گزارشی مسند و کوتاه آورده که سند آن به زهری منتهی می‌شود. او بیان کرده که که سفر تجاری دیگری به «حباشه» انجام شده و فرد دیگری غیر از میسره همراه حضرت بوده است.[۳]

از قرن چهارم هجری، قالب جدیدی برای نگارش سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام عرضه شد که تجلی آن را در کتاب‌هایی با عنوان «دلایل‌نگاری» می‌توان دید. سیر تحول و تغییر گزارش‌های تاریخی در این مدل از آثار، بیان‌گر اوضاع اجتماعی - سیاسی است که نویسندگان را به سمت این نوع نگارش سوق داده است. هدف اصلی نگارش چنین کتاب‌هایی، اثبات نبوت یا امامت با استفاده از ابزاری غیر از وحی و نص بود. پرداختن به کرامات و معجزات، در این

۱. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص۱۰۴.
۲. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۰۴. براساس این نقل، هم‌کاری به نحو مضاربه نبوده، زیرا در مضاربه سهم طرفین مشخص و قرارداد بسته می‌شود نه این که تعداد قید گردد. مگر این که بگوییم در آن زمان مضاربه به شکل امروز نبوده است.
۳. طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۲.

مهم راه‌گشا بود. نمود این تغییر و تحول گزارش‌ها را که در برخی موارد چهره‌ای اغراق‌آمیز به رخدادها داده، می‌توان در اخبار مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام نیز مشاهده کرد.

خرگوشی (م.۴۰۶)[۱] در کتاب *شرف النبی*، به گفت‌گوی ابوطالب با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد مشکلات مالی و اشتیاق ابوطالب به سروسامان دادن زندگی آن حضرت اشاره می‌کند. در این خبر آمده:

> خدیجه علیها السلام افرادی را برای کار استخدام کرد و خداوند بدین سبب، خیر بسیاری نصیب هردو طرف نمود. پیشنهاد ابوطالب این بود که هردو نزد خدیجه علیها السلام رفته، در این مورد صحبت کنند.

گزارش خرگوشی در مورد هم‌کاری تجاری خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بیان‌گر کار کردن آن حضرت برای خدیجه و دریافت دو شتر به عنوان دستمزد است.[۲]

ابوبکر بیهقی (م.۴۵۸) به شیوه‌ای روایی و با ذکر روایات گوناگون، به توصیف رخدادها پرداخته و سه گزارش در مورد هم‌کاری خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده، که یکی از آن‌ها بدون سند به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. این سفر تجاری در گزارش بیهقی، نکات جدیدی را نمایان می‌سازد:

براساس این روایت، هم‌کاری تجاری بیش از یک سفر بوده است؛

- این بار مقصد کاروان تجاری شام نیست، بلکه بازار حباشه[۳] بوده که در تهامه قرار داشت؛[۴]
- به جای میسره، فرد دیگری همراه حضرت است؛

---

۱. عبدالملک بن ابی عثمان محمد بن ابراهیم نیشابوری که به دلیل سکونت در محله «خرگوش» در نیشابور، بدین نام منسوب شد. (نک: مقدمه کتاب *شرف النبی*، ص ۱۸).

۲. نک: *شرف المصطفی*، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۸.

۳. حباشه به ضم حاء، بزرگ‌ترین بازار تهامه در مکه بود. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۲۱۰؛ البکری، *معجم ما استعجم*، ج ۲، ص ۴۱۸).

۴. بیهقی، *دلائل النبوة*، ج ۱، ص ۹۰. (در سیره حلبی نیز گزارش سفر به بازار حباشه به نقل از *جامع الصغیر* و *امتاع الاسماع* ذکر شده است. به اعتقاد حلبی سفر اول تجاری به حباشه بوده و سفر دوم به شام. وی معتقد است این سفرها چهار یا پنج بار تکرار شده است. (نک: حلبی، *السیرة الحلبیة*، ج ۱، ص ۱۹۷).

- عبارت «إستأجرته و إستأجرت معه رجلا من قریش» در گزارش وجود دارد که بیان‌گر استخدام حضرت و مرد قریشی از طرف خدیجه علیهاالسلام برای کار است؛
- جمله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که فرمود: «ما رأیت من صاحبه أجید خیرا من خدیجه، ما کنا نرجع أنا و صاحبی إلا وجدنا عندها تحفه من طعام تخبؤه لنا»[1] نیز بیان‌گر تکرار سفر تجاری و منحصر نبودن آن در یک بار است.

بیهقی خبر دیگر را با استناد به روایتی از *صحیح* بخاری، به نقل از ابی زبیر از جابربن‌عبدالله نقل کرده که تصریح دارد، هم‌کاری شغلی خدیجه علیهاالسلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در یک سفر منحصر نبوده است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از حضرت خدیجه علیهاالسلام اجرت گرفتند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «آجرت نفسی من خدیجه سفرتین بقلوص؛ دو سفر برای خدیجه انجام دادم که اجرت هر یک ماده شتری بود».[2]

خبر سوم بیهقی نیز با سلسله سند کامل آمده و همان گزارش ابن‌اسحاق است که تاریخ‌نویسان بعد از وی از او گرفته‌اند.

استیعاب ابن‌عبدالبر (م.۴۶۳) از دیگر کتاب‌هایی است که در آغاز قرن پنج هجری به نگارش درآمد و از نظر تاریخی، دربردارنده اطلاعات مهمی در زمینه تاریخ است. سیر تحولی در گزارش‌های مربوط به حضرت خدیجه علیهاالسلام در این کتاب نمودار است. اطلاعات با تفصیل بیش‌تر و در همه جوانب ذکر شده است. مطالب در مورد حضرت خدیجه علیهاالسلام در این کتاب از چند جهت اهمیت می‌یابد:

- نقل‌ها همه به صورت مسند با سلسله سند کامل است؛
- استفاده از منابع تاریخ، سیره و انساب؛

---

۱. «من صاحب‌کاری بهتر از خدیجه ندیده‌ام، هرگاه من و همراهم برای گزارش کارهای بازرگانی نزد او می‌رفتیم، بهترین خوراک را که برای ما اندوخته بود حاضر می‌کرد». (بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۱، ص ۹۰).

۲. ...قال: أخبرنا أبوسعید: أحمد بن محمد بن زیاد البصری، بمکة، قال: حدثنا الهیثم بن سهل التّستری، قال: حدّثنا محمد بن فضیل، قال: حدثنا الربیع بن بدر، عن أبی الزّبیر، عن جابربن عبدالله، قال: قال رسول الله، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «آجرت نفسی من خدیجة سفرتین بقلوص» (بیهقی، *دلائل النبوة*، ج ۲، ص ۶۶).

- ذکر منابع نقل‌ها و چگونگی استفاده از آن‌ها؛

- جمع‌آوری اقوال، اشاره به اختلاف نقل‌ها و در نهایت داوری در مورد آن خبر با تعابیری چون: «هذا هو الصحیح وغیره خلیط»، «فالاصح القول الاول» و «هذا هو الصواب فی اسناد هذا الحدیث و متنه»؛

- در مواردی نیز علاوه بر ابراز نظر، به دلیل پذیرش آن قول اشاره می‌کند. مانند سن حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج که گفته است: «قول قتاده عندنا اصح لما حدثنا احمد بن فتح»؛

- توجه دادن به موارد مشترک و ادعای اجماع و عدم خلاف مانند عدم ازدواج حضرت با زنی جز خدیجه در دوران حیات وی، داشتن چهار فرزند دختر، اولین مسلمان، با تعابیری چون: «اجمعوا علی ذلک»، «هذا مما لا خلاف فیه» و «لا یختلفون»؛

- اشاره به ویژگی‌های شخصیتی و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام که در منابع قبل به آن توجه نشده است. ابن‌عبدالبر در قالبی کلی، به حمایت‌های جدی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله، هم‌دردی آن بانو با ایشان و در مواردی به شکل خاص با عباراتی چون: «طاهره بودن در جاهلیت»، «اولین مسلمان»، «خیر نساء العالمین»، «افضل نساء اهل الجنه» و «سیده نساء العالمین»، به این فضائل در ضمن پانزده گزارش توجه داده است.[1]

نکته مهمی در مورد دیدگاه‌های مطرح شده وجود دارد؛ به طوری که می‌توان گفت: اختلاف دیدگاه‌ها، ناشی از تفاوت در رویکردهای کلامی تاریخ‌نویسان است؛ زیرا برخی بر این باور تأکید داشته‌اند که اجیر شدن و کار کردن برای دیگران، با شئونات پیامبری مناسبت ندارد، هرچند این استدلال قابل نقد است، زیرا این واقعه، قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و بیش‌تر به شخصیت حقیقی حضرت ناظر است؛ ضمن آن‌که بر اساس آیات قرآن،[2] حضرت موسی علیه السلام

---

۱. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۲۲.

۲. (قالَتْ إِحْداهُما یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِی الْأَمِینُ قالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنْکحَک إِحْدَی ابْنَتَی هاتَینِ عَلی أَنْ تَأْجُرَنِی ثَمانِی حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِ). (سوره قصص، آیه ۲۶).

که پیامبر اولوالعزم بوده، در برابر دریافت اجرت، برای حضرت شعیب کار کرده است.

همراهی در زندگی مشترک

مورد دوم از رخدادهایی که در بازه زمانی تعیین‌شده می‌توان بررسی کرد، جریان همراهی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زندگی مشترک است. در منابع اهل‌سنت، آغاز جریان ازدواج با سفر تجاری گره خورده است. همه منابع، به رغبت و میل خدیجه علیها السلام و تلاش وی برای این امر اشاره کرده‌اند. ابن‌هشام به نقل از ابن‌اسحاق، عواملی چون: آشنایی قبلی، هم‌کاری شغلی، نقش میسره غلام خدیجه علیها السلام و وقایعی را که در سفر تجاری رخ داد و از طریق میسره برای خدیجه علیها السلام بازگو شد،[1] در ترغیب خدیجه علیها السلام برای ازدواج مؤثر دانسته است. گزارش‌گر از حضرت خدیجه علیها السلام نیز با اوصافی چون: «امرءه شریفه حازمه لبیبه» یاد نموده و در بخشی دیگر، به ویژگی‌هایی چون: «اوسط نساء قریش»، «اعظمهن شأنا»، «اکثرهن مالا»، «کل قومها کان حریصا علی نکاحها» اشاره کرده است. در کنار این اوصاف، به انگیزه‌های طرح پیشنهاد ازدواج از طرف خدیجه علیها السلام مانند «قرابتک»، «وسطتک فی قومک»، «امانتک»، «حسن خلقک و صدق حدیثک»، نیز اشاره نموده است.[2] این شواهد، نشان می‌دهد که راوی درصدد بیان هم‌کفوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه در امر ازدواج است. گویا ابن‌هشام، درصدد بیان این کفویت و رضایت الهی به این ازدواج با عبارت «مع ما اراد الله بها من کرامته» است؛ زیرا خداوند از ازدواجی رضایت دارد که هر دو طرف کفو یک‌دیگر باشند و ابن‌هشام با شمارش صفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه علیها السلام، درصدد بیان این کفویت است. براساس این نقل، خدیجه علیها السلام خود پیشنهاد ازدواج را با حضرت در میان گذاشت. حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد خویلد رفت، جریان را

---

۱. جریان نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زیر سایه درخت در نزدیکی صومعه‌ای و پیش‌گویی راهب در مورد پیامبری ایشان و سایه انداختن دو فرشته در گرما بر بالای سر حضرت، که با عبارت «فیما یزعمون» نقل شده است.
۲. ابن‌هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۱۸۹ ۱۹۰.

مطرح کرد و خطبه آن‌ها با قرار دادن مهریه بیست شتر، خوانده شد.[۱] اما در این گزارش، هیچ اشاره‌ای به چگونگی گفت‌گوهای قبلی و توافق‌های مقدماتی و رسوم جاری نشده است.

ابن‌سعد اخبار را در این باره با تفصیل بیش‌تری ذکر کرده است. نقش راهب مسیحی و مردی از بت‌پرستان، وضوح بیش‌تری در این خبر دارد. خبر نقل شده با سند کامل از قول نفیسه دختر منیه است. وی علاوه بر گزارش ملاقات نسطور راهب، دو نشانه بر پیامبری حضرت ذکر می‌کند: فرود آمدن در زیر درختی که فقط پیامبران زیر آن می‌نشینند و دیگر سرخی‌ای که در چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد. هم‌چنین به درگیری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مردی در بازار و درخواست وی مبنی بر سوگند خوردن به لات و عزی و ابراز تنفر حضرت از این بت‌ها، اشاره کرده است. آن مرد قسم می‌خورد که این شخص پیامبر است. در این گزارش، خدیجه نیز فرشتگانی را که بالای سر حضرت سایه انداخته‌اند، دیده و آن‌ها را به زنان دیگر نشان داده و آنان متعجب شده‌اند.

ابن‌سعد در جریان ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از واسطه‌ای به نام نفیسه دختر منیه نام می‌برد و گزارش خود را با سندی کامل به همین شخص می‌رساند. خدیجه بعد از بازگشت حضرت از سفر تجاری شام، نفیسه را نزد ایشان فرستاده تا پیشنهاد ازدواج را مطرح کند. نفیسه در سخنان خود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به سه ویژگی شرف، جمال و مال در خدیجه علیها السلام توجه می‌دهد. در سخنان نفیسه نیز تأکید بر کفویت این دو شده است. ابن‌سعد با دادن سه سند که یکی به نفیسه و دو مورد دیگر با تفاوت راویان به ابن‌عباس ختم می‌شود، از عموی خدیجه علیها السلام، عمرو بن اسد یاد کرده که خدیجه را به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآورد. وی معتقد است پدر خدیجه، قبل از جنگ فجار از دنیا رفته بود.[۲]

---

۱. همان.
۲. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۰۵ – ۱۰۶.

در دو گزارش نیز مطالب عجیبی ذکر شده که نشان می‌دهد خواهر خدیجه ﷺ واسطه ازدواج بوده که از طرف وی نزد پیامبر ﷺ رفته و نظر حضرت را جویا شده و بعد از رضایت، خدیجه ﷺ به پدرش شراب می‌دهد تا بتواند موافقت او را به دست آورد! ابن‌سعد در نهایت از قول واقدی، هردو گزارش را رد کرده، آن را دروغ می‌داند؛ زیرا نزد اهل علم ثابت شده پدر خدیجه در این زمان زنده نبوده است.

طبری (م.۳۱۰) گزارش خود را از جریان ازدواج خدیجه ﷺ و حوادث قبل از آن به نقل از ابن‌اسحاق آورده است، وی تلاش داشته ماجرا را کاملاً منطبق با گزارش ابن‌هشام و در مواردی نقل‌های ابن‌سعد بیان کند. تا جایی که حتی به نظر و نقد واقدی در مورد حضور پدر خدیجه ﷺ در مراسم عقد و نوشاندن شراب به وی نیز اشاره کرده است.[1]

خرگوشی با پنج گزارش، مقدمات جریان ازدواج خدیجه ﷺ و پیامبر ﷺ، را با تفصیل بیش‌تری به تصویر کشیده و برخی مطالب را با نگاهی جزئی‌تر دنبال کرده است. در گزارش وی، به نکاتی اشاره شده که در منابع پیشین بدین گونه طرح نشده است؛ مانند ملاقات بحیرا با پیامبر ﷺ در بین راه،[2] بوسه بحیرا بر سر پیامبر ﷺ و زمزمه ایمان آوردن و شهادت او به رسالت، توصیف وی از پیامبر ﷺ با عبارت «النبی الامی الهاشمی العربی المکی صاحب الحوض و الشفاعه، صاحب لواء الحمد» که همان تصویری است که انجیل از پیامبر اسلام ﷺ ارائه می‌دهد. میسره مشاهدات خود را برای خدیجه ﷺ بیان می‌کند و خبر نبوت پیامبر ﷺ را از قول بحیرا به خدیجه ﷺ می‌دهد. سرانجام این توصیفات، موجبات آزادی وی را فراهم می‌کند. خرگوشی ماجرایی را با عنوان «قیل» مطرح کرده که در روز عید و جشنی رخ داده که زنان قریش در جاهلیت داشتند. این خبر، پیشینه علاقه خدیجه ﷺ به پیامبر ﷺ و

---

۱. طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲. نام راهب مسیحی که در راه سفر تجاری به شام پیامبر ﷺ را ملاقات کرد، در منابع قبل «نسطور» بیان شده بود.

تصویری را بیان می‌کنند که وی در اثر پیش‌گویی فردی یهودی نسبت به آینده در ذهن خود داشتند.[۱]

در بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر تجاری، خدیجه عليها السلام ایشان را از دور می‌بینند. در این قسمت از گزارش، مطالب عجیب و اغراق‌آمیزی نقل شده که پذیرش این بخش از گزارش را با مشکل مواجه کرده است.[۲] به پیشنهاد خدیجه عليها السلام، ابوطالب وی را از عمویش، عمرو بن اسد خواستگاری می‌کند. خطبه ابوطالب در مجلس خواستگاری و عقد قابل‌توجه است.[۳] مطالبی چون: دف و رقص کنیزان به امر خدیجه عليها السلام، نوشاندن شراب به عمویش و جملات ابوطالب در پاسخ خدیجه عليها السلام جای تأمل دارد.[۴]

بیهقی به دو خبر شاذ و غیرمشهور استناد کرده که بر اساس یکی از آن‌ها، ازدواج خدیجه عليها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را حاصل ملاقاتی اتفاقی در بازار مکه می‌داند. در این روایت مسند، ماجرای ازدواج به نقل از عمار یاسر است. در این گزارش، خواهر حضرت خدیجه عليها السلام واسطه ازدواج است. این خبر بیان می‌کند که مردم در مورد این ازدواج زیاد سخن می‌گفتند و زمانی که عمار متوجه این مطلب شد، به دلیل هم‌سنی و دوستی صمیمی با پیامبر صلی الله علیه و آله، خود را بهتر از دیگران در ترسیم چگونگی این ازدواج دانست و راوی این گزارش شد. مخالفت پدر خدیجه عليها السلام با این وصلت و شراب‌خواری وی، و خروج بنی‌هاشم برای راضی

---

۱. «و یقال: کان لنساء قریش عید یجتمعن فیه فی الجاهلیة، فإذا هن بیهودی فی ذلک العید فقال: ویحکن یا معشر نساء قریش ویحکن، إنه لیوشک أن یبعث فیکن نبی، فأیتکن استطاعت أن تکون له أرض یطأها فلتفعل، فحصبنه، و طردنه، و وقر ذلک القول فی قلب خدیجة رضی الله عنها» (خرگوشی، *شرف المصطفی*، ج ۱، ص ۴۱۵).

۲. همان، ص ۴۱۱.

۳. با توجه به مضمون سخنان ابوطالب در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان، می‌توان بسیاری از خبرهایی را که در منابع بررسی شده، آمده به بوته نقد کشاند.

۴. در این گزارش بسیار بر فقر و نداری و یتیم بودن پیامبر صلی الله علیه و آله تاکید شده است. ابوطالب در پاسخ به خدیجه عليها السلام گفت: «یا خدیجة، لا تستهزئی بی، لو کانت أمة لک ما زوجت من ابن أخی». به طوری که ابوطالب نیز باور نمی‌کند زنی با موقعیت خدیجه عليها السلام حاضر به ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد و گمان می‌کند خدیجه عليها السلام قصد تمسخر وی را دارد.!(خرگوشی، *شرف المصطفی*، ج ۱، ص ۴۱۲).

کردن پدر خدیجه علیهاالسلام، از مطالب موجود که در این خبر است.[۱] خبر دیگر که زهری نقل کرده، جریان ازدواج را بعد از بازگشت حضرت از سفر تجاری حباشه می‌داند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خانه خدیجه علیهاالسلام با کاهنه‌ای روبه‌رو شدند که متوجه علاقه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به خدیجه علیهاالسلام شده بود. او پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به ازدواج تشویق کرد. براساس این نقل، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ازدواج را پیشنهاد کرده‌اند.[۲]

همراهی در جریان بعثت

مورد سوم از بازه زمانی موردنظر، همراهی و حضور خدیجه در گزارش‌های بعثت است. ابن اسحاق، در نقل سه گزارش از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به همراهی خدیجه علیهاالسلام اشاره می‌کند. هنگامی که آن بانو، مشاهدات میسره را برای عموزاده‌اش «ورقه بن نوفل» گفته که نصرانی بود و کتب پیشین را مطالعه کرده بود، وی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را پیامبری دانست که منتظر ظهورش بود. ملاقات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هنگام طواف با ورقه، سخنان وی در تأیید رسالت حضرت و اشاره به وقایعی که در آینده برای ایشان رخ می‌دهد، از دیگر سخنان ابن‌اسحاق است. در این گزارش اشعاری، نیز در مدح و تأیید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از قول ورقه ذکر شده است.[۳]

در گزارش‌های ابن‌هشام از بعثت، نقش خدیجه علیهاالسلام بسیار پررنگ نمایش داده شده است. این بانو بار دیگر نزد ورقه رفته و او بشارت نزول ناموس اکبر را داده که بر موسی نیز فرود آمده و از وقایعی چون: تکذیب و آزار حضرت به وسیله قریش، بیرون کردنش از مکه و جنگیدن با وی یاد می‌کند. خبر دیگر از اسماعیل بن ابی حکیم نقل شده:

> خدیجه علیهاالسلام آزمایشی انجام داد تا به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثابت نماید فرشته وحی جبرئیل بر وی نازل شده و شیطان در او راهی نداشته است.

---

۱. بیهقی، *دلائل النبوة*، ج ۲، ص ۷۱- ۷۲.
۲. همان، ج ۱، ص ۹۰.
۳. ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۱۹۲.

راوی در تأیید گزارش خود، خبری از عبدالله بن حسن از قول مادرش فاطمه دختر امام حسین علیه‌السلام به همین مضمون می‌آورد. ایمان خدیجه علیهاالسلام و تصدیق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان اولین مسلمان و پشتیبانی و دلگرمی دادن به حضرت، از دیگر نکات در گزارش ابن‌هشام است.[1] ابن‌اسحاق در ضمن خبری از قول «حدثنی بعض اهل العلم»، به جریان آموزش وضو به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به وسیله جبرئیل توجه داده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چگونگی انجام دادن وضو را به خدیجه علیهاالسلام نیز یاد دادند و هر دو نماز گزاردند.

ابن‌سعد چهار گزارش در بحث نزول وحی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده که در آن‌ها نیز حضور و نقش خدیجه علیهاالسلام جدی است. گزارش اول به طلوع وحی اشاره دارد که نسبتاً طولانی‌تر از دیگر خبرها و از واقدی به نقل از عایشه است. در دیگر سندها، نام عروه بن زبیر، یحیی بن عباد و ابراهیم بن اسماعیل با واسطه از ابن‌عباس به چشم می‌خورد. درهمه این نقل‌ها، بر ترس و نگرانی حضرت از جنون و کهانت، تلاش بسیار خدیجه علیهاالسلام در برطرف کردن تشویش و نگرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، رفتن وی نزد ورقه و تأیید رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جانب وی تأکید شده است.[2]

طبری چهار گزارش از جریان نزول وحی و نقش خدیجه علیهاالسلام آورده که سند همه آن‌ها به عایشه، خاندان زبیر یا موالی آنان می‌رسد. گزارش اول را با سند کامل از احمد بن عثمان معروف به ابی‌الجوزاء نقل کرده است. راوی خبر عایشه است. این گزارش به تصویری که ابن‌هشام و ابن‌سعد ارائه داده‌اند شبیه است. خدیجه علیهاالسلام بعد از شنیدن ماجرا از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایشان را دلداری می‌دهد و صفات و کارهای نیکش را یادآوری می‌نماید تا این اندیشه را تقویت کند که خداوند حضرت را رها نخواهد کرد. سپس نزد ورقه می‌رود و او نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تأیید می‌کند.

طبری گزارش دیگر را با ذکر سند کامل از ابن‌اسحاق آورده است. در این خبر

---

۱. همان، ص ۲۴۰.

۲. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۵۳.

عبدالله بن زبیر از عبید بن عمیر در مورد چگونگی شروع وحی و نزول جبرئیل بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پرسد و او در پاسخ، جریان را شرح می‌دهد. این خبر، طولانی‌تر از دیگر اخبار است و به جزئیات بیش‌تری اشاره دارد، اما در مورد حضرت خدیجه هیچ اطلاعات جدیدی به خواننده نمی‌دهد و می‌توان گفت: ثبت مشابهی از همان رویدادی است که ابن‌اسحاق از اسماعیل بن ابی حکیم نقل کرده است. در این خبر، علاوه بر دیدار خدیجه علیهاالسلام با ورقه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز هنگام طواف کعبه با ورقه دیداری دارند که وی با جمله «والذی نفسی بیده آنک نبی هده الامه»، حضرت را تأیید می‌کند و از رخدادهایی خبر می‌دهد که در آینده اتفاق می‌افتد. آزمایش خدیجه علیهاالسلام برای اطمینان از نزول فرشته و عدم تصرف شیطان، از دیگر مطالب عجیبی است که در این خبروجود دارد. طبری گزارش‌های کوتاه دیگری در بحث اولین آیاتی که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شد، از قول راویان دیگر آورده که سند آن‌ها غالباً به عایشه، خاندان زبیر و موالی آن‌ها می‌رسد و در همه فقط به بازگشت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از غار حرا به نزد خدیجه علیهاالسلام و جمله «زملونی فدثرونی» اشاره شده است. ادعای اجماع بر تقدم خدیجه علیهاالسلام در اسلام، جریان آموزش وضو و خواندن نماز نیز از دیگر مطالب طبری است.[1]

ابونعیم اصفهانی، چهار گزارش با سندی کامل از جریان بعثت آورده که در آن‌ها همراهی خدیجه علیهاالسلام به چشم می‌خورد که دو مورد آن، نقل عروه بن زبیر از عایشه است. محتوای این دو خبر، به مواردی چون: نقش خدیجه علیهاالسلام در زدودن نگرانی و ترس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، رفتن خدیجه علیهاالسلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزد ورقه، معرفی اجمالی ورقه و بیان اطلاعاتی در مورد او، پیش‌گویی‌های ورقه، و ... اشاره می‌کند که در منابع پیشین ذکر شده است. این بار در گزارش ابونعیم، اطلاعات بیش‌تری می‌توان دید. وی به فترت وحی و نگرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ماجرای شق صدر نیز اشاره کرده است. بر اساس این گزارش، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نذر کردند که همراه خدیجه علیهاالسلام، به مدت یک ماه که مصادف با ماه رمضان شد، در غار

---

۱. همان، ج ۲، ص ۳۰۷.

حرا معتکف شوند، وی این اعتکاف را در جهت سنت «تحنث»[1] می‌داند که در میان اجداد پیامبر ﷺ مرسوم بود.[2] در یکی از همین شب‌ها، فرشته وحی بر ایشان نازل شد. خدیجه ؏ به محض بازگشت پیامبر ﷺ، ایشان را با «السلام علیک یا رسول الله» خطاب کرد.

روایت دیگر ابونعیم، به نقل از ام‌سلمه، از خدیجه ؏ است. محتوای آن همان آزمایشی است که خدیجه ؏ انجام داد تا معلوم شود شیطان در جریان وحی دخالتی نداشته و فرشته وحی بر پیامبر ﷺ نازل شده است. جریان این آزمایش در روایت عروه بن زبیر از عایشه، به گونه‌ای دیگر نیز نقل شده که جای تأمل بیش‌تری دارد. آموزش وضو به خدیجه ؏ و نماز وی با پیامبر ﷺ نیز در این خبر آمده است.

بیهقی در جریان طلوع وحی و حضور خدیجه ؏، گزارش‌های متعددی نقل کرده که دو مورد از آن‌ها با سندی متصل به ابوعبدالله حافظ می‌رسد. راوی در یک خبر عایشه و در دیگری جابر بن عبدالله است. گزارش عایشه همان خبر تکراری است که کلمه به کلمه از منابع پیشین ذکر شده است. بیهقی در پایان نقل، تأکید دارد که این جریان را بخاری و مسلم در *صحیح* خود آورده‌اند. گزارش دیگر، به فترت وحی اشاره دارد.

بیهقی گزارشی بدون سند از ابن‌شهاب با عبارت «کان فیما بلغنا» ذکر می‌کند، بدین مضمون که پیامبر ﷺ، ابتدا همه وقایع در مورد فرود آمدن جبرئیل و نزول وحی را در خواب دیدند و سپس برای خدیجه ؏ بازگو نمودند. بعد از آن، به بیابان رفتند و ماجرای «شق صدر» رخ داد؛ سپس نزول وحی انجام

۱. در لغت به معنای خداوند را عبادت کردن و دست از بت‌پرستی برداشتن است: «تحنث اذا تعبد و تحنف» و در حدیث نیز آمده: «أَن رسول الله ﷺ، قبل أَن یوحی إِلیه کانَ یَخْلُو بِغَارِ حِرَاءٍ فیتَحَنَّثُ فیهِ اللَّیالِی». (ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۲، ص ۱۳۸؛ الزبیدی، *تاج العروس*، ج ۳، ص ۱۹۹). این سنت میان قریش و اجداد پیامبر ﷺ مرسوم بوده است. پیامبر ﷺ هنگامی که هلال رمضان را می‌دیدند، به غار حرا می‌رفتند و تا پایان ماه آن‌جا بودند. (سهیلی، *الروض الأنف*، ج ۲، ص ۳۸۰؛ الکلاعی، *الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله*، ج ۱، ص ۱۶۴).

۲. ابونعیم، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۲۱۴– ۲۱۵.

گرفت.[۱] بیهقی از مطرح شدن گزارش شق صدر به دنبال ماجرای نزول وحی، تعجب کرده و پس از نقد آن، چنین توجیه می‌کند:

> شاید به طریق نقل از دوران طفولیت حضرت و شق صدر ایشان باشد و یا احتمال دارد واقعه شق صدر چند بار رخ داده که یک مورد آن در جریان نزول وحی بوده است!

در ادامه گزارش، خدیجه علیهاالسلام بعد از شنیدن ماجرا، نزد عداس نصرانی رفت و در مورد جبرئیل از او اطلاعاتی خواست. وی حضرت را امین بین خدا و پیامبران و صاحب موسی و عیسی خواند. خدیجه علیهاالسلام نزد ورقه رفته، همان سؤالات را پرسید. در این خبر، نقش زید بن عمرو بن نفیل در کنار ورقه به عنوان کسانی ذکر شده که از بت‌پرستی دست برداشته بودند.[۲] بیهقی از ابوعبدالله حافظ، جریان آزمایش خدیجه علیهاالسلام را نقل کرده که سند آن به عبدالملک بن عبدالله ثقفی می‌رسد. از آنجا که بیهقی بیش‌تر نظرش بر ارهاصات و معجزاتی بوده که قبل از بعثت یا هم‌زمان با آن رخ داده و برای پرداختن به این مطالب، به ذکر اصل ماجرای بعثت نیاز داشته، بیش‌ترین حجم اخبار در این مورد در کتاب او آمده است.[۳] در بحث اولین آیاتی که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده، دوباره گزارش‌ها تکرار گردیده که بیش‌تر آن‌ها بر محور حضور جدی خدیجه علیهاالسلام است. هم‌چنین گزارش ابوعبدالله حافظ تکرار می‌شود که سند آن به عمرو بن شرحبیل می‌رسد اما مطالب جدیدی دربردارد که در منابع قبل بدان اشاره نشده است. این بار در کنار نام ورقه، نام ابوبکر نیز برده می‌شود، به گونه‌ای که خدیجه علیهاالسلام از ابوبکر می‌خواهد تا همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزد ورقه برود! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از ترس و فرار خود در هنگام شنیدن صدایی می‌گوید که او را «یا محمد یا محمد» خطاب می‌کند و ورقه دستورالعملی به حضرت می‌دهد.[۴] زمانی که حضرت تنها شدند، دوباره

---

۱. بیهقی، *دلائل النبوة*، ج ۲، ص ۱۴۲.
۲. همان، ص ۱۴۴.
۳. این گزارش‌ها صفحات ۱۳۵ - ۱۵۸، را به خود اختصاص داده است.
۴. *دلائل النبوة*، ج ۲، ص ۱۵۸.

ندایی شنیدند که می‌گفت: «یا محمد قل بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین ...». بیهقی در پایان این گزارش، نقد و توجیهی می‌آورد که سند این روایت منقطع است و به فرض پذیرش درستی سند، ممکن است منظور نزول سوره حمد بعد از آیات اول سوره علق و مدثر باشد.[۱] به نظر می‌رسد نقش ابوبکر در این گزارش، الهام‌گرفته از تعصب اهل‌سنت باشد.

بر اساس نقل اسماعیل بن ابی حکیم که از موالی آل‌زبیر بود، خدیجه آزمایشی انجام داد تا ثابت کند فرشته وحی بر حضرت نازل شده و شیطان تصرفی در این واقعه ندارد. بیهقی در این مورد، چنین تحلیل کرده که خدیجه ؏ این اقدام را برای اطمینان خاطر خود انجام داد؛ زیرا پیامبر ﷺ در مورد آن‌چه بر او نازل شده بود، اطمینان داشت و دچار شک و تردید نبود و نشانه‌هایی که دیده بود، بیان‌گر همین موضوع بود.[۲] آن‌چه در روایات بیهقی مهم می‌نماید، بیان دو گزارش از فضایل خدیجه ؏ است. عایشه از حسادت خود به خدیجه ؏ و از بشارتی که خداوند از خانه‌ای که برای خدیجه ؏ در بهشت در نظر گرفته، هم‌چنین از سلام خداوند بر وی خبر داده است.[۳]

مرور گزارش‌های بیهقی، حکایت از رویکردی جدید در این باره دارد؛ زیرا وی درصدد بررسی و تحلیل برخی گزارش‌ها، با استفاده از استدلال‌های عقلی در کنار واقعیت‌های تاریخی است.

ابن‌عبدالبر نیز به آزمایشی که خدیجه ؏ انجام داد تا ثابت شود فرشته وحی بر حضرت نازل شده نه شیطان، به شکل مرسل از اسماعیل بن ابی حکیم (م.۱۳۰ ق) نقل کرده است.[۴]

---

۱. همان، ص ۲۶۸.
۲. همان، ص ۱۵۲.
۳. همان، ص ۳۵۱.
۴. ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۴، ص ۱۸۲۰.

نتیجه

با بررسی سیر تحول گزارش‌های تاریخی در مورد حضرت خدیجه علیهاالسلام تا قرن پنجم، به مناسبات خدیجه علیهاالسلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سه بازه زمانی: همراهی شغلی، همراهی در امر ازدواج و همراهی در جریان بعثت پرداخته شد. در جریان هم‌کاری شغلی، سه دیدگاه: مضاربه، وکالت و اجیر بودن، بررسی گردید که در نگاه تاریخ‌نویسان این محدوده زمانی، دیدگاه اول دارای اولویت بوده و بیش‌تر مطرح شده است. گرچه نوع عبارت‌ها، بیان‌گر آن است که مضاربه در آن زمان به معنایی نبوده که امروزه در فقه رایج است و بیان‌گر نوع خاصی از قرارداد و عقود اسلامی را بیان می‌کند. در برخی گزارش‌ها نیز شواهدی وجود دارد که ادعای تکرار سفر تجاری را قوت می‌بخشد.

در بازه زمانی دوم که محور گزارش‌ها بر جریان ازدواج و مقدمات قبل از آن است، منابع متقدم، به عواملی چون: آشنایی قبلی، هم‌کاری شغلی و نقش میسره در توصیف رخدادهای سفر اشاره داشته‌اند که به امر ازدواج سرعت بخشید. ذکر برخی اوصاف خدیجه علیهاالسلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایات، به منظور نشان دادن کفویت آن‌ها در ازدواج است.

با این‌که تاریخ نگارانی چون: ابن‌هشام، ابن‌سعد، بلاذری و ...، از نظر تدوین رخدادهای تاریخی نسبت به اوضاع، در اوج بودند، در دادن برخی آگاهی‌ها ضعیف عمل کردند. تاریخ‌نویسان بعدی، با نگاهی جزئی به گزارش‌ها، توانستند ضعف سابق را جبران کنند و در قدم بعدی، به بررسی و نقد برخی از گزارش‌ها بپردازند.

در دو کتاب *دلائل النبوه* ابونعیم و بیهقی نیز تکیه بر همان گزارش‌های منابع پیشین است. با توجه به وضعیت زمانی این دو نویسنده، سیر نگارش گزارش‌های مربوط به خدیجه علیهاالسلام در این دو کتاب، هم‌سو بوده، در به تصویر کشیدن نقش خدیجه علیهاالسلام، می‌کوشد تا شواهدی از دلایل پیامبری آورد. در همه منابع مورد بحث در این بخش از گزارش‌ها، مطالب اغراق‌آمیز و عجیبی ذکر

شده که پذیرش برخی از گزارش‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

ابن‌عبدالبر در کتاب *استیعاب*، از روایاتی بهره برده که بیان‌گر ویژگی‌ها و فضایل خدیجه ﴿ع﴾ مانند طاهره بودن در جاهلیت، اولین مسلمان، «خیرنساء العالمین»، «افضل نساء اهل الجنه» و «سیده نساء العالمین» است و در منابع پیشین به آن توجه نکرده‌اند. وی بسیار مختصرو گذرا، به تجارت پیامبر ﴿ص﴾ برای خدیجه ﴿ع﴾ اشاره کرده بدون این که به نحوه هم‌کاری توجه داده باشد. گزارش ازدواج نیزدر حد بیان تاریخ و سن ازدواج آن‌هاست. از گزارش همراهی خدیجه ﴿ع﴾ در جریان بعثت نیزغفلت شده است.

در بخش سوم گزارش‌ها که با محوریت همراهی خدیجه ﴿ع﴾ در جریان بعثت است، حضور خدیجه ﴿ع﴾ بسیار جدی است. ورقه در تمام گزارش‌های عمده نزول وحی دخالت دارد و این دخالت از طریق خدیجه ﴿ع﴾ انجام می‌شود. به نظرمی‌رسد نقش ابوبکردر این گزارش، الهام گرفته از تعصب اهل‌سنت باشد. در بحث سفرتجاری و پیشگویی‌های ورقه، بحیرا یا نسطور و عداس نیزاندیشه ضمنی تأیید پیامبر ﴿ص﴾ به وسیله مسیحیان القا شده است.

گزارش‌های بیهقی، از رویکردی جدید حکایت دارد که بیان‌گر بررسی و تحلیل برخی گزارش‌ها با استفاده از استدلال‌های عقلی در کنار واقعیت‌های تاریخی است. بیهقی بعد از دادن گزارش آزمایش خدیجه ﴿ع﴾ برای اثبات نزول جبرئیل بر پیامبر ﴿ص﴾، حضور پدر خدیجه ﴿ع﴾ در مراسم ازدواج و شراب‌خواری وی، ماجرای نزول وحی و سوره حمد و طرح جریان شق صدر در کنار وقایع بعثت، به بررسی و نقد آن‌ها نیزپرداخته است.

در نهایت، موارد ذیل را در پاسخ به سؤال اصلی این نوشتار می‌توان لحاظ کرد:

زندگی حضرت خدیجه ﴿ع﴾ در هیچ‌یک از منابع موردنظر، به طور مستقل کاوش نشده است. نوع نگاه این منابع به حضرت خدیجه ﴿ع﴾، استطرادی و حاشیه‌ای بوده و فقط در رخدادهای تاریخی مربوط به زندگی پیامبر ﴿ص﴾ آن هم

نه به شکل جدی، دنبال شده است. همین مساله، موجب شده تا تاریخ‌نویسان از دیگر ابعاد زندگی این بانو غافل شوند.

در این پنج قرن، تحول خاصی در سیر تدوین گزارش‌های تاریخی مربوط به خدیجه علیهاالسلام حاصل نشده و منابع متأخر، آگاهی جدیدی به خواننده نمی‌دهند و در تدوین روایات مربوط به خدیجه علیهاالسلام، عیناً از منابعی نقل کرده‌اند که در اختیار داشته‌اند. این نقل‌ها بیش‌تر بر روایات ابن‌اسحاق، واقدی و ابن‌سعد مبتنی است. حتی تاریخ‌نویسان بعدی، در چینش گزارش‌ها نیز ابتکار خاصی نشان نداده‌اند.

به جز گزارش بیهقی، که در برخی موارد نگاهی جدید به گزارش‌ها داشته و یا نقد و بررسی ارائه کرده، سایر گزارش‌ها غالباً خالی از تجزیه‌وتحلیل و صرف توصیف رخدادهاست.

منابع

قرآن.

۱. ابن‌سعد، محمد بن سعد (م ۲۳۰)، ***الطبقات الکبری***، تحقیق محمدعبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمی، ۱۴۱۰ق.

۲. ابن‌عبدالبر، یوسف‌بن‌عبدالله، (م.۴۶۳ق)، ***الاستیعاب فی معرفه الأصحاب***، تحقیق علی‌محمدالبجاوی، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ق.

۳. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (م.۷۱۱)، ***لسان العرب***، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴. ابن‌هشام، عبدالملک بن هشام (م.۲۱۸ ق)، ***السیره النبویه***، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم‌الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

۵. ابی‌هبیره اللیلی، خلیفه بن خیاط، (م ۲۴۰)، ***تاریخ خلیفه***، تحقیق فواز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۶. اصفهانی، ابونعیم، (م.۴۳۰ ق)، ***دلائل النبوه***، چاپ سوم، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۲ ق.

۷. بکری الاندلسی، عبدالله بن عبدالعزیز (م.۴۸۷)، ***معجم ما استعجم***، تحقیق مصطفی السقا، چاپ سوم، بیروت، نشر عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.

۸. بلاذری، محمد بن یحیی، (م.۲۷۹ ق)، ***انساب الاشراف***، تحقیق محمد حمیدالله، مصر، دارالمعارف، ۱۹۵۹ م.

۹. بیهقی، احمدبن‌الحسین، (م.۴۵۸ ق)، ***دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه***، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.

۱۰. حلبی، علی بن ابراهیم (م.۱۰۴۴)، ***السیره الحلبیه***، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ق.

۱۱. حموی، یاقوت بن عبدالله (م.۶۲۶)، ***معجم البلدان***، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.

۱۲. خرگوشی، عبدالملک بن‌أبی‌عثمان، (م.۴۰۶ ق)، ***شرف المصطفی***، مکه،

دارالبشائر الإسلامیه، ۱۴۲۴ ق.

۱۳. دینوری، احمد بن داوود، (م.۲۸۲)، *اخبارالطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضیریا، ۱۳۸۶ ش.

۱۴. زبیدی، مرتضی حسینی، (م.۱۲۰۵)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

۱۵. سهیلی، عبدالرحمان، (م.۵۸۱)، *الروض الأنف*، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.

۱۶. طبری، محمدبن جریر، (م.۳۱۰ ق)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمدأبوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.

۱۷. کلاعی، سلیمان بن موسی (م.۶۳۴)، *الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و ثلاثه الخلفاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.